هو الله تعالی شأنه العزیز

بر ضمیر
منیر سعادت
تخمیر و خاطر صافی ارباب خبرت
و بصیرت مستکار گردد که کتاب مفتاح الفلاح
که از تألیفات علامه دوران و وحید دهر و فرید
عصر ناصر الملة و الدین شیخ بهائی رحمة الله علیه
میباشد و بواسطه اینکه این کتاب منظور نظر قطب عالم
امکان و ولی حضرت سبحان و امام العصر و الزمان عجل الله فرجه
شده است لهذا بسی سزاوار است که کافه خلق در
ادعیه و اذکار یکدیگر او در حسب کمال مواظبت را
در ساعات لیل و نهار داشته باشند
با امید و رجاء آنکه از بندگان مؤمنین
حضرت واجب الوجود
گردند

بحول الله و قوته

کتاب هدایت القراء

بسم الله الرحمن الرحیم

مفتاح فلاح دنیا و عقبی و مقدمهٔ نجاح اخرت و اولی حمد و ثنای بادگاه کبریایی
کریمیست که دعا را کلید خزائن فضل و احسان و مفتاح ابواب طول و امتنان ساخته
و هر کس که در شبستان شب زنده داری عبادتش مصباح دعائی افروخت
صبح اجابتش پیش از صبح دمید و هر که در زاویهٔ طاعتش بمناجات صبحگاهی پرداخت
نخستین چهرهٔ مقصود خویش دید صحیفهٔ اعمال داعیان در کاهیش با برات
امان از جیب وراست در پرواز و سمات اجابت سائلان بارگاه هر واضح و لائح
در اغاز و جیبیکه به پشت گرمی رحمتش آه شرر کنه کاران خرمن خرمن ورزد
و عصیان کزدم سوزد که بدست کرمی تعویذش تیر دعای مظلومان صد جوشن
و خفتان برهم خورد و بحزند بایة الکرسی صد مطلب بر کرسی نشاند
و بیک اشاره حرب الجبر بنیاد گروه ستمکاران باب رساند سیفی را اثری بخشید
که با ضربت از جوشن داودی سود ندهد و جوشن را تعویذی نکرباسیده که سیف

دیباچه کتاب شریف

بان کرند بی رساند در صفات منبع اعدا و دین علوی مصیر بر افلام مقام ضوالفقا
جیدیکه کرباسیده محفظ ارباب ایمان و یقین حرز یمانی را سامی سند
احکند دی شلل شانه و عظم امتنانه و وسیله وصول مطالب دارین و ذریعه
حصول مقاصد نشأتین صلوة و درود برسول واجب التکریم است که تخمیر
مرتبه مجد و رفعتش حق منزلت و او ادنی پایه قرب و منزلتش قاب و قوسین او ادنی
طایر بلند پرواز وصفش را آشیان بر شاخ سدرة المنتهی مکمیت خوش خرام
نعتش را میدان ولسوف یعطیک ربک و ترضی بر گردید افتاب برج
دعا اجابت فرینش کالشمس اذا النجم و فرو نشستن اتش کده فارس در شب میلاد
سعادت بنیادش کالنار علی علم تسبیح حصیات در کف معجز نمایش یکی از معجزات
ظاهر و اشکه بیکراف که زبانه از دیک بیابان است و ملازمت ابر با فرق
فرقدان سلکی از ابیات باهر دایش که دب اعراف از وقف از فطرات نادان شکستن
طاق کسری هنگام طلوع کوکب سعادت اخبار اعتبار تهلیلی بود ظاهر شکافتن بدر
منیر که باشاره سر انکشت معجز نمایش مانند افتاب تابان مشاهده شد و فرو
رفتن اب دریا در شب میلاد میمنت بنیاد مقصود بود لایح از معجزات مقام
کاز سرچشمه بیضاش فرو ون از محیط و عمان روان کردید نوح الامین
که سر خیل حمد و ثنا ست اکر بسعادت ملازمتش بال جبرئیل بال و ماند
خدمت اوست و سلاطین که مسجود تمامی کرو بیانست اکر بشرف انتسابش
بنازد چه شکفت از خاک بر داشته نسبت دارد و درود شفاعتش کتربن کناهی
بر ابستان جنان سراسر که فرو خت که دعوی غبنش در محکمه قضا بسجل رسید
و در روز دیوان عدالتش عبادت صد ساله سبولانی ال الطهاوش که عرض نمود
که بجزای ان شیعه دوام مقید و سلاسل نکردید صلوات الله علیه و علیهم
اجمعین الی یوم الدین و بعد بر رایهای خطاپی نمای هوشمندان
کزین کمیر تو هدایت افتاب بر ماند و هم بی خضر عنایت سبحانی نسر چشمه حیوان نشنق

وایقانی بی پرده جمال شاهد حقایق اشیا را کماهی در آینه سکندری ظهور جلوه یافته اند ❖ مخفی و محتجب نخواهد بود که علت غائی و غرض اصلی از ابداع انسان ❖ و اختراع این زبده بنتایج ارکان و خلاصه ازدواجات عالم امکان بر وفق و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ❖ مواظبت بر طاعات و اشتغال بعبادات است ❖ تا اینکه هر کس در خور استعداد و قابلیت که بسبب آنها اکتساب نماید ❖ و بازای استحقاق و اهلیت که از آنها اقتباس فرماید ❖ سزاوار رحمت بی منتها ❖ و مستحق نعمتهای لاتعد و لاتحصی گردیده ❖ در مرتبه خود در درجات عدن بعضها فوق بعض قرار گیرند ❖ و چون از کتب مصنفه در این باب کتاب مفتاح الفلاح که شیخ محقق و نحریر مدقق ❖ وحید زمانه و علامه اوانه ❖ الشیخ بهاء الملة والدین محمد العاملی ❖ عامله الله بلطفه الخفی والجلی ❖ در صلواة و ادعیه شبانه روزی کتابیست جلیل القدر ❖ و عزیز المنال ❖ عظیم الشان ❖ عدیم المثال ❖ قلمی بهیست و بحروف بر قامت توصیفان نارس ❖ و جامه طویل الذیل ❖ الفاظ در تعریف آن کوتاه شعر ففی کل سطر منه روض من المنی ❖ و فی کل سطر منه عقد من الدرر ❖ لکن چون بزبان عربی سمت تحریر یافته ❖ و جمعی را که لغت فارسی مانوس و مالوف بوده باشد از آن چندان تمتع و بهره میسر نیست ❖ بخاطر فاتر این بنده محتاج بعفو باری ❖ جمال الدین محمد بن حسین خوانساری رسیده ❖ که آنرا بزبان فارسی ترجمه نماید ❖ تا همگی طوایف انام از خواص و عوام از آن محظوظ و بهره مند گردند ❖ بنابر آن اقدام بر آن نموده ❖ آنچه کلام شیخ ره بوده ترجمه نموده ❖ بترجمان اکتفا نمود و ادعیه را نقل نمود ترجمه آنرا در تحت آن قلمی گردانید ❖ و بحمد الله والمنه شاهد این نمط تا بر وفق مدعا پیرایه اختتام در بر کرده ❖ زینت افزای انجمن ارباب عقول و خرمن بخش چمن اصحاب ایقان گردید بحمد الله حمد لله و از آنجا که عادت نیست قدیم ❖ دوستی کهن ❖ در بر همگی ارباب دانش و بینش ❖ بملاحظه احوال خویشتن ظاهر و روشن که هر کس را تمنای آن ❖ که آنچه عزیز داند و تحفه شمارد بجانب برگزیده دوران ❖ عوض

فرمای زمان اهدا و اتحاف نماید ❖ چنانکه حکایت ملخ و مور اعرابی و آب شور ❖ و مجمع السنه و افواه ❖ مذکور و مشهور است ❖ این قلیل البضاعت را نیز هوای آن بر سر افتاده ❖ که این کمترین مختص منظور نظر ابتهاج کان پایه سریر کیوان نظیر ❖ سلطان زمان ❖ و شهنشاه دوران ❖ یعنی صاحبقران گیتی ستان ❖ انجم سپاه گردون بارگاه ❖ شهریار عادل باذل ❖ دریا دل که در دلجوئی وادی مدیحش ❖ شهباز بلند پرواز سخن صد باره بال گذاشته ❖ و کبک خوش خرام قلم هر قدم چندین بار انداخته ❖ شخص خود کمستباه عوالم لفظ و معنیست از برای صرف شش این بیابان بی پایان ❖ بیفکند علم عصای فولادین برداشته ❖ و دبیر ناطقه که سیاح بحار نظم و نثر است ❖ بمجمع هر شعبه این بحر شعبه ها

بیت

شه عالم ستان آسمان تخت ❖ جهانگیر و جهان بخش جوان بخت ❖ هم العرش هم از رفعت دولت ❖ بجمهور نازان ز عدلش ملک و ملت ❖ همه روی زمین زیر نگینش ❖ فلک خم گشته از بهر نگین ❖ قفس ره دولتش چون لمان بسند ❖ بد وناره طاق کسرا را شکسته ❖ خلق حیران ز افراد وست ❖ قیامت محو جوش لشکر او است ❖ جبهه بر خاک ره کاهش ز الله سر افتخار بر عرش برین سودن ❖ بوسه بر در لستان ملایک پاسبانش زدن ❖ سر بر زمین و آسمان فرود نیاوردن ❖ حلقه اطاعتش در گوش کردن ❖ خود را بر بوسه طاقت ناواستن ❖ غاشیه دولتش بر دوش کشیدن ❖ دوش باد روش دولت خاو طاق رخش ❖ اگر نعل بکرانش حلقه در گوش هلال کند جا دارد ❖ و اگر شمسه طاق ایوانش نیب بر لب جام خورشید گذارد در میرسد ❖ اگر علو قدر وش باکران حلمش قدم نشدی زمین در آب غرق گشتی ❖ و اگر ماء معین لطفش تا آتش قهرش نیامیختی ❖ جهان سراسر سوختی بحر سخابش زر جهان ❖ در کنار مفلسان گذارد ❖ که اگر وعده وعدی ابرش روی دهد ❖ سر زلف ماهی زایل کند ❖ و سحاب عطایش لالی بدیع بر سر دوی سایلان نثار کند ❖ تا قطرهای خون خجالت روان مشتبه گردد ❖ منبع ابد روش آتش و رجحان

دشمنان اندازد ۞ وسنان اثر بارش ۞ جوی خون در میدان روان سازد ۞ دهنکام بالا بردن ۞ تیغ ماهی آسمان در شکم بر چیدن ۞ ودر وقت پایین اوردن ۞ گاو زمین در پشت در زیدن ۞ چین جبینش شاه راه عدل وانصاف

چین بکشد از قاف تا بقاف

از دو شل گهر باشی ۞ دست سخاش از بس خون در عروق ابر بحران کرده بر نلکل بحری براید ۞ واز شرم در افشانی کف عطایش از بس دریا ۞ رنگ برنگ کشته ابری سبز در اید ۞ اگر سکه طلا بوب بر روی کل بمهر زند ۞ بازار بسنکی بشکند ۞ واگر بجای زر لاله عباسی مهره سازند ۞ دیگر اشرفی بیکه بنا رخرج نشود ۞ در جنب ایستادگان پایه سریر کردون نظیر ملوک عجم کبا شند ۞ ودر برابر اسباب بساط فلک انبساط اینه سکندر وجام جم چه نمایند ۞ هر انجا که کشتی حلمش لنگر اندازد اگر همه کوه باشد کوه بنا زد ۞ وهر جا که کوه شکوهش سایه افکند ۞ اگر همه قاف باشد قاف کذارد ۞ در زمان عدالت توامانش بره از پستان کرک شیر کیرد ۞ وشعله در دنبال وپر پروانه جامه پرنیان ۞ وهر صرصر خزان باد وای ان قدر که رنگ چهره کلی بشکند ۞ وباد مهرکان تواند رفت ان کجا که سر زلف سنبل تاب دهد ۞ ستمکر را از خنده بو نشاط چین هر که در قلعه قهقهه جا دارد ۞ وفتنه جو را اگر جنات همان قدر کند ۞ که دم ابی از لب تیغش بیا شامد ۞ در دوران سخاوت نیسانش

مروارید جنان از چشم مادر

که بجز صدف کسی در کوش نکند ۞ ویاقوت هر چند مثواب ورنگ کند ۞ از سفال کرو نبرد ۞ لعل کران قدر در نظرها سبکتر از سنگ ۞ وبحر با این همه حوصله از دست مرجان تنگ دیده ۞ صدف در انتظار مشتری اب مروارید ۞ وچشم در در بحر بیداری سفید شده ۞ عجب انکه اندیشانند دست زر افشانش

کانزانب کرفته ۞ ودر بادر بحران افتاده ۞ وطرفه اینکه از بیم کف کهر بخشش هر باتم لرزه بر اندام افتاده ۞ وکان منقل پر اخکر از لعل ویاقوت پیش خود نهاده ۞ هر کوهر که در بیضه صدف چشم باز کند بجانب ان بحر کرم ۞ بوجود غلطان وهر لعلی که بخون دل اب بروی کار اورد بطرف ان معدن همت وسخا روان ۞ حاصل بحر وبر بکهر افشانی بکلبه کف عطایش وفا نکند ۞ وخراج عراقین بر دباغی یکروزه دست سخاش ترسد ودر عهد شجاعتش اگر کویم اطفال شیر خوار بر سر پهلوان کجک زنند ۞ واگر دعوی این کنم که کودکان لب از شیر ناشسته ۞ پنجه شیر در دم شکنند در دست تیر خدنکش اگر انبیا تیغ ممالک ارواح دشمنان بیکیش قدم از خانه بیرون کذارد ۞ تمام ان مملکت واسباب نفس بقبضه تصرف در اورد ۞ واگر بعزم جلسه نشینی کوشه کمان نشیند چنان چله بر ظلمان بلاندیش نشاند ۞ که هواداران سهم از مو بر بدنشان تیر کشید ۞ افتاب تیغش بر سر کسی پرتو افکند که شب ظلمان عرش دیدم سیری نشد ۞ وهمای تیرش بطرف که کرد کرد ۞ که مرغ روح ش در قفس پروان نکرد ۞ با تیغ ابدار بطرف هر که روی اورد ۞ اگر همه رستم دستان باشد دست از جان بشوید ۞ وبا سنان جان ستان بجانب هر که حمله کند اگر صد جوشن پوشد تا به دعا کنند

۵

زبیم شش پر ش خصم بد اختر ۞ کند چون تار پشت از سینه مغفر ۞ بهمیدان کند کور ستم اهنك ۞ نیابد بغرض پریدن رنگ ۞ تن اهن قبایان روز پیکار ز شمشیر ش در بیکر چه پیکار ۞ ذرة باصره سلطنت وجهانبانی ۞ غرة ناصیه عظمت وکشورستانی ۞ نخل بند چمن سعادت واقبال ۞ نهال برومند کاشن دولت واجلال ۞ دیباجه دفتر اهل ایمان ۞ سرایح صحیفه جود نسیم کلستان عدل وانصاف ۞ مشعل شبستان جود واعتساف ۞ مؤسس قوانین نصفت ومعدلت ۞ کوکب فلک عدالت ورحمت ۞ خلف صدق خاندان خلافت ۞ درة التاج دودمان

ولایت ٭ باده‌نوش بزم قربات ربانی ٭ صدرنشین محفل عنایات یزدانی

السلطان شاه صفی ثانی

لازال محفوفاً بالنصر والتأیید السبحانی گردد ٭ وچون در شریعت غرای بزرگی وحشمت ٭ ومملکت بیضای سروری ٭ ودر نعت قبول هدایا لازم ومحتم ٭ وملاحظه قابلیت وشایستگی ٭ این نکوهیده وناشایست ٭ بعین این کمترین علیه مقبول نظرها نکرده الاشکوه گردیده ٭ بنوازش گوشه چشم التفاتی کله گوشه افتخار او فالطلس چرخ اعتبار خواهد یافت واکنون هنگام شروع است در ترجمه کتاب

ترجمه کتاب مفتاح الفلاح

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس مر خدایرا که دلالت کرد ما را بر جاده نجاة وهدایت ٭ وهدایت فرمود ما را بسوی آنچه واجب میگرداند بلند درجات را ٭ ودرود بر اشرف آفریدگان ٭ وافضل اهل زمین وآسمانها وآل ٭ او تا گردید وسببی ایشان قبول میشود نمازها وببرکات ایشان مستجاب میگردد دعاها

وبعد

پس بدرستیکه کمترین بندگان ٭ از روی عمل ٭ وبیشترین ایشان از روی لغزشها **الاحقر** محمد مشتهر ببهاء الدین توفیق دهد خداوند او را برای عمل ٭ ودرود او جهت فردای او ٭ بعد از آنکه بیرون رود مال از دست او ٭ میگوید که بتحقیق که التماس کردند از من ٭ جمعی از برادران دین ٭ ودوستان یقین ٭ تالیف مختصری که مشتمل باشد بر آنچه اختیار است ٭ مراحل دیانت را در شبانروز ٭ از واجب عبادات وسنن آنها ٭ وپسندیده آداب ومرغوب آنها انتشار کنند ٭ در اعمال سنتی بر آنچه قلیل المؤنه وکثیر المثوبه باشد ٭ پس اجابت کردم مسئول ایشان را ٭ ونامیدم آنرا مفتاح

دوستان
محمد وآل محمد که
قبول میشود اعمال ایشان
والتی به محضلت
میباشند
دعا
خصلت شان
محافظت مینمایند

الفلاح ٭ وبجا آوردم ٭ بتوفیق الله تعالی قبول ایشان را سؤال کنند از خدای تعالی بنکه نفع بخشد بآن طالبان را وراغبان ٭ که بگرداند آنرا از بهترین ذخیره‌ها ٭ از برای روز جزا ٭ وترتیب دادم این را بر شش باب ٭ وتوکل کنند بر اتمام کننده حمد در هر باب

باب اول

در بیان آنچه گذارده میشود در میانه طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب

باب دویم

در آنچه گذارده میشود در میانه طلوع آفتاب تا پیشین

باب سیم

در آنچه کرده میشود در میان پیشین تا وقت غروب

باب چهارم

در آنچه کرده میشود در میانه غروب تا وقت خواب

باب پنجم

در آنچه کرده میشود در میانه وقت خواب تا نصف شب

باب ششم

در آنچه کرده میشود در میانه نصف شب تا طلوع صبح صادق

باب اول

در آنچه کرده میشود در میانه نصف شب تا طلوع آفتاب واین مشتمل است بر چند فصل

مقدمه

روایات بسیار از اصحاب عصمت صلوات الله علیهم در فضیلت این وقت نقل شده
و این ساعت را ساعت غفلت میگویند چنانچه میانه غروب آفتاب و برطرف شدن
شفق این ساعت غفلت میگویند و سزاوار است که آدمی در این وقت بیدار
باشد چه خواب در این وقت شوم است و روایت کرده رئیس محمد بن محمد بن
بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
که بدرستیکه خواب صبح شوم است منع میکند روزی را و زرد میکند رنگ
و تغییر میدهد حالت انسان را و این خواب خواب شوم است بدرستیکه
خدای تبارک و تعالی قسمت میفرماید روزیها را در میان طلوع صبح تا طلوع
آفتاب پس حذر کنید شماها از خواب در این وقت و روایت کرده است نیز در کتاب
مذکور از امام ابی الحسن الرضا علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی فالمقسمات
امرا که آنحضرت فرموده که ملائکه هستند که یاری خدا و ند قسمت میکنند
روزیهای بنی آدم را در میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس هر که بخوابد در میانه این دو وقت
کم میشود روزی او و روایت شده است که نماز صبح نوشته میشود در عملهای شب
و عملهای روز و روایت کرده است ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی
در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر این آیه

ان قرآن الفجر کان مشهودا

که آنحضرت فرموده یعنی نماز صبح میشنوند آنرا ملائکه روز و ملائکه شب
و در این مقام اشکالی هست و آن این است که روایت کرده اند جماعتی از علما
از حضرت صادق علیه السلام که از ساعتی که آن ساعت نیست از ساعات شب و نه
از ساعات روز پس آنحضرت فرمود که آن ساعتی است که میانه طلوع صبح است تا طلوع

آفتاب و پوشیده نیست که این منافات دارد با آنچه نقل کرده ملند اصحاب ما
و بر آن اجماع نموده اند که نماز صبح از نماز روز است و مخالفت نکرده است
در این مگر سلیمان بن مهران اعمش که آن نماز صبح را از نماز شب شمرده است
و استدلال نموده بقول پیغمبر صلی الله علیه و آله که نماز روز اخفاتست
یعنی آهسته کنار ده میشود و استدلال کرده اند نیز از جانب اعمش بآنچه روایت
کرده است رئیس محمد بن در کتاب فقیه از حضرت ابی جعفر علیه السلام که آنحضرت
فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز نمیکرد در روز هیچ نمازی تا اینکه زوال
آفتاب میشد و ممکن است خلاصی از این اشکال باینکه در روایت وارد شده است
باینکه این شخصیکه از حضرت باقر علیه السلام سؤال کرده کشیشی بوده از علمای نصارا
و سؤال کرده از آنحضرت از مسئله چند که معروف نموده مگر میان اکابر علمای
ایشان و این مسئله از جمله آنها بوده پس شاید که امام علیه السلام جواب
فرموده باشد او را از آنچه موافق عرف و اعتقاد باشد و این منافات ندارد
با اینکه در شرع ما حقیقت باشد در آنچه میانه طلوع صبح باشد تا غروب
آفتاب و اما آنچه استدلال کرده است بآن اعمش از قول پیغمبر صلی الله علیه
و آله که نماز روز اخفاتست پس جواب گفته اند از آن علمای ما قدس الله ارواحهم
باینکه از باب غالب کردانیدن اکثر است بر اقل و اینکه آنحضرت کردانیده
نماز صبح را از نماز شب جهت مبالغه در تغلیس آن پس بتحقیق که روایت کرده
که پیغمبر صلی الله علیه و آله تغلیس میفرمود نماز صبح حتی اینکه هرگاه
فارغ میشدند از آن بر میگشتند زنان و ایشان شناخته نمیشدند بسبب
تاریکی و روایت کرده است رئیس محمد بن که یحیی بن اکثم سؤال کرد از حضرت
ابوالحسن اول علیه السلام از نماز صبح که چرا بلند میکنند در آن قرائت را و حال آنکه
از نمازهای روز است پس آنحضرت علیه السلام فرموده که جهت آنکه پیغمبر صلی الله
علیه و آله تغلیس میفرمودند آن را پس نزدیک میکردند آنرا از شب و آنچه ذکر کرده

ظاهر میشود جواب ❁ از آنچه استدلال کرده اند بآن از جانب عمش ❁ بآنکه ظاهر آنست
که مراد امام علیه السلام ❁ نفی نماز سنتی است ❁ بجهت و دبر سنتیان که نماز چاشت
سنت میدانند [illegible] قصوری نیست در تحقیق صبح
اول و دوم بنقل کلامی ❁ دو اهتمام که ذکر کرده است از اجلّاء ❁ جمال الملة والحق
والدین ❁ در کتاب منتهی المطلب ❁ وآن این است بدانکه روشنی بود از روشنی
آفتاب است ❁ و روشن نمیشود بآفتاب چیزی مگر که بهم باشد فی نفسه ❁
و کثیف باشد و نابان ❁ مانند زمین و ماه و اجزای زمین ❁ خواه متصل باشد
بزمین ❁ و خواه جدا باشد ❁ و هر چه روشن میشود بسبب آفتاب ❁
پس می افتد سایه او از آن طرف دیگران ❁ و بتحقیق که تقدیر کرده است خدای
تعالی ❁ بحکمت لطیف خود که دیدن آفتاب است زمین ❁ پس هر گاه آفتاب زیر زمین
باشد ❁ می افتد سایه زمین بالای زمین ❁ بر شکل مخروطی و احاطه میکند
هوا ایکه روشن شده بروشنی آفتاب همه اطراف این مخروط پس روشن میشود اطراف
این سایه مخروطی ❁ بروشنی آن هوای روشن ❁ لیکن روشنی هوا چون ضعیف است
بسبب آنکه بالذات نیست ❁ و از دیگری کسب شده نفوذ نمیکند بسیار در
اجزای آن مخروط ❁ بلکه هر چند دور میشود از آن روشنی زیاده میشود ضعف آن
❁ پس هر گاه بوده باشیم ما در وسط آن مخروط ❁ خواهیم بود در تاریکی سخت
❁ پس چون نزدیک شود ❁ آفتاب بافق شرقی میل میکند این مخروط سایه از بالای
و بطرف مغرب میافتد ❁ که نزدیک میشود بصر آن اجزای که در اطراف سایه روشن
شده بود ❁ و در این وقت اندک قوت میگیرد روشنی آن اجزا ❁ پس ادراک
میکند او را بصر نزدیک صبح ❁ و همچنین هر چند زیاده میشود نزدیکی آفتاب
بافق زیاده میشود نزدیکی روشنی اطراف سایه ببصر ❁ تا وقتیکه طلوع میکند
آفتاب ❁ و اول مرتبه که ظاهر میشود ❁ روشنی نزدیک صبح تاریک و بلند است
مانند ستون و او را صبح کاذب میگویند ❁ و شبیه کرده اند بدم گرگ بسبب تاریکی و بلندی

که دارد ❁ و صبح اول نیز میگویند باعتبار آنکه قبل از صبح دوم است که مذکور
خواهد شد ❁ و از جهت آنکه کاذب میگویند آن است ❁ که بعد از آن وقت تاریک
و بالا از آن روشن شده ❁ پس اگر راست میگفت که روشنی آفتاب است
با بسبب که آنچه نزدیک باشد بآفتاب که آن افق است ❁ روشن باشد نه آنچه دور است
از آن که بالای افق باشد ❁ و این روشنی صبح کاذب ضعیف و باریک است ❁ و در آن
وقت باقیست روی زمین بر تاریکی خود ❁ که بسبب سایه خود دارد ❁ بعد از آن زیاد
میشود آن روشنی ❁ تا آنکه میرود بطرف طول و عرض ❁ و پهن میشود در عرض افق
بشکل نصف دائره ❁ و این صبح دوم است و این را صادق میگویند ❁ باعتبار آنکه
راست خبر داده است ترا از صبح ❁ و ظاهر کرده است صبح را از برای تو ❁ اینست کلام
علامه ❁ بلند کرداند خدا منزلت مقام او را ❁ بدانکه تعلق نگرفته است بطلوع صبح
اول مگر قلیلی از عبادات ❁ مثل دخول وقت فضیلت نماز وتر ❁ چه افضل اوقات
آن ❁ میانه صبح اول و دوم است ❁ چنانچه روایت کرده شیخ طایفه شیخ ابو جعفر
طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب ❁ بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری ❁
که گفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن الرضا علیه السلام ❁ از ساعتهای وتر ❁
پس آنحضرت علیه السلام فرمود ❁ که دوست ترین آنها بسوی من صبح اول است ❁
و روایت شده است که مردی سؤال کرد از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
علیه السلام ❁ از وتر اول شب ❁ پس آنحضرت جواب نفرمود پس چون میانه صبح
اول و دوم بیرون آمد آنحضرت علیه السلام بسوی مسجد ❁ و سه مرتبه ندا فرمود
که چه شد آنکسیکه سؤال کرد از وتر ❁ خوب ساعتی است از برای وتر این ساعت
بعد از آن برخواست آنحضرت ❁ و وتر گذارد و اما صبح دوم پس عبادات متعلق بآن
بسیار است پس هر گاه بتحقیق یقین کردی طلوع از اجزای آن

اين ى غار

یا فالق من حیث لا اری و مخرجه من حیث اری صل علی محمد و آله

ای شکافنده صبح از جائیکه نمی بینم و بیرون آورنده او از جائیکه می بینم رحمت فرست بر محمد و آل او

واجعل اول یومنا هذا صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره نجاحا

و بگردان اول روز ما را که این است صلاحی و میان آن را نجاتی و آخر آن را فیروزی

و بخوان برانچه روایت کرده است ابن بابویه در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که نوح علیه السلام هر صبح و شام این دعا میخواند

اللهم انی اشهدک انه ما اصبح بی من نعمة و عافیة فی دین او دنیا فمنک

خداوندا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا که هرچه داخل شده است بامداد از نعمت و عافیت در دین یا دنیا پس از تست

وحدک لا شریک لک لک الحمد و لک الشکر بها علی حتی ترضی و بعد الرضا

تنها تو نیست شریکی ترا ترا است حمد و از برای تست شکر بسبب آنها بر من تا آنکه راضی شوی و بعد از رضا

و میخواند این را در صبح ده مرتبه و در شام ده مرتبه پس بسبب این نامیده شد عبدا شکورا یعنی بنده بسیار شکر کننده و بخوان نیز آنچه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که بدرستیکه امیر المؤمنین علیه السلام میخواند در صبح

سبحان الملک القدوس

سه مرتبه

یعنی تسبیح میکنم تسبیح پادشاه بسیار پاکیزه را و بعد از آن میگفت آنحضرت

اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک و من تحویل عافیتک

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از زایل شدن نعمت تو و از تحویل گردیدن عافیت تو

و من فجاءة نقمتک و من درک الشقاء و من شر ما سبق فی اللیل

و از ناگاه رسیدن عقاب تو و از دریافتن بدبختی و از شر آنچه گذشته است در شب

والنهار اللهم انی اسئلک بعزة ملکک و بشدة قوتک

و روز خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بعزت پادشاهی تو و شدت قوت تو

در بیان ادعیه بعد از فریضه صبح

و بعظم سلطانک و بقدرتک علی خلقک ان تصلی علی محمد

و بزرگی سلطنت تو و بتوانائی تو بر خلق تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا (و در دعا بجای کذا و کذا حاجت خوانده میشود)

و آل محمد و اینکه بکنی با من چنین و چنان (و از جمله دعاهای صبح دعائیست که روایت

کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت باقر علیه السلام که آنحضرت فرمود که گذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله بمردی که میکاشت درختی در باغی که از برای او بود پس آنحضرت در آنجا توقف نمود و فرمود که آیا میخواهی دلالت نمایم ترا بر درختی که ثابت تر باشد بیخ آن و زودتر باشد هنگام چیدن میوه آن و نیکوتر باشد میوه آن و باقی تر باشد گفت آن مرد بلی دلالت نما مرا ای رسول خدا پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله هرگاه داخل صبح شوی و داخل شام شوی پس بگو

سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر

تسبیح میکنم خداوند را و سپاس مر خدا را است و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است

پس بدرستیکه از برای تست اگر بگوئی این را بعوض هر تسبیحی ده درخت در بهشت از انواع میوه و اینها از جمله باقیات صالحات است حضرت باقر علیه السلام فرمود که پس گفت آن مرد پس بدرستیکه من گواه میگیرم ترا ای رسول خدا که این باغ صدقه است قبض کرده شده برای فقرای مسلمانان که اهل صدقه باشند

پس خدای تعالی فرستاد این آیه را از قرآن عظیم

فاما من اعطی و اتقی و صدق بالحسنی فسنیسره للیسری

و روایت کرده است سید جلیل جمال العارفین

رضی الدین علی بن طاوس قدس الله روحه از حضرت باقر علیه السلام که آنحضرت فرمود که هر که صبح کند و بر او انگشتری باشد که نگین او عقیق باشد و آن را در دست راست انگشت کرده باشد پس صبح کند پیش از آنکه به بیند کسی را پس بگرداند نگین آن را بطرف باطن کف و بخواند سوره انا انزلناه فی لیلة القدر تا آخر و بعد از آن بگوید

در بیان دعائی که بعد از فجر است

آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَآمَنْتُ

ایمان آوردم بخدا در حالتیکه تنها ست نیست شریکی از برای او و کفر آوردم بجبت و طاغوت و ایمان آوردم

بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ

بپنهان آل محمد و باشکارا ایشان و بظاهر ایشان و بباطن ایشان و اول ایشان و آخر ایشان

تکبیر اداو و را خدا تعالی دوازده ازشر آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و آنچه فرو میرود در زمین و آنچه بیرون می آید از آن و بوده باشد در پناه خدا تعالی و حفظ او تا آنکه داخل شام شود و از آنچه خوانده میشود در تعقیب دعاء است که روایت شده از امام

أَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي

طلب نگاهداری میکنم از خداوند عظیم الشان و رفیع المرتبه بزرگوار بزرگ دین مرا و نفس مرا و اهل مرا

وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ

و مال مرا و فرزندان مرا و برادران مؤمن مرا و همه آنچه را که روزی کرده است پروردگار من و هم

يَعْنِينِي أَمْرُهُ أَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْمَخُوفَ الْمَرْغُوبَ الْمَرْهُوبَ الْمُتَضَعْضِعَ

اهتمام دارم امر او را طلب نگاهداری میکنم از خدا او نیز چیز ها ترس داشته شده و بیم داشته شده فرو تن کننده

لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي

از برای بزرگی او هر چیزی دین مرا و نفس مرا و اهل مرا و مال مرا و فرزند مرا و برادران

الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ

مؤمن مرا و همه آنچه را که روزی کرده است پروردگار من و همه آنچه را اگر اهتمام دارم در امر ایشان

فصل

پس اگر پیش از طلوع صبح با وضو نباشی پس بشتاب بسوی وضو تا آنکه در وقت اذان صبح با طهارت باشی و ما اینجا ذکر میکنیم ما در اینجا کیفیت وضوی کامل را پس میگوئیم که چون اراده وضو داشته باشی ابتدا کن پیش از آن بمسواک و باید که خلال کرده شود مسواک بعرض دندانها نه بر طول آنها و مجزیست انگشت بعوض مسواک چه دعا

روایت کرده شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام

در بیان آداب وضو و سنن

که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بسیکه مسواک بکند با انگشت نیست و ابهام مسواک و سنت است بجا آوردن آن رو بقبله در حال وضو و اکثر علمای ما قدس الله ارواحهم ذکر نکرده اند اینرا و بعضی ذکر کرده اند آنرا و مستند نموده اند بانچه روایت شده است از ائمه ما علیهم السلام که بهترین مجالس مجلسی است که بوده باشد رو در آن مجلس قبله پس اگر وضو میسازی از ظرفیکه ممکن است بکف آب برداشتن از آن مکذار و ما نرا بجانب راست خود اگر وضو میسازی از زهری یا تو مثلا پس سزاوار آن است که بنشینی که بوده باشد بجانب راست تو و اگر معارضه کند کردانیدن آن بجانب راست و رو کردن بقبله پس ظاهر آن است که رو کردن بقبله را باید ترجیح داد و بکو ... وقت نگاه کردن باب که محو اهی وضو بسازی

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا

ستایش مر خدا را که گردانیده است آبرا پاک کننده و نگردانیده آنرا نجس

بعد از آن بشوی هر دو دست را تا بند دست پیش از آنکه داخل ظرف کنی یکمرتبه اگر وضوی تو از حدث خواب یا از حدث بول باشد و دو مرتبه اگر از حدث غائط باشد و سنت نیست شستن دستها از غیر این سه حدث و اگر وضوی تو از حوض یا ابریق بوده باشد پس اکثر بر آنند که شستن دستها در کار نیست و بعضی میل باین کرده اند که سنت است و این قصوری ندارد بعد از آن بکذار دست را بسوی آب و بسم الله بکو چنانچه روایت کرده شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت باقر علیه السلام که آنحضرت فرمود که هرگاه بگذاری دست خود را

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ

بنام خدا و بیاری خدا خداوندا بگردان مرا از توبه کنندگان و بگردان مرا از پاکیزه کاران

بعد از آن سه بار مضمضه کند بسه کف آب بعد از آن استنشاق بکن بر همان نحو و بکو در عقب هر یک از اینها آنچه نقل خواهم کرد در فصل بعد از این بعد از آن بردار بدست راست یک کف آب و نیت بکن بجا آوردن وضوی واجب

و اما سوای واجب اند ای نماز ... افعال سنتی آن ۞ پس داخل در این نیت
میشود ۞ هرگاه قصد کنی بجا آوردن ۞ افضل در فرد واجب را که قصد کنی
هر یک از واجبها و سنتها را علیحده ۞ نزد بجا آوردن آن ۞ هر آینه بهتر خواهد
بود ۞ و مقارن داری نیت را ۞ با شستن بالای روی خود ۞ و همیشه باش
در حکم آن نیت ۞ تا فارغ شوی ۞ بگوید شستن روی خود

بسم الله

چنانچه محمد روایت کرده است
از ثقة الاسلام ۞ در کافی از حضرت باقر علیه السلام ۞ و ظاهر آن است که تسمیه
اول وضو که سابقا مذکور شد ۞ یعنی بسم الله ۞ چه این تسمیه نزد مشروع
در واجب است ۞ و آن از برای سنت بود ۞ و تجویز کرده اند علماء مقارن ساختن
نیت را با شستن دستها که در اول وضو مذکور شد ۞ هرگاه جمع شده باشد شرائط آن
با مضمضه و استنشاق نیز ۞ و چنین گفته اند که اینها از جمله افعال وضوی ۞

کامل اند | و ابن طاوس | رحمه الله نوشته

کرده است در جواز مقارن ساختن نیت با غسل شستن رو ۞ و احتیاط این است
که آن بزرگوار توقف نموده ۞ پس هرگاه بریزی آب بر روی سزاوار است ۞
که بکشی دست خود را بر آن جهت ۞ اقتدا بائمه نقل کرده اند از اصحاب
عصمت سلام الله علیهم ۞ در حکایت ایشان وضوی پیغمبر را ۞ و جهت بیرون
آمدن از خلاف بعضی علمای ما که واجب میدانند آن را ۞ و واجب نیست بر تو
که مقدم داری ۞ هر چه از اجزای رو را بر آنچه پائین تر باشد ۞ بلکه همینکه
داخل است اگر دیدی ۞ شستن بالای رو کافی است و حد رو در طول و عرض
آنقدر است که دور آن انگشت بزرگ ۞ و انگشت میان چنانچه ناطق
بآن حدیث صحیح زراره از حضرت باقر علیه السلام ۞ و ما بسط داده ایم
کلام را در این مقام ۞ در شرح حدیث چهاردهم ۞ از کتاب اربعین در واجب است

تحلیل موئی که دیده شود پوست رو از زیر آن ۞ به نحوی که برسد آب بر آن بر وجهی که شسته
شود ۞ اما آنچه دیده نمیشود پوست رو از زیر آن ۞ پس در کافی نیست تحلیل آن مگر از
موضع دیگر رو موی آن بلند شده باشد و موضعی که موی رو ... آن باشد گرفته باشد
در این صورت واجب است رسانیدن آب بآن موضع ۞ و واجب نیست بر تو مگر شستن
آنچه مواجهه میکنی بآن از رو ۞ و باز کن چشمهای خود را در وقت وضو ۞ پس بتحقیق
که روایت کرده است ۞ رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله ۞ که فرمود
باز کنید چشمهای خود را در وضو ۞ شاید که نبینند آتش جهنم را ۞ و اکثر علمای ما
ذکر نکرده اند این را در سنتهای وضو ۞ در کافی باشد که گمان شود که سبب واگذاشتن
ایشان این را این است که نقل کرده است شیخ اجماع علما را بر اینکه سنت نیست رسانیدن
آب وضو باندرون چشمها ۞ و شیخ ما شیخ شهید رحمه الله در ذکری گفته
که منافاتی نیست میان این دو امر زیرا که چشم باز کردن لازم ندارد ۞ رسانیدن
آب را باندرون چشمها ۞ و این سخن خوب است ۞ و دور نیست که مرتب شود
ثواب بر دیدن آنچه جاری میگردد از آب وضو بر اندام از افعال وضو

تتمه

پس هرگاه فارغ شوی از شستن رو ۞ پس بردار یک کف آب بدست چپ چنانچه
ذکر کرده است ۞ حضرت باقر علیه السلام نزد بیان وضوی پیغمبر صلی الله علیه و آله
۞ و بشوی بآن دست راست را از آرنج ابتدا کنی از مرفق ۞ و بکشی دست
بر آن ۞ تا سرهای انگشتان چنانچه گذشت در رو ۞ لیکن واجب نیست در اینجا تخلیل
مو هر چند پوشیده باشد زیر خود را ۞ و باید ابتدا کنی به شستن ظاهر ذراع ۞ و زن
ابتدا کند بباطن آن ۞ بعد از آن بردار یک کف دیگر بدست راست ۞ و بشوی
دست چپ را مثل دست راست ۞ و باید که بوده باشد شستن هر یک از دو دستها
یکمرتبه نه بیشتر ۞ چنانچه مختار ثقة الاسلام است ۞ در کافی و رئیس محدثین
در فقیه ۞ و ما بسط داده ایم کلام را در این باب ۞ در کتاب مشرق الشمسین ۞

۹ و اگر انسان بتواند چشم قلب را هم باز کند و بآن چشم آتش جهنم را ببیند و در بین وضو از خوف خداوند اشک بریزد شاید سبب نجات انسان گردد از آتشهای جهنم دام مجده

ودر کتاب حبل المتین ✿ بعد از ان مسح کن پوست پیش سر خود را ✿ یا موی ان اگر در زیر
سبب کشیدن ان دست پیش سر بعد از سر انگشت ضم شده بیک دیگر بتری دست
✿ و ببقیه ان تری مسح کن پشت پای راست خود را از سر انگشتان تا کعب یعنی
مفصل ساق و قدم ✿ و مجزی نیست مسح تا پایین تر از ان ✿ بتحقیق که ما بیان کردیم
این را در این کتاب ✿ مذکور باید زیاده بر ان نباشد ✿ و بعد از ان مسح کن پشت پای
چپ خود را بتری دست چپ ✿ و باید که مسح سر و پاها بکف دست باشد ✿ نه بپشت
ان ✿ مگر جهت ضرورتی ✿ و ناچار است از کشیدن کف بر محل مسح ✿ پس کافی نیست
گذاشتن کف بر ان بی کشیدن ان ✿ و سزاوار است مسح کنی پاها را بتمام کف چنانچه
روایت کرده است ✿ شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از احمد بن ابی نصر بزنطی
✿ که گفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن الرضا علیه السلام از مسح بر پاها ✿
چگونه است ان پس گذاشتند کف مبارک را بر سر انگشتان ✿ بعد از ان مسح کردند
تا کعبها ✿ پس گفتم من که اگر مردی بکند بدو انگشتان انگشتان خود را تا کعبها
انحضرت فرمودند نه بکف تمام ان ✿ و باید که بوده باشد افعال وضوی تو پی در پی
بی فاصله میان انها ✿ و رعایت کرده شود در انها ترتیب مذکور ✿ حتی در مسح
پاها نیز چنانچه مختار جماعتی از علمای ما است ✿ و روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام ✿ که فرمودند که مسح بکن
بر پاها ✿ و ابتدا بکن بطرف راست ✿ و سزاوار است که خوانده شود نزد هر فعلی
از شستنها و مسحها دعائی که وظیفه انست چنانچه خواهد امد در فصل اینده پس هر گاه
فارغ شوی از وضو بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ یعنی سپاس مر خدایرا که پروردگار
عالمیان است ✿ روایت کرده است اینرا ✿ در تهذیب بسند صحیح ✿ بعد از ان بگو

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی

مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ تَمَامَ الْوُضُوءِ

از توبه کنندگان ✿ و بگردان مرا از پاکیزگان ✿ خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا تمام بودن

وتمام

وَتَمَامَ الصَّلٰوةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِکَ وَالْجَنَّةَ

وتمام بودن نماز ✿ وتمام بودن رحمت تو ✿ و بهشت تو ✿

و بدانکه اکثر فعلها و جمیع ذکرها که مذکور شد سنتست ✿ و افعال واجبی هفت چیزاست

نیت در

حالتیکه حکم ان باقی باشد تا اخر وضو

و سه شستن

و دو مسح مسح بکن بشرط انکه متصل با

هماخر از سر پاها تا کعبها ✿ و پی در پی بودن ✿

و مباشرت

این افعال را بنفس خود مگر بسبب ضرورتی

و سزاوار است که ترک تمندل کند از وضو ✿ پس روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی از حضرت صادق علیه السلام ✿ که فرمودند هر که وضو بسازد و تمندل کند
خواهد بود از برای او یک حسنه ✿ و اگر وضو بسازد ✿ و تمندل نکند تا انکه خشک
شود اب وضوی او ✿ خواهد بود از برای او سی حسنه ✿ و ظاهر انست که مراد
خشک کردن است باین ✿ یا بالش حکم تمندل دارد ✿ و قصور ندارد وضو ساختن
در مسجد از غیر حدث بول و غایط ✿ اما از این دو حدث مکروه است ✿ چنانچه
روایت کرده است از ثقة الاسلام ✿ در کافی بسند صحیح

فصل

روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی و رئیس

المحدثین

در فقیه و شیخ طایفه در تهذیب از عبد الرحمن بن

کثیر هاشمی

از حضرت ابی عبد الله

کز خود

کہ فرمودند و واشادی انکہ حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام روزی
نشستہ بودند با پسر خود محمد بن حنفیہ ناگاہ فرمودند با و بیاور داز برای من ظرفی
از آب کہ وضو بسازم از برای نماز پس اورد محمد برای آنحضرت
پس آنحضرت بدست راست بر دست چپ ریخت پس فرمود

بسم اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا

بنام خدا و بخدا و سپاس مر خدا را کہ گردانید آب را پاک

وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا

و نگردانیده است انرا نجس

بعد از ان آنحضرت استنجا کردند و فرمودند

اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي عَلَى النَّارِ

خداوندا نگاه دار فرج مرا از حرام و عفیف گردان انرا و بپوشان عورت مرا از اتش

و بعد از ان مضمضہ کردند و فرمودند

اَللّٰهُمَّ لَقِّنِّي حُجَّتِي يَوْمَ اَلْقَاكَ وَاَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ

خداوندا بفهمان بمن حجت مرا روزیکہ ملاقات کنم ترا و روان گردان زبان مرا بذکر

بعد از ان استنشاق کردند و فرمودند

اَللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشَمُّ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِيبَهَا

خداوندا حرام مگردان بر من بوی بهشت را و بگردان مرا از انکہ ببوید بوی انرا و نسیم خوش انرا و

بعد از شستن روی مبارک خود را فرمودند

اَللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ

فِيهِ الْوُجُوهُ

خداوندا سفید گردان روی مرا روزیکہ سیاه میشود در ان روز رویها و سیاه مکردان روی مرا روزیکہ سفید

در ان روز رویها

بعد از ان شستند دست راست خود را و فرمودند

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ فِي الْجِنَانِ بِيَسَارِي

خداوندا بده کتاب مرا بدست راست من و همیشہ بودن در بهشت بدست چپ من

وَحَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا

و حساب کن مرا حساب اندک

بعد از ان شستند دست چپ خود را و فرمودند

اَللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً اِلَى عُنُقِي

خداوندا مده کتاب مرا بدست چپ من و مگردان انرا غل کرده شده در گردن من

اَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّيرَانِ

پناه میبرم بتو از جامهای بریده شده از اتش نیران

بعد از ان مسح کردند سر مبارک خود را و فرمودند

اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي رَحْمَتَكَ وَبَرَكَاتِكَ

خداوندا بپوشان مرا رحمت خود و بر کتهای خود

بعد از ان مسح کردند پاهای مبارک خود را و فرمودند

اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْاَقْدَامُ

خداوندا ثابت گردان قدمهای مرا بر صراط روزیکہ میلغزد در ان روز قدمهای دیگر

وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

و بگردان سعی مرا در انچه راضی گرداند ترا از من ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن

بعد از ان بالا کردند سر مبارک خود بسوی اسمان و عرض کردند ای صاحب بزرگی
و گرامی داشتن خود را پس نگاه کردند بمحمد و فرمودند ای محمد هر کہ وضو بسازد
مثل این وضوی من و بگوید مثل این گفتہ من خلق کند خداتعالی از برای او
از هر قطره فرشتہ کہ تقدیس کند او را و تسبیح کند و تکبیر کند او را پس منسوب
خداتعالی از برای او ثواب انرا تا روز قیامت و بدانکہ اندک اختلافی
هست در میان نسخها (کافی) و (فقیه) و (تهذیب) در بعضی

در بیان آداب وضو است

الفاظ این دعاها ❁ و آنچه من نقل کرده ام در این کتاب روشی است که شیخ رحمه الله
در تهذیب ❁ که نزد من است نسخه معتمد است ❁ بخط پدرم طاب ثراه ❁ و خواندن است
از برای شیخ شهید ثانی ❁ قدس الله روحه و در آخر آن هست اجازه بخط او نور الله

فصل

پس هرگاه فارغ شوی از وضو متوجه شو بجانب مسجد ❁ روایت کرده است و بیس مجد
❁ در فقیه از حضرت صادق علیه السلام ❁ که هر که برود بسوی مسجد نمیگذارد
پا برابر هیچ تری و نه خشکی مگر اینکه تسبیح کند ❁ از برای او زمین تا زمین هفتم
و سزاوار است که بخوانی نزد بیرون آمدن از خانه خود این دعا را

بِسْمِ اللهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ❁

بنام خدای آنچنان که آفرید مرا پس او راه نماید مرا و آنچنان که او اطعام میکند مرا و آب میدهد مرا

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ وَالَّذِي أَطْمَعُ

و هرگاه بیمار شوم پس او شفا میدهد مرا و آنچنانی که میمیراند مرا پس از آن زنده میکند و آنچنانی که طمع دارم

أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

اینکه بیامرزد برای من خطاهای مرا در روز جزا ای پروردگار من ببخش بمن حکم و ملحق گردان مرا به نیکان

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ ❁

و بگردان از برای من زبان راستی در آیندگان ❁ و بگردان مرا از آنان که میراث برند

جَنَّةِ النَّعِيمِ وَاغْفِرْ لِأَبِي

بهشت پر نعمت را ❁ و بیامرز مر پدر مرا

پس بتحقیق که جمال سالکین ❁ در کتاب عدة الداعی از پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هر که وضو کند ❁ پس بیرون رود بسوی مسجد ❁ و بگوید در وقتی که بیرون رود از خانه خود

بِسْمِ اللهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ

[illegible] راه نماید او را خدا تعالی ❁ بصواب و ایمان ❁ و هرگاه بگوید

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ

در بیان آداب دخول مسجد

اطعام کند خدا تعالی ❁ او را از طعام بهشت ❁ و بیاشاماند او را از شراب بهشت
و هرگاه بگوید ❁ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ❁ بگرداند خدا تعالی
بیماری را کفاره گناهان او ❁ و هرگاه بگوید

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ

بمیراند خدا تعالی او را بمردن شهیدان ❁ و زنده گرداند او را زنده شدن نیکبختان و هرگاه بگوید وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ بیامرزد او را
خدا تعالی ❁ از برای او خطاهای او را تماماً ❁ هرچند بیشتر باشد از کف دریا
و هرگاه ❁ بگوید

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

ببخشد خدا تعالی مر او را حلم و علم ❁ و ملحق گرداند بصالحان ❁ هر که پیش از او بوده
باشد ❁ و صالح هر که بعد از او بوده باشد ❁ و هرگاه بگوید ❁

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

بنویسد خدا تعالی از برای او ❁ در ورق سفیدی اینکه فلان بن فلان
از جمله راستگویان است ❁ و هرگاه ❁ بگوید

وَاغْفِرْ ❁ لِأَبِي

بیامرزد خدا تعالی پدر و مادر او را ❁ و هرگاه بخواهی که داخل مسجد شوی پس مقدم
کن نعلین خود را ❁ و پیش گذار پای راست را و بگو

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ ❁ وَإِلَى اللهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلَّهِ ❁

بنام خدا ❁ و بخدا ❁ و از خدا ❁ و بسوی خدا ❁ و بهترین نامها همه آنها از برای خداست

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

توکل کردم بر خدا ❁ گردیدنی از گناه و نه قوتی مگر بخدا ❁ خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ❁ وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ وَأَغْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ

محمد ❁ و بگشا از برای من درهای رحمت خود و درهای توبه خود را ❁ و ببند بر من درهای

(Marginal notes, right-hand page: نقل کتاب — روایت کرده — النبی — الطعام)

(Marginal note, left-hand page: وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ — عطا کند خدا ملکها از برای او در بهشت نعیم و هرگاه بگوید صح — معصیتک)

سنت در بیان آداب دخول مسجد

مَعْصِیَتِكَ وَاجْعَلْنِی مِنْ زُوّارِكَ وَعُمّارِ مَساجِدِكَ وَمِمَّنْ یُناجِیكَ

نافرمانی تو ۞ وبگردان مرا ۞ از زیارت کنندگان تو وتعمیر کنندگان مسجدهای تو واز ذکر کنندگان

فِی اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَمِنَ الَّذینَ هُمْ فی صَلوتِهِمْ خاشِعُونَ. وَادْحَرْ عَنّی

در شب وروز ۞ واز آنکسانیکه ایشان در نماز خود خشوع کننده ۞ ودور کن از من

الشَّیْطانَ الرَّجیمَ وَجُنُودَ اِبْلیسَ اَجْمَعینَ

شیطان رانده شده را ولشکرهای شیطان را تمام ۞

پس هرگاه بخواهی بکنی نعلین خود را ۞ پس بکن از پای چپ پیش از راست بعکس پوشیدن ۞ واگر بوده باشد نعلین تو عربی ۞ وممکن باشد که او را نکنی ۞ پس مکن آنها را چه در نماز بودن آنها سنت است ۞ اما بشرط آنکه پاك باشد ۞ وبتحقیق که روایت کرده شیخ طائفه در تهذیب ۞ بسند صحیح از معویة بن عمار که گفت دیدم ۞ حضرت ابی عبد الله علیه السلام ۞ که نماز میکرد در نعلین خود ۞ زیاده از یکبار ونه دیدم آنحضرت که بکند آنها را هرگز ۞ وروایت کرده است عبد الرحمن بن ابی عبد الله از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرمود هرگاه نماز کنی ۞ پس نماز کن در نعلین خود هرگاه بوده باشد پاك ۞ پس بدرستیکه میگویند که این سنت است ۞ وقول آنحضرت پس بدرستیکه میگویند تا آخر ظاهر مراد آنست ۞ که هرگاه نماز کردی تو در نعلین خود معلوم میشود شیعه را که نماز در اینها از سنت است ۞ وقائل میشوند باین چه داوری آن جمله اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السلام است ۞ که اعتماد بوده بر اقوال وافعال ایشان ۞ بعد از آن اذان بگو ۞ پس بدرستیکه اذان نماز صبح از مهمات است ۞ حتی آنکه سید مرتضی قائل شده است بوجوب آن بر مردان ۞ وموافقت کرده است با او ابن عقیل ۞ وزیاد کرده بر او اینکه قائل شده بطلان نماز صبح بسبب ترك اذان ۞ وصورت اذان این است ۞

اَللهُ اَکْبَرُ ۞ چهار مرتبه

سنت در بیان اذان

وهر یك از شهادتین ۞ وحی علی الصلوة ۞ وحی علی الفلاح ۞ وحی علی خیر العمل ۞ وَاللهُ اَکْبَرُ ۞ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ ۞ دو مرتبه ۞ وباید که ایستاده باشی در حال اذان ۞ ورو بقبله کنی باواز بلند ۞ واز روی تانی بگوئی ۞ وبگذاری دو انگشت خود را ۞ در گوشهای خود ۞ ووقف کنی بر هر یك از جملها فصل ۞ والتفات نکنی بطرف راست وچپ ۞ وحرف نزنی در اثنای آن ۞ وصلوات بفرست بر پیغمبر صلی الله علیه واله ۞ نزد ذکر آنحضرت ۞ پس بتحقیق روایت کرده است ۞ رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح از حضرت ابی جعفر علیه السلام ۞ که فرمود صلوات بفرست بر پیغمبر صلی الله علیه واله هرگاه ذکر کنی او را ۞ یا ذکر کند او را ذکر کننده ۞ در نزد اذان وغیر اذان ۞ وپوشیده نماند ۞ که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر وجوب صلوات بر آنحضرت بر هر ذکر کننده ۞ وشنونده که ذکر او را بکند یا بشنود ۞ ذکر او را واصحاب وبعضی از اهل سنت ۞ وفته اند بوجوب صلوات بر آنحضرت ۞ در تمام عمر یکمرتبه ۞ وبعضی در هر مجلس یکمرتبه ۞ وبعضی در هر مرتبه ذکر شود ۞ واین مذهب رئیس محدثین است ۞ قدس الله روحه ۞ واما آنچه مذهب او از عدم وجوب صلوات بر پیغمبر ۞ صلی الله علیه واله ۞ در تشهد اول در نماز ۞ پس مراد آن است ۞ که جزء نماز نیست ۞ وباعتبار آن واجب نیست نه اینکه نام آنحضرت ۞ مذکور شده ۞ نیز واجب نیست ۞ پس منافاتی نیست میان این کلامهای او اعلی الله درجته ۞ وبتحقیق که موافقت کرده است با او صاحب کنز العرفان ۞ در وجوب صلوات که هرگاه ذکر شود آنحضرت ۞ واین قول صحیح تر است ۞ وبتحقیق که استدلال میکند بر این بقول خدا تعالی

وَلا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعاءِ بَعْضِکُمْ بَعْضاً

یعنی مگردانید خواندن رسول را در میان خود مثل خواندن بعضی از شما بعضی دیگر را

وَاللهُ تَعالی یَعْلَمُ

و بالجمله روایت از آن حضرت صلی الله علیه و آله که فرمود که هر کس که مذکور شده ام من نزد او پس صلوات نفرستاده است بر من پس داخل شده است آتش را پس دور کرده است او را خدای تعالی و وارد با جمله روایت شده است که سؤال کرده شد آنحضرت صلی الله علیه و آله از قول خدای تعالی

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا

بدرستیکه خدا و ملائکه او صلوات میفرستند بر پیغمبر ای آن

الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

جماعتی که ایمان آورده اید صلوات بفرستید بر او درود و بفرستید درود

پس آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود که این از علم مکنون است اگر نمیبود اینکه شما سؤال کردید از آن اخبار نمیکردم شما را آگاه بر آن بدرستیکه موکل کرده است خدای تعالی بمن دو فرشته پس ذکر کرده نمیشوم نزد هیچ مسلمانی که صلوات بفرستد بر من مگر اینکه بگویند مر او را آن فرشتگان که بیامرزد خدای تعالی ترا و بگویند خدای تعالی و فرشتگان او آمین و ذکر کرده نمیشوم نزد هیچ مسلمانی که صلوات نفرستد بر من مگر اینکه بگویند مر او را آن فرشتگان نیامرزد خدای تعالی ترا و بگویند خدای تعالی و فرشتگان او آمین پوشیده نماند که ظاهر قول حضرت باقر علیه السلام در حدیث اول که هرگاه ذکر کنی تو او را یا ذکر کنند او را ذکر کنندگان اقتضا کند وجوب صلوات را خواه مذکور شود آنحضرت صلی الله علیه و آله بنام مبارک یا بلقب یا بکنیت و ممکن است که مذکور شدن آنحضرت صلی الله علیه و آله بضمیری که راجع بسوی او باشد نیز چنین باشد و اطلاع نیافتم در کلام علمای ما قدس الله ارواحهم که در این باب بر چیزی و احتیاط موجب آنست که ما گفتیم که در همه صورتهای مذکوره صلوة فرستاده شود و مذکور ظاهر آنست که قدر واجب ادا میشود مگفتن اللهم صل علی محمد

بر وزن سکه
این نحو شرح بر طرح
نموده و قائل بوجوب شوم
پس از شنیدن اسم مبارک
آنحضرت و نفرستادن
صلوات بر آنحضرت
سبب
دوری از رحمت
خداوند جلاله خواهد
بود از برای شخص
قطعا

و آل محمد

و اما آنچه روایت شده است که چون نازل شد آیه مذکوره گفتند یا رسول الله هذا السلام علیک قد عرفناه فکیف الصلوات علیک یعنی این سلام بر تو بتحقیق که دانسته ایم آن را پس چگونه است صلوات بر تو پس آنحضرت

صلی الله علیه و آله فرمود که میگوئید

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم و زیاده ده

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

بر محمد و آل محمد و آل محمد چنانچه زیادتی دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده

پس ظاهر آن است که مراد بآن بیان افضل کیفیات صلوات بر آن حضرت است نه اینکه خصوص این نحو واجب باشد و سزاوار آنست که هرگاه صلوات بفرستی بر این نحو ملاحظه کنی این را که آنحضرت صلی الله علیه و آله از جمله آل ابراهیم است پس صلوات بر آنحضرت صلی الله علیه و آله فرستاده میشود اولا در ضمن صلوات بر ابراهیم علیه السلام و غرض از تشبیه آن است که مخصوص شوند پیغمبر ما و آل او صلوات الله علیهم بصلواتی دیگر علی حده مثل آن صلواتی که شامل بود ایشان را و غیر ایشان را از بقیه آل ابراهیم علیه السلام پس بنا بر این لازم نمی آید خلاف قاعده که مقرر شده میان اهل بلاغت که هرگاه چیزی را بچیزی تشبیه کند باید که مشبه به اقوی باشد از مشبه و حال آنکه پیغمبر ما افضل بود از ابراهیم علیه السلام پس تشبیه صلوات بر آنحضرت که باید افضل باشد بصلوات بر ابراهیم علیه السلام منافی آن قاعده میشود زیرا که بسبب ملاحظه مذکوره میشود کلام بر آن قاعده چه شکی نیست که صلواتی که شامل همه آل ابراهیم باشد من حیث العموم اقوی است از آنچه مخصوص ببعضی باشد پس مشبه به یعنی بعضی که پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام از جمله ایشانند اقوی است از مشبه یعنی صلوات بر خصوص پیغمبر ما و آل او صلوات الله

منظور
علیهم پس

علیهم السلام پس مخالفت قاعده مذکور لازم نیاید و بعضی توجیه کرده اند
این تشبیه را باینکه صلوات بر حضرت ابرهیم علیه السلام باعتبار اینکه بیشتر واقع
شده اقوی است و محض همین کافیست در تشبیه و هرچند مشبه باعتبار کیفیت
اقوی باشد و توجیه کرده اند نیز باینکه مشبه صلوات بر ال تنها است که بجای
برابر هیم و آل او علیهم السلام اقوی باشد از صلوات بر ایشان و ضعیف شمرده
توجیه اولرا بسبب قول انحضرت صلی الله علیه واله

کنت نبیا و ادم بین الماء والطین

یعنی من پیغمبر بودم و حال انکه هنوز ادم میان اب و گل بود پس چگونه صلوات
بر حضرت ابراهیم علیه السلام مقدم باشد بر صلوات بر او صلی الله علیه واله
و توجیه دوم را نیز ضعیف شمرده اند باعتبار انکه خلاف متبادر بفهم است
چه ایشان سؤال کردند از کیفیت صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه واله پس قول باینکه
غرض تشبیه صلوات بر ال تنها است خلاف ظاهر است و این توجیهات دیگر
که کرده اند و ما بعضی از انهارا ذکر کرده ایم در مبحث تشهد از کتاب حبل المتین

فصل

پس هرگاه فارغ شدی از اذان پس فاصله کن میان اذان و اقامه بسجده یا بنشستن
و بگو در حالیکه در سجده باشی یا نشسته باشی

اللهم اجعل قلبی بارا و عیشی قارا و رزقی دارا و اجعل لی عند قبر

خداوندا بگردان دل مرا نیکو کننده و زندگی مرا قرار گرفته و روزی مرا افزاینده و بگردان برای من نزد قبر

رسولک مستقرا و قرارا

رسول خود مکان قرار و قرار گرفتن

بعد از ان میخوانی هر دعائی را که میخواهی و سؤال میکنی حاجت خود را پس بتحقیق
که وارد شده از پیغمبر صلی الله علیه واله که دعای میان اذان و اقامه رد کرده
نمیشود و بجهت اذان نیز بجهت اقامه و فصول ان هم دو تا دو تاست مگر

لا اله الا الله

که در اخر اقامت یکبار گفته میشود و زیاده میشود بعد از حی علی خیر العمل
قد قامت الصلوة دو مرتبه و بجا اوردن ان جمیع اداب اذان
مگر تأنی و گذاشتن انگشتان در گوشها و بلند کردن اواز بلکه باید در قامت
آهسته تر باشد و تاکید طهارت داشتن و ایستادن در حال اقامه بیشتر است
از حال اذان حتی اینکه واجب دانسته است انهارا سید مرتضی قدس الله
روحه و میگوئی هرگاه فارغ شوی از اقامه و حال اینکه رو بقبله باشی

اللهم الیک توجهت و مرضاتک طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت

خدایا بسوی تو متوجه شده ام و خوشنودی ترا طلب کرده ام و ثواب ترا خواسته ام و بتو ایمان اورده ام

و علیک توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح قلبی لذکرک و

و بر تو توکل کرده ام خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگشا دل مرا برای ذکر خود و

ثبتنی علی دینک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک

ثابت دار مرا بر دین خود و میل مده دل مرا بعد از انکه راه نمودی مرا و ببخش مرا از جانب خود

رحمة انک انت الوهاب

رحمتی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده

و باید که با سکینه در نماز با وقار و خشوع و بگذاری دستهای خود را بر روی
رانها مقابل زانوها و بگشائی میان قدمهای خود را بقدر سه انگشت گشاده
از یکدیگر یا بیشتر و نگاه کنی بموضع سجود خود و بلند نکنی نگاه کردن خود را بطرف
اسمان و در اوری بخاطر خود که این نماز کسی است که وداع میکند این نماز
بعد از ان قصد کن ادای نماز صبح واجب بجهت فرمان برداری امر خدای تعالی

و مقارن دار نیت را

بیکی از هفت تکبیر که در اول نماز گفته میشود و بلند میکنی دستها را در هر یک از
تکبیرها دستهای خود را بعنوانیکه کف دستها بطرف قبله باشد و انگشتان

بیکدیگر چسبیده باشند ❀ غیر شستها که آنها باید گشاده باشند ❀ و منکبها را
کف دستها را از برابر گوشهای خود ❀ و ابتدا نماید بتکبیر در ابتدای دست برداشتن
❀ و تمام میکند آنرا نزد تمام شدن آن ❀ و بدانکه بعضی از علمای متأخرین ❀
اطناب نموده اند ❀ در باب نیت ❀ و دراز کرده اند عنان کلام را در آن ❀ و در داخل

ائمه علیهم السلام

نیست چیزی از آن ❀ بلکه مستفاد از تتبع ❀ و آنچه وارد شده است از ایشان ❀
علیهم السلام در باب وضو ❀ و نماز و باقی عبادات که تعلیم کرده اند آنها را بشیعیان خود
❀ این است که امر نیت سهل است ❀ و اینکه آن غنی است از بیان ❀ و قرار گرفته
در خاطر جمیع عقلا ❀ وقت صادر شدن ❀ فعلهای اختیاری از ایشان ❀ و از برای
این است ❀ که قدمای فقهای ما رضوان الله علیهم ❀ متعرض بحث آن نشده اند
❀ و خوض نکرده اند در آن ❀ هرگاه بعضی از متأخرین ❀ و رانده اند کلام را در آن بزرگ
موهم اینست ❀ که مرکبست نیت از اجزای بسیار ❀ و این باعث دشواری آن شده است
بر بسیاری از مردم ❀ و گشاننده است ایشان را بوسواس ❀ و نیست نیت در حقیقت
مگر قصد بسیطی ❀ بواقع ساختن فعل معین ❀ از برای علت غائی آن و نیست ترکیب

ذکر فعل منوی

و این قصد نزدیک نیست ❀ که جدا شود از آن عاقلی نزد هر فعلی که ❀ بجا آورد حتی
اینکه گفته اند بعضی از علما ❀ که اگر تکلیف میکرد ❀ خدای تعالی بواقع ساختن
فعلی معین ❀ بی نیت هر آینه تکلیف کرده بود ❀ بچیزی که طاقت آن نبود ❀ و حاضر
کردن فعل منوی ❀ در ذهن بعنوان اینکه تمیز دهد آنرا از غیر آن ❀ و قصد بجا آوردن
آن جهت فرمان برداری امر خدای تعالی ❀ در نهایت سهولت و آسانی (و مثلا)

نماز ظهر

که ما مکلف هستیم بادای آن ❀ و در این وقت تصور کرده ایم از اداء این وصف عنوان
که ممتاز میشود بآن از جمیع ما عدای خود ❀ از عبادات و غیر عبادات ❀ و قصد کردن

خلا

واقع

واقع ساختن آن ❀ جهت فرمانبرداری امر خدای تعالی ❀ نیست دشواری
در آن اصلا ❀ چنانکه حکم میکند بآن وجدان صحیح ❀ و هر که این دشوار باشد که
سؤال میکنم از خدای تعالی ❀ که باصلاح آورد وجدان او را ❀ بدرستیکه او
بعد چیز ❀ جهات توانا است ❀ و بخوان میان آن هفت تکبیر ❀ این سه دعا را که
که روایت کرده است ❀ ثقة الاسلام ❀ در کافی بسند حسن
از حضرت صادق علیه السلام ❀ پس بعد از تکبیر سوم

اللهم

خداوندا

اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي ظَلَمْتُ

توئی پادشاه ❀ حق ❀ آشکار ❀ نیست خدائی مگر تو ❀ تسبیح میکنم ترا بدرستیکه من ستم کرده ام

نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ

نفس خود را پس بیامرز از برای من گناه مرا بدرستیکه نمی بخشد گناهان را مگر تو

و بعد از تکبیر پنجم

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ

ایستاده ام برای امر تو ایستاده گردیدنی ❀ و خیر در دستهای تست ❀ و شر نیست بسوی تو ❀ و راه یافته

مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ

کسی است که هدایت کردی تو او را ❀ نیست پناهی از تو مگر بسوی تو ❀ تسبیح میکنم ترا و سؤال میکنم رحمت تو را ❀ بلند

وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ

و عظیم است شأن تو ❀ تسبیح میکنم ترا ❀ ای پروردگار خانه ❀ حرام ❀

و بعد از تکبیر

چون تکبیرة الاحرام باشد بگو

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ

گردانیده ام روی خود را بجانب کسیکه خلق کرده است آسمانها و زمین را ❀ داناست پنهان و

الشَّهَادَةِ

احتیاط

حَنِیفاً مُسْلِماً وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلوتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی

در حالتیکه میل کننده ام از باطل و مسلمام و نیستم من از شرک آورنده گان بدرستیکه نماز و عبادات من و زندگی من و مر

لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذَلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ

از برای خداست که پروردگار عالمیان است نیست شریکی از برای او و باین امر کرده شده ام و من از مسلمانانم

و در روایت دیگر باین نحو وارد شده است

وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ عَلَی مِلَّةِ اِبْرَهِیمَ وَدِینِ

گردانیده ام روی خود را بجانب کسیکه آفرید آسمان و زمین را در حالتیکه هستم بر ملت ابراهیم و دین

مُحَمَّدٍ وَمِنْهَاجِ عَلِیٍّ حَنِیفاً مُسْلِماً

محمد و براه روشن علی از باطل میل کننده و مسلمم

تا آخر و بعضی اضافه کرده اند عالم الغیب وَالشَّهَادَةِ

و اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه جایز است مقارن داشتن نیت با هر یک از این هفت تکبیر پس تو مختیری در آن و هر تکبیر که مقارن داری نیت را بآن میگردانی

آنرا تکبیرة الاحرام و بعضی ترجیح داده شیخ طائفه نور الله مرقده در مصباح

گردانیدن تکبیر آخر را تکبیرة الاحرام و آنچه ظاهر میشود از حدیث صحیح زراره

در افتتاح پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز را باین تکبیر و متابعت کردن امام حسین

علیه السلام آنحضرت را است که تکبیر اول را تکبیرة الاحرام کرده ابتدا میکردند

چنانچه ذکر کرده شیخ بهائی در مقاله اثنی عشریه و بسط داده شیخ کلام را در حبل المتین بعد از آن

استعاذه میکنی بعد از فراغ از دعای سوم پس میگوئی

اَعُوذُ بِاللّهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

پناه میبرم بخدای شنوای دانا از شیطان رانده شده

و استعاذه نزد ما مخصوص بر کعت اول و دیگر و آهسته میگوئی آنرا بعد از آن بخوان سوره حمد را بلند کنی و بلند

بخوان آنرا در غایت کننده و فهمها آنرا در جای آن و حاضر کننده قلب خود را

تفکر کننده در معانی آن و شاکت میشوی بعد از آن بقدر نفسی بعد از آن

بخوان سوره بهمان نحو و باید که بوده باشد سوره نبأ یا غاشیه

یا قیامه یا دهر یا آنچه مانند اینها باشد در طول چنانچه روایت کرده

از شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت ابی عبد الله علیه السلام

و ساکت میشوی بعد از آن چنانچه ساکت شدی قبل از آن بعد از آن بر میداری

دستهای خود را چنانچه بر داشتی در آن هفت تکبیر و میگوئی

اللّهُ اَکْبَرُ

بعد از آن برکوع برو بعنوانیکه بگذاری دست راست را بر زانوی راست

پیش از دست چپ بر زانوی چپ و پر کن کفها را از زانوهای خود و لیکن

بگشادی انها را بر انگشتان خود و برگردانی انها را بطرف پشت و هموار کنی

پشت خود را و بکشی گردن خود را و برهم گذاری چشمهای خود را یا نگاه کنی

بمیان قدمهای خود بعد از آن میگوئی آنچه روایت کرده است ثقة الاسلام

در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام و آن اینست

اَللّهُمَّ لَکَ

خداوندا از برای تو

رَکَعْتُ وَلَکَ اَسْلَمْتُ وَبِکَ آمَنْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَاَنْتَ

رکوع کرده ام و مر تو را تسلیم نمودم و بتو ایمان آورده ام و بر تو توکل کرده ام و تو

رَبِّی خَشَعَ لَکَ سَمْعِی وَبَصَرِی وَشَعْرِی وَبَشَرِی وَلَحْمِی وَدَمِی

پروردگار منی فروتنی کرده است برای تو گوش من و دیده من و موی من و پوست من و گوشت من و خون من

وَمُخِّی وَعَصَبِی وَعِظَامِی وَمَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَایَ غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَلَا

و مغز من و پی من و استخوان من و آنچه بر داشت قدمهای من در غیر ننگ دارنده و نه

مُسْتَکْبِرٍ

و نه تکبر کننده

ولا مستحسر

ونه خسته کننده

بعد از آن بگو

سبحان ربی العظیم وبحمده

تسبیح میکنم پروردگار خود را که بزرگ است و مشغولم بحمد او

و باید که این هفت مرتبه گفته شود یا پنج مرتبه یا سه مرتبه بعد از آن راست میشوی و میگوئی سمع الله لمن حمده بعد از آن تکبیر میگوئی و میروی بسجود با خضوع و خشوع در حالتیکه بگذاری کفها را پیش از زانوها و چنان میکنی که دستها در وقت سجود بمنزله بالها شوند از برای تو و پهن میکنی کفها را در حالتیکه انگشتان مضموم باشد در برابر دوشها و روی خود و نمیگذاری هیچ عضوی از بدن خود را بر روی عضوی دیگر و میگذاری پیشانی خود را بر زمین و افضل آن است که آن تربت حسینیه باشد علی صاحبها افضل التسلیمات و میگذاری بینی خود را هشتمی مساجد سبعه و بخاک میمالی آنرا و تکیه میکنی در وقت سجود بر بینی بعد از آن میگوئی آنچه روایت کرده است ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی

بسند حسن از حضرت علیه السلام

اللهم لک سجدت وبک امنت ولک اسلمت وعلیک توکلت و

خداوندا از برای تو سجده کردم و بتو ایمان آوردم و مر تورا اطاعت کردم و بر تو توکل کردم و

انت ربی سجد وجهی للذی خلقه وشق سمعه وبصره والحمد لله رب

تو پروردگار منی سجده کرده است روی من از برای کسیکه آفریده است آنرا و شکافته است گوش و چشم آنرا و ستایش مر خدای راست که پروردگار

العالمین تبارک الله احسن الخالقین

عالمیان است بلند مرتبه است خدا و بهترین آفریننده گان

بعد از آن بگو

سبحان ربی الاعلی وبحمده تسبیح میکنم پروردگار خود را که بلند مرتبه است و مشغولم بحمد او

و باید که بوده باشد چنانچه در رکوع مذکور شد و بعد از آن سر خود را بر میداری و تکبیر میگوئی و مینشینی و تورّک کنند و میگوئی

استغفر الله ربی واتوب الیه

طلب آمرزش میکنم از خدا که پروردگار منست و توبه میکنم بسوی او

بعد از آن آنچه روایت کرده است ثقة الاسلام بهمان سند سابق از آنحضرت علیه السلام

اللهم اغفر لی وارحمنی واجبرنی وادفع عنی انی لما انزلت الیّ

خداوندا بیامرز مرا و رحم کن مرا و صلاح کن شکستگی مرا و دفع کن از من بدرستیکه من از آنچه فرو فرستادی بسوی من

من خیر فقیر تبارک الله رب العالمین

از خیر محتاجم بلند مرتبه است خداوندیکه پروردگار عالمیان است

و بعد از آن تکبیر میگوئی و میروی بسجده دوم مثل سجده اول پس بر میداری سر خود را و مینشینی بعنوان تورّک بیک لحظه و این را جلسه استراحت میگویند و واجب دانسته اند آنرا سید مرتضی رحمه الله و دعوی اجماع بر این کرده بعد از آن بر میخیزی بر بلند کردن زانوها را پیش از دستها و اعتماد کن در وقت برخاستن بر دستها و بگوی

بحول الله تعالی وقوته اقوم واقعد وارکع واسجد

بحول خدای تعالی و قوت او بر میخیزم و مینشینم و برکوع میروم و سجده میکنم

پس هرگاه راست ایستادی بخوان سوره و حمد چنانچه گذشت در رکعت اول و باید که بوده باشد سوره قل هو الله احد بعد از آن ساکت میشوی بقدر نفسی پس تکبیر میگوئی از برای قنوت و قنوت میکنی کف دستها را در حالتیکه بلند کرده باشی دستها را در برابر روی خود و بگردانی کف دستها را بطرف آسمان و بهم گذاری انگشتها را غیر از شستها پس میگوئی

لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله

نیست خدائی مگر خدا بردبار جود کننده نیست خدائی مگر خدا بلند مرتبه بزرگ پاک است خدا

رَبِّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ
پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
و پروردگار عرش بزرگ و حمد مر خدایراکه پروردگار عالمیانست

این است کلمات فرج بر آنچه ابوبکر روایت کرده است بسند حسن از حضرت باقر علیه السلام و در بعضی کتابها وَمَا تَحْتَهُنَّ بعد از وَمَا بَیْنَهُنَّ زیاده شده و در بعضی وَمَا فَوْقَهُنَّ بعد از وَمَا تَحْتَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ و بیافته ام بعد از این زیادتیها را و در آنچه مطلع شده ام بر آن از کتابهای معتبره احادیث و میگوئی

کلمات فرج

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِی الدُّنْیَا
خداوندا بیامرز ما را و رحم کن ما را و عافیت ده ما را و عفو کن ما را در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
و آخرت بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

بعد از آن میگوئی

اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ شَخَصَتِ الْاَبْصَارُ وَنُقِلَتِ الْاَقْدَامُ وَ
خداوندا بسوی تو گشوده شده است دیدهها و حرکت داده شده است پاها و

رُفِعَتِ الْاَیْدِی وَمُدَّتِ الْاَعْنَاقُ وَاَنْتَ دُعِیتَ بِالْاَلْسُنِ
بلند کرده شده است دستها و کشیده شده است گردنها و تو خوانده شدهٔ بزبانها

وَاِلَیْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوٰیهُمْ فِی الْاَعْمَالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَیْنَنَا وَبَیْنَ قَوْمِنَا
و بسوی توست پنهان ایشان و راز ایشان در کردارها خداوندا حکم کن میان ما و میان کسان

بِالْحَقِّ وَاَنْتَ خَیْرُ الْفَاتِحِینَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَیْكَ
بحق و تو بهترین حکم کنندگانی خداوندا بدرستیکه ما شکوه میکنیم بسوی تو

فقد نبینا

وَغَیْبَةَ اِمَامِنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَتَظَاهُرَ الْاَعْدَاءِ
و غیبت امام ما و کمی عدد ما و بسیاری دشمنان ما و ظاهر شدن دشمنان

عَلَیْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا فَفَرِّجْ ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ
بر ما و رسیدن فتنهها بما پس برطرف کن این را خداوندا بعدلیکه ظاهر کنی آنرا

وَاِمَامِ حَقٍّ تُعَرِّفُهُ اِلٰهَ الْحَقِّ اٰمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ
و امام حقی که بشناسی او را ای خدای حق مستجاب کن دعای ما را ای پروردگار عالمیان

بعد از آن میگوئی

اَللّٰهُمَّ مَنْ اَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجَاءٌ غَیْرُكَ فَاَنْتَ ثِقَتِی وَرَجَائِی
خداوندا هر که صبح کند و بوده باشد او را اعتمادی یا امیدی غیر تو پس توئی اعتماد من و امید من

یَا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَیَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِی وَمَسْكَنَتِی وَقِلَّةَ
ای بخشنده ترین کسیکه سؤال کرده شده و ای رحیم ترین کسیکه طلب رحم کرده شده رحم کن ضعف مرا و درویشی مرا

حِیلَتِی وَامْنُنْ عَلَیَّ بِالْجَنَّةِ وَفُكَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَعَافِنِی فِی نَفْسِی
چارهٔ مرا و منت گذار بر من به بهشت و رها کردن مرا از آتش و عافیت ده مرا در نفس من

وَفِی جَمِیعِ اُمُورِی بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
و در جمیع کارهای من برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و هر که خواهد

طول دهد قنوت را پس اضافه کند باین هرچه را خواهد از قنوتهای دیگر که در مفتاح و غیر آن گفتهاند در باب ششم انشاء الله بعد از آن بلند میکنی دستها را بتکبیر و در کوع کن و سجود کن دو سجده چنانچه گذشت بعد از آن بنشین از برای تشهد و تورک کنی و تکیه کنی بکنار خود و میگوئی

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَخَیْرُ الْاَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ
بنام خدا و بیاری خدا و بهترین نامها را از همه از برای خداست شهادت میدهم که نیست خدا

اِلَّا اللّٰهُ

وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله ارسله بالحق
گواهی میدهم که نیست شریکی برای او و گواهی میدهم که محمد بنده او و رسول اوست فرستاده است او را بحق
بشیراً و نذیراً بین یدی الساعة و اشهد انّ ربّی نعم الربّ و انّ
بشارت دهنده و ترساننده در پیش روی قیامت و گواهی میدهم بدرستیکه پروردگار من خوب پروردگاریست و
محمداً نعم الرسول اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و تقبّل شفاعته
و بدرستیکه محمد خوب رسولیست خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و قبول کن شفاعت او
فی امته و ارفع درجته
در باره امت او و بلند کن مرتبه او را

بعد از آن حمد میکنی خدا را دو مرتبه یا سه مرتبه و واجب از این تشهدها
شهادتینها است و صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم بعد از آن سلام میدهی
قصد کننده بان بیرون آمدن از نماز را السلام علیک ایها النبی
السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
سلام بر شما باد و رحمت خدا و برکات او
و قصد میکنی بان انبیاء و حفظه را و اشاره میکنی بگوشه چشمها بطرف راست
جمیع انچه ذکر کرده شده در این فصل سنت است مگر انچه استثنا کرده شده بفعل امر پس

فصل

و هرگاه فارغ شدی از نماز پس شروع کن در تعقیب پس بتحقیق که وارد شده در
تفسیر قول خدا تعالی فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب که مراد اینست
که هرگاه فارغ شوی از نماز واجبی پس تعب بکش بسوی پروردگار خود در دعا
و رغبت کن بسوی او در سؤال که عطا میکند بتو و روایت کرده است شیخ
طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که تعقیب مبالغه
کننده تر است در طلب روزی از رفتن بتجارت در شهرها یعنی تعقیب
در عقب نماز و روایت کرده است نیز در تهذیب بسند صحیح از احدهما علیهما السلام

که دعا در عقب نماز واجب افضل است از دعا در عقب نماز سنت مثل فضیلت
نماز واجب بر سنت و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از
حضرت باقر علیه السلام که دعا بعد از نماز واجب افضل است از نماز سنت و
روایت در این باب از ائمه علیهم السلام بسیار است و افضل تعقیبات تسبیح
حضرت فاطمه زهرا است علیها السلام و روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که هر که تسبیح کند تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام پیش از آنکه برگرداند پاهای خود را از نماز واجب آمرزیده میشود او
و ابتدا میشود بتکبیر و روایت کرده است نیز از آن حضرت علیه السلام که
فرمودند که ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا چنانچه امر میکنیم
ایشان را بنماز پس ملازم شو از آن بدرستیکه ملازم نشده از آن بنده که بدبخت شود
و آن حضرت علیه السلام فرمودند که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز در عقب هر نماز
دوستتر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز و از حضرت باقر علیه السلام روایت است
که فرمودند که نیست بنده که عبادت کند خدا را بچیزی از تمجید افضل از تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام و اگر میبود چیزی افضل از آن هر آینه عطا میکرد آنرا حضرت صلی الله علیه و آله
بفاطمه علیها السلام و روایت در فضیلت تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بسیار وارد شده
است و باید که بوده باشد نشستن تو در تعقیب متصل بنشستن تو در تشهد
و بر همان هیأت رو بقبله بودن و ترک کن در اثنای آن کلام و التفات و مانند
آنرا پس بتحقیق که روایت شده است که آنچه ضرر میرساند بنماز ضرر میرساند
بتعقیب پس هرگاه سلام دادی پس تکبیر بگو سه تکبیر و بلند کن در هر یک
دستها را تا برابر روی خود بعنوان اینکه پشت آنها بطرف روی خود باشد
و کف آنها بطرف قبله و این تکبیرها اول تعقیب است بعد از آن میگوئی

لا اله الا الله
نیست خدائی مگر خدا

إلهاً واحداً ونحن له مسلمون لا إله إلّا الله إلهاً واحداً ونحن له

خدائی است یکتا و ما از برای او تسلیم کنندگانیم نیست خدائی مگر خدا خدائی است یکتا و ما از برای او

مخلصون لا إله إلّا الله لا نعبد إلّا إيّاه مخلصين له الدين

خالص کنندگانیم نیست خدائی مگر خدا عبادت نمیکنیم و پرستش نمیکنیم مگر او را در حالتیکه خالص کرده ایم برای او دین

ولو كره المشركون لا إله إلّا الله ربّنا وربّ آبائنا الأوّلين

و هر چند که ناخوش دارند مشرکان نیست خدائی مگر خدا پروردگار ما و پروردگار پدران ما که پیشینیان

لا إله إلّا الله وحده وحده أنجز وعده ونصر عبده وأعزّ جنده

نیست خدائی مگر خدا تنها است تنها است وفا کرد وعده خود را و یاری کرد بنده خود را و عزیز کرد لشکر خود را

وهزم الأحزاب وحده فله الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي

و شکست داد گروه‌ها را تنهائی پس مر او را است پادشاهی و مر او را است حمد که زنده میکند و میمیراند و میمیراند و زنده میکند

وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير أستغفر الله

و او زنده است که نمیمیرد بدست او است خیر و او بر همه چیز توانا است طلب آمرزش میکنم از خدا

الذي لا إله إلّا هو الحيّ القيّوم ذو الجلال والإكرام وأتوب إليه اللهمّ

آنچنانی که نیست خدائی مگر او زنده است پاینده صاحب جلال و اکرام و توبه میکنم بسوی او خداوندا

اهدني من عندك وأفض عليّ من فضلك وانشر عليّ من رحمتك

هدایت کن مرا از نزد خود و بریز بر من از فضل خود و نشر بده بر من از رحمت خود

وأنزل عليّ من بركاتك سبحانك لا إله إلّا أنت اغفر لي ذنوبي

و فرود آر بر من از برکات خود منزهی تو نیست خدائی مگر تو بیامرز برای من گناهان مرا

كلّها جميعاً فإنّه لا يغفر الذنوب كلّها جميعاً إلّا أنت اللهمّ إنّي

همه آنها را تمام پس بدرستیکه نمی‌بخشد گناهان را همه آنها را تمام مگر تو خداوندا بدرستیکه من

أسئلك من كلّ خير أحاط به علمك وأعوذ بك من كلّ شرّ أحاط به علمك

سؤال میکنم ترا از هر خیر که فرا گرفته است آنرا علم تو و پناه میبرم بتو از هر شری که فرا گرفته است آنرا علم تو

اللهمّ إنّي أسئلك عافيتك في أموري كلّها وأعوذ بك من خزي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم عافیت ترا در کارهای خود تمام آنها و پناه میبرم بتو از رسوائی

الدنيا وعذاب الآخرة وأعوذ بوجهك الكريم وسلطانك القديم

دنیا و عذاب آخرت و پناه میبرم بذات کریم تو و پادشاهی قدیم تو

وعزّتك التي لا ترام وقدرتك التي لا يمتنع منها شيء من شرّ

و عزت تو آنچنانیکه اراده کرده نمیشود و قدرت تو آنچنانیکه امتناع نمیکند از آن چیزی از شر

الدنيا والآخرة ومن شرّ الأوجاع كلّها ولا حول ولا قوّة إلّا

دنیا و آخرت و از شر دردها تمام آنها و نیست قدرتی و قوتی مگر

بالله العليّ العظيم توكّلت على الحيّ الذي لا يموت والحمد لله الذي

بخدای بلند مرتبه بزرگ توکل کردم بر زنده آنچنانی که نمیمیرد و حمد از برای خدا آنچنانی که

لم يتّخذ ولداً ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له وليّ من الذلّ

نگرفته است فرزندی و نیست مر او را شریکی در پادشاهی و نیست مر او را دوستی از خواری

وكبّره تكبيراً

و بکبیر بگو او را تکبیر گفتنی

بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح حضرت زهرا را بعد از آن ده مرتبه میگوئی و این

تعقیب صبح است

لا إله إلّا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي

نیست خدائی مگر خدا تنها است نیست شریکی مر او را از برای او است پادشاهی و از برای او است حمد زنده میکند

ويميت ويميت ويحيي وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو

و میمیراند و میمیراند و زنده میکند و او زنده است که نمیمیرد بدست او است خیر و او

على كلّ شيء قدير

بر همه چیز توانا است

ده مرتبه و این مخصوص

تعقیب صبح است

سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

منزه است خدا آنکه بزرگ است و مشغول بحمد اویم و نیست قدرتی و قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

صد مرتبه

مَا شَاءَ اللهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

آنچه خواست خداوند هست ❖ نیست قدرتی و نه قوتی ❖ مگر بخدای بلند مرتبه ❖ بزرگ

و صد مرتبه

اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا که پروردگار من است و توبه میکنم بسوی او

و صد مرتبه

اَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ وَاَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ

پناه میبرم بخداوند از آتش ❖ و سؤال میکنم از او بهشت را

و صد مرتبه

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ❖ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❖ و تعجیل فرما فرج ایشان را

و ده مرتبه

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا

گواهی میدهم بیگانگی خدا که نیست خدائی مگر خدای تنها است ❖ نیست شریکی برای او خدائیست یکتا و یگانه ❖

فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

تنها ❖ بی نیاز که فرا نگرفته است زنی ❖ و سی مرتبه ❖ و نه فرزندی ❖

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ

تسبیح میکنم تسبیح خدا را و حمد از برای خداست ❖ و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است

وسزاواران است ❖ که شمرده شود این ذکرها ❖ و تسبیحها بسبحه از تربت امام حسین علیه السلام ❖ پس بتحقیق که روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صاحب الامر علیه السلام که سبحه افضل چیزیست ❖ که تسبیح کرده شود بان و بدرستیکه تسبیح کننده ❖ فراموش میکند تسبیح را ❖ و میکرداند سبحه را ❖ پس نوشته میشود از برای او ❖ آن تسبیح بعد از آن میکوئی و این نیز مخصوص متعقیب صبح است

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصَارِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى دِينِكَ

ای تغییر فرماینده دلها ❖ و دیدها ❖ رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❖ و ثابت کردان دل مرا بر دین خود

وَدِينِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي

و دین پیغمبر خود ❖ رحمت فرستد خدا بر او و آل او ❖ و میل مده دل مرا ❖ بعد از آنکه راه نمودی مرا ❖

وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ

و ببخش مرا از نزد ❖ خود ❖ رحمتی بدرستیکه تو بسیار بخشنده ❖ خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو

مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ فُجَاةِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ دَرْكِ الشَّقَاءِ

از زائل شدن نعمتهای تو ❖ و گردیدن عافیت تو ❖ و از ناگاه رسیدن عقاب تو ❖ و از دریافتن بدبختی

وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي الْكِتَابِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ

و از شر آنچه پیشی گرفته ❖ در کتاب ❖ خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم بعزت پادشاهی تو

وَعِظَمِ سُلْطَانِكَ وَشِدَّةِ قُوَّتِكَ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

و بزرگی سلطنت تو ❖ و سختی توانائی تو ❖ بر همه آفریدگان تو ❖ اینکه رحمت فرستی ❖ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

محمد و آل محمد ❖ و اینکه بجا بیاوری در من چنین ❖ و چنان

و بعد از این میگوئی

اُعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي

پناه میدهم نفس خود را ❖ و دین خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزند خود را و برادران خود را

وَ رِزْقِی وَ جَمِیعَ مَنْ یَعْنِینِی أَمْرُهُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِی لَمْ یَلِدْ

و روزی مرا و هر کرا اهتمام دارم در باره او بخدای یگانه تنهای بی نیاز که اولاد نیاورده

وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ

و تولد کرده نشده و نیست مر او را همتائی کسی و پناه بپروردگار فلق از شر آنچه آفریده است و از شر

غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِی الْعُقَدِ وَ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

شب بسیار تاریک هرگاه داخل شود و از شر زنهائی که دمنده‌اند در گرهها و از شر حسود هرگاه حسد برد

وَ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِکِ النَّاسِ إِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِی

و پناه میبرم بپروردگار آدمیان پادشاه آدمیان معبود آدمیان از شر وسوسه شیطان آنچنانی

یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ

که وسوسه میکند در سینه‌های مردم از جنیان و آدمیان

بعد از آن بخواند سوره فاتحه و آیة الکرسی را

اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ

خدا آنچنانکه نیست خدائی مگر او همیشه زنده و برپا است فرا نمیگیرد او را چرت و نه خواب مر او راست آنچه در آسمانها

وَ مَا فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ

و آنچه در زمین است کیست آنکه شفاعت کند نزد او مگر باذن او میداند آنچه پیش روی ایشان است

وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ

و آنچه پشت سر ایشان است و احاطه نمیکنند ایشان بچیزی از علم او مگر بآنچه خواهد و وسیع است کرسی او

السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ لَا یَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لَا إِکْرَاهَ

آسمانها و زمین و سنگین نمیکند او را نگاهداری آنها و او است بلند مرتبه بزرگ نیست اکراه

فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ

در دین بتحقیق ظاهر شده و جدا شده رشد از گمراهی پس هر که کفر بیاورد بشیطان و ایمان بیاورد

بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ اللّٰهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ

بخدا پس بتحقیق دست زده است بدست آویز محکم که نیست شکستگی مر او را و خدا شنوا و دانا است

اللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا

خدا دوست آنکسانی است که ایمان آورده‌اند بیرون میاورد ایشان را از تاریکیها بسوی روشنائی و آنانکه کافر

أَوْلِیَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولٰئِکَ أَصْحَابُ

دوستان ایشان شیاطین است بیرون میاورند ایشان را از نور بسوی تاریکیها ایشانند اصحاب

النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ

آتش ایشان در آن جاویدانند

و آیه شهد الله

شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ

گواهی داد خدا که نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان علم که ایستاده‌اند بعدل

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ

نیست خدائی مگر او که عزیز و دانا است

و آیه ملک

قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَاءُ

بگو ای خداوند ای صاحب پادشاهی میدهی پادشاهی را بهر که میخواهی و میگیری پادشاهی را از هر که میخواهی

وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

و عزت میدهی کسی را که میخواهی و ذلیل میکنی کسی را که میخواهی بدست تو است خیر بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ

داخل مینمائی شب را در روز و داخل میکنی روز را در شب و بیرون میاوری زنده را از مرده

وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ

و بیرون میاوری مرده را از زنده و روزی میدهی هر کرا میخواهی بغیر حساب

و آیه سخره

إِنَّ رَبَّکُمُ اللّٰهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ

بدرستیکه پروردگار شما خدائیست که آفریده آسمانها و زمین را در شش روز

ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ

پس مستولی شد بر عرش ❁ بپوشاند شب را که در روز طلب آن میکند شتابان و آفتاب

وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ

و ماه ❁ و ستارها را رام شده به فرمان او آگاه باشید او را است خلق و امر بلند مرتبه

الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا

عالمیان است که بخوانید پروردگار را فروتنی کننده و پنهان بدرستیکه خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان

تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ

و نکنید فساد در زمین ❁ بعد از صلاح آن ❁ و بخوانید خدا را خوف دارنده و طمع کننده بدرستیکه رحمت

قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

نزدیک است ❁ به نیکوکاران

و دو آیه آخر کهف

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ

بگو ای محمد اگر بوده باشد دریا مداد از برای نوشتن کلمات پروردگار من هر آینه تمام شود دریا پیش از آنکه تمام شود

كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ

کلمات پروردگار من و هر چند بیاوریم مثل آن مدد کننده بگو بدرستیکه منم بشر مثل شما وحی فرستاده میشود

أَنَّمَا إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ

بدرستیکه خدای شما خدائیست یگانه پس هر که بوده باشد امید دارد لقای پروردگار خود را پس عمل کند عمل نیکو و شریک نکند

بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

بعبادت پروردگار خود کسی را

و از اول صافات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ

بنام خداوند بخشنده مهربان قسم بآنکسانیکه صف زده اند صف زدنی پس زجر کنندگان زجر کردنی پس خوانندگان

ذِكْرًا إِنَّ إِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

ذکر که بدرستیکه پروردگار شما هر آینه یکی است ❁ پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه میان آنهاست و پروردگار مشرقها

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ

بدرستیکه زینت دادیم ما آسمان دنیا را بزینت دادن ستارها ❁ و حفظ کننده است از هر شیطان سرکش

لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ

نمیشنوند گوش داشتن گروه مرتبه اعلی ❁ و زده میشوند از هر جانب از جهت حبس راندن و مر ایشانرا است

عَذَابٌ وَاصِبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ

الم دائم شدید ❁ مگر آنکه ربود ❁ ربودنی که پس از پی او در آمد ستاره درخشان

و سه آیه آخر صافات

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ

منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند ❁ و درود بر پیغمبران ❁ و حمد

لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

از برای خداست پروردگار عالمیان است

و سه آیه از سوره الرحمن

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ

ای گروه جن ❁ و انس ❁ اگر بتوانید که ❁ بیرون روید ❁ از طبقات یا از اطراف آسمانها

وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

و زمین ❁ پس بیرون روید که بیرون نمیروید که مگر بقوت و سلطنت پس بکدام نعمتهای پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

تکذیب مینمائید فرستاده میشود بر شما زبانه از آتش که و نحاس پس بازنمیدارید خود را از آن ❁

و چهار آیه آخر سوره حشر

لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ

اگر ما فرستاده بودیم این ❁ قرآن را ❁ بر کوه که هر آینه میدیدی آنرا با خشوع و شکافته شده که از

خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

ترس خداوند ❁ و این است مثلها ❁ میزنیم آنها ❁ برای مردمان شاید که ایشان تفکر کنند

هُوَ اللّٰهُ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ

اوست خدائی که نیست خدائی مگر او داناست بغیب و شهود ❁ اوست بخشنده مهربان ❁

هُوَ اللّٰهُ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ

اوست خدائی که نیست خدائی مگر او پادشاه بسیار پاکیزه و سلامت و امان دهنده و حفظ کننده

الْعَزیزُ الْجَبّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللّٰهِ عَمّا یُشْرِکُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخالِقُ الْبارِئُ

و عزیز و جبار و متکبر ❁ منزه است خداوند از آنچه شریک مرادو نند از مشرکان اوست خدای آفریننده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنیٰ یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ

صورت بخشنده از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکنند از برای او آنچه در آسمانها و زمین است و اوست

الْعَزیزُ الْحَکیمُ

عزیز حکیم

بعد از آن میخوانی سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ دوازده مرتبه بعد از آن میگوئی در حالتیکه

❁ گشاده باشی دستهای خود را برو برروی خود ❁

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الطُّهْرِ الطّاهِرِ الْمُبارَکِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تو را بحق نام خود که پنهان کرده شده در خزانه غیب پاک پاکیزه مبارک

وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ وَسُلْطانِکَ الْقَدیمِ یا واهِبَ الْعَطایا یا مُطْلِقَ

و سؤال میکنم ترا بحق نام عظیم تو ❁ و پادشاهی ❁ قدیم تو ای بخشنده عطاها ❁ ای رها کننده

الْاُساریٰ یا فَکّاکَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

اسیران ❁ ای خلاص کننده گردنها ❁ از آتش ❁ سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنی مِنَ الدُّنْیا آمِناً وَتُدْخِلَنی

محمد ❁ و اینکه آزاد کنی رقبه مرا از آتش ❁ و اینکه بیرون ببری مرا از دنیا ایمن و داخل کنی

الْجَنَّةَ سالِماً وَاَنْ تَجْعَلَ دُعائی اَوَّلَهُ فَلاحاً وَاَوْسَطَهُ نَجاحاً وَآخِرَهُ صَلاحاً

در بهشت سالم ❁ و اینکه بگردانی دعای مرا اول آن را رستگاری و میان آن را فیروزی و آخر آن را اصلاح

اِنَّکَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ

بدرستیکه توئی دانای غیبها

بعد از آن میگوئی و این مخصوص صبح است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَصْبَحْتُ اُشْهِدُکَ وَکَفیٰ بِکَ شَهیداً وَاُشْهِدُ مَلائِکَتَکَ

خداوندا بدرستیکه من داخل صبح شدم گواه میگیرم ترا و کافی است بتو برای گواه و گواه میگیرم فرشتگان

وَحَمَلَةَ عَرْشِکَ وَسُکّانَ سَماواتِکَ وَاَرْضِکَ وَاَنْبِیائَکَ وَرُسُلَکَ

و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمان تو را ❁ و زمین ترا و پیغمبران ترا و رسولان ترا

وَالصّالِحینَ مِنْ عِبادِکَ وَجَمیعَ خَلْقِکَ فَاشْهَدْ لی وَکَفیٰ بِکَ شَهیداً

و صالحان از بندگان ترا ❁ و همه آفریدگان ترا ❁ پس گواه شو از برای من و کافی است تو از برای گواه

اَنّی اَشْهَدُ اَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحْدَکَ لا شَریکَ

بدرستیکه من گواهی میدهم که توئی خدا ❁ نیست خدائی مگر تو که عبادت کرده شده تنها تو نیست شریکی

لَکَ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ وَاَنَّ کُلَّ

از برای تو و بدرستیکه محمد صلی الله علیه و آله ❁ بنده ❁ تو ❁ و رسول تو است و بدرستیکه هر

مَعْبُودٍ مِمّا دُونَ عَرْشِکَ اِلیٰ قَرارِ اَرْضِکَ السّابِعَةِ السُّفْلیٰ باطِلٌ

عبادت کرده شده نزد عرش تو تا به قرارگاه زمین تو که هفتگانه ❁ پائینی ❁ باطل است

ما عَدا وَجْهَکَ الْکَریمَ فَاِنَّهُ اَعَزُّ وَاَکْرَمُ وَاَجَلُّ وَاَعْظَمُ مِنْ اَنْ یَصِفَ

غیر از ذات کریم تو ❁ پس بدرستیکه عزیزتر است و گرامی‌تر و جلیل‌تر و بزرگتر از آنکه وصف

الْواصِفُونَ کُنْهَ جَلالِهِ اَوْ تَهْتَدِیَ الْقُلُوبُ اِلیٰ کُنْهِ عَظَمَتِهِ یا مَنْ

وصف کنندگان نهایت بزرگی او را یا آنکه راه یابد دلها ❁ بکنه عظمت او ❁ ای آنکه

فاقَ مَدْحَ الْمادِحینَ فَخْرُ مَدْحِهِ وَعَدا وَصْفَ الْواصِفینَ مَآثِرُ

بالاتر است از مدح مدح کنندگان فخر مدح او ❁ و تجاوز کرده است از وصف وصف کنندگان مکرمتهای

حَمْدِهِ وَجَلَّ عَنْ مَقالَةِ النّاطِقینَ تَعْظیمُ شَأْنِهِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

حمد او ❁ و بلندتر است از گفتن حرف زنندگان تعظیم شأن او ❁ رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِنا ما اَنْتَ اَهْلُهُ یا اَهْلَ التَّقْویٰ وَاَهْلَ الْمَغْفِرَةِ

محمد ❁ و بکن با ما آنچه سزاوار آنی ❁ ای سزاوار از پرهیزکاری ❁ و سزاوار آمرزش

و بعد از اذان میگوئی

سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله
تسبیح میکنم تسبیح خدا را بهر تسبیح کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا از اینکه تسبیح کرده شود و چنانچه
وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما
و چنانچه سزاوار است از برای کرم ذات او و عزت جلال او و حمد از برای خداست آنچه حمد کند خدا را چیزی و
يحب الله ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله ولا
دوست میدارد خدا که حمد کرده شود و چنانچه او سزاوار است و چنانچه سزاوار باشد از برای کرم ذات او و عزت
اله الا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله
خدائی نیست مگر خدا آنچه تهلیل کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خداوند که تهلیل کرده شود و چنانچه او
وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء
و چنانچه سزاوار است از برای ذات او و جلالت بزرگی او و خداوند بزرگتر است از آنچه تکبیر کند خدا را چیزی
وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله
و چنانچه دوست میدارد خداوند که تکبیر کرده شود و چنانکه او سزاوار است و چنانکه او سزاوار است بجهت کرم ذات او
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر على كل نعمة انعم بها
تسبیح میکنم تسبیح خداوند و حمد مر خدا راست نیست خدائی مگر خدا و خداوند بزرگتر است بر هر نعمتی که انعام کرده
علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان او يكون الى يوم القيمة اللهم
بان بر من و بر هر احدی از آفریدگار او از آنچه بوده است یا خواهد بود تا روز قیامت خداوندا
اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك خير ما ارجو وخير
بدرستیکه من سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم ترا خیر آنچه امید دارم و خیر
ما لا ارجو واعوذ بك من شر ما احذر
آنچه امید ندارم و پناه میبرم بتو از شر آنچه حذر دارم

و بعد از اذان میگوئی ... دعاهای بسیار کند در شام

ومن شر ما لا احذر
و از شر آنچه حذر ندارم

بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله
بنام خدا بهترین نامها بنام خداوند پروردگار زمین و آسمان بنام خداوند

الذي لا يضر مع اسمه سم ولا داء بسم الله اصبحت وعلى الله توكلت
آنچنانی که ضرر نمیرساند با نام او زهری و نه دردی بنام خداوند داخل صبح شدم و بر خداوند توکل کردم
بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله على ديني وعقلي بسم الله على
بنام خداوند قرار دار در قلب من و نفس من بنام خدا بر دین من و عقل من بنام خداوند بر
اهلي ومالي بسم الله ما اعطاني ربي بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
اهل من و مال من بنام خداوند بر آنچه عطا کرده است پروردگار من بنام خداوند آنچنانی که ضرر نمیرساند با نام او
شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم الله الله ربي حقا
چیزی در زمین و نه در آسمان و اوست شنوا و دانا خداوند خدائی است پروردگار من حقا
لا اشرك به شيئا الله اكبر الله اكبر الله اكبر اعز واجل مما اخاف
نمیکنم شریک با او چیزی را خداوند بزرگتر است خداوند بزرگتر است خداوند بزرگتر است و عزیزتر و جلیلتر از آنچه
واحذر عز جارك وجل ثناؤك وتقدست اسماؤك ولا اله غيرك
و حذر میکنم عزیز است همسایگی تو و جلیل است ثنای تو و پاکیزه است نامهای تو و نیست خدائی غیر تو
اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل سلطان شديد
خدایا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از شر نفس خود و از شر هر پادشاه سخت
ومن شر كل شيطان مريد ومن شر كل جبار عنيد ومن شر قضاء
و از شر هر شیطان سرکش و از شر هر جبر کننده عنید و از شر قضای
السوء ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم
بد و از شر هر جنبنده که تو گرفته باشی موی پیشانی او را بدرستیکه تو بر راه راستی
وانت على كل شيء حفيظ ان وليي الله الذي نزل الكتاب وهو
و تو بر هر چیزی نگاهبانی بدرستیکه دوست من خداوند است که فرو فرستاده است کتاب را و او
يتولى الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه
دوست نیکوکاران است پس اگر اعراض کنند [illegible] بگو بس است مرا خداوند نیست خدائی مگر او بر او

توکلت

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ

و او است پروردگار عرش بزرگ پس زود باشد که کفایت کند شر ایشان را خداوند و اوست شنوا و دانا

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ

نیست جوایی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ و رحمت فرستد خداوند بر بهترین آفریدگان

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

محمد است و آل او که پاکانند

بعد از آن میگوئی و نیز از مخصص مستفاد

بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ

بنام خداوند و رحمت کند خدا بر محمد و آل او و وا میگذارم امر خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا

بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقٰيهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

بینا است به بندگان پس نگاه داشت خدا از بدیها مکر ایشان را نیست خدائی مگر تو پاکی ترا

اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

بدرستیکه بودم من از ستم کنندگان پس اجابت کردیم مراد او را از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنین را

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ

کافی است ما را خداوند و بهترین وکیلان است پس برگشتند از آن بنعمتی از خداوند و زیادتی نرسید ایشان را

سُوءٌ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ

بدی هر آنچه خواسته است خدا نیست جوایی و نه قوتی مگر بخداوند آنچه خواسته است خداوند نه آنچه خواسته اند مردم

مَا شَاءَ اللّٰهُ وَاِنْ كَرِهَ النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ

آنچه خواسته است خداوند و اگر چه ناخوش دارند مردم کافی است مرا پروردگار از پرورده شدگان کافی است مرا آفریننده

مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ اللّٰهُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ

از آفریده شدگان کافی است مرا روزی دهنده از روزی داده شدگان کافی است مرا خدائی که همیشه

حَسْبِي حَسْبِي مَنْ كَانَ مُذْ كُنْتُ حَسْبِي حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

بس است مرا بس است مرا آنکه بود از آنگاه که بودم بس است مرا بس است مرا خداوند نیست خدائی مگر او

فَنَجَّيْنَاهُ

علامه

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ

بعد از آن میگوئی

اَللّٰهُمَّ اَصْبَحَ ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَاَصْبَحَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً

خداوندا داخل صبح شدم و ظلم من پناه جوینده بعفو تست و داخل صبح شدم از گناهان خود پناه جوینده

بِمَغْفِرَتِكَ وَاَصْبَحَ خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِاَمَانِكَ وَاَصْبَحَ فَقْرِي مُسْتَجِيرًا

بآمرزش تو و داخل صبح شدم و ترس من پناه جوینده است بامان تو و داخل صبح شدم که درویشی من پناه جوینده

بِغِنَاكَ وَاَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَاَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا بِقُوَّتِكَ

بتوانگری تو و داخل صبح شدم و خواری من پناه جوینده است بعزت تو و داخل صبح شدم و ضعف من پناه جوینده است

وَاَصْبَحَ وَجْهِيَ الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ

و داخل صبح شدم و بدن فانی من پناه جوینده است بذات باقی تو ای موجود پیش از هر چیز

وَيَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ

و ای موجود بعد از هر چیز و ای موجود کننده هر چیز رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان

لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ

از برای من از امر من گشایش و راه بیرون رفتن و روزی ده مرا از آنجا که گمان دارم و از آنجا

لَا اَحْتَسِبُ

که گمان ندارم

بعد از آن میگوئی هفت مرتبه

ای حال آنکه گرفته باشی مجاری خود را بدست

و گشوده باشی کف دست چپ را بسوی آسمان

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای پروردگار محمد و آل محمد رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ

وعجل فرج محمد وآل محمد
و تعجیل فرما فرج محمد و آل محمد را

و هفت مرتبه

یا رب محمد وآل محمد صل علی محمد وآل محمد واعتق رقبتی من النار
ای پروردگار محمد و آل محمد رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و آزاد کن گردن مرا از آتش

بعد از آن میگوئی

یا الله یا رحمن یا رحیم یا قیوم برحمتك استغیث اللهم انت ثقتی
ای خدا ای بخشنده مهربان بخود پاینده برحمت تو طلب فریاد رسی میکنم خداوندا توئی اعتماد من
فی کل کربة وانت رجائی فی کل شدة وانت لی فی کل امر
در هر اندوهی و توئی امید من در هر سختی و توئی از برای من در هر امری
نزل بی ثقة وعدة فاغفر لی ذنوبی کلها واکشف همی وفرج
که فرود آید بمن اعتماد و ذخیره پس بیامرز از برای من گناهان مرا تماماً و زایل کن اندوه مرا و برطرف کن
غمی اللهم اغننی بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن سواك
غم مرا خداوندا بی نیاز کن مرا بحلال تو از حرام تو و بفضل تو از کسیکه غیر تو باشد
وعافنی فی اموری کلها وعافنی من خزی الدنیا وعذاب الآخرة
و عافیت ده مرا در امرهای من تماماً و عافیت ده مرا از رسوائی دنیا و عذاب آخرت

بعد از آن میگوئی و این دعا خواندنش در هر بامداد مسنون

اصبحت اللهم معتصما بذمامك المنیع الذی لا یحاول ولا یطاول
صبح نمودم خداوندا دست زننده بحرمت قوی غالب تو آنکه قصد کرده نمیشود و نزاع کرده نمیشود
من شر کل غاشم وطارق من سائر ما خلقت ومن خلقت من الصامت
از شر هر ستم کننده و وارد شونده در شب از جمیع آنچه آفریده تو و از آفریدگان تو که خاموش
والناطق من کل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بیت نبیك
و گویا هستند و نگاهدار از هر ترسی بلباس فراخ دوستی اهل بیت پیغمبر تو

یا حی: ای زنده

بجنة: در سپر محکم پوشانیده

علیه

علیه وعلیهم السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار
و رحمتهای تو بر آنها باد پوشیده شده از هر قصد کننده مرا باذیت با دیوار
حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا
محکم اخلاص در اعتراف بحق ایشان و دست زدن بریسمان ایشان یقین دارنده
ان الحق لهم ومعهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واجانب من
باینکه حق از برای ایشان است و با ایشان و در ایشان و بایشان دوستی میکنم با هر که ایشان دوستی کرده اند و دوری
جانبوا فصل علی محمد وآل محمد واعذنی اللهم بهم من شر کل
میورزم از هر که ایشان دوری کرده اند پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا خداوندا بسبب ایشان از شر هر چه
ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع السموات والارض
حذر دارم ای بزرگ منع کردم دشمنانرا از خود بپدید آورنده آسمانها و زمین
انا جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فهم لا یبصرون
بدرستیکه ما گردانیدیم از پیش روی ایشان سدی و از پشت سر ایشان سدی پس ایشان نمیبینند

بعد از آن میگوئی و این مخصوص صبح است

الحمد لله الذی اذهب اللیل مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته
سپاس مر خدا را آنکه برد شب را بقدرت خود و آورد روز را برحمت خود
خلقا جدیدا ونحن فی عافیته بمنه وجوده وکرمه مرحبا بالحافظین
خلق تازه را و ما در عافیتیم بنعمت او و جود او و کرم او مرحبا بدو فرشته حفظه

والتفات کن بطرف راست و بگو
وحیاکما الله تعالی من کاتبین
و سلام بفرستد بر شما خدای تعالی از دو نویسنده گان
والتفات کن بطرف چپ خود و بگو
اکتبا رحمکما الله تعالی بسم الله اشهد
بنویسید رحمت کند شما را خدای تعالی بنام خدا گواهی

فاغشیناهم: پس پوشانیدیم ایشان را

ان لا

اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

در بیشعر خدائی مگر خدا اینکه تنهاست نیست شریک از برای او و گواهی میدهم باینکه محمد بنده او

وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ

و رسول اوست و شهادت میدهم باینکه قیامت آمدنی است نیست شکی در آن و بدرستیکه خداوند بر می‌انگیزد

مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلىٰ ذٰلِكَ اَحْيىٰ وَعَلَيْهِ اَمُوتُ وَعَلَيْهِ اُبْعَثُ اِنْشاءَ اللّٰهُ

هر که در قبرها باشد بر این اقرار زنده ام و بر این میمیرم و بر این برانگیخته میشود اگر خواهد خدا

تَعالىٰ اَقْرِءْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنِّي السَّلامَ

بلند مرتبه است برسان بمحمد که رحمت بفرستد خداوند بر او و آل او از جانب من سلام

بعد از آن میگوئی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّهارِ اِذا تَجَلّىٰ وَصَلِّ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد در روز هرگاه ظاهر شود و رحمت

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ اِذا يَغْشىٰ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بفرست بر محمد و آل محمد در شب هرگاه بپوشاند و رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرَةِ وَالْاُولىٰ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا اخْتَلَفَ

محمد در آخرت و دنیا و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادامیکه ظاهر

الْجَدِيدانِ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا اطَّرَدَ الْخافِقانِ

تازه و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادامیکه متعاقب شوند مشرق و مغرب

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ما عَسْعَسَ لَيْلٌ وَما اَدْلَهَمَّ ظَلامٌ وَما

و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادامیکه بیاید شب و مادامیکه تیره شود تاریکی و ما

تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَما اَضاءَ فَجْرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّداً خَطِيبَ وَفْدِ الْمُؤْمِنِينَ

نفس بکشد صبح و مادامیکه روشن شود صبح صادق خداوندا بگردان محمد را خطیب وارد شوندگان از مؤمنین

اِلَيْكَ وَالْمَكْسُوَّ حُلَلَ الْاَمانِ اِذا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالنّاطِقَ اِذا

بسوی تو و پوشیده شده جامه‌های امان زمانیکه بایستد در برابر تو و گویا شدن هرگاه

خَرِسَتِ الْاَلْسُنُ بِالثَّناءِ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَعْلِ مَنْزِلَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ

لال شوند زبانها بستایش بر تو خداوندا بلند گردان منزلت او را و بلند کن درجه او را

وَاَظْهِرْ حُجَّتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ وَابْعَثْهُ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ

و ظاهر گردان حجت او را و قبول کن شفاعت او را و مبعوث گردان او را بمنزل پسندیده آنچنانی که وعده کرده

وَاغْفِرْ لَهُ ما اَحْدَثَ الْمُحْدِثُونَ مِنْ اُمَّتِهِ بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

و بیامرز از برای او آنچه احداث کرده احداث کنندگان از امت او بعد از او خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم

مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلامَةَ

بسبب تو و چیزهای واجب سازنده رحمت ترا و ختم کننده‌ها را از آمرزش تو و غنیمت بردن از هر خوبی و سلامتی

مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَاَسْئَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ اَللّٰهُمَّ

از هر گناهی و سؤال میکنم ترا فائز شدن به بهشت و خلاصی از آتش خداوندا

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فِي صَلاتِي وَدُعائِي بَرَكَةً

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان از برای من در نماز من و در دعای من برکتی

تُطَهِّرُ بِها قَلْبِي وَتُؤْمِنُ بِها رَوْعِي وَتَكْشِفُ بِها كَرْبِي وَتَغْفِرُ

که پاک گردانی بآن دل مرا و امان دهی بآن خوف مرا و رفع کنی بآن اندوه مرا و بیامرزی

بِها ذَنْبِي وَتُصْلِحُ بِها اَمْرِي وَتُغْنِي بِها فَقْرِي وَتُذْهِبُ بِها ضُرِّي

بآن گناه مرا و صلاح کنی بآن حال مرا و توانگر گردانی بآن درویشی مرا و ببری بآن بدی حال مرا

وَتُفَرِّجُ بِها هَمِّي وَتُسَلِّي بِها غَمِّي وَتَشْفِي بِها سُقْمِي وَتُؤْمِنُ بِها خَوْفِي

و زایل کنی بآن هم مرا و تسلیه فرمائی بآن غم مرا و شفا دهی بآن بیماری مرا و ایمن گردانی بآن ترس مرا

وَتَجْلُو بِها حُزْنِي وَتَقْضِي بِها دَيْنِي وَتَجْمَعُ بِها شَمْلِي وَتُبَيِّضُ بِها

و برطرف فرمائی بآن اندوه مرا و ادا کنی بآن قرض مرا و جمع کنی پراکندگی مرا و سفید گردانی بآن

وَجْهِي وَاجْعَلْ ما عِنْدَكَ خَيْراً لِي

روی مرا و بگردان آنچه نزد تست خیر از برای من

بعد از آن میگوئی

اللهم انّی ادعوك لهمّ لا يفرّجه غيرك ولرحمة لا تنال الّا

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا از برای اندوهی که برطرف نمیکند آنرا غیر تو و از برای رحمتیکه نمیرسد مر

منك ولحاجة لا يقضيها الّا انت يا كريم اللهم كما كان من شانك

از جانب تو و از برای حاجتیکه برنمیآورد آنرا مگر تو ای کریم خداوندا چنانچه بود از شأن تو

ما اردتنی به من ذكرك والهمتنيه من شكرك ودعائك فليكن من

آنچه اراده کرده بودی مرا به آن از ذکر تو و الهام فرموده بودی از شکر تو و خواندن تو پس باید

شانك الاجابة لی فيما دعوتك والنجاة مما فزعت اليك منه فان

شأن تو اجابت از برای من در آنچه خوانده ام ترا و نجات دادن مرا از آنچه پناه آورده ام بسوی تو از آن

لم اكن اهلا ان ابلغ رحمتك فانّ رحمتك اهل ان

نبوده باشم سزاوار آنکه برسم برحمت تو پس بدرستیکه رحمت تو سزاوار است

تبلغنی وتسعنی لانها وسعت كل شیء وانا شیء فلتسعنی رحمتك

برسد بمن و گنجایش داده باشد مرا زیرا که آن گنجایش دارد هر چیزی را و من چیزی هستم پس باید گنجایش دهد مرا

بعد از آن میگوئی و حال آنکه
سر بر کنی با خود دامکرید بدلدا

الهی ان ذنوبی وكثرتها قد غبّرت وجهی عندك وحجبتنی عن

ای خدای من بدرستیکه گناهان من و بسیاری آنها بتحقیق غبار آلوده کرده است روی مرا نزد تو و مانع شده است مرا از

استيهال رحمتك وباعدتنی عن استنجاز مغفرتك ولولا تعلقی

متوجه گردیدن برحمت تو و دور کرده است مرا از استحقاق آمرزش تو و اگر نبود چنگ زدن من

بآلائك وتمسكی بالرجاء لما وعدت امثالی من المسرفين واشباهی

بنعمتهای تو و دست زدن من بامید داری آنچه وعده کرده تو امثال مرا از اسراف کنندگان و مانند من

من الخاطئين بقولك يا عبادی الذين اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا

از گناهکاران بگفته تو که فرموده ای ای بندگان من آنانکه اسراف کرده اند بر نفسهای خود نومید نشوید

من رحمة الله

انّ الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم وحذّرت القانطين

بدرستیکه خداوند می آمرزد گناهان را تماما بدرستیکه خداوند اوست بسیار آمرزنده و مهربان و ترسانیدی نومیدان را

من رحمتك فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الّا الضالّون ثمّ

از رحمت خود پس گفتی و کیست که نومید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان پس

ندبتنا برحمتك الی دعائك فقلت ادعونی استجب لكم انّ

خواندی ما را برحمت خود بسوی خواندن تو پس فرمودی تو که بخوانید مرا اجابت میکنم دعای شما را بدرستیکه

الذين يستكبرون عن عبادتی سيدخلون جهنم داخرين الهی لقد

تکبر میورزند از عبادت من زود باشد داخل شوند جهنم خوار شدگان ای خدای من

كان ذلّ الاياس علیّ مشتملا والقنوط من رحمتك بی ملتحفا

بود خواری نومیدی بر من مشتمل و نومیدی از رحمت تو بمن ملتحف

الهی قد وعدت المسیء بك ظنّه عقابا اللهم وقد اسبل دمعی

ای خدای من بتحقیق وعده کرده گناهکاری را که بد است گمان او عذاب را خداوندا و بتحقیق روان شده

حسن الظن بك فی عتق رقبتی من النار وتغمّد زللی واقالة

بنیکوئی گمان من بتو در آزاد کردن گردن مرا از آتش و پوشیدن لغزش من

عثرتی وقلت وقولك الحق الذی لا خلف فيه ولا تبديل

خطای من و گفته تو و حال آنکه گفته تو حق است نیست خلافی در آن و نه تغییر

يوم ندعو كلّ اناس بامامهم اللهم انّی اقرّ واشهد واعترف

روزیکه میخوانیم هر طایفه از مردمان را با پیشوای ایشان خداوندا بدرستیکه من اقرار میکنم و گواهی میدهم و اعتراف میکنم

ولا اجحد واسرّ واظهر واعلن وابطن بانك انت الله

و انکار نمیکنم در پنهان و آشکار و ظاهر و باطن بآنکه توئی تو خدائیکه

الذی لا اله الّا انت وحدك لا شريك لك وانّ محمدا عبدك

نیست خدائی مگر تو تنهائی نیست شریکی مر ترا و بدرستیکه محمد بنده

ورسولك

وَاَنَّ عَلِيّاً اَميرُ الْمُؤْمِنينَ وَسَيِّدُ الْوَصِيّينَ وَوارِثُ عِلْمِ النَّبِيّينَ
و گواهی میدهم باینکه امیر مؤمنان است ❀ و سید اوصیا است و وارث برنده پیغمبران ❀
وَقاتِلُ الْمُشْرِكينَ وَاِمامُ الْمُتَّقينَ وَمُجاهِدُ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ
و کشنده مشرکان ❀ و پیشوای پرهیزکاران ❀ و جهاد کننده با عهد و پیمان شکنان و جورکنندگان
وَالْمارِقينَ اِمامي وَمَحَجَّتي وَصِراطي وَدَليلي وَحُجَّتي وَمَنْ لا اَثِقُ بِالْاَعْمالِ
و بیرون روندگان از دین امام و حجت و راه نما و دلیل من و حجت است و آنکه اعتماد ندارم بعملها
وَاِنْ زَكَتْ وَلا اَراها مُنْجِيَةً لي وَاِنْ صَلُحَتْ اِلّا بِوِلايَتِهِ وَالْاِئْتِمامِ
اگر چه پاکیزه باشند و نمی بینم کردارها را نجات دهنده مرا اگر چند نیکو باشند مگر بدوستی و اقتدای او
بِهِ وَالْاِقْرارِ بِفَضائِلِهِ وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِها وَالتَّسْليمِ لِرُواتِها
و اقرار کردن بفضیلتهای او و قبول کردن از نقل کنندگان آن و تسلیم نمودن بروایت کنندگان
اَللّٰهُمَّ وَاُقِرُّ بِاَوْصِيائِهِ مِنْ اَبْنائِهِ اَئِمَّةً وَحُجَجاً وَاَدِلَّةً وَسُرُجاً
خداوندا اقرار میکنم باوصیای او از پسران او که امامانند و حجتها و راه نمایانند و چراغها
وَاَعْلاماً وَمَناراً وَسادَةً وَاَبْراراً وَاُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَظاهِرِهِمْ وَباطِنِهِمْ وَ
و نشانها و علمها و بزرگان نیکوکارانند و اعتقاد دارم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و باطن ایشان
حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَشاهِدِهِمْ وَغائِبِهِمْ لا شَكَّ في ذٰلِكَ وَلَا ارْتِيابَ
و زنده ایشان و مرده ایشان و حاضر ایشان و غایب ایشان نیست شکی در این و نه ارتیابی
وَلا تَحَوُّلَ عَنْهُ وَلَا انْقِلابَ اَللّٰهُمَّ فَادْعُني يَوْمَ حَشْري وَحينَ
و نیست برگشتن از این اعتقاد و نه انقلابی خداوندا پس بخوان مرا روز حشر من و هنگام
نَشْري بِاِمامَتِهِمْ وَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِمْ وَاكْتُبْني في اَصْحابِهِمْ وَانْقِذْني
برانگیختن بامامت ایشان و محشور کن مرا در گروه ایشان و بنویس در شمار مصاحبان ایشان و آزاد کن
بِهِمْ يا مَوْلايَ مِنْ حَرِّ النّيرانِ فَاِنَّكَ اِنْ اَعْفَيْتَني مِنْها كُنْتُ
بایشان ای مولای من از گرمی آتش بدرستیکه تو اگر عافیت دادی مرا از آن هستم

مِنَ الْفائِزينَ

وجهرهم
و آشکار ایشان

اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَصْبَحْتُ في يَوْمي هٰذا لا ثِقَةَ لي وَلا مَفْزَعَ
خداوندا بتحقیق صبح کرده ام در این روز خود و حال آنکه نیست اعتمادی از برای من و نیست گریزگاهی
وَلا مَلْجَاَ وَلا مَنْجا غَيْرُ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ مِنْ آلِ رَسُولِكَ
و کسیکه پناه برم و جای رستگاری بجز کسانیکه توسل جسته ام بایشان بسوی تو از آل رسول تو
عَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ
علی ❀ و فاطمه ❀ و حسن ❀ و حسین ❀ و علی ❀ و محمد ❀ و جعفر ❀ و موسی و علی
وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ اَللّٰهُمَّ
و محمد ❀ و علی ❀ و حسن ❀ و حجت ❀ رحمتهای تو بر ایشان باد همه ❀ خداوندا
فَاجْعَلْهُمْ حِصْني مِنَ الْمَكارِهِ وَمَعْقِلي مِنَ الْمَخاوِفِ وَنَجِّني بِهِمْ
پس بگردان ایشان را قلعه نگاهدارنده من از مکروهها ❀ و پناه من از آنچه خوف داشته باشم از آن و نجات ده مرا بایشان
مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَطاغٍ وَفاسِقٍ باغٍ وَمِنْ شَرِّ ما اَعْرِفُ وَما اُنْكِرُ وَمَا اسْتَتَرَ
از هر دشمن از حد تجاوز کننده و هر فاسق ستمکار و از شر آنچه میشناسم و آنچه نمیشناسم و آنچه پوشیده است
عَنّي وَما اُبْصِرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّ رَبّي
بر من و آنچه میبینم و از شر هر جنبنده که پروردگار من گیرنده موی پیشانی اوست بدرستیکه پروردگار من
عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ اَللّٰهُمَّ بِتَوَسُّلي اِلَيْكَ بِهِمْ وَتَقَرُّبي
بر راه راست است ❀ خداوندا بتوسل جستن من بسوی تو بسبب ایشان و نزدیکی جستن من
بِمَحَبَّتِهِمْ اِفْتَحْ عَلَيَّ اَبْوابَ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَحَبِّبْني اِلىٰ
بسبب دوستی ایشان بگشا بر من درهای رحمت خود را و آمرزش خود را و دوست گردان مرا بسوی
خَلْقِكَ وَجَنِّبْني عَداوَتَهُمْ وَبُغْضَهُمْ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ
خلق خود ❀ و دور گردان مرا از دشمنی ایشان و کینه ایشان بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
اَللّٰهُمَّ وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوابٌ وَلِكُلِّ ذي شَفاعَةٍ حَقٌّ فَاَسْئَلُكَ
خداوندا و از برای هر وسیله جوینده ثوابی است و از برای صاحب هر شفاعت کننده حقیست پس سؤال

بِمَنْ

جعلتهم الیك سببی وقدّمتهم امام طلبتی ان تعرّفنی برکة یومی
گردانیده ام ایشان را بسوی تو سبب خود و مقدم داشته ام ایشان را پیش مطلب خود اینکه بشناسانی مرا برکت امروز
هذا وشهری هذا وعامی هذا اللّهمّ فهم معوّلی فی شدّتی و
مرا و این شهر مرا و این سال مرا خداوندا پس ایشانند محل پناه من در سختی حال من و
رخائی وعافیتی وبلائی ونومی ویقظتی وظعنی واقامتی وعسری
رفاهیت حال من و در عافیت من و بلاء من و خواب من و بیداری من و سفر من و ایستادن من و تنگی
ویسری وصباحی ومسائی ومنقلبی ومثوای اللّهمّ فلا تخلنی بهم
و آسانی من و صبح من و شام من و مکان من و مقام من خداوندا پس مگردان مرا خالی بحق ایشان
من نعمتك ولا تخیّبنی بهم من نائلك ولا تقطع رجائی من رحمتك
از نعمت خودت و نومید مگردان مرا بسبب ایشان از عطای خودت و قطع مکن امید مرا از رحمت خود
ولا تفتنّی باغلاق ابواب الارزاق وانسداد مسالکها وارتتاج
و گرفتار مکن مرا ببستن درهای روزیها و بستن راههای آنها و بستن
مذاهبها وافتح لی من لدنك فتحا یسیرا واجعل لی من کلّ ضنك
طریقهای آنها و بگشا برای من از نزد خودت گشادن آسانی و بگردان برای من از هر تنگی
مخرجا والی کلّ سعة منهجا برحمتك یا ارحم الرّاحمین اللّهمّ
بیرون رفتنی و بسوی هر گشایش راهی برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا
واجعل اللّیل والنّهار مختلفین علیّ برحمتك ومعافاتك ومنّك
بگردان شب و روز را گردنده بر من برحمت تو و عافیت تو و منت تو
وفضلك ولا تفقرنی الی احد من خلقك برحمتك یا ارحم الرّاحمین
و فضل تو و محتاج مگردان مرا بسوی احدی از خلق تو برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
انّك علی کلّ شیء قدیر وبکلّ شیء محیط
بدرستیکه تو بر هر چیز توانا و بهر چیز احاطه کننده

بعد از آن میگو

اللّهمّ انّی اسئلك یا مدرك الهاربین ویا ملجأ الخائفین ویا
خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو ای یابنده فرار کنندگان و ای پناه ترسندگان و ای
صریخ المستصرخین ویا غیاث المستغیثین ویا منتهی غایة السّائلین
فریادرس فریاد طلبان و ای پناه دهنده استغاثه کنندگان و ای منتهای نهایت سؤال کنندگان
ویا مجیب دعوة المضطرّین یا ارحم الرّاحمین یا الله یا ربّاه یا عزیز
و ای اجابت کننده دعای بیچارگان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای خدا ای پروردگار ای غالب
یا حکیم یا غفور یا رحیم یا قاهر یا علیم یا سمیع یا بصیر یا لطیف
ای حکیم ای آمرزنده ای بسیار مهربان ای قهر کننده ای دانا ای شنوا ای بینا ای لطیف
یا خبیر یا قهّار یا جبّار یا رحمن یا منّان یا سبّوح یا قدّوس یا مبدئ
ای مطلع ای غلبه کننده ای عذاب کننده ای بسیار بخشنده ای بسیار نعمت دهنده ای بسیار منزه ای ابتدا کننده
یا معید یا باعث یا وارث یا فارج الهمّ یا کاشف الغمّ یا منزل
ای عود دهنده ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای دفع کننده هم ای زائل کننده غم ای نازل کننده
الحقّ یا قائل الصّدق یا ذا المنّ
حق ای گوینده راستی ای صاحب احسان
الجمیل والطّول العظیم یا معروفا
نیکو و نعمت بزرگ ای شناخته شده
بالاحسان یا موصوفا بالامتنان یا من قصرت عن وصفه
بسبب احسان ای وصف کرده شده بنعمت دادن ای آنکه کوتاه است از وصف کردن او
السن الواصفین وانقطعت عنه افکار المتفکّرین یا شاهد
زبانهای وصف کنندگان و بریده شده است از او فکرهای فکر کنندگان ای دانای
النّجوی یا کاشف الغمّ ودافع البلوی یا نعم النّصیر
رازها ای زائل کننده غم و دفع کننده بلا ای نیکو یاری کننده

والمولی
و نیکو پروردگار

يا منعم يا مفضل يا مجمل يا محسن يا من لا يشغله صغير عن كبير

ای نعمت دهنده ای تفضل کننده ای احسان کننده ای نیکی کننده ای آنکه مشغول نمیکند او را کوچکی از بزرگ

ولا حقير عن خطير يا من بدأ بالنعم قبل استحقاقها وبالفضل

و نه حقیری از خطیر ای آنکه ابتدا کرده است بنعمت دادن پیش از استحقاق آن و بتفضل

قبل استيجابها يا أحق من عبد وحمد ورجي واعتمد أسألك

پیش از استیجاب آن ای سزاوارترین کسیکه پرستیده شود و حمد و امید داشته شود و اعتماد کرده شود سؤال

بكل اسم مقدس مطهر مكنون اخترته لنفسك وكل ثناء

میکنم ترا بحق هر نام پاکیزه کرده شده و پاک کرده شده پنهان که برگزیده برای خود و بحق هر ثناء

عال رفيع كريم رضيته به مدحة لك وبحق كل ملك قربت

بلند برتر بزرگوار که راضی شدی بآن از جهت مدح کردن مر تو را و بحق هر ملکی که نزدیک کردی

منزلته عندك وبحق كل نبي أرسلته إلى عبادك وبحق كل

منزلت او را نزد خود و بحق هر پیغمبری که فرستادی او را بسوی بندگان خود و بحق هر

شيء جعلته مصدقا لرسلك وكل كتاب فصلته وأحكمته

چیزیکه گردانیدی او را تصدیق کننده برای رسولان خود و بحق هر کتابیکه تفصیل دادی او را و محکم

وشرعته وكل دعاء سمعته فأجبته وعمل رفعته

و شریعت قرار دادی او را و هر دعائیکه شنیدی او را پس اجابت کردی او را و عملیکه بلند کردی او را

وأسألك بكل من عظمت حقه وأعليت قدره و

و سؤال میکنم ترا بحق هر که بزرگ گردانیدی حق او را و برتر گردانیدی قدر او را و

عرفتنا أمره ومن لم تعرفنا مقامه ولم تظهر لنا شأنه

و شناسانیدی ما را شان او را و کسیکه نشناسانیدی ما را مقام او را و ظاهر نکردی از برای ما شان او را

ممن خلقته من أول ما ابتدأت به من خلقك وممن تخلقه

از آنکه آفریدی او را از اول آنچه ابتدا کردی بآن از آفریدگان خود و از آنکه خواهی آفرید

الی انقضاء

الدهر وأسألك بتوحيدك الذي فطرت عليه العقول وأخذت

روزگار و سؤال میکنم ترا بحق یگانه داشتن تو که خلق فرموده بران عقلها را و فرا گرفتی

به المواثيق وأرسلت به الرسل وجعلته أول فروضك ونهاية

بان پیمانها را و فرستادی بآن رسولان را و گردانیدی او را اول واجبهای خود و نهایت

طاعتك وأتوجه إليك بجودك ومجدك وكرمك وعزك وجلالك

طاعت خود و متوجه میشوم بسوی تو بحق بخشش تو و بزرگی تو و کرم تو و عزت تو و

وعفوك وامتنانك وتطولك وأسألك

و عفو تو و منت گذاشتن تو و تفضل کردن تو و سؤال میکنم

يا الله	يا الله	يا الله
ای خدا	ای خدا	ای خدا
يا رباه	يا رباه	يا رباه
ای پروردگار	ای پروردگار	ای پروردگار
فإذا	تغيب	إليك
و رغبت	[illegible]	بسوی تو
اخا حقا	وعاما	فاولا
در حقیقت	و عام	و اول

وآخر أحبابك ورسولك محمد سيد المرسلين

و آخر دوستان تو و رسول تو محمد صلی الله علیه و آله بزرگ رسولان

وأشرف الأولين والآخرين وبالرسالة التي أداها والعبادة التي

و اشرف پیشینیان و پسینیان و برسالتی که ادا کرد او را و بعبادتی که

اجتهد فيها والمحنة التي صبر عليها والمغفرة التي دعا إليها والديانة

کوشش کرد در آن و محنتی که صبر کرد بر آن و آمرزشی که خواند بسوی آن و دین

التي حرض

عَلَيْهِمَا مُنْذُ وَقْتِ رِسَالَتِكَ اِيَّاهُ اِلَى اَنْ تَوَفَّيْتَهُ وَبِمَا بَيْنَ ذٰلِكَ مِنْ

بر آن از وقت فرستادن تو او را پیغمبری تا وقتیکه رحلت داد او را و بانچه در میان

اَقْوَالِهِ الْحَكِيمَةِ وَاَفْعَالِهِ الْكَرِيمَةِ وَمَقَامَاتِهِ الْمَشْهُودَةِ وَسَاعَاتِهِ الْمَعْدُودَةِ

قولهای حکیمانه او و فعلهای نیکوی آن و مقامهای حاضر کرده شده و ساعتهای شمرده

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ كَمَا وَعَدْتَهُ مِنْ نَفْسِكَ وَتُعْطِيَهُ اَفْضَلَ مَا اَمَّلَ

اینکه رحمت بفرستی بر او چنانچه وعده کرده از جانب خود و عطا کنی باو افضل آنچه قصد کرده

مِنْ ثَوَابِكَ وَتُزْلِفَ لَدَيْكَ مَنْزِلَتَهُ وَتُعْلِيَ عِنْدَكَ دَرَجَتَهُ

از ثواب تو و نزدیک فرموده نزد خود مرتبه او را و بلند گردانیده نزد خود مرتبه او را

وَتَبْعَثَهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَتُورِدَهُ حَوْضَ الْكَرَمِ وَالْجُودِ وَعَلَى اٰلِهِ

و بفرستی او را بجایگاه پسندیده و وارد سازی او را بر حوض کرم و جود و رحمت بفرستی بر

الطَّيِّبِينَ الْاَطْهَارِ الْمُنْتَجَبِينَ الْاَبْرَارِ وَعَلَى جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمَلٰئِكَةِ

پاکیزه کانند و پاکان و برگزیدگان و نیکوکارانند و بر جبرئیل و میکائیل و بر فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى جَمِيعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

مقربان و بر جمیع پیغمبران و رسولان و شهیدان و صالحان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَصْبَحْتُ لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا

خداوندا بدرستیکه من داخل صبح شدم که نیستم مالک مر نفس خود را نه ضرر و نه نفع و نه مردن

وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا فَقَدِ انْقَطَعَتْ وَسَائِلِي وَذَهَبَتْ مَسَائِلِي

و نه زنده کردن و نه محشور شدن پس بتحقیق که بریده شده است وسیلهای من و رفته است سؤالهای من

وَذَلَّ نَاصِرِي وَاَسْلَمَنِي اَهْلِي وَوَلَدِي اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَكْدَى الطَّلَبُ

و خوار شده است یاری کننده من و واگذار داده است مرا اهل من و ولد من خداوندا بتحقیق که دشوار شده است طلب

وَاَعْيَتِ الْحِيَلُ اِلَّا عِنْدَكَ وَانْقَطَعَتِ الطُّرُقُ وَضَاقَتِ الْمَذَاهِبُ

و عاجز شده است چاره‌ها مگر نزد تو و بریده شده است راهها و تنگ شده است مذهب‌ها

اِلَّا اِلَيْكَ

مگر بسوی تو

وَدُرِسَتِ الْاٰمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ وَكَذَبَ الظَّنُّ

و محو شده است و باطل شده است امیدها و بریده شده است آرزوها مگر از تو و دروغ شده است گمان

وَاُخْلِفَتِ الْعِدَاةُ اِلَّا عِدَتَكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ

و خلاف شده است وعدها مگر وعده تو خداوندا بدرستیکه مناهل امید

لِفَضْلِكَ مُتْرَعَةٌ وَاَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَةٌ وَالْاِسْتِعَانَةَ

مر فضل تو را مملو است و درهای دعا از برای کسیکه بخواند ترا گشوده است و یاری جستن

لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةٌ وَالْاِسْتِغَاثَةَ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ

برای کسیکه یاری جوید بتو جایز و حلال است و طلب فریادرسی از برای کسیکه طلب فریادرسی کند موجود است

وَاَنْتَ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ اِجَابَةٍ وَلِلصَّارِخِ اِلَيْكَ وَلِيُّ الْاِغَاثَةِ

و تو بکسیکه خواننده خود را محل اجابتی و تو بکسیکه از برای فریاد کننده بسوی تو متولی فریادرسی

وَلِلْقَاصِدِ اِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَاَنْتَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ

و از برای قصد کننده بسوی تو قریب المسافه و تو بکسیکه پوشیده نمیشوی از خلق خود

اِلَّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمَالُ السَّيِّئَةُ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ

مگر اینکه بپوشاند ایشان را کردارهای زشت و بتحقیق که میدانم که بهترین توشه رحلت کننده

اِلَيْكَ عَزْمُ اِرَادَةٍ وَاِخْلَاصُ نِيَّةٍ وَقَدْ دَعَوْتُكَ بِعَزْمِ اِرَادَتِي

بسوی تو عزم نمودن اراده است و خالص بودن نیت است و بتحقیق که خوانده ام ترا بعزم اراده خود

وَاِخْلَاصِ طَوِيَّتِي وَصَادِقِ نِيَّتِي فَهَا اَنَا ذَا مِسْكِينُكَ

و خالص بودن طویت خود و راستی نیت خود پس اینکه من مسکین توام

بَائِسُكَ اَسِيرُكَ فَقِيرُكَ

محتاج توام اسیر توام فقیر توام

سَائِلُكَ مُنِيخٌ بِفِنَائِكَ قَارِعٌ

سؤال کننده توام اقامت کننده در فنای توام کوبنده

بَابَ

درگاه توام

رجائك وأنت أولى بنصر الواثق بك وأحق برعاية المنقطع

امید من و تو اولی بیاری کردن اعتماد کننده بتو و سزاوارتر برعایت کردن بریده شده

إليك سرّي لك مكشوف وأنا إليك ملهوف إذا أو

بسوی تو سر من برای تو ظاهر است و من بسوی تو پناه آورنده ام

حشتني الغربة آنسني ذكرك وإذا

بوحشت اندازد مرا غربت انس میدهد مرا یاد تو و زمانی

صُبّت عليّ الأمور استجرت بك وإذا

ریخته شود بر من کارها پناه میآورم بتو و زمانی

تلاحكت عليّ الشدائد أمّلتك وأين

متراکم شود بر من سختیها امید دارم بتو و کجا

يذهب بي عنك وأزمّة الأمور

برده شوم من از تو و زمام کارها از جانب تو و عنان امرها

كلها بيدك صادرة عن قضائك

تماما در دست توست صادر است از قضای تو

مذعنة بالخضوع لقدرتك فقيرة

اقرار میکنند بخضوع بودن مر قدرت ترا و محتاج

إلى عفوك ذات فاقة إلى رحمتك

بسوی عفو تو صاحب احتیاج بسوی رحمت تو

وقد مسّني الفقر

وناكني الضر وشملتني الخصاصة وعرّتني الحاجة

وتوسّمت بالذلة وعلتني المسكنة وحقت علي الكلمة

وأحاطت بي الخطيئة وهذا الوقت الذي وعدت أولياءك

و احاطه کرده است بمن گناه و این است وقت آنچنانی که وعده کردهٔ دوستان خود

فيه الإجابة فامسح ما بي بيمينك الشافية وانظر إلي بعينك

در آن اجابت کردن پس مسح فرما آنچه در من است بدست راست خود که شفا دهنده است و نظر کن بسوی من بچشم

الراحمة وأدخلني في رحمتك الواسعة وأقبل علي بوجهك

رحم کننده خود و داخل گردان مرا در رحمت واسعه خود و رو کن بطرف من بروی

ذي الجلال والإكرام فإنك إذا أقبلت على أسير فككته

صاحب بزرگی و کرامت پس بدرستیکه هرگاه رو کنی بر اسیری رها میکنی او را

وعلى ضال هديته وعلى حائر آويته وعلى ضعيف قوّيته

و بر گمراهی هدایت میکنی و بر حیرانی پناه میدهی او را و بر ضعیفی قوت میدهی

وعلى خائف آمنته اللهم إنك أنعمت علي فلم أشكر وابتليتني

و بر ترسنده ایمن میکنی او را خداوندا بدرستیکه تو نعمت دادی بر من پس شکر نکردم

فلم أصبر فلم يوجب عجزي عن شكرك منع المؤمّل من فضلك

پس صبر نکردم پس باعث نشود ضعف من از شکر تو منع کردن امید من از فضل تو

وأوجب عجزي عن الصبر على بلائك كشف ضرك وإنزال

و واجب ساخت ضعف من از صبر بر بلای تو رفع کردن تو بدی حال مرا و فرستادن

رحمتك فيا من قلّ عند بلائه صبري فعافاني وعند نعمائه

رحمت خود را پس ای کسیکه کم بود نزد بلای او صبر من پس عافیت داد مرا و نزد نعمتهای او

شكري فأعطاني أسألك المزيد من فضلك والإيزاع

شکر من پس عطا کرد مرا سؤال میکنم از تو زیادتی از فضل تو و در دل انداختن

لشكرك والاعتداد بنعمائك

مر شکر ترا و بر شمردن نعمتهای ترا

في أعلى العافية

در اعلی درجه عافیت

واسبغ النعمة انك على كل شيء قدير اللهم لا تخلني
وکامل گردان نعمت را ❁ بدرستیکه تو بر ❁ همه چیز ❁ توانائی ❁ خداوندا و مگذار مرا
من يدك ولا تتركني لقاً لعدوك ولا لعدوي ولا توحشني
از دست خود ❁ و وامگذار مرا رانده شده از برای دشمن تو و نه از برای دشمن من و در وحشت میفکن
من لطائفك الخفية وكفاياتك الجميلة هذا مقام العائذ بك
از لطفهای پنهان ❁ و کارگذاریهای نیکوی تو این مقام کسیست که پناه آورنده
اللائذ بعفوك المستجير بعز جلالك قد رأى اعلام قدرتك
والتجا آورنده باشد بعفو تو جوینده امان بعزت جلال تو ❁ بتحقیق که دیده است نشانهای قدرت ترا
فأره آثار رحمتك اللهم تولني ولا بها تغنيني بها عن سواها
پس بنما باو علامات رحمت خود را ❁ خداوندا متولی شو مرا متولی شدنی که بی نیاز نگردانی مرا با آن از غیر آن
واعطني عطية لا احتاج الى غيرك معها فانها ليست ببدع
وعطا کن مرا عطا کردنی که محتاج نباشم بسوی غیر تو ❁ با وجود آن پس بدرستیکه نیست بامر تازه
من ولايتك ولا بنكر من عطياتك ارفع الصرعة وانعش
از امور ولایت تو ❁ و نه ناشناخته شدن از بخشش تو ❁ بلند کن افتاده شو و برخیزان
السقطة وتجاوز عن الزلة واقبل التوبة وارحم الهفوة
لغزیده شو ❁ و بگذر ❁ از لغزش ❁ و قبول کن توبه را ❁ و رحم کن افتاده
وانج من الورطة واقل العثرة يا منتهى الرغبة وغياث
و نجات ده از هلاکت ❁ و فسخ کن لغزش را ای منتهای رغبت رغبت‌کنان و فریادرس
المكروب وولي النعمة وصاحبا في الغربة
اندوه اندوه ناکان و دوست نعمت ❁ و مونس من در غربت ❁ و رساننده
ورحمن الدنيا والآخرة
و بخشاینده دنیا و آخرت

خذني بيدي

من دحض المزلة فقد كبوت وثبتني على الصراط المستقيم
از محل لغزیدن ❁ پس بتحقیق که بلغزیدم من و ثابت بدار مرا بر راه راست ❁
والا فويت يا هادي الطريق يا فارج المضيق يا ربي اللصيق
والا گمراه خواهم بود ای راه نماینده ای گشاینده تنگی ❁ ای پروردگار من ❁ ای همسایه در پهلو
يا ركني الوثيق احلل عني المضيق واكفني شر ما اطيق وشر
ای رکن محکم من ❁ بگشا از من تنگی را ❁ و کفایت کن برای من شر آنچه طاقت
ما لا اطيق يا اهل التقوى واهل المغفرة والعزة والقدرة
آنچه طاقت ندارم ای اهل پرهیزکاری ❁ و اهل آمرزش ❁ و عزت ❁ و توانائی
والآلاء والعظمة يا ارحم الراحمين واكرم الناظرين
و نعمتها ❁ و بزرگی ❁ ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و کریم ترین نظر کنندگان
ورب العالمين لا تقطع منك رجائي ولا تخيب
و پروردگار عالمیان قطع مفرما از خود امید مرا ❁ و ناچیز مگردان

دعائي

ولا تجهد بلائي ولا تسئ قضائي ولا تجعل النار مأواي
و سخت مگردان بلای مرا ❁ و ناخوش مگردان قضای مرا و مگردان آتش را جایگاه
واجعل الجنة مثواي واعطني من الدنيا مناي وبلغني
و بگردان بهشت را مقام من ❁ و عطا کن از دنیا آرزوی مرا ❁ و برسان
من الآخرة املي ورضاي وآتني في الدنيا حسنة وفي
مرا در آخرت با امید من و خوشنودی من ❁ و بده بمن در دنیا نیکوئی ❁ و در
الآخرة حسنة وقنا عذاب النار انك على كل شيء قدير
آخرت نیکوئی ❁ و نگاه دار مرا از عذاب آتش بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
وبكل شيء محيط
و بهمه چیز احاطه کننده

بعد از آن بخوانی
این دعای سید العابدین وان از دعاهای صحیفه کامله

الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته وميز بينهما

حمد مر خدای را که آفرید شب و روز را بقوت خود و جدا کرد میان

بقدرته وجعل لكل واحد منهما حدا محدودا وأمدا

بقدرت خود و گردانید از برای هر یکی از آنها غایتی تعیین شده

ممدودا يولج كل واحد منهما في صاحبه و

و غایتی تعیین کرده شده داخل میسازد هر یک از این شب و روز را در مصاحب آن

يولج صاحبه فيه بتقدير منه للعباد فيما يغذوهم

و داخل میسازد مصاحب آنرا بتقدیر و اندازه که از جانب اوست از برای بندگان [illegible]

به وينشئهم عليه فخلق لهم الليل ليسكنوا فيه

[illegible] و نمو میدهد ایشانرا بر آن پس آفرید برای ایشان شب را تا آرام گیرند [illegible]

من حركات التعب ونهضات النصب وجعله لهم

از حرکتهای سبب تعب و برخاستنهای باعث رنج [illegible] و گردانید [illegible]

لباسا ليلبسوا من راحته ومنامه فيكون ذلك لهم

جامه تا بپوشند ایشان از راحت آسایش و خواب [illegible]

جماما وقوة ولينالوا

راحت و توانائی [illegible] تا برسند

به لذة وشهوة وخلق

بسبب آن بلذت و شهوة [illegible]

لهم النهار

[illegible]

مبصرا ليبتغوا

روشن تا اینکه طلب کنند

فيه وليتسببوا الى

در آن و وسیله جویند بسوی

رزقه ويسرحوا في ارضه طلبا لما فيه نيل العاجل

روزی خود و سیر و استراحت کنند در زمین طلب کردن آنچه که در آن رسیدن بنفع حاضر

من دنياهم ودرك الآجل في اخراهم بكل ذلك يصلح

[illegible] دنیای ایشان [illegible] و در یافتن نفع آینده در آخرت ایشان [illegible]

شأنهم ويبلو اخبارهم وينظر كيف هم في اوقات طاعته

حال بندگانرا و [illegible] خبرهای ایشانرا و نظر میکند [illegible] در وقتهای طاعت

ومنازل فروضه ومواقع احكامه ليجزي الذين اساؤا

و جاهای واجبات او و موقعهای احکام او تا آنکه پاداش دهد [illegible]

بما عملوا ويجزي الذين احسنوا بالحسنى اللهم فلك الحمد

[illegible] و جزا دهد آنرا که نیکی کرده [illegible] خداوندا پس از برای [illegible]

على ما فلقت لنا من الاصباح ومتعتنا به من ضوء النهار

[illegible] صبح [illegible] روشنائی روز

وبصرتنا به من مطالب الاقوات ووقيتنا فيه من طوارق

و بینا [illegible] از جاهای طلب روزیها [illegible]

الآفات أصبحنا وأصبحت

[illegible]

الأشياء كلها بجملتها

[illegible]

لكَ سَمَائُهَا وَأَرْضُهَا وَمَا بَثَثْتَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَاكِنُهُ وَ
از برای تو است آسمان آنها و زمین آنها و آنچه ساخته در هر یک از این دو آسمان ساکنش و
مُتَحَرِّكُهُ وَشَاخِصُهُ وَمُقِيمُهُ وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَمَا كَنَّ تَحْتَ الثَّرَى
و جنبنده و ایستاده و اقامت کننده آنها و آنچه بالا رفته است در هوا و آنچه پنهان است
أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَسُلْطَانُكَ وَتَضُمُّنَا
صبح کردیم ما در پنجه اقتدار تو فرو میگیرد ما را ملک تو و پادشاهی تو و جمع میکند ما را
مَشِيَّتُكَ وَنَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ وَنَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ لَيْسَ
خواست تو و تصرف میکنیم در کارها بامر تو و میگردیم از حالی بحالی در آنچه تقدیر تو است نیست
لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ اللَّهُمَّ
ما را از کار خود مگر آنچه امر تو در آن مقرر شد و نه از نیکوئی مگر آنچه عطا فرموده خداوندا
وَهَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ إِنْ أَحْسَنَّا
این روزیست حادث نو و تازه و او بر ما شاهدیست حاضر اگر نیکی کنیم
وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ وَإِنْ أَسَأْنَا فَارَقَنَا بِذَمٍّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وداع میکند ما را با ستایش و اگر بدی کنیم ما را مفارقت میکند از ما بمذمت خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او
وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ
و روزی کن ما را خوبی مصاحب داشتن با این روز و نگاه بدار ما را از بدی مفارقت نمودن او
جَرِيرَةٍ أَوِ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ
معصیتی یا اکتساب گناه کوچکی یا گناه بزرگی و بسیار گردان از برای ما در این روز از نیکوئیها
وَأَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَامْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْداً وَشُكْراً
و خالی ساختن ما را در این روز از بدیها و پر کن از برای ما آنچه میان دو طرف این روز است از حمد
وَأَجْراً وَذُخْراً
وَفَضْلاً وَإِحْسَاناً | و اجر و ذخیره آخرت | اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ
و فضل و احسان | خداوندا آسان کن بر گرامیان

الْكَاتِبِينَ مَؤُونَتَنَا وَامْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا وَلَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ
نویسندگان رحمت ما را و پر کن از برای ما از حسنات ما نامهٔ اعمال ما را و رسوا مگردان ما را نزد ایشان
بِسُوءِ أَعْمَالِنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظّاً
بسبب کردارهای بد ما خداوندا بگردان از برای ما در هر ساعتی از ساعات این روز بهره
مِنْ عِبَادَتِكَ وَنَصِيباً مِنْ شُكْرِكَ وَشَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ
از پرستش خود و نصیبی از شکر گزاری و گواه راستی از فرشتگان
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و نگاه دار ما را در این روز از پیش روی ما
وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا حِفْظاً
و از پشت سر ما و از جانب راست ما و از جانب چپ ما و از همه جانبهای ما نگاهداشتنی
عَاصِماً مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِياً إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعْمَلاً لِمَحَبَّتِكَ
نگاهدارنده باشد از معصیت تو راه نماینده باشد بسوی طاعت تو کار فرموده باشد بمحبت تو
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و توفیق ده ما را در روز ما و این شب ما
هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَهِجْرَانِ الشَّرِّ وَشُكْرِ النِّعَمِ
این و در همه روزهای ما از برای کار خیر کردن و دوری کردن از شر و شکر گزاردن نعمتها
وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَمُجَانَبَةِ الْبِدَعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
و پیروی کردن سنتها و دوری کردن بدعتها و امر کردن بکار نیکو و نهی کردن از کار زشت
وَحِيَاطَةِ الْإِسْلَامِ وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ وَنُصْرَةِ الْحَقِّ
و محافظت کردن دین مسلمانی و شکستن باطل و خوار کردن آن و یاری دادن حق
وَإِعْزَازِهِ وَإِرْشَادِ
الضَّالِّ وَمُعَاوَنَةِ | و گرامی داشتن آن و راه نمودن | الضَّعِيفِ وَإِدْرَاكِ
گمراه و یاری نمودن | | ضعیف و دریافتن

اللهيف اللهم صل على محمد وآل محمد واجعله افضل

ستمدیده ❁ خداوندا رحمت بفرست بر محمد ❁ و آل محمد ❁ و بگردان تو روز ما

يوم عهدناه وايمن صاحب صحبناه وخير وقت ظللنا فيه

روزیکه دریافته ایم ❁ و مبارکترین مصاحبیکه مصاحبت داشته ایم و بهترین وقتیکه بسر برده ایم

واجعلنا من ارضى من مر عليه الليل والنهار من جملة خلقك

و بگردان ما را از خوشنودترین کسیکه گذشته است بر او شب و روز از جمله آفریدگان

اشكرهم لما اوليت من نعمك واقوهم بما شرعت من شرائعك

شکر کننده ترین ایشان ... و قویترین ایشان ...

واوقفهم عما حذرت من نهيك اللهم اني اشهدك و

و بازایستاده ترین ایشان ... ❁ خداوندا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا

كفى بك شهيدا واشهد سماءك وارضك ومن اسكنتهما ٥

... و گواه میگیرم آسمان ترا و زمین ترا و هرکه ساکن گردانیده در آنها

من ملائكتك وسائر خلقك في يومي هذا وساعتي هذه

از فرشتگان تو ❁ و تمام آفریدگان تو در این روز من و این ساعت من

وليلتي هذه ومستقري هذا اني اشهد انك انت الله الذي

و در این شب من و این قرارگاه من ... بدرستیکه من گواهی میدهم باینکه توئی تو خدای آنچنان

لا اله الا انت قائم بالقسط ٦

عدل في الحكم رؤف بالعباد مالك الملك

عادل در حکم بسیار مهربان به بندگان پادشاه ملک و ملکوت

رحيم بالخلق وان محمدا عبدك ورسولك وخيرتك ٥

رحم کننده بخلق و بدرستیکه محمد بنده تست ❁ و رسول تست و برگزیده تست

من خلقك حملته رسالتك فاداها وامرته بالنصح لامته

از میان خلق تو ... تکلیف کردی ... رسالت خود را پس رسانید ... و امر کردی ... بنصیحت

فنصح لها فصل على محمد وآل محمد واكثر ما صليت على احد

پس نصیحت کرد امت خود را پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❁ بیشتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی

من خلقك وآته عنا افضل ما آتيت احدا من عبادك واجزه

از آفریدگان خود ❁ و بده او را از ما بهترین آنچه دادی یکی از بندگان خود را و جزا ده

عنا افضل واكرم ما جزيت احدا من انبيائك عن امته انك

از جانب ما ... بهترین و گرامیترین جزائی که دادی احدی را از پیغمبران تو از جانب امتش

انت المنان بالجسيم الغافر للعظيم وانت ارحم من كل

توئی عطا کننده نعمت بزرگ آمرزنده هر گناه بزرگ و توئی مهربانتر از ❁

رحيم وصلى الله على سيدنا

هر مهربان و رحمت کند خدا بر بزرگ

ونبينا محمد وآله الطا

و پیغمبر ما محمد ❁ و آل او پاکیزه

هرين الاخيار الانجبين

گان ❁ و برگزیده و بزرگوار

و بدانکه دعاها و ذکرها که وارد شده است از ائمه عصمت سلام الله علیهم ❁ در تعقیبات ❁ خصوصا تعقیب صبح بسیار است و ما اکتفا کردیم باین قدر از جهت اختصار والله ولی الاعانة والتوفیق

در کتاب ... از کتاب اقبال سید ... و مصباح کفعمی و بلد الامین و منهاج العارفین و در صحیفه علویه و چهار صحیفه سجادیه و در صحیفه حضرت قائم علیه السلام ... تعقیبات ...

بدانکه آنچه ما ذکر کردیم

ان از تعقیب ماخوذ است از روایات متعدده و مجتمع نشده ا
در روایت واحدی پس بهتر است که اقتصار نمائی بر بعضی از آن هرگاه
وسعت نداشته باشی از برای همه و هرگاه بیابی در نفس خود
سستی و مندکی پس تکلیف مکن تا از ابی میل بسوی آن و اقبال بر آن
زیرا که توجه و اقبال روح عبادت و دعاست

و سنت است

نشستن تو در مصلای خود بعد از
فراغ از نماز صبح تا آنکه طلوع کند
آفتاب هرچند تو به باشی مشغول
بتعقیب پس بتحقیق که روایت شده است
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که
فرمودند که هرکه نماز کند و بنشیند
در مصلای خود تا طلوع آفتاب

خواهد بود از برای او
ستر از آتش و سزاوار است خواندن لیس بعد از تعقیب
پس بدرستیکه خواننده آن در صباح همیشه محفوظ است و روزی داده شده است
تا آنکه شام کند و این سوره را دافعه میگویند جهت آنکه دفع میکند از
خواننده خود هر شری را و قاضیه نیز میگویند باعتبار آنکه بر می‌آورد از برای
خواننده خود هر حاجتی را

فصل

بدانکه وارد است قسمت روز بدوازده ساعت نسبت هر ساعتی بیکی از

اثنی عشر علیهم السلام

و تخصیص آن بدعائیکه خوانده شود در آن و ما ذکر میکنیم هر یک از آنها را
با دعای آن در محل خود انشاء الله پس ساعت اول همین ساعتی است که کلام ما در این
در آن است یعنی ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب و این منسوب است

بحضرت امیر المؤمنین

علیه السلام و دعا این است

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الظَّلَامِ وَالْفَلَقِ
خداوندا ای پروردگار تاریکی و روشنی
وَالْفَجْرِ وَالشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا
و صبح و شفق و شب و آنچه
وَسَقَ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ
جمع کند از اشیاء و ماه هرگاه مجتمع شود
خَالِقَ الْإِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ
ای آفریننده انسان از پاره خون
أَظْهَرْتَ قُدْرَتَكَ بِبَدِيعِ
ظاهر کردی تو قدرت خود را بصنعت بدیع
صُنْعِكَ وَخَلَقْتَ عِبَادَكَ لِمَا كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ
صنعت خود و آفریدی تو بندگان خود را از برای آنچه تکلیف کرده ایشان را از عبادت خود و راه نمودی
بِكَرَمِ فَضْلِكَ إِلَى سُبُلِ طَاعَتِكَ وَتَفَرَّدْتَ فِي مَلَكُوتِكَ بِعَظِيمِ
بسبب بزرگواری فضل خود بسوی راههای طاعت خود و یگانه شدی در تمام عوالم ملک و ملکوت خود بزرگی
السُّلْطَانِ
وَتَوَدَّدْتَ إِلَىٰ خَلْقِكَ بِقَدِيمِ الْإِحْسَانِ وَتَعَرَّفْتَ إِلَىٰ بَرِيَّتِكَ
و اظهار کرده دوستی خود را بسوی خلق خود بسبب قدیم بودن احسان تو و اظهار خود کرده بسوی آفریدگان

بجمیع الالسنة یا من یسئله من فی السموات والارض کل یوم هو
بزرگی منانست ای کسیکه سؤال میکند او را هر که در آسمانها و زمین است هر روز او
فی شأن اسئلک اللهم بمحمد خاتم النبیین الذی نزل به الروح
در کاریست از تو سؤال میکنم خداوندا بحق محمد آخر پیغمبران که فرود آمده است بر او روح
الامین علی قلبه لیکون من المنذرین بلسان عربی مبین و
الامین یعنی جبرئیل بر دل او تا بوده باشد از ترسانندگان بلسان عربی ظاهر و
بامیر المؤمنین علی بن ابی طالب ابن عم الرسول وبعل البتول
بحق امیر المؤمنین علی پسر ابی طالب پسر عم رسول و شوهر بتول
الذی فرضت ولایته علی الخلق وکان ید وجبت داد الحوائج ان
که واجب گردانیدی دوستی او را بر خلق و بود چنین که میگشت حق هر جا که میگشت او
تصلی علی محمد وآل محمد فقد جعلتهم وسیلتی امامی
رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس تحقیق گردانیدم ایشان را وسیله خود در امام خود
وبین یدی حوائجی وان تغفرلی ذنبی وتطهر قلبی وتستر عیبی
در مقدم و پیش روی حاجتهای خود و آنکه بیامرزی گناه مرا و پاک گردانی قلب مرا و بپوشی عیب مرا
وتفرج کربی وتبلغنی من طاعتک وعبادتک املی وتقضی
و دفع کنی اندوه مرا و برسانی مرا از طاعت تو و عبادت تو آرزوی مرا و برآوری
لی حوائجی للدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین
برای من حاجتهای مرا از برای دنیا و آخرت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وجایز است که بکردانی این دعا را از جمله تعقیب صبح و باید که بوده باشد
آخر تعقیبات او و بعد از آن بعد از نماز و سجده شکر پس تحقیق که روایت
کرده است ابن بابویه در فقیه از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
که فرمودند که سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی در تمام کنی بآن
نماز خود را و راضی میکردانی بآن پروردکار خود را و بشگفت می‌آید

ملائکه از تو و بدرستیکه هرگاه نماز کند و بعد از آن سجده کند سجده
شکر را برمیکشاید پروردکار حجاب را میان بنده و میان ملائکه پس
میفرماید ای ملائکه من نگاه کنید بر بنده من که بجا آورده است فرض مرا
و تمام کرده است عهد مرا پس سجده کرده است برای من جهت شکر بر آنچه
انعام کرده ام من بآن ای ملائکه من چه چیز است برای او پس میگویند ملائکه
پروردکارا رحمت تو باز میفرماید خدا تعالی پس از آن دیگر چه چیز است برای او
پس میگویند ملائکه ای پروردکارا کفایت مهم و مطلب او باز میفرماید
خدا تعالی پس از آن دیگر چه چیز است برای او پس باقی نمیماند چیزی از خیر
مگر اینکه میگویند آنرا ملائکه پس میفرماید خدا تعالی ای ملائکه من پس از آن
چه چیز است برای آن پس میگویند ملائکه ای پروردکارا نمیدانیم علم آن را
پس میفرماید خدا تعالی هر آینه شکر میکنم من او را چنانکه او
شکر کرد مرا و رو میآورم سوی او بفضل خود و مینمایانم باو رحمت خود
را و سنت است طول دادن این سجده پس بتحقیق که روایت کرده است در
فقیه نیز که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بسجود میرفتند بعد از آنکه
نماز صبح میکردند پس بر نمیداشتند سر مبارک را تا آنکه بلند میشد روز
پس هرگاه بکنی این دو سجده را که ذکر شد میکنی ذراعهای خود را بر زمین
و میچسبانی سینه خود را و شکم خود را بر زمین و بجا می‌آوری آنچه را روایت
کرده ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت ابی الحسن علیه السلام که میگوئی در سجده اول

انی اشهدک واشهد ملائکتک وانبیائک وجمیع خلقک
بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا و جمیع آفریدگان ترا
انک انت الله ربی والاسلام دینی ومحمداً صلی الله علیه وآله
بدرستیکه توئی تو خداوند پروردکار من و اسلام دین من است و محمد که رحمت خداوند بر او باد و آل او

نَبِیّاً وَعَلِیّاً وَالْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسیٰ

پیغمبر را و علی و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی

وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَعَلِیّاً وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّداً سَلامُ اللهِ عَلَیْهِمْ

و علی و محمد و علی و حسن و محمد رحمت خدا بر ایشان باد

اَئِمَّتی بِهِمْ اَتَوَلّیٰ وَمِنْ اَعْدائِهِمْ اَتَبَرَّأُ

امامان من‌اند دوست میگیرم ایشان را و از دشمنان ایشان بیزاری میجویم

بعد از ان میگوئی سه مرتبه

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ

ای خداوندا بدرستیکه من قسم میدهم ترا بحق خون مظلوم

بعد از ان میگوئی سه مرتبه

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَنْشُدُكَ بِاِیوائِكَ عَلیٰ نَفْسِكَ لِاَوْلِیائِكَ

ای خداوندا بدرستیکه من قسم میدهم ترا بحق عهدیکه تو کرده بر نفس خود از برای دوستان خود

لَتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

باینکه غلبه دهی ایشان را بر دشمن تو و دشمن ایشان اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَی الْمُسْتَحْفِظینَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِه

و بر حفظ کنندگان از آل محمد رحمت کند خدا بر او و آل او

بعد از ان میگوئی سه مرتبه

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ الْیُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ

ای خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آسانی بعد از سختی

بعد از ان میگذاری گونهٔ راست خود را بر زمین و میگوئی

یا كَهْفی حینَ تُعْیینِیَ الْمَذاهِبُ وَتَضیقُ عَلَیَّ الْاَرْضُ بِما رَحُبَتْ

ای پناه من در وقتیکه تعب میاندازد مرا راهها و تنگ میشود بر من زمین با فراخی و وسعت او

یا بارِئَ خَلْقی رَحْمَةً بی وَكانَ عَنْ خَلْقی غَنِیّاً صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای آفریننده خلق من جهت رحمت بر من و حال آنکه بود از بی آفریدن من بی نیاز رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَعَلَی الْمُسْتَحْفِظینَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِه

و بر حفظ کنندگان از آل محمد رحمت کند خدا بر او و آل او

بعد از ان میگذاری گونهٔ چپ خود را بر زمین و میگوئی سه مرتبه

یا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ وَیا مُعِزَّ كُلِّ ذَلیلٍ قَدْ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ مَجْهُودی

ای خوار کننده هر جبار و ای عزیز کننده هر خوار بتحقیق قسم بعزت تو رسیده است در من شقت

بعد از ان میگوئی سه مرتبه

یا حَنّانُ یا مَنّانُ یا كاشِفَ الْكُرَبِ الْعِظامِ

ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده ای رفع کننده اندوهای بزرگ

بعد از ان ابتدا میکنی بسجدهٔ دوم و میگوئی در آن صد مرتبه (شکراً شکراً)

بعد از ان سؤال میکنی حاجت خود را و روایت شده از آن حضرت علیه السلام

که میفرمودند در سجدهٔ شکر با وجود آنکه اشکهای او روان میشد

عَصَیْتُكَ یا رَبِّ بِلِسانی وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَاَخْرَسْتَنی

گناه کرده‌ام ترا ای پروردگار من بزبان خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر اینه گنگ میکردی مرا

وَعَصَیْتُكَ بِبَصَری وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَاَكْمَهْتَنی وَ

و گناه کرده‌ام ترا بچشم خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر اینه کور میکردی مرا و

عَصَیْتُكَ بِسَمْعی وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَاَصْمَمْتَنی وَعَصَیْتُكَ

گناه کرده‌ام ترا بگوش خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر اینه کر میکردی مرا و گناه کرده‌ام

بیدی

وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَكَنَعْتَنی وَعَصَیْتُكَ بِرِجْلی وَلَوْ

و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر اینه شل میکردی مرا و گناه کرده‌ام ترا بپای خود و اگر

سيدي وعزتك لتجدن مني وعصيتك بفرجي ولو شئت وعزتك
لعقمتني وعصيتك بجميع جوارحي التي انعمت بها علي وليس هذا جزاؤك
اى آقاى من قسم بعزت تو هر آینه بسوى من بريدي و گناه كرده ام با فرج خود و اگر ميخواستي قسم بعزت تو عقيم ميكردي
اى و عقيم ميكردي مرا و گناه كرده ام تو را بجميع اعضاى خود كه انعام كرده باشى بر من و نيست اين جزاى تو

بعد از آن ميگفتند هر دو مرتبه
العفو العفو

بعد از آن ميچسبانيدند گونه راست خود را بر زمين و ميگفتند با آواز حزين
بؤت اليك بذنبي عملت سوء وظلمت نفسي فاغفر لي ذنوبي
اقرار كرده ام بسوى تو بگناهان خود كرده ام بدى و ستم كرده ام بنفس خود پس بيامرز مرا گناهان مرا
فانه لا يغفر الذنوب غيرك يا مولاي
پس بدرستيكه نمى آمرزد گناهان را مگر تو اى آقاى من

بعد از آن ميچسبانيدند گونه چپ خود را بر زمين و ميگفتند سه مرتبه
ارحم من اساء واقترف واستكان واعترف
رحم كن كسيرا كه بد كرده باشد و كسب گناه كرده باشد و فروتنى و اعتراف كرده باشد
پس بر ميداشتند سر خود را از سجده و بجا مى آوردند سجده شكر
اللهم لك الحمد كما خلقتني وامرك شئت ما كنت انا رب
خداوندا مر تراست حمد چنانچه آفريدي مرا و بوده ام چيزى يادكرده شده اى پروردگار
اعني على اهوال الدنيا وبوائق الدهر ونكبات الزمان ومصيبات
يارى كن مرا بر هولهاى دنيا و شرهاى روزگار و مصيبتهاى زمانه و مصيبتهاى
الليالي والايام واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض وفي سفري
شبها و روزها و كفايت كن از شر آنچه ميكنند ستمكاران در زمين و در سفر
فاصحبني وفي اهلي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي
پس مصاحبت كن با من و در اهل من پس خليفه من باش و در آنچه روزى كرده مرا پس بركت ده بر من و در نفس من

لك فذللني وفي اعين الناس فعظمني والى الملك فحببني وبذنوبي
پس خوار گردان مرا در ديده مردمان پس بزرگ گردان مرا و بسوى پادشاه پس دوست گردان مرا و بسبب گناهان من
فلا تفضحني وبعملي فلا تبسلني وبسريرتي فلا تخزني ومن شر الجن
پس رسوا مكن مرا و بسبب كردار من پس تسليم مكن مرا و بسبب پنهان من پس رسوا مكن و از شر جن
والانس فسلمني ولمحاسن الاخلاق فوفقني ومن مساوي الاخلاق
و انس پس سالم دار مرا و از براى خلقهاى پسنديده پس توفيق ده مرا و از بديهاى اخلاق
فجنبني الى من تكلني يا رب المستضعفين وانت ربي الى عدو
پس بركنار كن مرا بسوى كه ميگذارى مرا اى پروردگار ضعيف شمردگان و تو پروردگار منى بسوى دشمن
ملكته امري ام الى بعيد يتجهمني فان لم تكن غضبت علي
كه گردانيده او را مالك امر من يا بسوى دورى كه عبوس كند بروى من پس اگر نباشى تو غضبناك بر من
يا رب فلا ابالي غير ان عافيتك اوسع لي واحب الي اعوذ بنور
اى پروردگار من پس باك ندارم مگر اينكه عافيت تو اوسع است بر من و دوست تر است بسوى من پناه ميبرم
وجهك الذي اشرقت به السموات والارض وكشفت به
ذات تو كه روشن شده است به آن نور آسمانها و زمين و برطرف شده است به آن
الظلمة وصلح عليه امر الاولين والآخرين ان تحل علي
تاريكى و بصلاح آمده است امر گذشتگان و آيندگان و از اينكه فرود آيد بر من
غضبك وينزل بي سخطك لك الحمد حتى ترضى وبعد الرضا
غضب تو و نازل شود بر من غضب تو از براى تو است حمد تا اينكه خوشنود شوى و بعد از خوشنودى
ولا حول ولا قوة الا بك
و نيست حركتى و نه قوتى مگر بسبب تو

باب دويم

در آنچه كرده ميشود ميان طلوع آفتاب تا ظهر بتحقيق كه گذشت در اول باب
اول اينكه وارد شده است قسمت روز بدوازده ساعت و اينكه از براى هر يكى
از ائمه اثنی عشر علیهم السلام ساعتى است و از براى هر ساعتى دعائى است مخصوص

بان است پس ساعت اول که میان طلوع صبح است تا طلوع آفتاب از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام است و ذکر کردیم ما دعای او را و در جمله اعمال الوقت
پس هر بینه ذکر نکنیم در این مقام اینجه مخصوص باین وقت است پس میگوئی
که ساعت دوم از طلوع آفتاب است تا بر طرف شدن سرخی آن و این ساعت مخصوص بحضرت

امام حسن علیه السلام است

و میخوانی در این ساعت این دعا را

اللّهمّ یا خالق السّموات والارض ومالک البسط والقبض
خداوندا ای آفریننده آسمانها و زمین و مالک گشودن و بستن
ومدبّر الابرام والنّقض ومن لا یخیب المضطرّ اذا دعاه ویکشف
و تدبیر محکم کردن و خراب نمودن و کسیکه نومید نمیکند بیچاره را هرگاه بخواند او را و برطرف
السّوء یا مالک یا جبّار یا واحد یا قهّار یا عزیز یا غفّار یا من
بدی را ای پادشاه ای جبر کننده ای یگانه ای قهار ای غالب ای بسیار بخشنده ای کسیکه
لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار یا من لا یمسک خشیة
درک نمیکند او را چشمها و او درک میکند چشمها را ای کسیکه نمیکند امساک از ترس
الانفاق ولا یقتر خوف الاملاق یا کریم یا رزّاق یا مبتدیا
نفقه دادن و کم نمیکند از خوف فقیر شدن ای بزرگوار ای بسیار روزی دهنده ای ابتدا کننده
بالنّعم قبل الاستحقاق یا من ینزّل الرّوح من امره علی من یشاء
به نعمتها قبل از استحقاق ای کسیکه فرو میفرستد روح را از امر خود بر هر که میخواهد
من عباده لینذر یوم التّلاق کبرت نعمتک علیّ وصغر فی جنبها
از بندگان خود تا آنکه بترساند از روز ملاقات بزرگ است نعمت تو بر من و کوچک است در جنب آن
شکری وتمّ غناک عنّی وعظم
شکر من و تمام است بی نیازی تو از من و بزرگ است
الیک فقری اسئلک یا عالم
بسوی تو حاجت من سوال میکنم ترا ای دانا

سرّی وجهری یا من لا یقدر سواه علی کشف ضرّی ان تصلّی علی
نهان و آشکار من ای کسیکه قادر نیست غیر او بر دفع کردن بدحالی من اینکه رحمت بفرستی
محمّد رسولک المختار وحجّتک علی الابرار والفجّار وعلی اهل
بر محمد رسول تو و برگزیده تو و بر حجت تو بر نیکوکاران و بدکاران و بر اهل بیت او
الطّاهرین الاخیار واتوسّل الیک بالانزع البطین علما
که پاکان و اخیارند و توسل میجویم بسوی تو بانزع که بطین است از حیث علوم
وبالامام الزّکیّ الحسن المقتول سمّا فقد استشفعت بهم
و بامام پاکیزه از رذائل حسن علیه السلام کشته شده بزهر پس بتحقیق شفاعت میجویم بایشان
الیک وقدّمتهم امامی وبین یدی حوائجی ان تزیدنی من لدنک
بسوی تو و مقدم داشتم ایشانرا پیش روی خود بر طرف حاجتهای خود اینکه زیاد کنی مرا از نزد خود
علما وتهب لی حکما وتجبر کسری وتشرح بالتّقوی صدری
علم را و ببخشی بمن حکم و اصلاح کنی شکستگی مرا و بگشائی به پرهیزکاری سینه مرا
وترحمنی اذا انقطع من الدّنیا اثری وتذکرنی اذا نسی فیها ذکری
و رحم کنی مرا هرگاه بریده شود از دنیا اثر من و یاد کنی مرا هرگاه فراموش شود در دنیا یاد من
برحمتک یا ارحم الرّاحمین
برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و ساعت سوم

که از بر طرف شدن سرخی آفتاب است تا بلند شدن روز و از حضرت

امام حسین علیه السلام

و میخوانی در این ساعت این دعا را

اللّهمّ ربّ الارباب ومسبّب الاسباب ومالک الرّقاب
خداوندا ای پروردگار پروردگاران و سبب سازنده سببها و مالک گردنها
ومسخّر السّحاب
و مسخر کننده ابر

ومسهل الصعاب يا حليم يا تواب يا كريم يا وهاب يا مفتح الابواب

يا من حيث ما دعي اجاب يا من ليس له حاجب ولا بواب يا من ليس

لخزائنه قفل ولا باب يا من لا يحتجب بستر ولا يضرب دونه حجاب

يا من يرزق من يشاء بغير حساب يا غافر الذنب وقابل التوب

شديد العقاب اللهم انقطع الرجاء الا من فضلك وخاب

الامل الا من كرمك فاسئلك بمحمد رسولك وبعلي بن

ابي طالب صفيك وبالحسين الامام التقي الزكي الذي اشترى

نفسه ابتغاء مرضاتك وجاهد الناكثين عن صراط طاعتك

فقتلوه ساغباً ظمآناً وهتكوا حرمته بغياً وعدواناً وحملوا

رأسه في الآفاق واحلوه محل اهل العناد والشقاق اللهم فصل

على محمد وجدد على الباغي عليه عذاب لعنتك وانتقامك

وسخطك ونكالك اللهم اني اسئلك بحقه والبررة من ذريته

والائمة امامي وبين يدي حوائجي ان لا تقطع رجائي من امتنانك ولا تخيب تاميلي

في احسانك ونوالك ولا تجعل السائل المسكين محروماً من جهتك ولا تحجب عني عوائد

طولك ونعمتك ووفقني لما يقربني اليك وانصرني على اعدائي واعطني من خير

افضل ما ارجوا واكفني من الشر ما اخاف واحفظني برحمتك يا ارحم الراحمين

وساعت چهارم از بلند شدن روز است تا ظهر واین ساعت منسوب است بحضرت

قال زين العابدين عليه السلام

اللهم انت الملك المليك المالك وكل شيء سواك وجهك الكريم هالك

سخرت بقدرتك النجوم السوالك وامطرت بقدرتك الغيوم السواكن و

امطرت بقدرتك الغيوم ما ستواقلت وعلمت ما في البر والبحر وما تسقط

من ورقة في الظلمات الحوالك يا سميع يا بصير يا بر يا شكور يا غفور

يا رحيم يا من يعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور يا من له الحمد في الاولى

والآخرة وهو الحكيم الخبير اسئلك سؤال البائس الفقير واتضرع اليك

تضرع

الضّالعِ الکبیرِ واتوکّلُ علیکَ توکّلَ الخاشعِ المستجیرِ واقفُ ببابِکَ
وفروتنی کردن خم شده شکسته توکل میکنم بر تو توکل کردن خشوع کننده پناه آورنده و می ایستم بدرگاه تو

وقوفَ المؤمّلِ الفقیرِ واتوسّلُ الیکَ بالبشیرِ النّذیرِ والسّراجِ المنیرِ
ایستادن امیدوار محتاج و متوسل میشوم بسوی تو به بشارت دهنده ترساننده و چراغ روشن

محمّدٍ خاتمِ النّبیّینَ وابنِ عمّهِ امیرِ المؤمنینَ وبالامامِ علیِّ بنِ الحسینِ زینِ
محمد خاتم پیغمبران و پسر عم او امیر المؤمنین و به امام علی بن الحسین زینت

العابدینَ وامامِ المتّقینَ المخفی للصّدقاتِ والخاشعِ فی الصّلواتِ والدّائبِ
عبادت کنندگان و پیشوای پرهیزکاران پنهان دهنده تصدقات و خشوع کننده در نمازها

المجتهدِ فی المجاهداتِ السّاجدِ ذی الثّفناتِ ان تصلّیَ علی محمّدٍ وآلِ
و جد و جهد کننده در مجاهدات سجده کننده صاحب پینه‌ها که رحمت بفرستی بر محمد و آل

محمّدٍ فقد توسّلتُ بهم الیکَ وقدّمتُهم امامی وبینَ یدی حوائجی وان
محمد پس بتحقیق متوسل شدم بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشان را پیش پیش حاجتها خود

تعصمنی من مواقعةِ معاصیکَ وترشدنی الی موافقةِ ما یرضیکَ وتجعلنی
نگاه داری مرا از مجادله با معصیتها و آنکه راه نمائی مرا بسوی موافقت آنچه راضی گرداند ترا

ممّن یؤمّلکَ ویتّقیکَ ویخافکَ ویرجوکَ ویراقبکَ ویستحییکَ
از آنها که امید دارد بتو و پرهیز دارد از تو و میترسد از تو و امید دارد از تو و مراقب تو و حیا میکند از تو

ویتقرّبُ الیکَ بالاعمالِ من نوافلِکَ ویتحبّبُ الیکَ بمعاداةِ من کفرَ
و نزدیکی میجوید بسوی تو بعمل نافله‌ها و دوستی میجوید بسوی تو بدشمنی با کسی که کافر شد

نعماءَکَ ویعترفُ لدیکَ بعظیمِ نعمتِکَ وایادیکَ برحمتِکَ یا ارحمَ الرّاحمینَ
دشمنی میکند با تو و اعتراف میکند نزد تو ببزرگی نعمتهای تو و احسانهای تو برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وبدانکه نسخه‌هاى دعاهاى ساعتها اختلاف بسیار دارد

بزیادتی و نقصان و آنچه آورده‌ام من از آن در این کتاب آن است که وثوق دارم
دارم بران و خدا است ولی توفیق

فصل

و از آنچه سزاوار است که کرده شود در اول روز تصدق است هر چند بسیار کم باشد روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که صبح کاه بدهید صدقه پس بدرستیکه بلا را دفع میکند و روایت کرده است نیز در کافی از آنحضرت علیه السلام که فرمود صبح کاه بدهید صدقه و رغبت کنید در آن پس نیست مؤمنی که تصدق کند بصدقه اراده کند آنچه از خدا است جهت آنکه دفع کند خدا عز و جل بلا را از او بسبب آن صدقه شر آنچه فرود میاید در آن روز و از آنچه کرده میشود در اول روز مسح کردن بکلاب است پس در حدیث از اصحاب عصمت سلام الله علیهم وارد شده است هر که مسح کند خود را بگلاب نمیرسد او را در آن روز احتیاج و نه فقر و بایدکه مسح کرده شود رو و دستها و صلوة فرستاده شود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و از آنچه کرده میشود در اول روز در غالب اوقات مندیل بستن و پوشیدن جامه‌ها و موزه و نعل پس مرا اینه ذکر میکنیم بعضی از آداب و دعاهای آنها پس میگوئیم اما مندیل بستن پس مخصوص کرده شده است که سزاوار است که گفته شود نزد آن

اللّهمّ سوّمنی بسیماءِ الایمانِ وتوّجنی بتاجِ الکرامةِ وقلّدنی حبلَ الاسلام
خداوندا نشان کن مرا بنشان اهل ایمان و تاج ده مرا بتاج کرامت و در گردن من افکن ریسمان اسلام

ولا تخلع ربقةَ الایمانِ من عنقی

و مندیل مسح در حالیکه نشسته باشی و هر گاه مندیل بستی پس تحت الحنک بمندیل خود بند بستیکه تحت الحنک سنت مؤکد است روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که بدرستیکه من تعجب میکنم از کسیکه شروع کند در حاجت خود و حال آنکه تحت الحنک نکرده باشد

عمامه واین تحت الحنک خود چگونه بر نمیاید حاجت او ﴿ و احادیث در غیب محنک بسیار است ﴿ و بتحقیق که منعقد شده است اجماع شیعه بر ان ﴿ و عجب است از بعضی ما که چگونه انکار میکنند ان را با انکه روایت کرده اند ﴿ در کتابهای خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله که نهی فرموده است ﴿ از اقتعاط و امر کرده ﴿ بتلحی گفته است در کتاب صحاح اقتعاط بستن عمامه است ﴿ بر سر که داخل نکنند زیر حنک ﴿ و در حدیث واقع شده است ﴿ که پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده است از اقتعاط ﴿ و امر کرده است بتلحی تمام شد کلام صحاح ﴿ و تلحی گردانیدن عمامه است زیر لحیین ﴿ و بدانکه استحباب تحت الحنک عام است ﴿ در جمیع اوقات ﴿ و حالات مخصوص نیست بحال نماز و هر چند نماز در ان افضل است ﴿ بلکه ان سنتی است ﴿ خواه نماز کرده شود در ان و خواه نه ﴿ و نیست استحباب ان از برای نماز چنانچه ظاهر میشود از کلام بعضی از علمای ما ﴿ و شاید منشا ان ﴿ اخبار بسیار که در کتب اصول ما نقل شده است چیزی را که دلالت میکند بر استحباب ان از برای نماز ﴿ بلکه احادیث در این باب واقع شده همه عام است و بتحقیق که تصریح کرده است بان علامه ﴿ قدس الله روحه ﴿ در منتهی المطلب چون اورده است احادیث را که دلالت میکند بر اینکه تحنک ﴿ سنتی است فی نفسه بعد از ان فرموده بتحقیق ظاهر شد ﴿ بان احادیث استحباب تحنک مطلقا خواه بوده باشد در نماز ﴿ یا در غیر ان ﴿ تمام شد کلام او ﴿ پس سزاوار است که هرگاه تحت الحنک نزد اراده نماز قصد کنی ﴿ استحباب انرا لنفسه مانند اکثر مستحباب انرا لنفسه ﴿ مانند اکثر مستحبات نه اینکه از برای غیر خود یعنی نماز مانند دراعه ﴿ و بودن تحت الحنک شرط ﴿ در زیادتی ثواب نماز اقتضا نمیکند استحباب انرا از برای نماز و این ظاهر است ﴿ اما اداب پوشیدن جامه ها ﴿ پس سزاوار کوتاه کردن جامه است ﴿ پس بتحقیق که نقل شده است ﴿ در تفسیر قول خدای تعالی ﴿ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿ که مراد این است که جامه خود را کوتاه کن ﴿ و سزاوار است که نکند ﴿ استین و سر انگشتان در جامه بدانکه مکن جامه صوف برا و مپوش جامه شهرت ﴿ و بپوش در نماز جامه سفید و بتحقیق که روایت

شده است از حضرت صادق علیه السلام که گفته میشود ﴿ نزد پوشیدن جامه نو

اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَبَرَكَةٍ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ

خداوندا بگردان این جامه را جامه یمن و برکت خداوندا روزی کن مرا در او بجا اوردن شکر نعمت تو و نیکوئی

عِبَادَتِكَ وَالْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ

عبادت تو و عمل بطاعت تو ﴿ حمد مر خدایرا که روزی کرده مرا انچه میپوشم بان عورت خود را و زینت میکنم

بِهِ فِي النَّاسِ

در روایت شده است از حضرت باقر علیه السلام ﴿ که گفته میشود نزد پوشیدن جامه

اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتَقْوَى وَبَرَكَةٍ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ

خداوندا بگردان این جامه را جامه یمن و پرهیزکاری و برکت ﴿ خداوندا روزی کن مرا در ان نیکوئی عبادت تو ﴿

وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَأَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ

و عمل بطاعت تو ﴿ و بجا اوردن شکر نعمت تو ﴿ حمد مر خدایراست که پوشانید مرا انچه پنهان میکنم باو

عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ

عورت خود را و زینت میکنم بان در میان مردمان

و روایت شده است که گفته میشود نزد پوشیدن زیر جامه

اللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَأَعِفَّ فَرْجِي وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذٰلِكَ

خداوندا بپوشان عورت مرا و ایمن گردان ترس مرا و بپرهیزکار گردان فرج مرا و مگردان برای شیطان در ان

نَصِيبًا وَلَا لَهُ إِلَى ذٰلِكَ وُصُولًا فَيَصْنَعَ لِيَ الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ مَحَارِمِكَ

بهره ﴿ و نه از برای ان بسوی ان رسیدنی ﴿ پس قرار دهد برای من مکرها ﴿ و بهیجان اورد مرا برای ارتکاب حرامهای تو

و سزاوار است ﴿ که پوشیده شود زیر جامه رو بقبله ﴿ و اما پوشیدن موزه و نعل ﴿ پس باید که بوده باشد در حالیکه نشسته باشد ﴿ و میپوشد نعل پای راست را پیش از چپ ﴿ و نزد کندن میکند بعکس این در حالیکه ایستاده باشد ﴿ و میگوید نزد پوشیدن هر یک از موزه و نعل

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ

اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ و آل محمّدٍ و قِهما و قدمیّ فی الدّنیا و الاخرة و ثبّتهما

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و نگاه بدار پاهای مرا در دنیا و آخرت و ثابت گردان

علی الصّراط یوم تزلّ فیه الاقدام

بر صراط روزی که میلغزد در آن پاها

و میگوئی نزد کندن آنها

بسم الله و الحمد لله الّذی رزقنی ما اوقی به قدمیّ من الاذی

بنام خداوند و حمد مر خدا را که روزی کرد مرا آنچه حفظ کنم بان پاها خود را از رنج و آزار

اللّهمّ ثبّتهما علی صراطک و لا تزلّهما عن صراطک السّوی

خداوندا ثابت بدار آنها را بر صراط خود و مگردان آنها را از صراط راست

و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام پوشیدن موزه سرخ در حضر نه در سفر

و روایت شده است از آنحضرت علیه السلام که فرمودند که از جمله سنت است موزه سیاه و نعل زرد و مکروه شمرده اند آنحضرت علیه السلام پوشیدن نعل سیاه

و روایت شده است از آنحضرت علیه السلام که هر که بپوشد نعل زرد کهنه نمیکند مرا تا آنکه برساند مالی و هم از آنحضرت است علیه السلام که هر که بپوشد نعل زرد خواهد بود در سرور و شادی تا کهنه کند آنرا

فصل

و از آنچه جاری شده است عادت بان و در اثنای این وقت یعنی بیان طلوع عاما و زوال اکل و شرب پس در اینجا ذکر میکنیم پاره از آداب انرا و آداب آن را که روایت شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم پس میگوئیم که هرگاه میخواهی چیزی بخوری پس بنشین بر جانب چپ خود و منشین مربع پس بدرستیکه آن نشستنی است که ناخوش میدارد آنرا خدا تعالی و دشمن میگرداند صاحب آنرا چنانچه روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و هرگاه دراز کنی دست خود را جهت اکل پس بگو (بسم الله و الحمد لله ربّ العالمین) پس بتحقیق که روایت شده است

از حضرت صادق علیه السلام که مرد هرگاه خواهد که چیزی بخورد پس بشوید دست خود را بسم الله و الحمد لله ربّ العالمین می آمرزد خدا تعالی او را پیش از آنکه برسد لقمه بدهن او و روایت شده است استحباب تسمیه بر هر رنگ از طعام و روایت شده است نیز استحباب آن بر هر ظرفی که مائد باشد و هر چند از یکرنگ باشد و هر که فراموش کند تسمیه را بر هر رنگی پس بگوید بسم الله علی اوّله و آخره روایت کرده است این را شیخ محدثین در فقیه و از آنچه سزاوار است که گفته شود نزد شروع

بینا کرده این دعاست

الحمد لله الّذی یطعم و لا یطعم و یجیر و لا یجار علیه و یستغنی و یفتقر الیه

سپاس مر خدا را که طعام میکند و طعام داده نمیشود و پناه میدهد و کسی بر پناه داده نمیشود و بی نیاز است او و محتاج

اللّهمّ لک الحمد علی ما رزقتنا من طعام و ادام فی یسر منک و عافیة من غیر

خداوندا از برای تو است حمد بر آنچه روزی کردی ما را از طعام و نان خورش در آسانی از تو و عافیت بی

کدّ منّا و لا مشقّة بسم الله خیر الاسماء بسم الله ربّ الارض و السّماء بسم الله

رنج از ما و بی مشقت بنام خدا بهترین نامهاست بنام خدا که پروردگار زمین و آسمان است بنام خدا

الّذی لا یضرّ مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السّماء و هو السّمیع العلیم اللّهمّ

که ضرر نمیرساند با نام او چیزی در زمین و نه در آسمان و اوست شنوا و دانا خداوندا

سعّدنی فی مطعمی بخیره و اعذنی من شرّه و امتعنی بنفعه و سلّمنی من ضرّه

نیک بخت کن مرا در طعام من بخیر او و پناه ده مرا از شر آن و بهره مند گردان مرا بنفع آن و سلامت دار مرا از ضرر آن

و سزاوار است که بوده باشد اول آنچه بخوری هر روز ناشتا بیست و یک دانه مویز سرخ پس روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که بخورد هر روز ناشتا بیست و یک دانه مویز سرخ بیمار نشود مگر بیماری که مردن در پی آن باشد و بشوید دستهای خود را پیش از طعام و بعد از آن و هر چند بوده باشد چیز خوردن تو بیک دست و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که هر که بشوید دست خود را پیش از طعام و بعد از آن معیشت او در فراخی و عافیت داده شود از بلا

دربدن او باشد ❁ وبتحقیق که روایت شده است از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
که این زیاده میکند در عمر وجلا میدهد چشمها ❁ وابتدا کن اگر تو صاحب ❁
طعام باشی بشستن اوّل بعد از آن ❁ بشوید بعد از تو کسی که بر طرف راست تو باشد ❁
و در شستن دوم میشوئی تو آخر همه ❁ ابتدا میکند کسیکه بر طرف چپ تو باشد
و روایت شده است ابتدا در شستن دوم هرکه بر طرف راست تو باشد خواه آزاد باشد
یا بنده ❁ و پاک مکن دست خود را بمندیل بعد از شستن اوّل ❁ و پاک کن آنرا بعد از
شستن دوم ❁ بعد از آنکه مالیده باشی طعام را بجیبهای خود ❁ و پاک مکن دست
خود را بمندیل هرگاه دران اثر طعام باشد ❁ تا اینکه بلیسی آنرا و شکر کن حمد خدا
تعالی در اثنای اکل ❁ و ابتدا کن باکل پیش از حاضران ❁ اگر بوده باشی تو صاحب
طعام ❁ و فرا گیر دست خود را از آن بعد از ایشان ❁ و سزاوار نیست چیزی خوردن
بدست چپ و نه آب آشامیدن بآن . و نه چیزی خوردن بدو انگشت ❁ و هرگاه حاضر شود
نان ❁ پس انتظار مکش بحاضر شدن غیر آنرا از اطعمه ❁ و مکن ادا نان را زیر کاسه و مبر
نان را بکارد ❁ و ابتدا کن بنمک و ختم کن بآن ❁ و روایت شده است ختم بسرکه نیز ❁
و سنت است حاضر کردن سبزی نزد نان ❁ بر مائده و مخور گوشت در یکروز دو مرتبه
و بخورید در هر سه روز مگر وصیت در ایشان تا چهل روز ❁ و خالی مکن تمام گوشت
استخوان را ❁ بلکه بگذار در آن بقیه ❁ پس بتحقیق که روایت شده است که از برای
جن در آن بهره ایست ❁ و اینکه هر که بکند اینرا میبرد از خانه او آنچه بهتر باشد ❁
و سنت است طول دادن نشستن بر مائده ❁ اگر بوده باشی تو صاحب طعام ❁ پس بتحقیق
که روایت کرده است ❁ ثقة الاسلام در کافی بسند حسن ❁ از زراره که گفت شنیدم
از حضرت ابی عبدالله علیه السلام ❁ که فرمودند که سه چیز است که هرگاه بیاموزد آنرا
خواهند بود آنها سبب زیادتی در عمر او و بقای نعمت برای او ❁ پس گفتم من که چیست فرمودند
طول دادن در رکوع و سجود در نماز ❁ و طول دادن نشستن ❁ بر طعام هرگاه چیزی
بخورد ❁ بر مائده خود و بجا آوردن احسان بسوی اهل ❁ و شکر بعد از فراغ از اکل

دعائی روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام

الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین وسقانا فی ظمائین ❁ وکسانا فی
حمد مر خدا را که طعام فرمود ما را در میان گرسنگان و سیراب کرد ما را در میان تشنگان و پوشانید ما را
عارین وهدانا فی ضالین وحملنا فی راجلین وآوانا فی ضاحین و
میان برهنگان و راه نمود ما را در میان گمراهان و سوار کرد ما را در میان پیادگان و جا داد ما را در میان آشفتگان
خدمنا فی عانین وفضّلنا علی کثیر من العالمین
و خدمتکاران ما را در میان رنج کشندگان و زیادتی داد ما را بر بسیاری از اهل عالم

و اما آنچه که مشهور است در این زمان ❁ از خواندن سوره فاتحه بعد از طعام ❁ پس
اطلاع نیافته ام من بر آن ❁ در کتابهای حدیث ❁ و سزاوار است که بشویند حاضران
دستهای خود را همه در یک طشت ❁ و بند آورند و پر نکنند ❁ تا بر نشود و سنت است
خلال کردن ❁ و مکروه است خلال نمودن بچوب انار و نی ❁ و ریحان و چوب
انار ❁ و سزاوار است بیرون انداختن آنچه بیرون آید از میان دندانها بخلال
❁ و فرو بردن آنچه بیرون آید بزبان ❁ و سزاوار است که بوده باشد آنچه میخورد
موافق آنچه میخواهند اهل و عیال تو ❁ نه آنچه میخواهی از آن تو ❁ پس بتحقیق که روایت کرده
ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام ❁ که فرمودند پیغمبر صلی الله
علیه و آله مؤمن میخورد ❁ بخواهش اهل خود ❁ و منافق میخورد بخواهش او
اهل او ❁ و اما آداب آب آشامیدن ❁ پس این است که بگوئی بعد از آشامیدن آن

الحمد لله منزل الماء من السماء ومصرّف الامر کیف یشاء بسم الله الرحمن الرحیم
حمد مر خدا را است که فرو فرستنده است آب را از آسمان و گرداننده است امر را بهر نحو که میخواهد بنام خدا بخشنده مهربان

و میگوئی بعد از آشامیدن

الحمد لله الذی سقانی ماء عذبا ولم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی
حمد مر خدا را که آب داد مرا آب گوارا و نگردانید آنرا شور بسبب گناهان من

سقانی فاروانی واعطانی فارضانی وعافانی وکفانی

آب داد مرا پس سیراب گردانید مرا و عطا کرد مرا پس خشنود گردانید مرا و عافیت داد مرا و کفایت کرد مرا

وهنانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد

و گوارا کرد مرا خداوندا بگردان مرا از آنهائی که آب میدهی او را در قیامت از حوض محمد

صلی الله علیه وآله وتسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین

رحمت خدا بر او و بر آل او و سعادت عطا میکردی او را به رفیق بودن با حضرت برحمت تو ای رحم کنندهترین رحم کنندگان

و سنت است آشامیدن مصّا نه عبّاً که روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه وآله که آشامیدن آب عبّاً مورث کباد است و سزاوار است که بنا شامد ایستاده و بدو دست خود و به سه نفس و حمد کند خدای تعالی بعد از هر نفسی و سؤال کرده شده است از حضرت صادق علیه السلام از آشامیدن بیک نفس پس فرموده اند که اگر آب دهندهٔ تو غلام تو باشد پس بیاشام به سه نفس و اگر آزاد باشد پس بیاشام بیک نفس و بتحقیق که روایت شده است که هر که بیاشامد آب پس یاد کند حسین را و لعنت کند کشندگان او را بنویسد خدا از برای او صد هزار حسنه و ساقط کند از او صد هزار گناه و بلند کند از برای او صد هزار درجه و مرتبه واجب میشود از برای او بهشت و سزاوار است اجتناب کردن آشامیدن آب از طرف دسته و از جانبی که شکسته باشد و بسیار خوردن آب پس بتحقیق که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که بپرهیزید از بسیار خوردن آب پس بدرستی که آن ماده هر دردی است و روایت شده است هر که بیاشامد

باب

و یاد کند حضرت امام حسین علیه السلام را و لعن کند کشنده او را مینویسد خدای تعالی از برای او صد هزار حسنه و ساقط میکند از او هزار گناه و بلند میکند از برای

او صد هزار درجه و بمنزله آن است که آزاد کرده باشد صد هزار بنده در راه خدا

باب سیم

در آنچه کرده میشود میانهٔ زوال آفتاب تا غروب و در این باب مقدمه است

و چند فصل

مقدمه

روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه وآله که فرمود که هرگاه زوال آفتاب میشود گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت و مستجاب میشود دعا پس خوشا حال کسی که بالا برده شود برای او عمل صالحی و روایت کرده است نیز از پیغمبر صلی الله علیه وآله که فرموده که آفتاب از نزد زوال حلقهایست که داخل میشود در آن پس هرگاه داخل شد در آن زائل میشود آفتاب پس تسبیح میکند هر چیزی که غیر از اوست بحمد پروردگار من عزّ و جلّ و این ساعتیست که صلوات میفرستد بر من در آن پروردگار من جلّ جلاله و فرض کرده است بر من و بر امّت من در آن نماز را و فرموده است عزّ اسمه

اقم الصلوة لدلوک الشمس الی غسق اللیل

یعنی بپای دار نماز را از زوال آفتاب تا نصف شب والله تعالی یعلم و این ساعتیست که میآورند در آن جهنم را در روز قیامت پس نیست مؤمنی که موافق افتاده باشد این ساعت را که بوده باشد او سجده کننده یا رکوع کننده یا ایستاده مگر آنکه حرام کرداند خداوند تبارک و تعالی بدن او را بر آتش

فصل

سزاوار است برخاستن بسوی نماز در اول وقت آن خواه نماز واجب باشد یا سنت مگر آنچه استثنا شده پس بدرستیکه فضیلت اول وقت بر آخر آن مثل فضیلت آخرت است بر دنیا چنانچه روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که اول وقت خوشنودی خدای تعالی است و آخر آن عفو خدا و ظاهر این است که این

فضیلت

فضیلت دریافته میشود ✿ مشغول شدن در اول وقت بمقدمات نماز مانند طهارت بعد سنتی و مدتیکی ✿ چنانکه گفته شیخ ما شیخ شهید رحمه الله ✿ و موقوف نیست ✿ دریافتن آن بر داخل شدن در نماز ✿ در اول وقت و اما در بعضی ✿ روایات مذکور شده ✿ که ظاهرش خلاف این است ✿ چنانچه روایت شده از ائمه علیهم السلام ✿ که توقیر و تعظیم نکرده است ✿ نماز را کسیکه تاخیر کرده باشد طهارت آنرا تا آنکه داخل شود ✿ وقت نماز پس تا قدرام من از برای آن سنتی که اعتماد باشد بران ✿ و عبرتی بیفته راج عمل بان ✿ در عمل انچه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن ✿ از حضرت صادق علیه السلام ✿ که هرگاه بشود چیزی پس یکبار آنرا خواهد بود از برای او اجران ✿ و هرچند نبوده باشد حدیث ✿ چنانچه رسیده باشد باو چیزی از خیر و عمل کند بان ✿ چنان دلالت میکند بر آنکه ✿ در میان در آمدن طهارت میان اول وقت ✿ و هم منافی توقیر است ✿ تا آنکه منافی دریافتن فضیلت وقت نیست ✿ زیرا که آن امری دیگر است ✿ غیر توقیر نماز ✿ پس ثبوتکن و سزاوار است انتظار کشیدن نماز ✿ و مشرف شدن بسوی وقت آن ✿ چنانکه روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله ✿ انتظار کشیدن داخل شدن وقت نماز را و میفرمودند

ارحنا یا بلال

یعنی داخل سازد برما ای بلال ✿ با علام کردن بداخل شدن وقت ✿ چنانچه فرمود صلی الله علیه و آله ✿ نور چشم من در نماز است ✿ و اول زوال شروع کردن سایه است ✿ در زیادتی بعد از کم شدن ✿ یا حادث شدن آن بعد از برطرف شدن ✿ پس بدرستیکه هرچند زیاده میشود بلندی آفتاب ✿ زیاده میشود کم شدن سایه تا آنکه هرگاه برسد آفتاب بانچه نهایت بلندی آن است ✿ در آنروز میرسد سایه بانچه کم شدن آن است ✿ در آنروز یا بالکلیه برطرف میشود ✿ و این نزد رسیدن آفتاب است بدائره نصف النهار ✿ یعنی بمنتصف ما بین مشرق و مغرب ✿ و معلوم است که اوضاع آفتاب نسبت بساکنان اقالیم مختلف است ✿ پس نسبت بساکنان بعضی اقالیم میباشد در وقت

زوال در طرف جنوب از سمت الراس ایشان ✿ و نسبت بعضی در طرف شمال ✿ و نسبت بعضی مقابل سر ایشان میافتد ✿ پس در وضع اول بر طرف میشود سایه در منتصف روز ✿ بلکه میماند در این وقت ✿ در تابستانها کوتاهی آن بقیه از سایه کشیده شده بطرف شمال یا جنوب ✿ و در این دو حال شروع سایه در زیادتی اول وقت زوال است ✿ و در وضع سیم برطرف میشود سایه بالکلیه و اول ظاهر شدن آن اول زوال است ✿ و سایه اخیر ایش از زوال ظل میگویند ✿ و بعد از فیء گویند ✿ چه فیء بمعنی رجوع است ✿ و سایه بعد از زوال رجوع میکند بسوی مشرق بعد از بیکر داشتن پیش از زوال ✿ و یکشده وقت فضیلت نماز ظهر از زوال تا آنکه بگردد فیء یعنی سایه که حادث میشود ✿ بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت عصر تا آنکه بگردد فیء ✿ دو برابر شاخص و سنت است برای تو تاخیر کردن هر یک از فریضه ظهر و عصر از اول وقت آن ✿ بمقدار یکه بکنار دی در آن نافله آنرا و کسیکه نافله نمیگذارد ✿ پس سزاوار نیست از برای آن تاخیر از اول وقت فضیلت و مشهور این است ✿ که وقت نافله ظهر و آنرا ✿ صلوة اوابین میگویند ✿ از زوال است تا بگردد فیء دو قدم ✿ یعنی بمقدار دو سبع شاخص ✿ چه غالب این است که قامت هر شخصی بمقدار هفت قدم است ✿ بقدم خودش ✿ و وقت نافله عصر و آنرا سبحه میگویند ✿ و آن از فارغ شدن از ظهر است ✿ تا آنکه بگردد فیء چهار قدم ✿ و بعضی از علمای ما بر آنند که میکشد وقت این نافلها ✿ بکشیدن وقت فضیلت فریضه آنها ✿ پس نافله ظهر تا آنکه بگردد فیء مثل شاخص ✿ و نافله عصر تا آنکه بگردد دو برابر آن ✿ و این قول دور نیست ✿ و در روایات معتبره دلالت بران هست ✿ بلکه در بعضی احادیث واقع شده انچه دلالت میکند ظاهرا ✿ بر انچه زیاده از این توسعه است ✿ چنانکه روایت کرده است شیخ ما در تهذیب ✿ بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام ✿ که فرموده نماز سنت بمنزله هدیه است ✿ هرگاه آورده شود ✿ آن قبول کرده میشود ✿ پس مقدم دار هرچه خواهی ✿ و موخر دار هرچه خواهی ✿ و لیکن بهتر آنست کسی از علمای ما اگر عمل کرده

باشد از آنچه مستفاد میشود ❁ از اطلاق این روایت از توسعه در تعقیب ظهر و تأخیر
دیگر یا مراد بتعقیب ادا است ❁ و با خبر قضا والله اعلم ❁ و مشهور میان علمای ما
قدس الله ارواحهم اینست ❁ که جایز نیست اعتماد بر ظن بداخل شدن وقت ❁
مگر با عدم قدرت بر تحصیل علم ❁ پس جایز نیست بدان بخبر یک عادل و نه بر اذان ثقه
و هر چند مؤذن عادل باشد ❁ مگر با حصول علم ❁ و ظاهر کلام محقق در معتبر اینست
که جایز است اعتماد بر اذان یک عادل ❁ اما خبر دو عادل یا اذان ایشان ظاهر جواز اعتماد
بر آن است ❁ هر چند قادر باشد بر علم زیرا که علم شرعی حاصل است بآن ❁ و سزاوار است
از برای کسیکه اعتنا داشته باشد بشأن نوافل ❁ و اهتمام بدریافتن فضیلت اول وقت
اینکه آماده کرده باشد در صحن خانه خود ❁ یا بر روی بام چوبی راست که نصب
کرده باشد در مکان هموار ❁ و باید که آن راست نصب شده باشد ❁ و بنحویکه
هیچ طرف میل نکرده باشد ❁ و قسمت کند هفت حصه ❁ پس هر گاه بر سنگ سایه بنهایت
نقصان ❁ ابتدا کند در نمایش یا در حادث شدن ❁ پس شروع کند در نافله
ظهر ❁ اگر کسیکه توفیق داده است خدای تعالی او را ❁ برای سعادت یافتن بجا آوردن
نوافل ❁ یا در ادای ظهر در اول وقت آن ❁ که محروم است از آن سعادت ❁ و
تفحص کند فیء را ❁ پس هر گاه بگردد بعد دو سبع شاخص یا مثل آن بنا بر خلاف ❁
مشخص شود ❁ برای نافله که از بیرون رفتن وقت نافله ظهر ❁ پس اگر در این وقت ❁
هنوز تمام نکرده باشد ❁ مگر یک رکعت از آن را دهد نافله را ❁ و مشغول شود ❁
بفریضه و اگر تمام کرده باشد ❁ مگر رکعت از او و تمامی رکعت باین میشود که فارغ شده باشد
از ذکر سجده دوم ❁ و هر چند بر نداشته باشد سر از آن ❁ پس مقدم دارد آن هفت
رکعت را بر فریضه ❁ و ظاهر آن است که شش رکعت باقی مانده در این هنگام ادا است ❁
زیرا که آن هشت رکعت ❁ در حکم یک نماز است ❁ بعد از آن میگزارد نماز ظهر را ❁
و تفحص میکند سایه را بعد از آن پس اگر رسیده باشد بچهار سبع شاخص یا دو
برابر آن ❁ آنچه گذشت از خلاف ❁ پس شروع میکند در نافله عصر و اگر رسیده باشد

بآن معلوم میشود بیرون رفتن وقت آن ❁ و خواهد بود حال آن در ترک آن و مقدم داشتن
بر فریضه ❁ مثل حال نافله ظهر چنانکه گذشت ❁ و آنچه مذکور شد در غیر روز جمعه
❁ و در جمعه زیاده میشود بر این دو هشت رکعت ❁ چهار رکعت دیگر و میگذارد
این بیست رکعت همه را ❁ پیش از زوال در حالیکه سه حصه کرده باشد از او ❁
ثلث از او ❁ که شش رکعت باشد ❁ در وقت پهن شدن آفتاب ❁ و ثلث دیگر را در وقت
بلند شدن آن ❁ و ثلث دیگر را در وقت راست ایستادن آن و میگذارد دو رکعت باقی را بعد

فصل

آنچه بجا میآوری بعد از مشخص شدن زوال اینست ❁ که بخوانی آنچه روایت کرده است
دعبل بن محمد تمیمی در فقیه ❁ از حضرت باقر علیه السلام و تعلیم کرده است او را محمد بن مسلم
و فرموده است باو که محافظت کن بر این ❁ چنانکه محافظت میکنی بر چشمهای خود و آن این است
سُبْحَانَ اللهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ
منزه است خدا ❁ و نیست خدائی مگر خدا ❁ حمد مر خدا را که فرا نگرفت فرزندی و نبود او را
لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا
شریکی در ملک ❁ و نبود از برای او دوستی از خواری ❁ و بزرگ شمار او را بزرگ شمردنی
بعد از آن بشتاب بسوی وضو ❁ بعد از آن شروع میکنی در نافله زوال ❁ پس نیت میکنی
دو رکعت اول را ❁ و میگوئی آن هفت تکبیر را ❁ با دعاهای آنها بنحویکه گذشت ذکر آن

در باب اول

بعد از آن میگوئی أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ ❁ و میخوانی بعد از فاتحه در رکعت اول سوره
توحید ❁ و در رکعت دوم سوره جحد ❁ چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام ❁
در کافی بسند حسن ❁ بعد از آن سلام میدهی و میگوئی آن سه تکبیر را که بعد از نماز
سنت است و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بعد از آن میگوئی ❁
اَللّٰهُمَّ اِنِّی ضَعِیفٌ فَقَوِّ فِی رِضَاکَ ضَعْفِی وَخُذْ اِلَی الْخَیْرِ بِنَاصِیَتِی وَاجْعَلِ
خداوندا بدرستیکه من ضعیفم پس قوی گردان در رضای خود ضعف مرا و بکش بسوی خیر موی پیشانی مرا و بگردان

و همچنین سزاوار است که تخصیص دهد ادعیه ماثوره را در تعقیبات نماز ظهر جمعه و غیر جمعه در این مقام ذکر شده مثل دعای ندبه و ادعیه و مناجات و شکر منسوب بامام عصر عجل الله فرجه مناسب است و تمام آن دعاها و زیارات در کتاب شریف تحفة الزائر جمع شده هر که بخواهد رجوع بآن کتاب نماید که کتابی جامع است

لا یمان منتهی رضای وبارك لی فیما قسمت لی وبلغنی برحمتك كل الذی ارجو

ایمان منتهای خوشنودی من و برکت ده بمن در آنچه قسمت کرده بمن و برسان مرا برحمت خود تمام آنچه امید دارم

منك واجعل لی ودا وسرورا للمؤمنین وعهدا عندك

از تو و بگردان از برای من دوستی و سرور از برای مؤمنان و پیمانی و عهدی نزد تو

بعد از آن میگذاری صبح دو رکعت دیگر بهمان نحو بغیر شش تکبیر که در اول نماز گفته میشود با دعاهای آنها بعد از آن دو رکعت دیگر مثل آنها و میخوانی بعد از هر یک از این دو رکعتها تعقیب و دعا را که مذکور شد و بعد از آنکه تمام کردی شش رکعت نافله را با توابع آن برمیخیزی و اذان میگوئی از برای ظهر و فاصله میکنی میان اذان و اقامت بدو رکعت بر همان منوال تا این دو رکعت هفتم و هشتم از نافله ظهر بعد از آن اقامه میگوئی و میگوئی بعد از اقامه

اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة بلغ محمدا صلی

خداوندا ای پروردگار این دعوت تامه و نماز برپا ایستاده برسان محمد را

علیه واله الدرجة والوسیلة والفضل والفضیلة بالله استفتح

بمرتبه و منزلت و زیادتی و فضیلت بخدا افتتاح میکنم

وبالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه واله اتوجه اللهم صل علی محمد

و بخدا حاجت میطلبم و بمحمد رو میآورم خداوندا رحمت فرست بر محمد

وال محمد واجعلنی بهم عندك وجیها فی الدنیا والاخرة ومن المقربین

و آل محمد و بگردان مرا بسبب ایشان نزد تو صاحب جاه و آبرو در دنیا و آخرت و از مقربین

بعد از آن مشغول شو بنماز ظهر و رعایت کن جمیع آنچه رعایت کردی در نماز صبح از اعمال

و اهسته کن قرائت را بغیر

بسم الله الرحمن الرحیم

و میخوانی در رکعت اول سوره

سبح اسم ربك الاعلی را

والشمس

یا آنچه شبیه آنها باشد در طول چنانچه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح و برخیز از تشهد اول و بگو بحول الله و قوته اقوم و اقعد میگوئی نزد برخاستن برای رکعت دوم صبح و بخوان حمد را با تسبیح اربعه و استغفار ضافه کنی با آنها استغفار را بعد از آن تکبیر بگو برای رکوع و برو بسوی رکوع و سجود چنانکه گذشت و رکوع بکن و سجود بر نحوی که گذشت بعد از آن برخیز و بجا آور رکعت دیگر بر همان نحو و بعد از آن تشهد بخوان و سلام بده بعد از آن سه تکبیر

پس تعقیب مذکور میگوئی

لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون

تا آخر آن دعا و چنانکه گذشت در تعقیب صبح بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و میخوانی هرچه را خواهی از دعا که پیش ذکر کردیم در تعقیب صبح و دعاهای متفق ذکر بحول و صباح است مثل آن سه دعای آخر بعد از آن میگوئی

یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتك الستر

ای کسیکه ظاهر کرده است نیکوئی را و پوشیده است زشتی را ای کسیکه مؤاخذه نکرد بسبب معصیت و پاره نکرد پرده را

یا کریم الصفح یا عظیم المن یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین

ای کریم در گذشتن ای بزرگ نعمت ای نیکو کردار در گذشتن ای وسعت دارنده در گذشتن ای گشاینده دستها

بالرحمة یا سامع کل نجوی ویا منتهی کل شکوی یا مبتدئا بالنعم قبل

برحمت ای شنونده هر راز و ای منتهای هر شکایت ای ابتدا کننده بنعمتها پیش از

استحقاقها یا ربناه یا ربناه یا ربناه یا سیداه یا سیداه یا سیداه یا غایة

استحقاق آنها ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای نهایت

رغبتاه یا ذا الجلال والاکرام اسئلك بحق محمد وعلی وفاطمة والحسن

آرزو ای صاحب بزرگی و کرامت سؤال میکنم ترا بحق محمد و علی و فاطمه و حسن

والحسن وعلي ومحمد وجعفر

و حسین و علی و محمد و جعفر

وموسى وعلي ومحمد وعلي

و موسی و علی و محمد و علی

والحسن ومحمد صاحب الزمان

و حسن و محمد صاحب الزمان

سلام الله عليهم اجمعين

درود خداوند بر آنها باد همه

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف كربي وتغفر ذنبي

بفرستی رحمت بر محمد و آل محمد و اینکه برطرف کنی اندوه مرا و بیامرزی گناه

وتنفس همي وتفرج غمي وتصلح شاني في ديني ودنياي وان

و زایل کنی هم مرا و رفع کنی غم مرا و اصلاح کنی حال مرا در دینم و دنیایم و اینکه

تدخلني الجنة ولا تشوه خلقي بالنار ولا تفعل بي ما انا اهله

داخل کنی مرا در بهشت و زشت نگردانی ترکیب مرا بآتش و مکن با من آنچه سزاوارم

برحمتك يا ارحم الراحمين

برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

بعد از آن میگوئی

يا سامع كل صوت يا جامع كل

ای شنونده هر آواز ای جمع کننده هر

فوت يا باري النفوس بعد

فوت شده ای آفریننده نفسها بعد از

الموت يا باعث يا وارث يا سيد

موت ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای بزرگ

السابع

السادة يا اله الالهة

بزرگان ای خدای عبادت کرده شدگان

يا جبار الجبابرة يا ملك الدنيا

ای جبر کننده متکبران ای پادشاه دنیا

والآخرة يا رب الارباب يا ملك

و آخرت ای پروردگار پروردگان ای پادشاه

الملوك يا بطاش ذا البطش الشديد

پادشاهان ای بطاش صاحب بطش شدید

يا مبدئ يا معيد يا فعالا لما يريد يا محصي عدد الانفاس ونقل الاقدام

ای ابتدا کننده ای عود فرماینده ای کننده مر آنچه تو اراده میفرمائی ای شمارنده عدد نفسها و حرکت قدمها

يا من السر عنده علانية اسئلك بحق خيرتك من خلقك وبحقهم

ای آنکه پنهان نزد او آشکار است سؤال میکنم ترا بحق برگزیدگان تو از خلق تو و بحق آنان

الذي اوجبت لهم على نفسك ان تصلي على محمد واهل بيته وان تمن

که واجب کرده برای ایشان بر نفس خود اینکه رحمت بفرستی بر محمد و اهل بیت او و اینکه منت گذاری

علي الساعة بفكاك رقبتي

بر من در این ساعت بخلاص کردن گردن من

من النار وان تنجز لوليك

از آتش و اینکه بجا آوری برای دوست خود

وابن نبيك الداعي اليك باذنك

و پسر پیغمبر خود که خواننده است بسوی تو برخصت تو

وامينك في ارضك وعينك

و امین تو در زمین تو و دیده بان تو

في عبادك وحجتك

در بندگان تو و حجت

علي

خلقك عليه صلواتك
برا خلق تو بر وی باد رحمتهای تو
وبركاتك وعده اللهم
و برکتهای تو و وعده های تو خداوندا
ايده بنصرك وانصر عبدك
تقویت نما او را بیاری خود و یاری کن بنده خود را
وقو اصحابه وصبرهم
و قوت ده اصحاب او را و صبر ده ایشان را
واجعل لهم من لدنك سلطانا
و بگردان از برای ایشان از نزد خود سلطنت
نصيرا وعجل فرجه ومكنه
نصرت دهنده و تعجیل کن راحت او را و تمکین ده
من اعدائك واعداء رسولك
او را بر دشمنان خود و دشمنان پیغمبر خود
يا ارحم الراحمين
ای ارحم کننده ترین رحم کنندگان
سجده در آن میکوئی
اللهم رب السموات
خداوندا ای پروردگار آسمانهای
السبع ورب الارضين
هفت گانه و پروردگار زمینهای
السبع وما فيهن وما
هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه

بينهن وما تحتهن ورب العرش
در میان آنهاست و آنچه زیر آنهاست و پروردگار عرش
العظيم ورب جبرئيل وميكائيل
بزرگ و پروردگار جبرئیل و میکائیل
واسرافيل ورب السبع المثاني
و اسرافیل و پروردگار سوره حمد
والقرآن العظيم ورب محمد
و قرآن عظیم و پروردگار محمد
خاتم النبيين صل على محمد وال
خاتم پیغمبران رحمت بفرست بر محمد و آل
محمد واسئلك باسمك الاعظم
محمد و سؤال میکنم ترا بحق اسم اعظم تو
الذي به تقوم السموات والارض
آنچنانی که برپا ایستاده است آسمانها و زمین
وبه تحيي الموتى وترزق الاحياء
و بآن زنده میکنی مردگان را و روزی میدهی زندگان را
وتفرق بين المجتمع وتجمع بين المتفرق
و تفرقه می اندازی میان مجتمعها و جمع میکنی میان پراکندگان
وبه احصيت عدد الآجال
و بآن شمردی عدد تمام اجلها را
ووزن الجبال وكيل البحار
و سنجیدی وزن کوهها را و کیل کردی دریاها را
اسئلك يا من هو كذلك
سؤال میکنم ترا ای کسیکه او چنین است

اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی كَذا وَكَذا

اینکه رحمت بفرستی بر محمد ✤ و آل محمد ✤ و اینکه بکنی با من چنین ✤ و چنان

بعد از آن سؤال میکنی حاجت خود را ✤ بعد از آن سجده میکنی دو سجده شکر را ✤ و میگوئی در آنها ✤ بعد از آنها ✤ که گذشت در باب اول ✤

فصل

و بعد از آنکه فارغ شدی ✤ از آنچه متعلق است بنماز ظهر ✤ پس بر میخیزی بنافله عصر و تکبیرة الاحرام میگوئی بجهت دو رکعت اول ✤ و این شش رکعت دیگر ✤ زیرا که سنت نیست گفتن آنها در هیچ نافله مگر در چهار جای ✤ اول نافله زوال ✤ دوم نافله مغرب و نیز دیگر رکعت از وتر و میخوانی در نافله عصر آنچه خواهی از سورها ✤ و بهتر این است که بخوانی در آن ✤ و در غیر سورها که ترغیب واقع شده است ✤ در آنها از ائمه هدی علیهم السلام ✤ و اخبار و یکی از آنها ✤ آنچه بیرون نرود ✤ وقت بخواندن آن ✤ و بتحقیق که روایت شده است ✤ از حضرت باقر علیه السلام ✤ که هر که بخواند سوره صف را در نمازهای واجبی و سنتی خود بدارد خدا تعالی او را در یک صف با ملائکه خود و پیغمبران مرسل خود ✤ هم از آنحضرت علیه السلام ✤ که هر که مداومت کند بر خواندن سوره (ق) در نمازهای واجبی و سنتی خود ✤ فراخ کند خدا تعالی ✤ بر او روزی او را و بدهد باو نامه اعمال او را بدست راست کند او را حساب آسان ✤ هم از آنحضرت علیه السلام ✤ که بسیار بکنید تلاوت سوره الحاقه را در نمازهای واجب و سنت زیرا که این از جمله ایمان بخدا تعالی و رسول است و هرگز زایل نمیشود از خواننده آن ایمان او تا آنکه بمیرد ✤ و بعد از فارغ شدن از دو

رکعت اول میگوئی

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ الْحَلیمُ الْكَریمُ ✤

خداوندا بدرستیکه نیست خدائی مگر تو ✤ زنده بر خود برپا بلند مرتبه بزرگ بردبار جوانمرد کننده

الْخالِقُ الرّازِقُ الْمُحْیی الْمُمیتُ الْبَدیءُ الْبَدیعُ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَنُّ

آفریننده روزی دهنده زنده کننده میراننده ابدا کننده پدید آورنده از برای توست حمد و از برای توست

وَلَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْاَمْرُ وَحْدَكَ لا شَریكَ لَكَ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ

و از برای توست کرم و از برای توست بخشش و از برای توست امر تنها تو نیست شریکی از برای تو ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز

یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَلَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً

ای کسیکه او را فرزند نباشد و نه بوده است زاده کسی نیست و نبوده او را همتا کسی و نگرفته است مصاحبی و نه فرزندی

صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بی كَذا وَكَذا

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنین و چنان

و بعد از آن میکند ار ✤ دو رکعت دیگر بعد از آنها اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ تا آخر بعد میکند ارای دو رکعت ✤ و میگوئی بعد از آنها ✤

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ بِما دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ یُونُسُ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بآنچه خوانده است ترا بآن بنده تو یونس زمانیکه رفت غضبناک پس گمان کرد

اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنادیٰ فِی الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّی كُنْتُ

اینکه تنگ نمیگیریم بر او پس ندا کرد در ظلمات ✤ اینکه نیست خدائی مگر تو ✤ منزهی تو بدرستیکه من بودم

مِنَ الظّالِمینَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ فَاَنْتَ

از ستم کنندگان پس اجابت کردیم او را و نجات دادیم او را از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را تو

دَعاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَسْتَجیبَ

خواند ترا و او بنده تو است و من سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه اجابت کنی

لی كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَدْعُوكَ بِما دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ اَیُّوبُ اِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ فَدَعاكَ

از برای من چنانکه اجابت نمودی از برای او و میخوانم ترا بآنچه خوانده است ترا بآن ایوب زمانیکه رسید او را بلا پس خواند ترا

اَنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَكَشَفْتَ ما بِهِ ✤

اینکه رسیده است مرا بلا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس اجابت فرمودی او را و رفع کردی آنچه با او بود

مِنْ ضُرٍّ وَآتَیْتَهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ فَاِنَّهُ دَعاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ

از بلا و دادی بتو او را اهل او را و مانند ایشان را با ایشان پس بدرستیکه خواند ترا و او بنده توست

در تعقیب نافلهٔ عصر است

١١٧

وَاَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنّى كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ
و من بندهٔ توام اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد ✣ و اینکه رفع کنی از من چنانچه رفع کردی از او
وَاَنْ تَسْتَجِيبَ لِى كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ يُوسُفُ
و اینکه اجابت کنی از برای من چنانچه اجابت کردی از برای او ✣ میخوانم ترا بآنچه خواند ترا باین بندهٔ تو یوسف علیه السلام
اِذْ فُرِّقَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اَهْلِهِ وَاِذْ هُوَ فِى السِّجْنِ فَاِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ
در وقتیکه جدائی افکندی میان او و میان اهل او و در وقتیکه او بود در زندان پس بدرستیکه او خواند ترا و او بندهٔ تو بود
وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا عَبْدُكَ وَسَاَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَسْئَلُكَ
و من میخوانم ترا و من نیز بندهٔ توام ✣ سؤال کرد ترا او و بندهٔ تو بود ✣ و من سؤال میکنم ترا
وَاَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنّى كَمَا فَرَّجْتَ
و من نیز بندهٔ توام ✣ اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد ✣ و اینکه گشایش دهی مرا چنانچه گشایش دادی
عَنْهُ وَاَنْ تَسْتَجِيبَ لِى كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ تُصَلِّى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِى كَذَا وَكَذَا
او را ✣ و اینکه اجابت کنی برای من چنانچه اجابت کردی او را رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و بکن با من چنین و چنان

و ذکر میکنی حاجت خود را ✣ و بعد از آن میکنی ادای دو رکعت آخر را و میگوئی
بعد از آنها یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح تا آخر آن ✣ و بعد از فارغ شدن از این
اذان میگوئی برای نماز عصر ✣ و فاصله میکنی میان اذان و اقامه به سجده ✣ و دعا
میکنی بآنچه گذشت ✣ در صبح و ظهر بعد از آن مشغول شو بنماز عصر و رعایت کنند جمیع
آن آداب ✣ که سابقا مذکور شد ✣ و میخوانی در رکعت اول

اذا جاء نصر الله والفتح

یا الهیکم التکاثر ✣ و مانند اینها را در دوم تا هی ✣ چنانکه روایت کرده است شیخ طائفه
در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسندی صحیح و بعد از فارغ شدن از نماز تعقیب
میکنی بآنچه تعقیب کردی ✣ بنماز ظهر بآنچه مخصوص بظهر است و میگوئی بعد از آن تعقیب مخصوص

تعقیب عصر اول این است

استغفر الله

در بیان تعقیبات نماز عصر است

١١٨

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او ✣ زنده که همیشه برپاست بخشنده مهربان ✣ صاحب بزرگی و کرامت
وَاَسْئَلُهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَىَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ
و سؤال میکنم از او اینکه قبول کند توبه مرا توبهٔ بندهٔ خوار ✣ فروتنی کننده فقیر پریشان بیچاره
مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَلَا
گناهکار پناه جو بنده‌ای که مالک نیست از برای نفس خود ضرری را و نه نفعی را و نه مردن و نه زندگی و نه
نُشُورًا اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عِلْمٍ
برانگیخته شدن را خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از نفسیکه سیر نمیشود و از دلی که فروتنی نمیکند و از علمیکه
لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ
نفع نرساند و از نمازیکه بالا برده نشود ✣ و از دعائیکه شنیده نشود ✣ خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آسانی را
بَعْدَ الْعُسْرِ وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا
بعد از دشواری و گشایش بعد از اندوه ✣ و رفاهیت بعد از سختی خداوندا آنچه با ما است
مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ
از نعمت پس از تو است و بس ✣ نیست خدائی مگر تو طلب آمرزش میکنم از تو و توبه

و سنت است

استغفار بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه ✣ و قراءت سورهٔ قدر ده مرتبه ✣
پس بتحقیق ✣ که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام ✣ که فرموده که هر که
استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه ✣ بیامرزد خدای تعالی هفتصد گناه او را ✣ و از حضرت
ابو جعفر ثانی علیه السلام روایت شده است ✣ که هر که بخواند انا انزلناه فی لیلة القدر ده مرتبه
بعد از عصر ✣ میباشد از برای او ✣ مثل اعمال خلائق در آن روز ✣ بعد از آن دو سجده
شکر بکن و بخوان در آنها ✣ آنچه در اینجا گذشت ✣ و بهتر آنکه بوده باشد آخر آنچه میخوانی

این که بگوئی

اللهم

اللّهمّ انّی وجّهت وجهی الیک واقبلت بدعائی علیک وارجو اجابتک
خداوندا بدرستیکه من گردانیدم روی خود را بسوی تو و رو آوردم بدعای خود بر تو امید دارم اجابت ترا
طامعاً فی مغفرتک طالباً ما اوجبت به علی نفسک مستنجزاً وعدک
طمع دارنده در آمرزش تو طلب کننده آنچه عهد کرده بان بر نفس خود و اجابت کن وعده خود را
اذ تقول ادعونی استجب لکم فصلّ علی محمّد وآل محمّد واقبل
زمانیکه میگوئی بخوانید مرا اجابت میکنم شما را پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رو کن
الیّ بوجهک وارحمنی واستجب دعائی یا اله العالمین
بسوی من بتوجهات خود و رحم کن بر من و مستجاب کن دعای مرا ای خداوند عالمیان

فصل

بتحقیق که گذشت که روز قسمت شده است بدوازده ساعت و هر یک از آنها منسوب است بیکی از ائمّه اثنی عشر سلام الله علیهم و از برای هر یک از آنها دعائی که مخصوص بان است و بتحقیق که ما ذکر نمودیم دعاهای چهار ساعت و اگر منسوب است بچهار امام علیهم السّلام و میگوئیم در این مقام دعا ساعت پنجم پس از زوال آفتاب تا گذشتن مقدار چهار رکعت و این

از حضرت باقر علیه السّلام
و این دعا این است و بهتر اینست که بخوانی
آنرا بعد از رکعت چهارم از نافله زوال

اللّهمّ انت الله الّذی لا اله الّا هو الحیّ القیّوم لا تأخذه سنة
خداوندا توئی خدائی که نیست خدائی مگر او زنده بخود بر پا نگهدارنده نمیگیرد او را پینکی
ولا نوم هو الله الّذی لا اله الّا هو عالم الغیب والشّهادة هو
و نه خواب اوست خدائی که نیست خدائی مگر او جل جلاله دانای پنهان و آشکار است و اوست
الرّحمن الرّحیم هو الاوّل والآخر والظّاهر والباطن وهو بکلّ شیء
بخشنده مهربان اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او بهمه چیز

علیم فالق الاصباح وجاعل اللّیل سکناً والشّمس والقمر حسباناً
دانا شکافنده صبح و گرداننده شب آرام گیرنده و آفتاب و ماه سیر کننده بحساب
ذلک تقدیر العزیز العلیم یا غالباً غیر مغلوب ویا شاهداً لا یغیب
این است تقدیر غالب دانا ای غلبه کننده که مغلوب نمیشود و ای حاضری که غایب نمیشود
یا قریب یا مجیب ذلکم الله ربّی لا اله الّا هو علیه توکّلت والیه
ای نزدیک ای اجابت کننده اینست خدا پروردگار من نیست خدائی مگر او بر او توکل کرده ام و بسوی او
انیب اتذلّل الیک تذلّل الطّالبین واخضع بین یدیک
بازگشت میکنم اظهار مذلت میکنم بسوی تو مانند طلب کنندگان و خضوع میکنم در پیش تو
خضوع الرّاغبین واسئلک سؤال الفقیر المسکین وادعوک
خضوع کردن رغبت کنندگان و سؤال میکنم از تو سؤال فقیر محتاج و میخوانم ترا
تضرّعاً وخفیة انّک لا تحبّ المعتدین وادعوک خوفاً وطمعاً
بزاری کننده و پنهان کننده بدرستیکه تو دوست نمیداری از حد در گذرندگان را و میخوانم ترا از ترس و امید
انّ رحمتک قریب من المحسنین واتوسّل الیک بخیرتک وصفوتک
بدرستیکه رحمت تو نزدیک است بنیکوکاران و متوسل میشوم بسوی تو باختیار کرده و برگزیده
من العالمین الّذی جاء بالصّدق وصدّق المرسلین محمّد عبدک
که انتخاب کرده از جمیع عالمیان آنکه آورده است صدق را و تصدیق کرده است رسولان را آن محمد است بنده
ورسولک النّذیر المبین وبولیّک وعبدک علیّ بن ابی طالب
و فرستاده تو و ترساننده آشکار و بولی تو و بنده تو علی پسر ابی طالب
امیر المؤمنین وبالامام محمّد بن علیّ باقر علوم الاوّلین والآخرین
امیر مؤمنان و بامام محمد بن علی شکافنده علوم پیشینیان و پسینیان
والعالم بتأویل الکتاب المستبین واسئلک بمکانهم عندک
و دانای بتأویل کتاب ظاهر و سؤال میکنم ترا بحق منزلت آنها نزد تو

واقد مهم

امامي وبين يدي حوائجي أن توزعني شكر ما أوليتني من نعمك وتجعل

ایشان را پیش روی حاجتهای خود اینکه روزی کنی مرا از شکر آنچه داده ای مرا از نعمتهای خود ✦ و بگردانی

لي فرجا ومخرجا من كل كرب وغم وترزقني من حيث أحتسب ومن

از برای من گشایش و بیرون رفتن از هر اندوه و غمی ✦ و روزی کنی مرا از جائی که گمان دارم و از جائی که گمان ندارم

حيث لا أحتسب وتيسر لي من فضلك ما تغنيني به عن كل مطلب

✦ و آسان کنی از برای من از فضل خود آنچه غنی گردانی بآن از هر مطلب

وأقذف في قلبي رجاءك واقطع رجائي ممن سواك حتى لا أرجو

و بیفکن در دل من امید را ✦ و ببر امید و آرزوی مرا از غیر تو ✦ تا آنکه امید ندارم

إلا إياك إنك تجيب الداعي إذا دعاك وتغيث الملهوف إذا ناداك

مگر ترا بتو بدرستیکه اجابت میکنی خواننده را زمانیکه بخواند ترا و بفریاد میرسی ستمدیده را هرگاه آواز کند

وأنت أرحم الراحمين

اما ساعت ششم ✦ پس از کن شدن مقدار چهار رکعت است از زوال تا نماز ظهر و ان

صادق عليه السلام نسبت

و این دعا آن است و خوب است بخواند این دعا را بعد از رکعت ششم از نافله زوال

اللهم أنت أزلت العتب برحمتك وعلمت الغيب بمشيتك ودبرت

خداوندا تو زدودی رنج را ✦ برحمت خود و دانستی غیب را باراده خود ✦ و تدبیر کردی

الأمور بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك وأعجزت العقول عن علم

کارها را بحکمت خود ✦ و آسان کردی دشوارها را بغلبه خود ✦ و عاجز کردی عقلها را از دانستن

كيفيتك وحجبت الأبصار عن إدراك صفتك والأوهام عن

چگونگی خود ✦ و پوشاندی چشمها را از دریافتن صفت خود ✦ و وهمها را از

حقيقة معرفتك واضطررت الأفهام إلى الإقرار بوحدانيتك

حقیقت شناختن خود ✦ و مضطر کردی فهمها را ✦ باقرار نمودن به یکتائی خود

يا من يرحم العبرة

ای کسی که رحم میکند اشک را

ويقيل العثرة لك العزة والقدرة لا يعزب عنك في الأرض ولا في السماء

و میگذرد از لغزشها ✦ از برای تست غلبه و قدرت ✦ پنهان نیست از تو در زمین ✦ و نه در آسمان

مثقال ذرة أتوسل إليك بالنبي الأمي محمد رسولك العربي المكي المدني

هم وزن ذره ✦ توسل میجویم بسوی تو ✦ به پیغمبر امی محمد ✦ رسول تو ✦ عربی ✦ مکی ✦ مدنی

الهاشمي الذي أخرجتنا به من الظلمات إلى النور وبأمير المؤمنين علي بن

هاشمی ✦ آنکه بیرون آوردی ما را بسبب او از تاریکیها بسوی روشنی ✦ و بامیر مومنان ✦ علی بن

أبي طالب عليهما الصلاة والسلام الذي شرحت به لإيمان الصدور ودو

ابی طالب ✦ بر او باد رحمت و درود ✦ آنکه وسعت دادی بواسطه او سینه ها را ✦

بالإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام في الأخيار المؤتمن على مكنون

✦ بامام جعفر بن محمد که بر او سلام ✦ در نیکان که امین بود بر پوشیده

الأسرار صلى الله عليه وعلى أهل بيته بالعشي والإبكار اللهم إني أسألك

سرها ✦ رحمت کند خدا بر او و بر اهل بیت او در شام و صبح ✦ خداوندا بدرستیکه من سوال

بهم وأستشفع بمكانهم لديك وأقدمهم أمامي وبين يدي حوائجي فأعطني

میکنم ایشان و شفاعت میجویم بمنزلت ایشان نزد تو و مقدم میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود پس عطا کن

الفرج الهني والمخرج الوحي والصنع القريب والأمان من الفزع في اليوم

گشایش گوارا ✦ و بیرون رفتن زود و نیکی آوردن نزدیک و امان از هول در روز

العصيب وأن تغفر لي موبقات الذنوب وتستر علي فاضحات العيوب

سخت ✦ و اینکه بیامرزی برای من هلاک کننده از گناهان را و بپوشانی بر من رسوا کننده از عیبها

فأنت الرب وأنا المربوب وأنا الطالب وأنت المطلوب وأنت الذي

پس تو پروردگاری و من پرورده تو ✦ و من طلب کننده ام و تو طلب کرده شده ✦ و توئی آنکه

بذكرك تطمئن القلوب وأنت الذي تقذف بالحق وأنت علام الغيوب

بیاد آوردن تو آرام میگیرد دلها ✦ و توئی آنکه میافکنی بسبب لطف خود حق را ✦ و توئی دانای غیبها

يا أرحم الراحمين

ای ارحم رحم کنندگان

وَ یا خَیْرَ الْفاصِلینَ وَ یا اَحْکَمَ الْحاکِمینَ وَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

و ای بهترین جدا کنندگان و ای حکم کننده ترین حکم کنندگان و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و اما ساعت هفتم ❁ پس از نماز ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر و این

دعای حضرت کاظم علیه السلام است

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَرْجُوُّ اِذَا اشْتَدَّ الْاَمْرُ وَ اَنْتَ الْمَدْعُوُّ اِذا مَسَّ الضُّرُّ ❁

خداوندا تویی امید داشته شده هرگاه سخت شود امر و تو خوانده شده ❁ هرگاه برسد بدحالی

وَ مُجیبُ الْمَلْهُوفِ الْمُضْطَرِّ وَ الْمُنْجی مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَنْ لَهُ الْخَلْقُ

و اجابت کننده ستمرسیده بیچاره ❁ و نجات دهنده از تاریکیهای بیابان و دریا و کسیکه از برای او است خلق

وَ الْاَمْرُ وَ الْعالِمُ بِوَساوِسِ الصُّدُورِ وَ الْمُطَّلِعُ عَلیٰ خَفِیِّ السِّرِّ یا غایَةَ کُلِّ

و امر ❁ و داناست بوسوسهای سینهها ❁ و آگاهست ❁ بر پنهان سر ای نهایت

نَجْویٰ وَ مُنْتَهیٰ کُلِّ شَکْویٰ یا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاٰخِرَةِ وَ الْاُولیٰ یا مَنْ

هر راز و منتهای هر شکایت ❁ ای کسیکه از برای او است حمد در آخرت و دنیا ای کسیکه

خَلَقَ الْاَرْضَ وَ السَّمٰواتِ الْعُلیٰ الرَّحْمٰنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَویٰ لَهُ ❁

آفریده است زمین و آسمانهای بلند را خداوند بسیار مهربان بر عرش مستولی شد از برای اوست

ما فِی السَّمٰواتِ وَ ما فِی الْاَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّریٰ وَ اِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ

آنچه در آسمانها است ❁ و آنچه در زمین است ❁ و آنچه در میان آنهاست و آنچه زیر خاک است و اگر بلند کنی سخن را

فَاِنَّهُ یَعْلَمُ السِّرَّ وَ اَخْفیٰ اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنیٰ اَسْئَلُکَ

پس بدرستیکه او میداند سر و پنهانتر را خداییست که نیست خدایی مگر او و از برای اوست نامهای نیکو سوال میکنم

بِمُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ

بحق محمد خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله ❁

وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ الْمُؤْتَمَنِ

و برگزیده تو از میان خلقان تو و امین کرده شده

عَلیٰ اَداءِ رِسالاتِکَ وَ بِاَمیرِ الْمُؤْ

بر رسانیدن پیغامهای تو و بحق امیر مؤمنان

مِنینَ عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ عَلَیْهِ الصَّلٰوةُ وَ السَّلامُ الَّذی جَعَلْتَ وِلایَتَهُ مَفْرُوضَةً

علی بن ابی طالب ❁ علیه السلام که برای او رحمت و درود ❁ آنکه گردانیدی دوستی او را واجب

مَعَ وِلایَتِکَ وَ مَحَبَّتَهُ مَقْرُونَةً بِرِضاکَ وَ مَحَبَّتِکَ وَ بِالْاِمامِ الْکاظِمِ

با دوستی تو ❁ و محبت او را نزدیک با خوشنودی و محبت تو ❁ بامام کاظم

مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَلَیْهِمَا السَّلامُ الَّذی سَئَلَکَ اَنْ تُفَرِّغَهُ لِعِبادَتِکَ

موسی بن جعفر که بر ایشان باد درود ❁ آنکه سوال کرد ترا که فارغ گردانی او را برای عبادت

وَ تُخَلِّیَهُ لِطاعَتِکَ فَاَجَبْتَ دَعْوَتَهُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اَنْ تَقْضِیَ

و ترک کنی او را برای طاعت خود پس اجابت کردی دعوت او را اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و حاجتی که اداء کنی

بِطاعَتی واجِبَ حُقُوقِهِمْ وَ مَرْضِیَّها فی اَداءِ فُرُوضِهِمْ وَ اَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ

بان طاعت من واجب حقهای ایشان را و راضی باشی از ان در بجا آوردن واجبهای ایشان و متوسل میشوم بسوی تو

بِهِمْ وَ اَسْتَشْفِعُ بِمَنْ لَکَ هُمْ وَ قَدْ قَدَّمْتُهُمْ اَمامی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی اَنْ

بایشان و شفاعت میجویم بکسانیکه ایشان از تو اند و حال آنکه مقدم داشتهام ایشان را پیش خود ❁ و پیش حاجتهای خود اینکه

تُجْزِیَنی عَلیٰ جَمیلِ عَوائِدِکَ وَ تَمْنَحَنی جَزیلَ فَوائِدِکَ وَ تَاْخُذَ بِسَمْعی وَ بَصَری

روان گردانی بر نیکویی احسانهای خود و عطا کنی بمن منفعتهای زیاد خود را و فرا گیری گوش مرا و دیده مرا ❁

وَ عَلانِیَتی وَ سِرّی وَ ناصِیَتی وَ قَلْبی وَ عَنْ یَمینی وَ کُلّی اِلیٰ ما تُعینُنی بِهِ عَلیٰ

و آشکار مرا و پنهان مرا و پیشانی مرا و دل مرا و یمین مرا و همه مرا بسوی آنچه یاری کنی مرا بآن بر

هَواکَ وَ تُقَرِّبُنی مِنْ اَسْبابِ رِضاکَ وَ تُوجِبُ لی نَوافِلَ فَضْلِکَ وَ تَسُدُّ

خواهش تو و نزدیک گردانی مرا باسباب خوشنودی تو و واجب گردانی برای من زیادتی فضل خود را و

لی مَناهِجَ طَوْلِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

برای من راههای عطای احسان خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

فصل

اما ساعت هشتم پس از گذشتن چهار رکعت است پیش از عصر تا نماز ❁

عصر و این دعای حضرت

امام رضا علیه السلام است
و دعای عظیم الشأن این است

اللهم انت الکاشف للملمات والکافی للمهمات
خداوندا توئی دفع کننده اندوهها و کفایت کننده از کارهای مهم
والمفرج للکربات والسامع للاصوات والمخرج من الظلمات
و برطرف کننده اندوهها و شنونده آوازها و بیرون آورنده از تاریکیها
والمجیب للدعوات الراحم للعبرات جبار الارض
و اجابت کننده دعاها و رحم کننده اشکها و قهر کننده زمین
والسموات یا ولی یا مولی یا علی یا اعلی یا کریم یا اکرم
و آسمانها ای دوست ای دوست ای بلند ای بلندتر ای بزرگوار ای بزرگوارتر
یا من له الاسم الاعظم یا من علم الانسان ما لم یعلم
ای کسیکه از برای اوست اسم اعظم ای کسیکه تعلیم کرده آدمی را آنچه نمیدانست
فاطر السموات والارض وهو یطعم ولا یطعم اسئلک
آفریننده آسمانها و زمین و او دهنده طعام است و طعام داده نمیشود سؤال میکنم از تو
بمحمد المصطفی من الخلق المبعوث بالحق و بامیر المؤمنین
بحق محمد که برگزیده شده است از خلق فرستاده شده بحق و بحق امیر المؤمنین
والتسلیة فوجدته صابرا و بالامام الرضا علی بن موسی
... و بحق امام رضا علی بن موسی
الذی اوفی بعهدک و وثق بوعدک واعرض
آنکه وفا کرد بعهد تو و اعتماد داشت بوعده تو و روگردان شد
عن الدنیا وقد اقبلت الیه ورغب عن زینتها
از دنیا و حال آنکه بتحقیق رو آورده بود بسوی او و روگردان شد از زینت آن

وقد رغبت فیه
ان تصلی علی محمد

وآل محمد فقد توسلت بهم الیک وقدمتهم امامی
و آل محمد پس بتحقیق متوسل شدم بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشانرا پیش روی
وبین یدی حوائجی ان تهدینی الی سبل مرضاتک وتیسر
و پیش حاجتهای خود اینکه هدایت کنی مرا بسوی راههای رضای خود و میسر گردانی
لی اسباب طاعتک وتوفقنی لابتغاء الزلفة بموالاة
برای من اسباب طاعت خود و توفیق دهی مرا از برای طلب نزدیکی بسبب دوستی
اولیائک وادراک الحظوة من معاداة اعدائک و
دوستان تو و دریافتن منزلت ... بواسطه دشمنی کردن دشمنان تو
تعیننی علی اداء فروضک واستعمال سنتک
و یاری کنی مرا بر ادای واجبات و بکار بردن سنتهای تو
وتوفقنی وتوقفنی علی الجد المؤدیة الی العتق من
و ... کوشش ... آزاد شدن
عذابک والفوز برحمتک یا ارحم الراحمین
عذاب تو و فیروزی برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
و اما ساعت نهم پس از نماز عصر است تا اینکه بگذرد
دو ساعت و این وقت منسوب بامام نهم
حضرت جواد است و دعا این است
اللهم یا خالق الانوار ومقدر اللیل
خداوندا ای آفریننده نورها و تقدیر کننده شب
والنهار یعلم ما تحمل کل انثی وما تغیض
و روز میداند آنچه را که بار دارد هر ماده و آنچه کم کند

الأرحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار اذا انفاقم امر طرح عليك

رحمها و آنچه زیاد میکنند و هر چیز نزد او باندازه است هرگاه بزرگ باشد کاری ...

وإذا غلقت الأبواب قرع باب فضلك وإذا ضاقت الحاجات فزع

و زمانیکه بسته شود درها کوبیده شود درگاه فضل تو و زمانیکه تنگ شود حاجتها پناه آورده شود

الى سعة طولك وإذا انقطع الأمل من الخلق اتصل بك وإذا وقع اليأس

بسوی فراخی نعمت تو و زمانیکه بریده شود امید از خلق پیوسته میشود بتو و زمانیکه واقع شود ناامیدی

من الناس وقف الرجاء عليك اسألك بحق النبي الأواب الذي

از مردم ... سوال میکنم ترا بحق پیغمبر بسیار بازگشت کننده که

انزلت عليه الكتاب ونصرته على الأحزاب وهديتنا به الى دار المآب

فرو فرستاده برای او کتاب را و یاری کرده او را بجماعتها و هدایت کرده ما را ...

وبأمير المؤمنين علي بن ابي طالب الكريم النصاب المتصدق بخاتمه

و بامیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام کریم الاصل و تصدق کننده انگشتر خود

في المحراب وبالإمام الفاضل محمد بن علي عليه السلام الذي سئل فوفقته

در محراب و بحق امام فاضل محمد بن علی علیه السلام ...

لرد الجواب وامتحن

برای رد جواب و ... آزمایش کرده شد

فعضدته بالتوفيق والصواب صلى الله عليه وعلى اهل بيته

پس یاری کردی او را بتوفیق و صواب رحمت کند خدا بر او و بر اهل بیت او

الأطهار ان تجعلهم لي عصمة من النار وحجة الى دار القرار

پاکیزه که بگردانی ... از آتش و ... بسوی خانه قرار

فقد توسلت بهم

پس بتحقیق متوسل شدم بایشان

اليك وقد قدمتهم

بسوی تو و مقدم داشتم ایشان را

امامي وبين يدي حوائجي وان تعصمني من التعرض لمواقف سخطك وتوفقني

پیش خود و پیش حاجتهای خود و اینکه نگاه داری مرا از متعرض شدن چیزهائیکه محل غضب تست و توفیق دهی مرا

لسلوك سبيل محبتك ومرضاتك يا ارحم الراحمين

از برای طی کردن راه محبت تو و خوشنودی تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اما ساعت دهم پس از دو ساعت است بعد از نماز عصر تا نزدیک زردی آفتاب و این منسوب

حضرت هادی علیه السلام است

و دعای آن اینست

اللهم انت الولي الحميد الغفور الودود المبدئ المعيد ذو العرش المجيد

خداوندا توئی دوست سپاس کرده شده آمرزنده دوست دارنده ابتدا کننده و عود دهنده صاحب عرش بزرگ

والبطش الشديد فعال لما يريد يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا من

و صاحب قهر سخت کننده هر آنچه میخواهی ای کسیکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن ای کسیکه او

هو على كل شيء شهيد يا من لا يتعاظمه غفران الذنوب ولا يتكأده عليه

بر هر چیز گواه است ای کسیکه بزرگ نمی نماید بخشیدن گناهان و بزرگ نیست بر حضرت او

الصفح عن العيوب اسألك بجلالك وبنور وجهك الذي ملأ اركان

درگذشتن از عیبها سؤال میکنم ترا بسبب بزرگی تو و بنور ذات تو که پر کرده است ارکان

عرشك وبقدرتك التي قدرت بها على خلقك وبرحمتك التي وسعت

عرش ترا و بقدرت تو که تقدیر کرده بآن بر تمام خلق خود و برحمت خود که گنجایش داد

كل شيء وبقوتك التي ضعف فيها كل كبير وبرسولك الذي رحمت به

هر چیز را و بقوت تو که ضعیف شد در آن هر بزرگی و برسول تو که رحم کرده تو بآن

العباد وهديت به الى سبل الرشاد وبأمير المؤمنين علي بن ابي طالب

بندگان را و هدایت کردی باو بسوی راههای رشد و بامیر مؤمنان علی بن ابی طالب

عليه السلام اول من آمن برسولك وصدق والذي وفى بما عاهد

علیه السلام که اول کسی است که ایمان آورد برسول تو و تصدیق کرد و وفا کرد بآنچه عهد کرده

عليه وتصدّق وبالإمام البرّ عليّ بن محمّد عليه السلام الّذي كفيته حيلة

براه و تصدق کرده است و بامام نیکوکار علی بن محمد علیه السلام آنکه کفایت کردی بسبب او حیله دشمنان را

وأريتهم عجيب الآيات إذ توسّلوا به في الدّعاء أن تصلّي على محمّد وآل محمّد

و نمودی بایشان عجیب علامات خود را زمانیکه متوسل شدند باو در دعا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

فقد استشفعت بهم إليك وقدّمتهم أمامي وبين يدي حوائجي وأن تجعلني

پس بتحقیق شفاعت خواستم بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشان را پیش روی خود و نزد حاجتهای خود و اینکه بگردانی مرا

من كفيتك في حرزك ومن كلائتك تحت عزّ عزيزك وتوزعني شكر آلائك

از کفایت خود در پناه محکم و از نگاه داشتن خود زیر عزت عزیز خود و در دل من انداز شکر نعمتهای

ومننك للاعتراف بأياديك ونعمك يا أرحم الرّاحمين

و بخششهای خود را از برای اعتراف باحسانهای تو و نعمتهای تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

فصل

اما ساعت یازدهم ۞ از نزدیک زوال آفتاب است تا زردی آن ۞ آن منسوب بحضرت

عسکری علیه السلام است

و دعای آن حضرت این است

اللّهمّ إنّك منزل القرآن وخالق الإنس والجانّ وجاعل الشّمس والقمر

خداوندا بدرستیکه تو فرو فرستنده قرآنی و آفریننده انس و جانی و قرار دهنده آفتاب و ماه را

بحسبان المبتدئ بالطّول والامتنان والمبدئ للفضل والإحسان

بحساب معین ابتدا کننده بنعمت و منت گذاردن و ابتدا کننده بفضل و احسان بی سابقه

وضامن الرّزق لجميع الحيوان لك المحامد والممادح ومنك العوائد

و ضامن روزی از برای جمیع حیوانات از برای تست همه حمدها و مدحها و از تست همه احسانها

والمنائح وإليك يصعد الكلم الطّيّب والعمل الصّالح وأنت العالم

و عطاها و بسوی تو بالا میرود سخنان پاکیزه و عمل صالح و توئی پروردگار دانا

بما

يخفي الصّدور وذو الحوائج أسألك بمحمّد صلّى الله عليه وآله رسولك

پنهان میکند سینه‌ها ۞ و صاحب حاجتها ۞ سؤال میکنم ترا بحق محمد رحمت کند خدا بر او و آل او که فرستاده تو است

إلى الكافّة وأمينك المبعوث بالرّحمة والرّأفة وبأمير المؤمنين عليّ بن أبي

بسوی همه خلق و امین تو که فرستاده شد بسبب رحمت و مهربانی ۞ و بامیر مؤمنان علی بن ابی

طالب عليه السّلام المفترض طاعته على القريب والبعيد المؤيّد بنصرك

طالب علیه السلام ۞ که فرض کرده شد طاعت او بر نزدیک ۞ و دور و تأیید کرده شد بیاری تو

في كلّ موقف مشهود وبالإمام الحسن بن عليّ الّذي طرح للسّباع فخلّصته

در هر موقف مشهود ۞ و بامام حسن بن علی ۞ آنکه انداخته شد برای درندگان پس خلاصی دادی او را

من مرابضها وامتحن بالدّوابّ الصّعاب فذلّلت له مراكبها أن تصلّي

از خوابگاههای آنها ۞ و امتحان کرده شد بچهارپایان صعب پس رام کردی برای او پشت آنها را اینکه رحمت فرستی

على محمّد وآل محمّد فقد توسّلت بهم إليك وقدّمتهم أمامي

بر محمد ۞ و آل محمد ۞ پس بتحقیق متوسل شدم بایشان بسوی تو ۞ و مقدم داشتم ایشان را

وبين يدي حوائجي وأن ترحمني بالتّوفيق لترك معاصيك ما أبقيتني

پیش روی خود و پیش حاجتهای خود و اینکه رحم کنی مرا بتوفیق دادن از برای ترک معاصی چندانکه باقی داری مرا

وتعينني على التّمسّك بطاعتك ما أحييتني وأن تختم لي بالخيرات

و یاری کنی مرا بر چنگ زدن بطاعت خود ۞ چندانکه زنده داری مرا و اینکه ختم کنی از برای من بخیرات

إذا توفّيتني وتفضّل عليّ بالمياسرة إذا حاسبتني وتهب لي العفو

زمانیکه بمیرانی مرا و تفضل کنی بر من بآسان گرفتن زمانیکه حساب کنی مرا و ببخشی برای من عفو را

إذا كاشفتني ولا تكلني إلى نفسي فأضلّ ولا تحوجني إلى غيرك فأذلّ

زمانیکه برداری پرده از عیب من و وامگذاری مرا بنفس من پس گمراه شوم و محتاج مکن مرا بسوی غیر خود پس خوار شوم

ولا تحمّلني ما لا طاقة لي به فأضعف ولا تبتليني بما لا صبر لي عليه

و مکن بار بر من آنچه نباشد طاقت آن مرا پس ضعیف شوم و مکن مبتلا مرا بآنچه نباشد صبر از برای من بر آن

فاتحه

وَاَجِرْنِي عَلَى جَمِيعِ عَوائِدِكَ عِنْدِي وَلَا تُؤاخِذْنِي بِسُوءِ عَمَلِي وَلَا تُسَلِّطْ

و پناه ده مرا بر نیکوئی احسانهای تو که نزد من است و مؤاخذه مکن مرا بسبب بدی عمل من و مسلط مکن

عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بر من کسی را که رحم نکند مرا برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

واما ساعت دوازدهم پس از زرد شدن آفتاب است تا غروب آن از حضرت

قائم عليه السلام

و دعا این است

اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ

ای خداوند ما ای آفریننده سقف بلند کرده شده و بساط وضع کرده شده

وَرَازِقَ الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ

و روزی دهنده گناهکار و طاعت کننده آنکه نیست مر او را از غیر او

وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي اِذَا سُمِّيَتْ

دوستی و نه شفاعت کننده سؤال میکنم ترا بحق نامهای تو که زمانیکه نام برده شوند

عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْراً وَاِذَا وُضِعَتْ عَلَى الْجِبَالِ

بر حادثهای دشوار بر میگردند بآسانی و هرگاه وضع کرده شوند بر کوهها

كَانَتْ هَبَاءً مَنْثُوراً وَاِذَا رُفِعَتْ اِلَى السَّمَاءِ

میگردند ریزه های پراکنده شده و زمانیکه بلند برده شود بسوی آسمان

تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ وَاِذَا هَبَطَتْ اِلَى ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ

گشوده میشود از برای آنها درهای بسته شده و زمانیکه پائین برده شود بتاریکیهای زمین

اِتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ وَاِذَا دُعِيَتْ بِهَا الْمَوْتَى

گشاده میشود از برای آنها تنگیها و زمانیکه خوانده شود بآنها مردگان

نُشِرَتْ

برانگیخته شوند

من

مِنَ اللُّحُودِ وَاِذَا نُودِيَ بِهَا الْمَعْدُومُ وَمَاتَ خَرَجَتْ اِلَى الْوُجُودِ وَاِذَا ذُكِرَتْ

از لحدها و زمانیکه ندا کرده شوند بآنها معدومات بیرون آیند بسوی وجود و هرگاه یاد کرده شوند

عَلَى الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعاً وَاِذَا قَرَعَتِ الْاَسْمَاعَ فَاضَتِ الْعُيُونُ دُمُوعاً

بر دلها بترسند دلها از روی خشوع و هرگاه زده شوند گوشها روان شود از دیدها اشکها

اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجِزَاتِ الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ وَ

سؤال میکنم ترا بحق محمد فرستاده تو که تأیید کرده شده بمعجزات و فرستاده شده بمحکم آیات

وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

و بحق امیر المؤمنین

عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ

علی بن ابی طالب الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِمُؤَاخَاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ وَاصْطَفَيْتَهُ

آنکه اختیار کردی از برای برادر رسول تو و خلیفه او و برگزیدی او

لِمُصَافَاتِهِ وَمُصَاهَرَتِهِ وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ

از برای خالص بودن با او و داماد بودن او و بحق صاحب الزمان

الْمَهْدِيِّ الَّذِي تَجْمَعُ عَلَى طَاعَتِهِ الْآرَاءَ

مهدی آنکه جمع میکنی بر طاعت او رایهای

الْمُتَفَرِّقَةَ وَتُؤَلِّفُ بِهِ بَيْنَ الْاَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ

پراکنده را و الفت میدهی بسبب او میان خواهشهای مختلفه

وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ اَوْلِيَائِكَ وَتَنْتَقِمُ

و خلاص میکنی بسبب او حقوق دوستان خود را و انتقام میکشی

بِهِ مِنْ شِرَارِ اَعْدَائِكَ وَتَمْلَأُ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلاً

بسبب او از بدان دشمنان خود و پر میکنی بسبب او زمین را از عدل

وَاِحْسَاناً وَتُوَسِّعُ عَلَى الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ

و احسان و فراخ میگردانی بر بندگان بسبب ظهور او

فضله

مفضلاً وامیناً وتعیدُ الحقّ الی مکانه عزیزاً حمیداً ویرجع الدین

فضل ● وامین ● و عود میفرمائی حق را بسوی مکان خود در حالتی که عزیز و پسندیده باشد و میگردانی دین را

علی یدیه غضّاً جدیداً ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ فهذا استشفعت

بر دستهای او ● جدید ● اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس بتحقیق که شفاعت جستم

بهم الیک وقدّمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان توزعنی شکر

بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشانرا پیش خود و پیش حاجتهای خود و اینکه در دل من اندازی شکر

نعمتک فی التّوفیق لمعرفته والهدایة الی طاعته وتزیدنی قوّة

نعمت خود را در توفیق برای شناختن او و هدایت بسوی طاعت او ● و زیاد کنی برای من قوت

فی التّمسّک بعصمته والاقتداء بسنّته والکون فی زمرته انّک سمیع

در چنگ زدن به نگاهدارنده او ● و اقتدا بطریقه او ● و بودن من در گروه او براستیکه تو شنونده

الدّعاء برحمتک یا ارحم الرّاحمین

دعائی برحمت خود ای رحم کنندهترین رحم کنندگان

باب چهارم

در بیان آنچه کرده میشود ● در میانه غروب آفتاب تا وقت خواب ● اول وقت نماز مغرب بنابر مشهور ● بطرف شدن سرخی طرف مشرق است ● و میکشد وقت فضیلت آن تا پنهان شدن سرخی مغرب ● و وقت ادای آن تا اینکه باقی بماند تا نصف شب قدر گذاردن آن با نماز عشا ● پس هرگاه یقین کردی داخل شدن وقت را میگوئی ده مرتبه ● آنچه را روایت کرده است ابو اسحق بن عمار بسند صحیح ● از حضرت صادق علیه السلام ● از دعای نوح علیه السلام بر پیغمبر ما و بر او باد درود ● آنچه را روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح نیز از حضرت باقر علیه السلام ● و بتحقیق که گذشت ذکر آنها در دعاهای نزد طلوع صبح و میگذاری دست خود را بر سر خود و بعد از آن میکشی آنرا بر روی خود و میگیری ریش خود را

احطت علی نفسی واهلی ومالی وولدی من غائب وشاهد بالله الّذی لا اله الّا

فرو گرفتم نفس خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزندان خود را از غائب و حاضر بخدائی که نیست خدائی

هو عالم الغیب والشّهادة الرّحمن الرّحیم الحیّ القیّوم لا تأخذه سنةٌ ولا نوم

او داناى پنهان ● و آشکار است بسیار مهربان رحم کننده زنده بخود برپا و نگهدارنده نمیگیرد او را پینکی و نه خواب

تا و هو العلیّ العظیم ● و بهتر است که تنها گفتن یکی از این سه دعا ● خصوصاً گاه بیرون نیستی از تنگی وقت ● و بعد از آن سزاوار است ● پیش گرفتن بسوی نماز مغرب ● پس بدرستیکه مستفاد از روایات معتبره از اصحاب عصمت ● سلام الله علیهم آن است که وقت مغرب تنگ است و روایات در این باب بسیار است ● چنانچه روایت کرده ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود ● که جبرئیل علیه السلام آورد برای پیغمبر صلّی الله علیه و آله ● از برای هر نماز ● دو وقت ● غیر نماز مغرب ● پس بدرستیکه وقت آن یکی است ● و وقت آن سقوط آفتاب است ● و چنانچه روایت کرده از او شیخ صدوق در مجلس شصت و دوم کتاب امالی از ابی اسامه ● که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام ● که میفرمود که هر که تاخیر کند مغرب را تا آنکه مشتبک شوند ستارهها ● پس من از او بیزارم ● و چنانچه روایت کرده شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از ذریح که گفت گفتم به حضرت ابی عبدالله علیه السلام ● که جمعی از مردم از اصحاب ابی الخطاب ● شام میکنند نماز مغرب را تا اینکه مشتبک میشوند ستارهها ● پس فرمود آن حضرت ● که من بیزارم بسوی خدا از کسیکه بکند این را عمداً ● و چنانکه روایت کرده است از او در تهذیب بسند صحیح از آن حضرت علیه السلام ● که فرمود که جبرئیل علیه السلام امر کرد پیغمبر را صلّی الله علیه و آله ● بنماز تمام آنها پس گردانید از برای هر نماز دو وقت ● مگر مغرب پس بدرستیکه گردانید از برای آن یک وقت ● و بتحقیق که روایت شده است نیز ● در روایات معتبره به بیرون رفتن وقت مغرب به زائل شدن شفق و عمل کرده اند بآن جماعتی از علما و تأویل کرده اند آنها ما بین غروب و رفتن شفق را وقت آن برای مختار ● و ما بعد آن را وقت آن برای مضطر و ظاهر تر ● مذهب متاخرین که وقت فضیلت تنگ است ● نه وقت ادای آن ● پس بنا بر این حمل کرده میشود بنا بر بودن

حضرت صادق علیه السلام از کسیکه تاخیر کند نماز را تا مشتبک شدن ستارها بر کسیکه
اعتقاد داشته باشد وجوب تاخیر را تا آن وقت و مراد از اینکه ... بیش از آن
وافاضه نماز شام پس تحقیق که دعوا کرده‌اند جماعتی از علما مانند سید مرتضی و ابن عقیل و ابن جنید
و جمهور اقرار بوجوب آنها و بنماز شام که قائل شده‌اند بعضی از ایشان بباطل شدن نماز بسبب
ترک آنها عمداً و هرگاه اذان بگوئی پس فاصله کن میان اذان و میان اقامه بسجده
یا نشستنی پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر که
بنشیند میان اذان مغرب و اقامه خواهد بود مثل کسیکه بغلطد بخون خود در راه خدا و آنچه
گفته میشود میان اذان مغرب و اقامه آن این دعا است

اللهم انی اسئلک باقبال لیلک وادبار نهارک وحضور صلواتک واصوات

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق روآوردن شب تو و پشت کردن روز تو و حاضر شدن نمازهای تو و آوازهای

دعاتک وتسبیح ملائکتک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تتوب علی انک

دعوت کنندگان تو و تسبیح نمودن ملائکه تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه قبول کنی توبه مرا بدرستیکه

انت التواب الرحیم

تو بسیار توبه پذیرنده رحم کننده

واما فاصله کردن میان آنها بکلام برداشتن پس مذکور است در کتابهای فقه و گفته است
شیخ ما در ذکری که من نیافتم در این باب حدیثی و میگوئی بعد از اقامت آنچه که گفته شد
بعد از آن افتتاح کن نماز را و دعاها بخوان که آداب آن پیش گذشت و اختیار میکنی از سورهها
در دو رکعت اول مغرب الهیکم التکاثر یا آنچه مانند آنها باشد و بعضی چنانکه روایت کرده است
از شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سوره توحید و تعقیب
مخصوص بعد از فراغ از آن سه تکبیر و تسبیح زهرا علیها السلام بعد از آن میگوئی سه مرتبه
آنچه روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت علیه السلام و آن دعا این است

الحمد لله الذی یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء غیره

حمد مر خدا را که میکند آنچه میخواهد و نمیکند آنچه میخواهد غیر او

بعد از آن بر میخیزی بنافله و اگر دوست داری طول دادن تعقیب را پس سزاوار است
که بجا آوری آنچه را یاد باشد بر آنچه مذکور شد بعد از نافله اگر وسعت داشته باشد
وقت برای او و بتحقیق روایت شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم حضور بعض
بر نافله مغرب پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام
که فرموده بحارث بن مغیره که وامگذار چهار رکعت را بعد از مغرب در سفر نه در حضر
و اگر چه طلب کنند ترا سواران و مکروه است سخن گفتن میان مغرب و این چهار رکعت
و در روایت خلاف از حضرت صادق علیه السلام دلالتی است بر این و در روایت که
رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر که نماز مغرب بگذارد
پس از آن تعقیب کند و حرف نزند تا اینکه دو رکعت نماز بگذارد دیگر نوشته میشود که
آن دو رکعت از برای او در علیین پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته میشود از برای
او حج مقبول و مشهور نیست کراهت سخن گفتن در میان چهار رکعت و دلالت
نمیکند بر کراهت آن روایت ابی الفوارس که گفت که نهی کرد مرا حضرت ابی عبدالله علیه السلام
از سخن گفتن میان چهار رکعتی که بعد از مغرب است و بتحقیق که استدلال کرده است

علامه قدس سره

در منتهی باین روایت بر کراهت سخن گفتن میان مغرب و این چهار رکعت
و موافقت کرده است با او شیخ ما شیخ شهید در ذکری بر این استدلال و این
چنان است که می‌بینی و اول این چهار رکعت فارغ شدن از نماز شام است
و آخر آن بر مذهب مشهور برطرف شدن شفق است و مزاحمت رسانیده نمیشود
باین چهار رکعت نماز عشا خواه شروع شده باشد با آنها یا نه و بنا باشد که قول
شده باشد بامتداد وقت آنها تا اینکه باقی بماند بعد از مغرب و پیش از نصف شب

مقدار ادای نماز

عشا و بتحقیق که میل کرده است باین شیخ ما در ذکری که کلام علامه طاب ثراه
در منتهی دلالت میکند بر اتفاق علمای ما بر اینکه آخر وقت آنها برطرف شدن شفق است

پس عدولی نیست بنا بین از مشهور ✿ و هرگاه فوت شود وقت اینها ✿ پس سزاوار است
قضای اینها مانند باقی نوافل شبانه روزی ✿ پس از حضرت صادق علیه السلام روایت شده
که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود ببینید

خدا تعالی

مباهات میکند به بنده که قضا میکند نماز شب را در روز ✿ و میگوید ای ملائکه من
نگاه کنید بسوی بنده من ✿ که قضا میکند آنچه را واجب نکرده ام بر او ✿ گواه میگیرم
شما را که بدرستیکه من آمرزیدم او را ✿ در روایت از ائمه علیهم السلام در تفسیر قول خدا تعالی

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

یعنی آنکه ایشان بر نماز خود مداومت میکنند

وَاللّٰهُ تَعَالَىٰ يَعْلَمُ

و شاید مراد اینست ✿ که مداومت میکنند بر دو رکعت ✿ و سزاوار است نزد شروع در
اینکه افتتاح کنی رکعت اول را با آن هفت تکبیر با سایر دعاهای آنها ✿ و بخوانی در آن بعد حمد
سوره توحید سه مرتبه ✿ و در رکعت دوم سوره قدر ✿ و اگر خواهی بخوانی در رکعت
اول سوره حمد ✿ و در دوم توحید و اگر اکتفا کنی بحمد مجزی است چنانکه در باقی ✿
نافلهای شبانه روزی است ✿ و سزاوار است بلند کردن قرائت در اینها و در جمیع نوافل شب

و میگوئی بعد از فراغ از دو رکعت اول

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰى وَلَا تُرٰى وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى وَاِنَّ اِلَيْكَ الرُّجْعٰى وَالْمُنْتَهٰى

خداوندا بدرستیکه تو می بینی و دیده نمیشوی و تو بر منظر بلندتری و بدرستیکه بسوی تو است رجوع و منتهی

وَاِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيٰى وَاِنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ وَالْاُولٰى اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ ✿

و بدرستیکه از برای تو است میرانیدن و زنده کردن و از برای تو است آخرت و دنیا ✿ خداوندا بدرستیکه ما پناه میبریم بتو

اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰى وَاَنْ نَاْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهٰى اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

که ذلیل و خوار و رسوا شویم و اینکه بجا آوریم آنچه را از آن نهی میکنی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی

محمد

۹
و تحیت است
هرگاه بنده مرتب
قضا کند نماز نوافل
مستحب را خالصا
لوجه الله تعالی
مورد
الطاف
حضرت حق میگردد

شرط آنکه
چیزی از ریا
و غیره داخل او
نشود
...

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ وَ

و آل محمد ✿ و سؤال میکنم بهشت را برحمت تو و پناه میبرم بتو از آتش سوزان بقدرت تو ✿ و

اَسْئَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِعِزَّتِكَ وَاَنْ تَجْعَلَ اَوْسَعَ رِزْقِيْ عِنْدَ كِبَرِ سِنِّيْ وَ

و سؤال میکنم ترا از حور عین بعزت تو ✿ و اینکه گردانی فراخترین روزی مرا نزد بزرگی سن من ✿

اَحْسَنَ عَمَلِيْ عِنْدَ اقْتِرَابِ اَجَلِيْ وَاَطِلْ فِيْ طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرِّبُ مِنْكَ وَيُحْظِيْ

و نیکو گردانی کردار مرا نزد نزدیک شدن اجل من و طولانی گردانی در طاعت تو و آنچه نزدیک گرداند بتو و بهره مند کند

عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ عُمْرِيْ وَاَحْسِنْ فِيْ جَمِيعِ اَحْوَالِيْ وَاُمُورِيْ مَعْرِفَتِيْ وَلَا

نزد تو ✿ و نزدیک گرداند نزد تو عمر مرا و نیکو گردانی در جمیع احوال من و امور من معرفت مرا ✿ و

تَكِلْنِيْ اِلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِيْ لِلدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

نگذاری مرا بسوی احدی از خلق تو و احسان کنی بر من ببر آوردن جمیع حاجتهای من از برای دنیا و آخرت

وَابْدَأْ بِوَالِدَيَّ وَوُلْدِيْ وَجَمِيعِ اِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ فِيْ جَمِيعِ مَا سَئَلْتُكَ لِنَفْسِيْ ۵

و ابتدا فرما به پدر و مادر من و فرزندان من و جمیع برادران مؤمن من ✿ در جمیع آنچه سؤال کردم ترا از برای نفس خود ✿

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

بعد از اینکه فارغ شوی از آنچه ✿ منتقل است پس در رکعت اول از نافله مغرب شروع میکنی در دو رکعت
آخر و میخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره حدید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ

تسبیح کرده است از برای خداوند آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب درستکار از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین

يُحْيِيْ وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ

زنده میکند و میمیراند و او بر همه چیز توانا است و اوست اول و اوست آخر و اوست ظاهر و اوست باطن و او

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ

بر همه چیز دانا است اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز ✿ پس خاطر توجه داد بر عرش

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ
میداند آنچه فرو میرود در زمین و آنچه بیرون می‌آید از آن و آنچه فرود می‌آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و او با شما
أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
هر جا که بوده باشید و خدا به آنچه میکنید بیناست از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا بر میگردد امور
يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
داخل میکند شب را در روز و داخل میکند روز را در شب و او دانا است بآنچه در سینهاست

و میخواند در رکعت دویم آخر سوره حشر را

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ
اگر میفرستادیم این قرآن را بر کوهی ◆ هر آینه میدیدی او را زاری کننده شکافته شده از ترس خداوند و این
الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ◆ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ
مثلها میزنیم ما آنها را از برای مردم شاید ایشان تفکر کنند ◆ اوست خدائی که نیست خدائی مگر او دانای غیب و
وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ
آشکار او است بسیار مهربان رحم کننده اوست خدائی که نیست خدائی مگر او پادشاه بسیار پاکیزه سلامت دهنده
الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ
و امان دهنده حفظ کننده عزیز جبار متکبر ◆ منزه است خداوند از آنچه شریک میکردند اوست خداوند آفریننده نگارنده
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
و صورت بخشنده از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند از برای او آنچه در آسمانهاست و زمین و اوست عزیز حکیم ◆

و میگوئی در سجده آخرین از این دو رکعت هفت مرتبه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق ذات بزرگوار تو و نام بزرگ تو و پادشاهی قدیم تو ◆

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ
اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی گناه بزرگ مرا بدرستیکه نمی‌آمرزد گناه بزرگ را ◆

إِلَّا الْعَظِيمُ

پس هر گاه فارغ شدی از این چهار رکعت ◆ پس مانعی نیست از کامل کردانیدن تعقیب بعضی از آنچه ذکر شد در تعقیب صبح از آنچه خوانده میشود در صبح و شام چنانچه آگاه کردیم ترا بآن در آنها

فصل

اگر وقت وسعت داشته باشد ◆ پس مخوان از نافله بعد از مغرب ◆ این دعا را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند ◆ بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد بشارت دهنده ترساننده چراغ روشن پاکیزه و پاکست خاتم پیغمبران تو ◆
وَسَيِّدِ أَصْفِيَائِكَ وَخَالِصِ أَخِلَّائِكَ ذِي الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَالْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ ◆
و بزرگ برگزیده تو ◆ و خالص دوستان تو ◆ صاحب جایگاه پسندیده و صاحب کوثر آشکار و
وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَنَصَحَ
و حوض مورود ◆ خداوندا رحمت بفرست بر محمد چنانچه رسانید پیغام ترا و جهاد کرد در راه تو و نصیحت کرد
لِأُمَّتِهِ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ وَصَلِّ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ
مر امت خود را تا اینکه آمد او را اجل او و رحمت بفرست بر آل او که پاکان برگزیدگان پرهیزکاران نیکوکارانند
الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَاسْتَأْمَنْتَهُمْ عَلَى وَحْيِكَ
آنانکه برگزیدی ایشان را از برای نفس خود و برگزیدی ایشان را از خلق خود و امین گردانیدی ایشان را بر وحی خود
وَجَعَلْتَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِكَ وَتَرَاجِمَةَ وَحْيِكَ وَأَعْلَامَ نُورِكَ وَحَفَظَةَ سِرِّكَ وَ
و گردانیدی ایشان را خزانه‌دار علم خود و ترجمان وحی خود ◆ و علمهای نور خود و نگهدارنده ستر خود ◆ و
أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَاحْشُرْنَا
دور کردی از ایشان رجس را و پاک گردانیدی ایشان را پاک کردنی خداوندا نفع ده ما را بدوستی ایشان [illegible]

در دعائی که در صباح و مساء و وقت خواب در دعا اختیار وارد است منقول

في زمرتهم وتحت لوائهم ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني بهم عندك وجيها

در گروه ایشان و زیر علم ایشان و جدائی میفکن میان ما و میان ایشان و گردان بسبب ایشان نزد تو رو سفید

في الدنيا والآخرة ومن المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون الحمد

در دنیا و آخرت و گردان از مقربان آنکه نیست خوفی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند حمد

لله الذي اذهب النهار بقدرته وجاء بالليل برحمته خلقا جديدا و

مر خدا را که برد روز را بقدرت خود و آورد شب را برحمت خود آفریده تازه

جعله لنا لباسا وسكنا وجعل الليل والنهار آيتين لنعلم بهما عدد السنين

گردانید او را برای ما لباس و آرامگاه و گردانید شب و روز را علامت تا اینکه بدانیم عدد سالها

والحساب الحمد لله باقبال الليل وادبار النهار اللهم صل على محمد وآله

و حساب حمد مر خدا را بر آوردن شب و برگردانیدن روز خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او

واصلح لي ديني الذي هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معيشتي

و اصلاح کن از برای من دین مرا آنکه او نگهدارنده امر من است و اصلاح کن از برای من دنیای مرا که در آن زندگانی من است

واصلح لي آخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي من كل خير واجعل الوفات

و اصلاح فرما از برای من آخرت مرا آنکه بسوی اوست بازگشت من و بگردان زندگی را زیاده از برای من از هر خیری و بگردان مرگ را

راحة لي من كل سوء واكفني امر دنياي وآخرتي بما كفيت به اولياءك

راحت از برای من از هر بدی و کفایت فرما امر دنیا و آخرت مرا بآنچه کفایت نمودی بآن دوستان خود را

وجنبك من عبادك الصالحين واصرف عني شرهما ووفقني لما يرضيك

و گردان مرا از بندگان تو که نیکوکارانند و بگردان از من بدی ایشان را و توفیق ده مرا از برای آنچه خوشنود کند ترا

عني يا كريم امسينا لله الواحد القهار وما في الليل والنهار اللهم

از من ای کریم و داخل شام شدیم برای خدای یگانه قهار و آنچه در شب و روز است خداوندا

اني وهذا الليل

والنهار خلقان من خلقك فاعصمني فيهما بقوتك ولا ترهما جرأة

و روز دو خلق‌اند از آفریدگان تو پس نگاه دار مرا در آنها بقوت خود و منما بآن دو جرأت

والمليك

متى

در دعائی که در وقت غروب آفتاب تا وقت خواب در دعا اختیار کرده منقول در مساء

مني على معاصيك ولا ركوبا للمحارم واجعل عملي فيهما مقبولا وسعيي مشكورا

از من بر معصیتهای تو و نه ارتکاب بستن حرامها را و گردان عمل مرا در آنها قبول شده و سعی مرا جزا داده

وسهل لي ما اخاف عسره وافضل لي فيه بالحسنى وامني مكرك ولا تهتك

و آسان گردان آنچه میترسم دشواری آن را و حکم کن برای من در آن بنیکوئی و ایمن کردان مرا از مکر تو و مدر

عني سترك ولا تنسني ذكرك ولا تخل بيني وبين حولك وقوتك ولا

از من پرده خود را و فراموش مگردان مرا از یاد خود و حایل مشو میان من و میان حول و قوت خود و مساز

تلجئني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا الى احد من خلقك يا كريم اللهم

ملتجی مرا بسوی نفس من یک چشم برهم زدن و نه بسوی احدی از جمله آفریدگان تو ای بزرگوار خداوندا

صل على محمد وآل محمد وافرغ قلبي لذكرك حتى اعي وحيك واتبع امرك

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و فارغ کن دل مرا برای ذکر تو تا اینکه بشنوم وحی ترا و پیروی کنم امر ترا

واجتنب نهيك اللهم صل على محمد وآله ولا تصرف عني وجهك ولا

و اجتناب کنم نهی ترا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و مگردان از من توجه خود را و مکن

تمنعني فضلك ولا تحرمني عفوك وجعلني اوالي اولياءك واعادي

منع از من فضل خود را و محروم مگردان مرا از عفو خود و بگردان مرا که دوست دارم دوستان ترا و دشمن دارم

اعداءك وارزقني الرهبة منك والرغبة اليك والتسليم لامرك

دشمنان ترا و روزی گردان مرا ترس از تو و رغبت بسوی تو و تسلیم نمودن مر امر ترا

والتصديق بكتابك واتباع سنة نبيك صلى الله عليه وآله اللهم

و تصدیق نمودن بکتاب تو و پیروی کردن طریقه پیغمبر تو رحمت کند خدا بر او و آل او خداوندا

اني اعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع وعين لا تدمع وقلب

بدرستیکه من پناه میبرم بتو از نفسیکه قناعت نکند و شکمیکه سیر نشود و چشمیکه گریه نکند و دلیکه

لا يخشع

وصلوة لا ترفع وعمل لا ينفع ودعاء لا يسمع واعوذ بك من سوء

و نمازیکه بالا برده نشود و عملیکه نفع نکند و دعائیکه شنیده نشود و پناه میبرم بتو از بدی

القضاء

الْقَضاءِ وَدَرَكِ الشَّقاءِ وَشَماتَةِ الْأَعْداءِ وَجَهْدِ الْبَلاءِ وَعَمَلٍ لا يُرْضي

قضا و در یافتن بدبختی و شماتت دشمنان و مشقت و جهد در تحمل بلاء و عملیکه پسندیده نگردد

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْكُفْرِ وَالْقَدْرِ وَضيقِ الصَّدْرِ وَسُوءِ الْأَمْرِ وَمِنْ

و پناه میآورم بسوی تو از پریشانی و کفر و بیوفائی و تنگی سینه و بدی حال و امر و از

بَلاءٍ لَيْسَ لي بِهِ صَبْرٌ وَمِنَ الدَّاءِ الْعُضالِ وَغَلَبَةِ الرِّجالِ وَخَسْرَةِ الْمُنْقَلَبِ

بلائیکه نبوده باشد برای من صبری و از دردی که سخت است و غلبه مردان و نومیدی بازگشت

وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمالِ وَالدِّينِ وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعايَنَةِ مَلَكِ الْمَوْتِ

و بدی نگریستن در نفس و در اهل و در مال و در دین و در ولد و در نزد دیدن ملک موت

وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ إِنْسانِ سَوْءٍ وَجارِ سَوْءٍ وَقَرينِ سَوْءٍ وَيَوْمِ سَوْءٍ وَساعَةِ

و پناه میآورم بخدا از انسان ناخوش و همسایه ناخوش و مصاحب ناخوش و روز ناخوش و ساعت

سَوْءٍ وَمِنْ شَرِّ ما يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَما يَخْرُجُ مِنْها وَما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَما يَعْرُجُ

ناخوش و از شر آنچه فرو رود در زمین و آنچه بیرون آید از زمین و آنچه فرود میآید از آسمان و آنچه بالا

فيها وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ

در آن و از شر هر جنبنده که پروردگار من گرفته است موی پیشانی او را بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است

فَسَيَكْفيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّميعُ الْعَليمُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي قَضىٰ عَنّي صَلٰوةً

پس زود باشد که کفایت کند ترا خدا از ایشان و اوست شنونده دانا حمد مر خدا را که ادا کرد از برای من نمازی را که

إِنَّ الصَّلٰوةَ كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنينَ كِتاباً مَوْقُوتاً

بدرستیکه نماز هست بر مؤمنین واجب و در وقتهای از برای آن معین

بعد از آن میگوئی

اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ في بَصَري وَالْبَصيرَةَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد اینکه بگردانی روشنی را در چشم من و دانائی

في ديني وَالْيَقينَ في قَلْبي وَالْإِخْلاصَ في عَمَلي وَالسَّلامَةَ في نَفْسي وَالسَّعَةَ

در دین من و یقین را در دل من و اخلاص را در عمل من و سلامتی را در نفس من و فراخی را

في رِزْقي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَداً ما أَبْقَيْتَني

در روزی من و شکر از برای تو همیشه مادامیکه باقی داری مرا

بعد از آن دو سجده

شکر میکنی و میگوئی در آنها و بعد از آنها آنچه گذشت و اقل آنچه مجزی است این است

که بگوئی در هر یک از آنها شکراً شکراً شکراً و مخفی نماند است کردن آنها

بعد از نافله مغرب و در بعضی روایات پیش از آن و بعد از آنکه فارغ شدی از این

مستحب است برای تو دو رکعت نماز غفیله پس میخوانی در رکعت اول بعد از الحمد

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادىٰ فِي الظُّلُماتِ

و یاد کن ذا النون را زمانیکه رفت غضبناک پس گمان کرد اینکه هرگز قدرت نداریم بر او پس ندا کرد در تاریکی

أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ

اینکه نیست خدائی مگر تو منزهی تو بدرستیکه بودم من از ظلم کنندگان پس اجابت نمودیم مر او را و نجات دادیم

مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنينَ

از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنین را

و در رکعت دویم بعد از الحمد

وَعِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها إِلّا هُوَ وَيَعْلَمُ ما فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما تَسْقُطُ

و نزد اوست کلیدهای غیب که نمیداند آنرا مگر او و میداند آنچه در بیابان و دریاست و آنچه افتد

مِنْ وَرَقَةٍ إِلّا يَعْلَمُها وَلا حَبَّةٍ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ وَلا رَطْبٍ وَلا يابِسٍ إِلّا

از برگی مگر میداند آنرا و نه دانه از تاریکیهای زمین و نه تر و نه خشکی مگر

في كِتابٍ مُبينٍ

در کتاب هویداست

بعد از آن قنوت میخوانی میگوئی

اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِمَفاتِحِ الْغَيْبِ الَّتي لا يَعْلَمُها إِلّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق کلیدهای غیب که نمیداند آنرا مگر تو اینکه رحمت بفرستی بر

محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا و ان تفعل بی ما انت اهله و لا تفعل

محمد و آل محمد را و اینکه بجا بیاوری در حق من چنین و چنان و اینکه بجا بیاوری در حق من آنچه تو سزاواری و بجا نیاوری

بی ما انا اهله

با من آنچه من سزاوار آنم

پس از آن میگوئی

اللهم انت ولی نعمتی و القادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق

خداوندا تو ئی صاحب نعمت من و قادر بر مطلب من ❖ میدانی حاجت مرا پس سؤال میکنم ترا بحق

محمد و آله علیه و علیهم السلام لما قضیتها لی

محمد و آل او برادر او برادران او باد سلام ❖ آنچه تو برادر را از برای من

و سؤال میکنی حاجت خود را بتحقیق که روایت کرده است ❖ هشام بن سالم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام ❖ که هر که نماز کند این دو رکعت را میانه شام و خفتن و دعا کند باین دعا ❖ و سؤال کند حاجت خود را ❖ عطا کند او را آنچه سؤال کرده ❖ و بدانکه مشهور شده است این دو رکعت ❖ به دو رکعت غفیله و دو رکعت غفلت ❖ و دو رکعت ساعت غفلت ❖ و وجه این است که ساعتیکه که گذارده میشود ❖ این دو رکعت در آن و آن میانه شام و خفتن است نامیده میشود بساعت غفلت ❖ و روایت کرده است شیخ محدثین در فقیه از حضرت باقر علیه السلام ❖ که فرموده که بدرستیکه شیطان پراکنده میکند لشکر شب خود را که از هنگام غروب آفتاب تا برطرف شدن شفق ❖ و پراکنده میکند لشکر روز خود را که از هنگام طلوع صبح تا طلوع آفتاب ❖ و ذکر کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرمودند ❖ بسیار بکنید ذکر خدا تعالی را در این دو وقت ❖ و پناه برید از شر شیطان و لشکر او ❖ و پناه دهید کودکان خود را ❖ در این دو ساعت بدرستیکه ❖ این دو ساعت دو ساعت غفلتند و روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که نافله کنید اگر چه دو رکعت سبک باشد ❖ پس بدرستیکه آنها میراث میگذارند خانه کرامت بلکه گفته شد ای رسول الله که ام است

ساعت غفلت ❖ فرموده میانه مغرب و عشا ❖ میانه وقت نماز مغرب و وقت عشا است یعنی میانه غروب آفتاب و برطرف شدن شفق چنانچه دلالت میکند بر آن حدیث سابق ❖ نه میانه نماز ها ❖ و بتحقیق که وارد شده است ❖ در احادیث صحیح که اول وقت عشا برطرف شدن شفق است ❖ چنانکه بزودی خواهد آمد ❖ و از این مستفاد میشود ❖ که وقت گذاردن دو رکعت غفیله میانه غروب و زایل شدن شفق است ❖ پس هر گاه بگذرد این وقت ❖ میگردد قضا و از آنچه سنت است کردن آن در ساعت غفلت ❖ دو رکعت است که بجا آوری در رکعت اول ❖ بعد از حمد سوره اذا زلزله سیزده مرتبه ❖ و در دوم بعد از حمد سوره قل هو الله احد ❖ پانزده مرتبه بتحقیق که روایت کرده است شیخ طائفه از حضرت صادق علیه السلام ❖ که هر که بکند این را در هر شبی ❖ صاحب کند با من در بهشت ❖ و نوشته اند ثواب آن را مگر خدای تعالی

فصل

که اول وقت نماز عشا فارغ شدن از مغرب است بر مذهب مشهور ❖ و میکشد وقت فضیلت آن تا ثلث شب ❖ و وقت ادای آن تا مقدار گذاردن چهار رکعت است پیش از نصف شب ❖ و مستحب است بعد رکعت غفیله این که ملاحظه کنی شفق را ❖ پس اگر باقی باشد سزاوار نیست شروع در عشا تا آنکه برطرف شود شفق ❖ و بتحقیق که گفته اند شیخ طائفه و شیخ مفید با آنکه داخل نمیشود ❖ وقت عشا مگر بپنهان شدن شفق ❖ و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام ❖ که اول وقت عشا تا آخر رفتن سرخی است ❖ و روایت کرده است اینرا شیخ محدثین بسند صحیح ❖ و این محمول است بر استحباب تا خیر آن تا رفتن شفق ❖ پس هر گاه یقین کرده که برطرف شدن شفق را ❖ پس سزاوار است ❖ که میبادرت کنی بسوی اذان و اقامت ❖ بجا آورند دعاها را ❖ که پیش از اقامه و بعد اذان ❖ پس از آن شروع کن در نماز عشا افتتاح کنند ❖ دعا خوانند چنانکه گذشت ❖ و مستحب این است در رکعت اول سوره اعلی یا شمس یا انجم یا مانند اینها باشد در طول ❖ چنانچه روایت کرده است از شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سوره توحید باشد یا فی نماز ها و تکبیر

میکوئی جهت قنوت ❁ و قنوت میخوانی با نچه گذشت در باب اول ❁ و با نچه خواهد آمد در باب ششم ❁ و طول میدهی قنوت را ❁ و تعقیب را پس بعد سبکی رفت و سبع است پس میخوانی تعقیبهای ذکر مشترکست میان پنج نماز ❁ و تعقیبهائی که مشترک است میان صباح و شام ... و آنچه را مخصوص نماز عشا است

پس میکوئی

اللّهمّ بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ ولا تؤمنّا مكرك ولا تنسنا

خداوندا بحق محمد و آل محمد ❁ رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❁ و ایمن مکردان ما را از مکر خود و فراموش

ذكرك ولا تكشف عنّا سترك ولا تحرمنا فضلك ولا تحلل علينا غضبك ❁

از ذکر خود و بر مدار ❁ از ما پرده خود را و محروم مکردان ما را از فضل خود و فرود میاور بر ما غضب خود را

ولا تباعدنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك ولا تنزع عنّا بركاتك ولا

و دور مکردان ما را از پناه خود و کم مکردان ما را از رحمت خود و فرود میکر از ما برکتهای خود را و منع

تمنعنا عافيتك وأصلح لنا ما أعطيتنا وزدنا من فضلك المبارك ❁

مکن از ما عافیت خود را و باصلاح آور از برای ما آنچه عطا کرده بما و زیاد بکن از برای ما از فضل خود که با برکت

الطّيّب الحسن الجميل ولا تغيّر ما بنا من نعمتك ولا تؤيسنا من روحك

و پاکیزه و نیکو و خوب و تغییر مده آنچه با ما است از نعمت تو ❁ و نومید مکردان ما را از رحمت خود ❁

ولا تهنّا بعد كرامتك ولا تضلّنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك

و خوار مکردان ما را بعد از کرامت خود و گمراه مکردان ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش از نزد خود

رحمةً إنّك أنت الوهّاب ❁

بعد از آن میخوانی

هر یک از سوره فاتحه و قل هو الله احد ❁ و قل اعوذ برب الفلق ❁ و قل اعوذ برب الناس ده مرتبه و بعد از آن ... میکوئی ❁

سبحان الله والحمد لله ولا إله إلّا الله والله أكبر ❁

منزه است خدا و سپاس مر خدا را و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است

ده مرتبه

اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ ده مرتبه

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد (بعد از آن)

اللّهمّ افتح لي أبواب رحمتك وأسبغ عليّ من حلال رزقك ومتّعني

خداوندا بکشا از برای من درهای رحمت خود را و وسعت ده بر من از حلال رزق خود ❁ و بهره مند کردان

بالعافية ❁ ما أبقيتني في سمعي وبصري وجميع جوارحي اللّهمّ ما بنا

بعافیت مرا مادامیکه باقی داری مرا در گوش من و دیدهای من و همه اعضای من ❁ خداوندا آنچه با ما است

من نعمةٍ فمنك لا إله إلّا أنت أستغفرك وأتوب إليك ❁

از نعمت ❁ پس از تست نیست خدائی مگر تو ❁ طلب آمرزش میکنم از تو و توبه میکنم بسوی تو

بعد از آن میکوئی
و این دعاهای طلب روزی است

اللّهمّ إنّه ليس لي علم بموضع رزقي وإنّما أطلبه بخطرات تخطر

خداوندا بدرستیکه نیست از برای من علمی بموضع روزی من و بدرستیکه طلب میکنم با خطرهائیکه در میاید ❁

على قلبي فأجول في طلبه البلدان وأنا فيما أنا طالب كالحيران لا أدري أفي

در دل من پس میکردم در طلب آن در شهرها ❁ و من در آنچه طلب میکنم مانند حیران هستم نمیدانم آیا در

سهلٍ هو أم في جبلٍ أم في أرضٍ حزنٍ أم في سماءٍ أم في برٍّ أم في بحرٍ وعلى

هموار است یا در کوه ❁ یا در زمین سخت ❁ یا در آسمان ❁ یا در زمین خشکی یا در دریا ❁ و بر

يدي من ومن قبل من وقد علمت أنّ علمه عندك وأسبابه بيدك

دست کیست و از پیش کیست و بتحقیق میدانم که علم آن نزد تو است ❁ و اسباب آن بدست تو است

وأنت الّذي تقسمه بلطفك وتسبّبه برحمتك اللّهمّ فصلّ على

و تو آنکه قسمت میکنی آنرا بسبب لطف خود ❁ و فراهم میآوری آنرا برحمت خود خداوندا پس رحمت بفرست بر

محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعل يا ربّ رزقك لي واسعاً ومطلبه سهلاً و

محمد ❁ و آل محمد و بکردان ای پروردگار من روزی خود را برای من با وسعت و مطلب آنرا آسان و

وما اخذه قربا وتعنتي بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا فانك غني عن

دگر فتن انرا نزدیک ❖ و بر نج میشدم از من بطلب کردن انچه تقدیر نکرده برای من در ان روزی پس بدرستیکه

عذابي وانا فقير الى رحمتك فصل على محمد وآل محمد وجد على عبدك ۵

عذاب کردن و من محتاجم بسوی رحمت تو پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بخشش فرما بر بنده خود ❖

بفضلك انك ذو فضل عظيم

بفضل خود بدرستیکه تو صاحب فضل بزرگی

بعد اذان میگوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام ❖ خداوند بخشنده ❖ مهربان ❖

اللهم صل على محمد وآل محمد صلوة تبلغنا بها رضوانك والجنة

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❖ رحمتیکه ❖ برسانی ما را بسبب ان بخشنودی خود و بهشت

وتنجينا بها من سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد

و نجات دهی ما را بسبب ان از غضب خود و آتش ❖ خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

وارني الحق حقا حتى اتبعه وارني الباطل باطلا حتى اجتنبه

و بنما مرا حق را ❖ تا اینکه پیروی کنم انرا ❖ و بنما بمن باطل را ❖ باطل تا اینکه اجتناب کنم از ان

ولا تجعله علي متشابها فاتبع هواي بغير هدى منك واجعل هواي

و مگردان انرا بر من مشتبه ❖ پس پیروی کنم هوای خود را بی راه یافتن از تو و بگردان خواهش مرا

تبعا لرضاك وطاعتك وخذ لنفسك رضا من نفسي واهدني

پیرو کردن خوشنودی تو و طاعت تو ❖ و فرا گیر از برای نفس خود خوشنودی را از نفس من و هدایت کن مرا

لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط

بر آنچه اختلاف شده است در ان از حق بفرمان خود بدرستیکه تو هدایت میکنی کسی را که میخواهی بسوی راه راست

مستقيم اللهم صل على محمد وآله واهدني فيمن هديت وعافني

راست ❖ خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❖ هدایت کن مرا در انکه هدایت کردی و عافیت ده

فيمن عافيت وتولني فيمن توليت وبارك لي فيما اعطيت وقني شر ما

در انکه عافیت داده مرا در انکه دلی شدی از انکه ولایت داده تو و برکت ده برای من در انچه عطا کرده و نگاهدار از شر

قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك ويجير ولا يجار عليك تم

حکم فرموده تو بدرستیکه حکم میکنی تو حکم کرده نمیشود بر تو ❖ و پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو تمام شد

نورك اللهم فهديت فلك الحمد وعظم حلمك فعفوت فلك الحمد

نور تو ❖ خداوندا پس هدایت کرده پس مر تراست حمد پس بزرگ است حلم تو در نزد عفو تو پس مر تراست حمد

وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد نطاع ربنا فتشكر ونعصى ربنا

و گشوده دست خود را ❖ پس عطا کرده ❖ پس مر تراست حمد و طاعت کرده میشود ای پروردگار ما پس جزا میدهی و عصیان کرده

فتغفر وتشكر ونثني انت كما اثنيت على نفسك بالكرم والجود لبيك

پس میآمرزی و میپوشانی و ثنا میکنم ترا ای خداوند که ثنا کرده بر نفس خود ❖ بکرم و جود ❖ اقامت دارنده

وسعديك تباركت وتعاليت لا ملجا ولا منجا منك الا اليك لا اله

دبار رحیم بر طاعت تو پاکیزه و بلند مرتبه تو ❖ نیست پناهی و نه مخلصی از تو مگر بسوی تو نیست خدائی

الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوء وظلمت نفسي فاغفر لي

مگر تو ❖ پاک یاد میکنم ترا خداوندا و حال انکه متلبسم بحمد تو کرده ام بدی و ستم کرده ام نفس خود را پس بیامرز

وارحمني وانت ارحم الراحمين لا اله الا انت سبحانك اني كنت ۵

و رحم کن مرا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگان نیست خدائی مگر تو تسبیح کنم ترا و منزه میکنم بدرستیکه من بودم

من الظالمين لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوء و

از ستمکنندگان ❖ نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا ❖ خداوندا و متلبسم بحمد تو کرده ام بدی و

ظلمت نفسي فاغفر لي يا خير الغافرين لا اله الا انت سبحانك اللهم

ستم کرده ام بر نفس خود پس قبول کن توبه مرا ای بهترین امرزندگان نیست خدائی مگر تو پاک یاد میکنم ترا خداوندا

وبحمدك

و متلبسم بحمد تو

عملت سوء وظلمت نفسي فتب علي انك انت التواب الرحيم

کرده ام بدی و ستم کرده ام نفس خود را پس قبول کن توبه مرا بدرستیکه توئی بسیار توبه قبول کننده مهربان

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ

نیست خدائی مگر تو [illegible] پاک است پروردگار تو پروردگار عزت

عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

از آنچه وصف میکنند [illegible] و درود بر رسولان و حمد مر خدا راست پروردگار عالمیان بار خداوندا رحمت کن

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَبَعِّثْنِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَصَبِّحْنِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَاَسْلُكْ

بر محمد و آل محمد و بر انگیز مرا [illegible] در عافیت و داخل صبح گردان مرا [illegible] در عافیت

مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَارْزُقْنِي تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ

از جانب خود در عافیت و روزی کن مرا تمام عافیت و همیشگی عافیت و شکر بر عافیت

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاَهْلَ حُزَانَتِي

خداوندا بدرستیکه من [illegible] نفس خود و دین خود و اهل خود و مال خود و فرزند خود و اهل [illegible]

وَكُلَّ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَسَتْرِي فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي فِي

و هر نعمتیکه انعام کرده بر من و انعام خواهی کرد پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا در

كَنَفِكَ وَاَمْنِكَ وَكِلَائَتِكَ وَحِفْظِكَ وَحِيَاطَتِكَ وَكِفَايَتِكَ وَسِتْرِكَ

حفظ خود و امان خود و نگاهبانی خود و نگاهداری خود و محافظت خود و کفایت خود و پرده خود

وَذِمَّتِكَ وَجِوَارِكَ وَوَدَائِعِكَ يَا مَنْ لَا يَضِيعُ وَدَائِعُهُ وَلَا يُخَيِّبُ سَائِلَهُ

و پناه خود و همسایگی خود [illegible] ای آنکه ضایع نمیشود امانتهای او و ناامید نمیکند سائل خود را

وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْرَءُ بِكَ فِي نُحُورِ اَعْدَائِي فَكِدِ اللّٰهُمَّ

و فانی نمیشود آنچه نزد اوست خداوندا بدرستیکه من دفع میکنم بتو [illegible] دشمنان خودم پس مکر کن خداوندا

مَنْ كَادَنِي وَبَغٰى عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنَا فَاَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنَا فَكِدْهُ وَلَا

با کسیکه مکر کند با من و ستم کند بر من خداوندا هر که قصد کند ما را پس قصد کن او را و هر که کید کند ما را پس کید کن او را

وَمِنْ نَصْبٍ

لَنَا عَدُوًّا وَقُلْ يَا رَبِّ اَحَدٌ عَنْ مُفْتَدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

[illegible] خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وال

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاصْرِفْ عَنِّي الْبَلِيَّاتِ وَالْاٰفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالنِّقَمِ وَلُزُومَ السَّقَمِ

و آل محمد و بگردان از من بلاها و آفتها و عاهتها و عقابها و لازم شدن بیماری

وَزَوَالَ النِّعَمِ وَعَوَاقِبَ التَّلَفِ وَمَا طَغٰى بِهِ الْمَاءُ لِغَضَبِكَ وَمَا عَسَّرَ

و زایل شدن نعمتها و [illegible] تلف شدن و آنچه طغیان کرده است بسبب آن آب از برای غضب تو و آنچه دشوار

بِالرِّيحِ عَنْ اَمْرِكَ وَمَا اَعْلَمُ وَمَا لَا اَعْلَمُ وَمَا اَخَافُ وَمَا لَا اَخَافُ

بسبب باد از امر تو و آنچه میدانم و آنچه نمیدانم و آنچه خوف دارم و آنچه خوف ندارم

وَمَا اَحْذَرُ وَمَا لَا اَحْذَرُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

و آنچه حذر دارم و آنچه حذر ندارم و آنچه تو داناتری بآن خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ هَمِّي وَنَفِّسْ غَمِّي وَسَلِّ حُزْنِي وَاكْفِنِي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي

محمد و رفع کن هم مرا و برطرف کن غم مرا و زایل کن اندوه مرا و کفایت کن مرا آنچه تنگ شده است بسبب آن سینه من

وَقَلَّتْ فِيهِ حِيلَتِي وَضَعُفَتْ عَنْهُ قُوَّتِي وَعَجَزَتْ عَنْهُ طَاقَتِي وَرَدَّتْنِي

و کم شده است در آن چاره من و ضعیف شده است از آن قوت من و عاجز شده است از آن طاقت من و برگردانیده

فِيهِ الضَّرُورَةُ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْاٰمَالِ وَخَيْبَةِ الرَّجَاءِ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ

در آن ضرورت نزد بریده شدن آرزوها و نومیدی امید از آفریده شدگان

اِلَيْكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِيهِ يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي

بسوی تو پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و کفایت کن از برای من آن را ای کسیکه کافی است از هر چیز

مِنْهُ شَيْءٌ اِكْفِنِي كُلَّ شَيْءٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى شَيْءٌ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

از او چیزی کفایت کن از برای من هر چیز را تا آنکه باقی نماند چیزی ای بزرگوار خداوندا رحمت بفرست بر

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ

و آل محمد و روزی کن مرا حج خانه کعبه و زیارت قبر پیغمبر خود رحمت بفرستد خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَالدَّمْعَ التَّوْبَةَ وَالنَّدَمَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي

بر او و آل او و توبه صحیح و پشیمانی خداوندا بدرستیکه من طلب نگاهداری میکنم از تو نفس

وَاَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوانِي وَاسْتَكْفِيكَ مَا اَهَمَّنِي وَمَا لَمْ يُهِمَّنِي وَاَسْئَلُكَ

و اهل من و فرزند من و برادران من و طلب میکنم کفایت کردن تو آنچه را که غمگین دارد مرا و آنچه را غمگین نداده مرا و سؤال میکنم از تو

بِخَيْرِ بَنِيكَ مِنْ خَلْقِكَ الَّذِي لَا يَمُنُّ بِهِ سِواكَ يَا كَرِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي قَضَى

بحق برگزیده تو از خلق تو ◈ آنکه منت نمیگذارد بان غیر تو ای بزرگوار حمد مر خدا را که ادا کرد

عَنِّي صَلوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ◈ كِتَابًا مَوْقُوتًا

از من نمازی را که بود ◈ بر مؤمنین ◈ کتاب واجب وقت قرار داده شده

بعد از آن سجده میکند دو سجده شکر و میگوید در سجده اول

اَللّهُمَّ اَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ يَا اَحَدُ يَا مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ

خداوندا تو بند ◈ بریده شده امید مگر از تو ◈ ای یگانه ◈ ای کسیکه نیست کسی از برای او غیر از تو

يَا اَحَدُ يَا مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا

ای یگانه ای کسیکه نیست کسی از برای او غیر از تو ای کسیکه زیاد نمیکند او را بسیاری عطا و بخشش مگر کرم و جود

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ

ای کسیکه زیاد نمیکند او را بسیاری بخشش مگر کرم ◈ و جود ◈ رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او ◈ رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او و بجا بیاور برای من چنین و چنان

بعد از آن میگذارد گونه راست خود را بر زمین و میخواند این دعا را

بعد از آن میگذارد گونه چپ خود را بر زمین و میخواند همین دعا را بعد از آن عود میکند بسجود و میگذارد پیشانی خود را بر زمین ◈ و میخواند همین دعا را بعد از آن میگوید ◈

و این از دعاهائی است که دفع میشود با آنها سختیها

يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا بَارِئَ النَّسَمِ يَا مُجَلِّيَ الْهِمَمِ يَا مُغْشِيَ الظُّلَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ

ای تمام کننده نعمتها ای دفع کننده عقابها ای آفریننده بندگان ای رفع کننده اندوه ای پوشاننده تاریکیها ای زائل کننده

وَالْاَلَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ

و الم ◈ ای صاحب جود و کرم ای شنونده هر آوازی ای دریابنده هر فوت شده ای زنده کننده استخوانها

وَهِيَ رَمِيمٌ وَمُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي

و آنها پوسیده باشند و زنده کننده آنها بعد از موت رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ◈ و بگردان از برای من از کار من

فَرَجًا وَمَخْرَجًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

گشایش و بیرون رفتن ای صاحب بزرگی و اکرام بخشش

بعد از آن میگذاری

دو رکعت وتیره را نشسته و جایز است گذاردن آنها ایستاده ◈ و مشهور نزد علما نشستن است ◈ و ذکر کرده اند بعضی از علمای ما که نشستن در آنها افضل است از ایستادن و روایت کرده است ◈ شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود دو رکعت است ◈ بعد از نماز عشا باید بجا آورد میگذارد آنها را ◈ و حال آنکه نشسته بود و من میگذاردم آنها را و حال آنکه ایستاده ام ◈ و عمل ما بر مشهور است و میکشند وقت این دو رکعت بکشیدن وقت عشا ◈ پس بعد از نصف قضا میشوند ◈ و افتتاح میکنی آنها را به هفت تکبیر با سه دعای مذکور ◈ و میخوانی در رکعت اول سوره ملک یا واقعه ◈ و در دوم سوره توحید و میخوانی بعد از فراغ ◈ (هر دعا میخواهی) ◈

باب پنجم

در آنچه کرده میشود ◈ در میان وقت خواب تا نصف شب ◈ اول ◈ آنچه بجا می آورد انسان در اراده خواب طهارت است ◈ روایت کرده است محمد بن یعقوب کلینی در کافی از حضرت صادق علیه السلام ◈ که هر که طهارت بگیرد ◈ بعد از آن قرار گیرد در فراش خود ◈ شب برود در حالی که فراش او مانند مسجد او باشد ◈ ذکر کرده اند علمای ما که جایز است تیمم از برای خوابیدن ◈ هر چند قادر باشد بر استعمال آب مانند تیمم از برای نماز جنازه ◈ و از اعمال سنتی ◈ در خواب خواندن قل هو الله احد ◈ و قل یا ایها الکافرون است روایت کرده است ابن بابویه و شیخ محمد بن یعقوب ◈ و دیگر ذکر فقها وارد داشته نیز از اصحاب عصمت

علیهم السلام خواندن سوره قل هو الله (صد مرتبه) چنانچه روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی بسند صحیح از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
که میفرمودند که هر که بخواند قل هو الله احد را (صد مرتبه) هنگامیکه میرود بخواب گناه
امروزینه شود برای او انچه قبل از ان کرده باشد پنجاه سال و روایت کرده است در کافی
نیز از انحضرت علیه السلام که فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر که بخواند

الهیکم التکاثر را هم

نزد خواب نگاه داشته شود از فتنه قبر و سزاوار است که بخوانی در هنگامیکه بخواب بری هرچه
داشته انچه روایت کرده است رئیس محدثین و در فقیه بسند حسن از محمد بن مسلم که گفت
که فرموده بمن حضرت ابو جعفر علیه السلام که هر گاه بخوابد مرد بر جانب راست خود پس باید که بگوید

بسم الله اللهم وفی سبیل الله
بنام خداوند در راه خداوند

وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم انی اسلمت نفسی الیک
و بر ملت رسول خداوند رحمت بفرست بر او و آل او خداوندا بدرستیکه واگذارده ام نفس خود بسوی تو

ووجهت وجهی الیک وفوضت امری الیک والجأت ظهری الیک وتوکلت
و گردانیده ام روی خود را بسوی تو و واگذاشته ام امر خود را بسوی تو و تکیه داده ام پشت خود را بسوی تو و توکل کرده

علیک رهبة منک ورغبة الیک لا منجا ولا ملجا منک الا الیک آمنت
بر تو از روی ترس از تو و رغبت بسوی تو نیست پناهی و نه محل خلاصی از تو مگر بسوی تو ایمان آوردم

بکتابک الذی انزلت وبرسولک الذی ارسلت ه
بکتاب تو که فرو فرستادی و برسول تو که فرستاده ترجمه

بعد از ان تسبیح مشکی
تسبیح حضرت زهرا علیها السلام

این است اخر حدیث و بعد انکه مشهور استحباب تسبیح زهرا است علیها السلام در دو وقت
یکی بعد از نماز و دیگری نزد خواب دیدن و ظاهر روایتی که وارد شده است نزد خواب دیدن

تقدیم سبحان الله بر الحمد لله و ظاهر روایت صحیح که وارد شده است در باب تسبیح
زهرا علیها السلام مطلقا اقتضا میکند تاخیر انرا از ان و باکی نیست ببسط کلام
در این مقام هرچند بیرون است از موضع کتاب پس میگوئیم بتحقیق اختلاف کرده اند
علمای ما قدس الله اسرارهم در این باب اتفاقی ایشان بر ابتدای ان در ان بالله اکبر
زیرا که حدیث صحیح ابن سنان از حضرت باقر علیه السلام صریح است در ابتدا بان
و مذهب مشهور که بران است عمل در تعقیبات تقدیم الحمد لله است بر سبحان الله و قائل
شده است رئیس محدثین و پدر او و ابن جنید بتاخیر ان از ان و روایات ائمه هدی
سلام الله علیهم در این باب خالی نیست بحسب ظاهر از اختلاف و روایت معتبر
ظاهر در تقدیم الله اکبر است شامل است بنابر اطلاقیکه دارد و انچه را گفته شود
بعد از نماز و انچه را گفته شود نزد خوابیدن و ان روایت است که روایت
کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از محمد بن عذافر که گفت داخل شدم
با پدر خود بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام پس سؤال کرد پدرم او را از تسبیح حضرت
زهرا علیها السلام پس فرمود انحضرت علیه السلام الله اکبر تا اینکه شمرد تا سی و چهار مرتبه
پس گفت الحمد لله تا رسید به شصت و هفت مرتبه پس گفت سبحان الله تا رسید بصد مرتبه
مشمرد انحضرت انها را بدست خود و روایتیکه ظاهر نشد تقدیم سبحان الله است
و الحمد لله مخصوص است بانچه کرده میشود نزد خوابیدن و این روایتیست که روایت
کرده رئیس محدثین در فقیه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود بمردی از بنی
سعد که ایا حدیث کنم شما را از خود و فاطمه بدرستیکه بود نزد من و در او کشید

همسان تا اینکه اثر کرد در سینه او
و نور کرد تا سینا جوش تا اینکه ابله کرد
دستهای او و جاروب کرد خانه را
تا اینکه غبار الود شد جامه هایش
و اتش افروخت زیر دیگ تا اینکه

سیاه شد رخنهایش پس بسیار او را این عمر صحتی پس گفتم من باو اگر بیاید
نزد پدر بزرگوار خود پس سؤال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند از تو تعب
و سختی آنچه تو در آن از این عمل پس آمد بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله
پس یافت نزد آنحضرت جوانی چند پس شرم کرد و برگشت پس دانست آنحضرت
که بدرستیکه او آمده است از برای حاجتی پس صباح نزد ما آمد و ما در لحاف
خود بودیم پس فرمود السلام علیکم پس ساکت شدیم و شرم کردیم بسبب
حال خود پس باز فرمود السلام علیکم پس ساکت شدیم و شرم کردیم بسبب حال خود
باز فرمود السلام علیکم پس ترسیدم که اگر رد سلام نکنیم برمی‌گردد و بتحقیق که میکرد
چنین سلام سه مرتبه پس اگر اذن داده میشود داخل میشد و اگر نه برمیگشت
پس گفتم من و علیک السلام ای رسول خدا داخل شو پس داخل شد و نشست نزد سر
ما پس فرمود ای فاطمه چه بود حاجت تو دیروز نزد محمد پس ترسیدم من که اگر جواب
ندهم باو برخیزد پس بیرون آوردم من سر خود را پس گفتم و الله من خبر میدهم ترا
ای رسول الله بدرستیکه او آب کشید بمشک تا آنکه اثر کرد در سینه او و گرد آلود
اسباب را تا آنکه آبله کرد دستهای او و خاکروب کرد خانه را تا آنکه غبار آلود شد جامهای او
و آتش افروخت زیر دیگ تا آنکه سیاه شد رخنهای او پس من گفتم باو که بیا بپیش پدرت
پس سؤال کن از او خدمتکاری که کفایت کند از برای تو تعب آنچه را تو در آنی از این عمل
پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله آیا پس تعلیم نکنم شما را آنچه بهتر است از برای
از خدمتکار هرگاه فرا گیرید خوابگاه خود را پس تکبیر بگوئید

سی و چهار مرتبه و تسبیح بگوئید
سی و سه تسبیح و حمد بکنید سی و
سه حمد پس بیرون آورد فاطمه
علیها السلام سر خود را و گفت راضی

شدم از خدا و رسول او پوشیده نماند که روایت صریح نیست در تقدیم تسبیح بر تحمید
زیرا که واو افاده ترتیب نمیکند بلکه نیست آن مگر از برای مطلق جمع بنا بر مذهب اصح
چنانچه بیان شده است در اصول بلی ظاهر تقدیم است بسبب لفظ اقتضای آن میکند
و همچنین روایت سابقه صریح نیست در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ ثم در آنجا
از کلام راوی است پس باقی نماند در آن مگر ظاهر تقدیم لفظی پس منافات میان
این دو روایت نیست مگر بحسب ظاهر پس سزاوار است حمل دوم بر اول بسبب تحت
سند آن و قوت یافتن ببعضی از روایات ضعیفه چنانچه روایت کرده است ابو بصیر
از حضرت صادق علیه السلام که فرمود در تسبیح زهرا علیها السلام ابتدا میکنی بتکبیر سی و چهار
بار پس بتحمید سی و سه بار پس بتسبیح سی و سه بار و این روایت صریح است در تقدیم
تحمید پس این مؤید ظاهر لفظ روایت صریح است پس حمل کرده میشود روایت دیگر
بر خلاف ظاهر آن تا آنکه برطرف شود منافات میان آنها چنانچه گفتیم پس اگر
بگوئی ترک ممکنست عمل کردن بظاهر هر دو روایت تا باینکه حمل کرده شود روایت اول
بر آنچه کرده میشود بعد از نماز و روایت دوم بر آنچه کرده میشود نزد خوابیدن و بنا
بر این احتیاج نیست بگردانیدن تقدیم و ظاهر آن پس چرا عدول کرده شد از این
و چگونه قائل نمیشوی باین میگویم من از برای اینکه من نیافتم کسی را که قائل شده باشد
بفرق میان تسبیح زهرا علیها السلام در این دو حال بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از تتبع
این است که هر یک از این دو فرقه که قائل اند بتقدیم تحمید و تاخیر آن قائلند
باینکه مطلق خواه واقع شود بعد از نماز یا پیش از خواب پس قول بتفصیل احداث
قول سوم است در مقابل اجماع مرکب و اما آنچه میگویند که احداث قول سوم ممنوع
نیست مگر و قتیکه لازم آید از آن برطرف شدن آنچه اجماع امت شده باشد بسبب عیبی از آن
زیرا که اتفاق کرده اند تماما بعدم آن بخلاف آنچه چنین نباشد مثل قول بفسخ نکاح
بعضی از عیبهای پنج که آنها بعضی دیگر زیرا که هر یک از فریقین موافقند بدیت
چنانچه در اینجا نیست زیرا که مانعی نیست از این مثل قول بصحت فروختن مالی که غائب

باشد و نکشتن مسلمان بعوض ذمی بعکس از قول پاره ان است و نقیض اول و پاره دیگر بعکس ان پس جواب این است که این تفصیل بدست نیست مگر بر مذهب ستنیان و اما سائر اجزا بیان کرده اند اما ثبوت که حجت اجماع ببیان است که کاشف است از دخول معصوم پس این تفصیل معقول نیست چه مخالف معصوم لازم آید هر چند موافق باشد حال با هر یک از فریقین در قسمی پس قیاس کن بر این مثال

فروختن و ... و کشتن

فصل

و سزاوار است که بوده باشد خوابیدن تو بر جانب راست پس بدرستیکه ان خواب مؤمنان است چنانچه روایت کرده است از ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از احمد بن اسحق که گفت گفتم بحضرت ابی محمد یعنی حسن عسکری علیه السلام که گردیده شوم من فدای تو بدرستیکه من غمگینم از برای چیزیکه میرسد بخاطر من بتحقیق که اراده کرده ام که سؤال کنم پدر ترا علیه السلام از ان پس میسر نشد از برای من ان پس فرمود انحضرت چه چیز است یا احمد پس گفتم روایت شده است برای ما از پدران تو علیهم السلام که بدرستیکه خواب پیغمبران بر قفاها ایشان است و خواب مؤمنان بر جانبهای راست ایشان است و خواب منافقان بر جانبهای چپ ایشان است و خواب شیاطین بر روهای ایشان است پس فرمود انحضرت علیه السلام چنین است این گفتم ای سید من بدرستیکه من جهد میکنم که بخوابم بر جانب راست خود پس ممکن نمیشود مرا و نمیگیرد مرا خواب بر ان پس ساکت شد انحضرت ساعتی بعد از ان فرمود که ای احمد نزدیک بیا بمن پس نزدیک شدم پس فرمود که داخل کن دست خود را در زیر جامهای خود پس

مالید پس دست

راست خود را بر جانب

چپ من و دست چپ خود را بر جانب راست من (سه مرتبه) احمد گفت که پس نمیتوانم بخوابم بر جانب چپ خود از انوقت که کرد این با من انحضرت علیه السلام و دانستم چه خوانده

نزد خوابیدن انست که روایت کرده است از ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هر که بگوید وقتیکه میرود بخوابگاه خود

بسم الله

الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی بطن فخبر والحمد لله الذی ملک

حمد مر خدا را که ... حمد مر خدا را که ... و ... گردانید ... بر خلق ...

فقدر والحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر

در ... و حمد مر خدا را که زنده میکند مردگان را و میمیراند زندگان را و او بر همه چیز تواناست

بیرون رود از گناهان مانند حالیکه زاییده است او را مادر

در روایت شده است در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و اله که فرمود که هر که بخواند این ایه را نزد خوابیدن

قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه

بگو ای محمد ... من بشری هستم مثل شما وحی کرده میشود بسوی من که خدای شما خدای یگانه است پس هر که امید دارد ملاقات پروردگار خود را

فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا

پس باید بکند کردار نیکو و شریک نگرداند ... بسبب بندگی کردن پروردگار خود کسی را

بلند شود از برای او نوری بسوی مسجد الحرام در میان ان نور ملائکه باشند که استغفار کنند از برای او و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که نیست بنده که بخواند اخر کهف را وقتیکه میخواهد بخوابد مگر اینکه بیدار شود در ساعتیکه میخواهد شیخ ره میفرماید که این امر عجیب مجرب است که نیست شکی در ان و مراد باخر کهف این ایه است یعنی همین ایه که مذکور شد و هر گاه خوف داشته باشی از عقرب و مانند ان پس بخوان چه روایت کرده است در کتاب مذکور از حضرت باقر علیه السلام که هر که بخواند این کلمات را

هر صباح ... که نرسد او را عقرب و نه ... کند تا انکه صبح کند ان شاء الله

أعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ ما بَرَأَ

پناه می‌برم بکلمات تامه خداوند که تجاوز نمیکنند از آنها نیکوکار و نه بدکار از شر آنچه خلق کرده است و از شر آنچه آفریده

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إنَّ رَبّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ

و از شر هر جنبنده که او گرفته است موی پیشانی آنرا بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است

و روایت کرده است در کتاب مذکور بسند صحیح از برای دفع احتلام از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هرگاه بترسی از جنابت پس بگو در وقت خواب خود این دعا را

اللّهُمَّ إنّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الاِحْتِلامِ وَمِنْ شَرِّ الأحْلامِ وَمِنْ أنْ يَتَلاعَبَ بِيَ الشَّيْطانُ

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از احتلام و از شر احتلام و از اینکه بازی کند با من شیطان

فِي اليَقَظَةِ وَالمَنامِ

در بیداری و در خواب

و روایت شده است در کتاب مذکور از برای ایمنی از اینکه فرود آید بر او خانه از حضرت رضا علیه السلام است که فرموده که نگفت هیچکس هرگاه اراده کرد که بخواند

إنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَالأرْضَ أنْ تَزُولا وَلَئِنْ زالَتا إنْ أمْسَكَهُما مِنْ أحَدٍ

بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را که زائل شوند و اگر زائل شوند نگاه نمیدارد آنها را هیچکس

مِنْ بَعْدِهِ إنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً

از بعد او بدرستیکه او هست بسیار حلم کننده و بسیار آمرزنده

پس فرود آمده باشد بر او خانه و روایت شده است در کتاب مذکور نیز که پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه میرفتند بجانب خواب میفرمودند این فقره را

بِسْمِكَ اللّهُمَّ أحْيا وَبِاسْمِكَ أمُوتُ

باسم خداوندا زنده میشوم و بنام خداوند میمیرم

پس هرگاه بیدار میشدند میفرمودند

الحَمْدُ للهِ الَّذي أحْياني بَعْدَ ما أماتَني وَإلَيْهِ النُّشُورُ

حمد و شکر مر خدایرا که زنده کرد مرا بعد از آنکه میرانیده بود و بسوی اوست زنده شدن

و روایت شده است در کتاب مذکور از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هرگاه بشنوی آواز خروس

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ المَلائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لا إلهَ إلّا أنْتَ

بسیار پاکیزه و بسیار منزه است پروردگار فرشتگان و روح است پیشی گرفته است رحمت تو بر غضب تو نیست خدائی مگر تو

سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسي فَاغْفِرْ لي إنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلّا أنْتَ

منزهی تو و بحمد تو بجا آورده ام بدی را و ستم کرده ام بنفس خود پس بیامرز مرا بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را مگر تو

و از آنچه سزاوار است کردن آن نزد خوابیدن سرمه کشیدن است پس بتحقیق که روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله با سرمه دان سنگی که با آن سرمه میکشیدند هرگاه میخواست که برود بجانب خواب خود و بتحقیق که روایت شده از حضرت رضا علیه السلام که فرموده که هر که برسد باو ضعفی در دیده او پس سرمه بکشد هفت میل نزد خوابیدن از اثمد چهار میل بچشم راست و سه میل در چشم چپ و روایت شده است که آنحضرت فرمود سرمه نزد خوابیدن امان است از آبیکه نازل شود در چشم و روایت شده است که آنحضرت علیه السلام

میخواندند این دعا را نزد سرمه کشیدن

اللّهُمَّ إنّي أسْألُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأنْ

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه قرار دهی

تَجْعَلَ النُّورَ في بَصَري وَالبَصيرَةَ في ديني وَاليَقينَ في قَلْبي وَالإخْلاصَ

نور را در چشم من و بینائی را در دین من و یقین را در دل من و اخلاص را

في عَمَلي وَالسَّلامَةَ في نَفْسي وَالسَّعَةَ في رِزْقي وَالشُّكْرَ لَكَ أبَداً ما أبْقَيْتَني

در عمل من و سلامتی را در نفس من و فراخی را در روزی من و شکر ترا همیشه تا باقی بداری مرا

و روایت کرده است ثقة الاسلام

در کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود که هرگاه بد بیند در خواب کسی
ناخوش دارد که خواب خود پس بگردد از جانبی که بر آن خوابیده بود و بگوید

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا

بدرستیکه راز گفتن پنهانی از شیطان است تا محزون گرداند آنها را که ایمان آورده‌اند و نیست ضرر رساننده ایشان چیزی

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

مگر باذن خدا و بر خدا پس باید توکل کنند گروندگان

بعد از آن بگوید

عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ

پناه آوردم به آنچه پناه گرفتند به آن فرشتگان خدا و مقربان او و پیغمبران او که فرستادگانند

عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و بندگان نیکوکار او از شر آنچه دیدم و از شر شیطان رانده شده

باب ششم

در آنچه بجا آورده میشود در میانه نصف شب تا طلوع صبح و در این باب مقدمه است و چند فصل

مقدمه

بتحقیق که در روایات بسیار وارد شده است از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب برخاستن شب و بیان فضیلت آن روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که شرف مؤمن برخاستن اوست در آخر شب و عزت او استغنا اوست از مردم و روایت کرده است نیز در کافی بسند حسن از عبدالله بن سنان که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که میفرمود که سه چیز است که آنها فخر مؤمن است و زینت او در دنیا و آخرت نماز در آخر شب و مایوس بودن او از آنچه در دست مردم است و دوستی کردن او امام را از آل محمد صلی الله علیه و آله و روایت کرده است نیز در کافی بسند حسن نیز از آنحضرت علیه السلام در قول خدا تعالی كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

فرمودند که بودند ایشان چنین که اندک شبی بود که خواب میشدند از ایشان که بر نمیخواستند در آنها و روایت کرده است در کافی نیز که مردی آمد بخدمت امیر المؤمنین علیه السلام پس گفت که محروم گردیده‌ام از نماز شب پس فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که تو مردی هستی که بسته کرده است ترا گناهان تو و روایت کرده است شیخ طوسی در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام در قول خداوند تبارک و تعالی

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا

یعنی برخاستن او بسبب از رختخواب خود که اراده نکند بآن مگر خدا را

روایت کرده است شیخ در تهذیب بسند صحیح نیز از آنحضرت علیه السلام که فرموده که نیست بنده مگر اینکه بیدار میشود در هر شب یکمرتبه یا دو مرتبه پس اگر برخیزد خواهد بود از جمله پرستاران و اگر برنخیزد میگشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول میکند در گوش او آیا نمی‌بینید که یکی از شما که هرگاه برمیخیزد و نبوده است که شب برخاسته باشد بر میخیزد و حال آنکه گران و تنگدل و سنگین و کاهل است و روایت کرده است در تهذیب نیز بسند صحیح از عمر بن یزید که بدرستیکه او شنید از حضرت ابی عبدالله علیه السلام

که میفرمود بدرستیکه در شب هر آینه ساعتی هست که موافق نمی‌افتد آنرا بنده مسلمانی که نماز کند و دعا کند خدا را در آن مگر اینکه مستجاب کند خدا تعالی برای او در هر شب پس گفتم اصلحک الله پس کدام ساعت است از شب پس فرمود هرگاه بگذرد نصف شب تا ثلث آخر و روایت کرده است شیخ محمد بن بابویه در فقیه بسند صحیح از عبدالله بن سنان که او سؤال کرد از حضرت صادق علیه السلام از قول خدای عز و جل سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ پس فرمود که آن بیداری برای نماز است و روایات از اصحاب عصمت صلوات الله علیهم اجمعین در بر

شکر بسیار است

فصل

هرگاه بیدار شدی از خواب ◈ پس اول چیزی که سزاوار است برای تو کردن آن اینست که سجده کنی از برای خدای تعالی ◈ پس بتحقیق که روایت شده است ◈ که پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه بیدار میشدند از خواب خود ◈ سجده میکردند شکراً از آن بکود بحال سجود

یا بعد از سر برداشتن از آن

الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی

حمد مر خدا را که زنده نمود مرا بعد از آنکه میرانید مرا و بسوی اوست برانگیخته شدن حمد خدا را که برگردانید بر من

لاحمده و اعبده

و روایت کرده است شیخ الاسلام رحمه الله فی بسند از حضرت باقر علیه السلام که فرمود که هرگاه برخیزی در شب پس نگاه کن بطرف اطراف آسمان و بگو

اللهم انه لا یواری عنک لیل ساج و لا سماء ذات ابراج و لا

خداوندا بدرستیکه نمی پوشاند از تو ◈ شب ساکن ◈ و نه آسمان صاحب برجها ◈ و نه

ارض ذات مهاد و لا ظلمات بعضها فوق بعض و لا بحر لجی یدلج بین

زمین صاحب فرش و نه تاریکیها ◈ بعضی از آنها بالای بعضی دیگر باشند و نه دریای موج زننده

یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور

در دست کسیکه ببا بهر در شب ◈ از خلق تو میدانی خیانت چشمها و آنچه پنهان میکنند سینهها ◈

غارت النجوم و نامت العیون و انت الحی القیوم لا تأخذک سنة و لا نوم

فرو رفتند ستارهها و بخواب رفتند چشمها و تو همیشه زنده بخود بر پائی ◈ فرا نمیگیرد ترا پینکی و نه خواب

سبحان الله رب العالمین و اله المرسلین و الحمد لله رب العالمین

تسبیح میکنم خدا را که پروردگار عالمیان است و خدای مرسلین ◈ و حمد مر خدا را که پروردگار عالمیانست

پس بعد از آن بخوان پنج آیه از آخر آل عمران

ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لاولی

بدرستیکه در خلق آسمانها ◈ و زمین ◈ و اختلاف شب و روز ◈ هر آینه علامتهاست از برای

الالباب الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون

عقول ◈ آنانکه ذکر و یاد میکنند خدا را در حال ایستاده و نشسته و خوابیده بر پهلوهای خود و فکر میکنند

فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب

در آفرینش آسمانها ◈ و زمین ◈ پروردگارا نیافریدی تو اینها را باطل پاک میدانم ترا پس نگاهدار ما را

النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار

آتش پروردگار ما بدرستیکه تو هر که را داخل کنی در آتش پس بتحقیق رسوا گردانیدی او را و نیست از برای ظالمین از انصار

ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر

پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کنندهٔ که ندا میکرد بسوی ایمان باینکه ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم

لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا و آتنا ما وعدتنا

برای ما گناهان ما را و دور کن از ما گناهان ما را و بمیران ما را با نیکان پروردگارا و عطا کن آنچه وعده کرده

علی رسلک و لا تخزنا یوم القیامة انک لا تخلف المیعاد

◈ بر رسولان خود ◈ و رسوا مکن ما را روز قیامت بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را ◈

فصل

هرگاه نصف شب بشود ◈ پس بتحقیق که داخل شده است وقت نماز شب ◈ و گاهی تعیین میکنند از نصف شب ◈ بزوال روایت کرده است شیخ محمد بن یعقوب در فقیه ◈ که عمر بن حنظله سؤال کرده از حضرت صادق علیه السلام ◈ پس گفتم که زوال روز را میدانیم بروز ◈ پس چگونه بشناسیم نصف شب را ◈ پس آنحضرت فرموده که از برای شب زوالی هست مانند زوال آفتاب ◈ عرض کرده بچه چیز بشناسیم آنرا فرموده بستارها هرگاه منحدر شوند ◈ و ظاهر این است که آنحضرت علیه السلام اراده کرده باشد بستارها ستارهایی که طلوع کرده باشند ◈ نزد غروب آفتاب ◈ چنانچه گفته است شیخ شهید رحمه الله ◈ که مراد بمنحدر شدن آنها شروع آنها است در پائین آمدن

ونمازشب اطلاق میشود و احادیث گاهی بر هشت رکعت گاهی بر یازده رکعت
باضافه کردن دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و گاهی بر سیزده رکعت باضافه دو رکعت
نماز صبح و این نماز شب از سنتهای مؤکده است و روایت کرده است شیخ طائفه
در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که بود در وصیت رسول خدا
صلی الله علیه واله بعلی علیه السلام که یا علی وصیت میکنم ترا در باره نفس خود بچند
خصلت پس حفظ کن انها را بعد از ان فرمودند خداوندا یاری کن او را و ذکر کردند
جمله از خصلتها تا اینکه فرمودند و علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة اللیل

وعلیک بصلوة اللیل

و علیک بصلوة الزوال و علیک بصلوة الزوال و علیک بصلوة الزوال
و ظاهر این است که مراد انحضرت صلی الله علیه واله بنماز شب سیزده رکعت و بنماز
زوال هشت رکعت یا اگر نافله زوال است بوده چنانکه گفته اند بعضی از علما و هرگاه
خواهی متوجه شوی بسوی عبادت و بوده باشد ترا حاجتی بتخلی پس ابتدا کن بان اول
پس هرگاه خواهی که داخل بیت الخلا شوی پس اگر بوده باشد در نقش انگشتر تو نام خدا و تو
هرجا که باشد نامی که احترامی داشته باشد پس داخل مکن انرا با خود و همچنین تربت
و مهر تربت اگر در کیسه داشته باشی بعد از ان بگذار پای چپ را در وقت داخل شدن
اگر بوده باشد سقف بسته شده و اگر قضای حاجت بکنی در فضائی مثل صحرا
و مانند ان پس پیش بگذار پای چپ را در موضعیکه مینشینی در ان و بگو

بسم الله و بالله اعوذ بالله من الرجس
بنام خدا و بیاری خدا پناه میبرم بخدا از کثیف
النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم
نجس پلید پلید کننده شیطان رانده شده

واگر قضای حاجت بکنی در غیر فضائی پس اختیار کن موضعی که دیده نشود در ان شخص تو
و باید که بوده باشد اعتماد و سنگینی تو در وقت تخلی بر پای چپ تو و سر را پوشیده داشته باشی

پای راست و طول مده نشستن را و حرف مزن مگر از برای حاجتی که خوف فوت ان را داشته
باشی و یا خواندن ایة الکرسی یا الحمد لله رب العالمین یا حکایت اذان یا ذکر خدا تعالی
و بعد از انکه فارغ شوی برخیز و بکش دست راست خود را بر شکم خود و بگو

الحمد لله الذی اماط عنی الاذی و هنانی طعامی و شرابی و عافانی من البلوی

حمد مر خدا را که دور کرد از من اذیت را و گوارا کرد طعام و شراب مرا و عافیت داد مرا از بلا

واستبرا بکن باینکه بکش با انگشت میانه دست چپ از مقعد و بکشی انرا تا اصل الت رجولیت
خود سه دفعه بعد از ان بگذاری انگشت میانه را بر اصل الت رجولیت خود و انگشت شهادت را
بالای ان و بکشی انرا تا سر حشفه سه مرتبه بعد از ان سر حشفه را سه مرتبه فشار دهی
سه مرتبه و تنحنح بکن در حال استبرا و هرگاه خواهی که استنجا کنی باب پس بگو

الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا

حمد مر خدا را که گردانید اب را پاک و نگردانید انرا نجس

و استنجا کن بدست چپ خواه باب استنجا کنی و خواه بکلوخ و مانند ان و اگر در دست
باشد انگشتری که نگین ان از سنگ زمزم باشد پس بیرون بیاور انرا و باید
شستن مقعد با انگشت بنصر یعنی انگشتیکه پهلوی انگشت کوچک است و در دست
راست را بحشفه خود و اختیار کن در غیر متعدی از غائط یعنی انچه باطراف
مقعد منتشر نشده باشد از اب بکلوخ مالیدن و جمع نمودن میان اب و کلوخ بهتر است
و در متعدی بغیر اب و بشو مخرج غائط را تا اینکه احساس کنی بصدای ان

و بگو در حال استنجا

اللهم حصن فرجی و اعفه و استر عورتی
ای خداوند باز دار فرج مرا از حرام و عفیف گردان انرا
و حرمنی علی النار
و بپوشان عورت مرا و حرام گردان انرا بر اتش

و مقدم دار شستن مخرج غائط

بر شستن مخرج بول ❁ و طاق بگردان عدد سنگهارا اگر پاک نشود محل بتر تا ❁
و بوشان هر سنگی را بر تمام محل ❁ با سنگ دور بیدهی از آن ❁ پس هرگاه بیرون آن
محل تخلی پس پیش بگذار پای راست را) ❁ (و بگو نزد بیرون آمدن

الحمد لله الذی عرّفنی لذّته وابقی فی جسدی قوّته واخرج عنّی اذاه ❁
حمد مر خدایرا که شناسانید لذت آنرا و باقی گذاشت در بدن من قوت آنرا و بیرون کرد از من اذیت آنرا ❁

یا لها نعمة یا لها نعمة یا لها نعمة لا یقدر القادرون قدرها
ای قوم تعجب کنید از نعمت ای قوم تعجب کنید از نعمت ای قوم تعجب کنید از نعمت که قادر نشوند قادران ❁ بشمردن آن ❁

پس هرگاه بیرون آمدی از محل تخلی ❁ ابتدا کن بمسواک ❁ بعد از آن وضو بساز
وضوئی کامل چنانچه گذشت در باب اول ❁ بعد از آن خود را ❁ خوشبوی ساز
پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام ❁ که فرموده که بود از برای
پیغمبر صلی الله علیه و آله ❁ مشکدان که هرگاه وضو میساخت ❁ میگرفت از آن بدست خود
و حال آنکه تر بود ❁ و روایت شده است نیز از آنحضرت علیه السلام ❁ که فرموده که دو رکعت نماز که
بکند آدمی از او بوی خوش کرده ❁ افضل است از هفتاد رکعت که بکند آدمی از او بوی خوش نکرده
و بعد از آنکه بوی خوش کردن ❁ سنت است از برای هر نمازی و هر دعائی ❁ و بخصوص
نماز شب و دعاهای آن ❁ پس هرگاه وضو ساختی و بوی خوش کردی پس بنشین رو بقبله

و بخوان دعای حضرت امام
زین العابدین را که میخواند از آن

الهی غارت نجوم سمائک ونامت عیون انامک وهدأت اصوات عبادک
خداوندا فرو دامد ستارهای آسمان و خواب رفته است چشمهای آفریدگان تو و ساکن شده است صداهای بندگان

وانعامک وغلقت الملوک علیها ابوابها ❁ وطاف علیها حراسها واحتجبوا
و چهارپایان تو و بسته اند پادشاهان بر روی خود درهای خود را ❁ و میگردند بر در آنها نگهبانان و پوشیده شده اند

عمّن یسألهم حاجة او ینتجع منهم فائدة وانت الهی حیّ قیّوم لا تأخذک
از کسیکه سوال از ایشان حاجتی یا طلب کند از ایشان فایده ❁ و تویی ای خداوند من زنده که خود بر پا نگهدار همه ❁ که نمیگیرد ترا

سِنَةٌ

سنة ولا نوم ولا یشغلک شیء عن شیء ابواب سمائک لمن دعاک
پینکی و نه خواب و مشغول نمیسازد ترا چیزی از چیزی ❁ درهای آسمان تو از برای کسیکه بخواند ترا ❁

مفتّحات وخزائنک غیر مغلقات وابواب رحمتک غیر محجوبات وفوائدک
گشوده شده است ❁ و خزانهای تو بسته نشده اند ❁ و درهای رحمت تو منع کرده نشده اند ❁ و فایدهای تو

لمن سألک غیر محظورات بل هی مبذولات انت الهی الکریم الذی لا تردّ
برای کسیکه سوال کند ترا باز داشته نشده اند بلکه انعام داده شده اند ❁ ای خداوند من ❁ تویی کریمی که رد نمیکنی

سائلا من المؤمنین سألک ولا تحتجب عن احد منهم ارادک لا وعزّتک
هیچ سوال کننده از مومنین که سوال کنند ترا و پوشیده نمیشوی از کسی از ایشان که قصد کنند ترا ❁ نه بعزت

وجلالک ولا تختزل حوائجهم دونک ولا یقضیها احد غیرک اللّهمّ
و بزرگی تو و بریده نمیشود حاجتهای ایشان نزد تو ❁ و بر نمی آورد آنها را کسی غیر از تو ❁ خداوندا

وقد ترانی ووقوفی وذلّ مقامی بین یدیک وتعلم سریرتی وتطّلع علی
بتحقیق که من میبینی و ایستادن و خواری جایگاه مرا پیش روی تو و میدانی پنهان مرا و آگاهی بر

ما فی قلبی وما یصلح به امر آخرتی ودنیای اللّهمّ انّ ذکر الموت واهول
آنچه در دل من است و آنچه اصلاح میکند بآن امر آخرت مرا و دنیای مرا ❁ خداوندا بدرستیکه یاد مرگ ❁ و هول جای

المطّلع والوقوف بین یدیک نغّصنی مطعمی ومشربی واغصّنی بریقی واقلقنی
مطلع قیامت و ایستادن پیش روی تو مکدر کرده است خوردن مرا و آشامیدن مرا ❁ و گره کرده است در گلو مرا آب دهن مرا

عن وسادی ومنعنی رقادی کیف ینام من یخاف ملک الموت فی طوارق
از خوابگاه من و منع کرده است مرا از خواب من ❁ چگونه بخوابد کسیکه میترسد از ملک موت در واردشوندگان

اللیل وطوارق النهار بل کیف ینام العاقل وملک الموت لا ینام لا باللیل
شب و واردشوندگان روز ❁ بلکه پس چگونه بخوابد عاقل و حال آنکه ملک الموت نمیخوابد ❁ نه در شب

ولا بالنهار ویطلب روحه بالبیات او فی آناء الساعات
و نه در روز و طلب میکند روح او را در حال بیتوته و در اثنای ساعات

و بسجود میرفتند آنحضرت

و تقلقنی و اضطراب آورده

بعد از آن

بعد از این دعا و مستحب است که روی خود را بر خاک گذارد و ... [illegible]

أسألك الروح والراحة عند

از تو میخواهم راحت نزد

الموت والعفو حين ألقاك

مرگ و عفو را هنگام ملاقات تو

و بگذارد بعد از نماز شب دو رکعت که میخوانند در رکعت اول

قل هو الله احد

و در رکعت دوم

قل يا ايها الكافرون

بعد از آن بلند میکردند دستهای مبارک خود را بکبیر و دعا میکردند و توجه

بکند ادای این دو رکعت را پس خوب است که بخوانی این دعا را که روایت کرده است

شیخ محمد ... در کتاب امالی ... شنید آنحضرت امیرالمؤمنین (ع) که میخواندند

إلهي كم من موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتك وكم من

خداوندا چه بسیار از معصیت هلاک کننده که حلم فرمودی در مقابله آنها بعقاب خود و چه بسیار

جريرة تكرمت عن كشفها بكرمك إلهي إن طال في عصيانك

جرم که کرم کردی در پوشیدن آن بکرم خود خداوندا اگر طول کشید در نافرمانی تو

عمري وعظم في الصحف ذنبي فما أنا مؤمل غير غفرانك

عمر من و بزرگ شد در نامه‌ها گناه من پس نیستم امیدوار مگر آمرزش ترا

ولا أنا براج غير رضوانك إلهي أفكر في عفوك فتهون

و نیستم امیدوار غیر خشنودی ترا خداوندا فکر میکنم در عفو تو پس آسان میشود

علي خطيئتي ثم

اذكر العظيم من أخذك فتعظم علي بليتي آه إن أنا قرأت في الصحف سيئة

بیاد می آورم عظیم را از گرفتن تو پس بزرگ میشود بر من بلیه من آه اگر بخوانم در نامه‌ها گناهی را

أنا ناسيها وأنت محصيها فتقول خذوه فياله من مأخوذ لا تنجيه عشيرته

که من فراموش کرده‌ام آنرا و تو ضبط کرده‌ای آنرا پس بگوئی بگیرید او را پس وای بر او از گرفته شده‌ای که نجات نمیدهد او را خویشانش

ولا تنفعه قبيلته آه من نار تنضج الأكباد والكلى

و نفع نمیدهد او را قبیله‌اش آه از آتشی که بپزد جگرها و گرده‌ها را

آه من نار نزاعة للشوى آه من غمرة

آه از آتشی که بکند پوست سر را آه از فرو رفتن

من لهبات لظى

از زبانه‌های جهنم

پس گریه کن بعد از این دعا و بکن هر مناجاتی که خواهی بعد از آن برخیز برای نماز شب

بتحقیق که اجماع کرده اند علمای ما بر اینکه داخل وقت آن نصف شب است و اینکه هر چند

نزدیک شود بصبح صادق خواهد بود افضل پس اگر طلوع کند آن و گزارده باشد

چهار رکعت تمام کند باقی را سبک مجرد از سوره بقصد ادا و مشهور این است

که جایز است تقدیم آن بر نصف شب از برای کسی که عذری داشته باشد و لیکن

قضای آن افضل است از تقدیم هر گاه خواهی شروع کنی در نماز شب پس مستحب است که بگوئی

اللهم إني أتوجه إليك بنبيك نبي الرحمة وآله و

خداوندا بدرستیکه من توجه دارم بسوی تو بپیغمبر تو پیغمبر رحمت و بآل او

أقدمهم بين يدي حوائجي فاجعلني بهم وجيها

و مقدم میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود پس بگردان مرا بسبب ایشان آبرومند

في الدنيا والآخرة ومن المقربين اللهم ارحمني

در دنیا و آخرت و از نزدیکان خداوندا رحم کن مرا

بهم ولا تعذبني بهم واهدني بهم ولا تضلني

بایشان و عذاب مکن مرا بحق ایشان و هدایت کن مرا بایشان و گمراه مکن

هُمّی وَ اَذْهِبْ عَنّی هَمّی وَ لا تُخْرِجْ مِنّی هَمّی وَ اقْضِ لی حَوائِجَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ اِنَّکَ

عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ

بعد از آن ابتدا کن برکعت اول هفت نکیر باید گفت با دعاهای آنها و افضل آن است

کہ بخوانی بعد از حمد سوره قل هو الله احد سی مرتبه ❁ و در رکعت دوم قل یا ایها الکا

و در شش رکعت باقی سورهای طول مثل سوره انعام و کهف (و امثال آنها) و یس

و حم‌ها ❁ و آنچه مانند اینها باشد در هر دو اینها جایز است ❁ که در نماز سنتی خواندن

سوره از روی مصحف هر چند از بر داشته باشی غیر آن سوره را ❁ اما در نمازهای فرائض

پس جایز نیست مگر اینکه هیچ سوره حفظ نداشته باشی ❁ و بعضی گفته‌اند که در نافله نیز

جایز است ❁ مطلقاً و این قول ضعیف است ❁ و اگر تنگ باشد وقت توان سورهای بلند

کافی است ترا ❁ و قل هو الله احد که در هر رکعتی مرتبه است اقتصار بر حمد تنها مانند باشد

نوافل ❁ و بدانکه بتحقیق اتفاق کرده‌اند علمای ما بر اینکه قنوت چنانکه سنت است ❁

در نمازهای واجب ❁ همچنین سنت است در نمازهای مستحبی ❁ در هر دو رکعت از

از نوافل ❁ و روایت کرده است ابن بابویه ثقة الاسلام ❁ در کافی بسند صحیح از حضرت صادق

علیه السلام که کافی است در قنوت اینکه بگوئی این کلمات را

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ

وَ عافِنا وَ اعْفُ عَنّا فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

چنانچه روایت کرده است ابو داود کافی نیز از آنحضرت علیه السلام بسند حسن ❁ و وارد شده است که کافی بود کن سه تسبیح نیز در قنوت ❁ و سنت است بلند خواندن قنوت

هر چند در نوافل روز باشد و سزاوار است طول دادن آن خصوصاً در نماز شب زیرا که وقت دراز و وسعتی را دارد

و بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که از شما طولانی تر باشد ❁ در دار دنیا قنوت او طولانی تر خواهد بود راحت او در روز قیامت ❁ و بتحقیق که روایت کرده است ❁ سید جلیل رضی الدین علی بن طاوس در کتاب مهج الدعوات ❁ بسیاری از قنوت‌های طولانی را ❁ که قنوت میکرده‌اند با آنها ائمه ما سلام الله علیهم اجمعین ❁ و نفرین میکرده‌اند با آنها بر دشمنان دین ❁ و باکی نیست که بخوانی قنوت در نوافل از روی کتاب و مانند آن ❁ و منع شده است از این در فرائض ❁ و از دعاهای مختص

که اولی است خوانده شود در قنوت نوافل و فرائض آن است که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام

اِلهی کَیْفَ اَدْعُوکَ وَ قَدْ عَصَیْتُکَ وَ کَیْفَ لا اَدْعُوکَ وَ قَدْ عَرَفْتُ

حُبَّکَ فی قَلْبی وَ اِنْ کُنْتُ عاصِیاً مَدَدْتُ اِلَیْکَ یَداً بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَ

عَیْناً بِالرَّجاءِ مَمْدُودَةً مَوْلایَ اَنْتَ الْعَظیمُ الْعُظَماءِ وَ اَنَا اَسیرُ

الْاُسَراءِ وَ اَنَا الْاَسیرُ بِذَنْبی اَلْمُرْتَهَنُ بِجُرْمی اِلهی لَئِنْ طالَبْتَنی بِذَنْبی لَاُطالِبَنَّکَ

بكرمك ولئن ألبستني جرمي لألبسنّك بعفوك ولئن أمرت بي إلى النار

بکرم تو و اگر باز پوشانی مرا جرم من هرآینه باز پوشانم ترا بعفو تو و اگر امر کنی مرا بسوی آتش

لأخبرنّ أهلها أنّي كنت أقول لا إله إلا الله محمد رسول الله ❁ اللهم

هرآینه خبر میدهم اهل آنرا که بودم چنین میگفتم که نیست خدائی بجز خدا محمد پیغامبر خدا است خداوندا

إنّ الطاعة تسرّك والمعصية لا تضرّك فهب لي ما يسرّك واغفر لي ما لا

بدرستیکه طاعت خوشنود میکند ترا و معصیت ضرر نمیرساند ترا پس ببخش بمن آنچه خوشنود میکند ترا و بیامرز برای من آنچه

يضرّك يا أرحم الراحمين ❁

ضرر نمیرساند ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

این دعا از ادعیهٔ متوسطه که سزاوار است که خوانده شود در قنوت نماز و از جمله وسائل دعا است که روایت شده است از حضرت جواد علیه السلام این دعا

اللهم إنّ الرجاء لسعة رحمتك أنطقني باستقالتك والأمل لأناتك

خداوندا بدرستیکه امید بسبب فراخی رحمت تو گویا کرده است مرا بسبب فسخ کردن تو و امید بحلم تو رفق تو

ورفقك شجّعني على طلب أمانك وعفوك ولي يا ربّ ذنوب قد واجهتها

دلیر کرده است مرا بر طلب امان تو و عفو تو ❁ و از برای من است ای پروردگار من گناهانیکه روبرو

أوجه الانتقام وخطايا قد لاحظتها أعين الاصطلام واستوجبت

روهای انتقام ❁ و خطاهائیکه بتحقیق نگریسته است ❁ اصطلام ❁ و سزاوار شده ام ❁

بها على عدلك أليم العذاب واستحققت باجتراحها مبير العقاب

بسبب آنها بر عدل تو الم رساننده عذاب و مستحق شده ام بسبب کسب آنها هلاک کننده عقاب

وخفت تعويقها لإجابتي وردّها إيّاي عن قضاء حاجتي وإبطالها

و خوف دارم از تعویق انداختن آنها مر اجابت مرا و برگردانیدن آنها مرا از برآوردن حاجت

لطلبتي ٥

از مطلب مرا

وقطعها

وقطعها لأسباب رغبتي من أجل ما أنقض ظهري من ثقلها وبهظني

و بریدن آنها اسباب رغبت مرا بواسطه آنچه شکسته کرده است پشت مرا از سنگینی ❁ و گران گردانیده مرا

من الاستقلال بحملها ثمّ تراجعت ربّ إلى حلمك عن الخاطئين

از استقلال در امر بسبب برداشتن آنها پس باز رجوع کردم پروردگار من بسوی بردباری تو از خطا کنندگان

وعفوك عن المذنبين ورحمتك للعاصين فأقبلت بثقتي

و عفو تو از گنه کاران ❁ و رحمت تو از برای عاصیان ❁ پس رو آورده ام با اعتماد خود

متوكّلاً عليك طارحاً نفسي بين يديك شاكياً بثّي إليك سائلاً

توکل کننده بر تو اندازنده نفس خود را پیش روی تو شکوه کننده اندوه خود را بسوی تو سؤال کننده

ما لا أستوجبه من تفريج الهمّ وما لا أستحقّه من تنفيس الغمّ

آنچه سزاوار نیستم ❁ از زائل کردن اندوه ❁ و آنچه مستحق آن نیستم از برطرف کردن غم

مستقيلاً ٧

إيّاك واثقاً مولاي بك اللهم فامنن عليّ بالفرج وتطوّل عليّ ٥

بسوی تو اعتماد دارنده ای آقای من بتو خداوندا پس منت گذار بر من بگشایش ❁ و تفضل کن بر من

بسهولة المخرج وادللني برأفتك على سمت المنهج وأزلقني بقدرتك

بآسانی بیرون شدن و دلالت کن مرا برأفت خود بر سمت راه واضح ❁ و دور کن مرا بقدرت خود

عن الطريق الأعوج وخلّصني من سجن الكرب بإقالتك وأطلق أسري

از راه کج ❁ و خلاص کن مرا از زندان اندوه ❁ بگذشتن خود و بگشا گرفتاری مرا

برحمتك وطل عليّ برضوانك وجد عليّ بإحسانك وأقلني عثرتي و

برحمت خود و منت نه بر من بخشنودی خود و جود کن بر من باحسان خود و درگذر از لغزش من و

فرّج كربتي وارحم عبرتي ولا تحجب دعوتي واشدد بالإقالة أزري

دفع کن اندوه مرا و رحم کن اشک مرا ❁ و منع مکن دعای مرا ❁ و سخت کن بعد گذشتن قوت مرا

وقوّ بها ظهري

وأصلح بها أمري وأطل بها عمري وارحمني يوم حشري ووقت نشري

و اصلاح کن بآن امر مرا و دراز گردان بآن عمر مرا و رحم کن روز محشور شدن و وقت برانگیختن مرا

اِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ رَؤُوفٌ رَحيمٌ

بدرستیکه تو بسیار بخشنده و کریم و مهربان رحیمی

و میخوانی نماز دو رکعت

از هشت رکعت این دعا را

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ وَلَمْ يُسْئَلْ مِثْلُكَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْاَلَةِ السّائِلينَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا و سؤال کرده نشده است کسی مثل تو توئی موضع سؤال سؤال کنندگان

وَمُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبينَ اَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلُكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ

و منتهای رغبت رغبت کنندگان میخوانم ترا و خوانده نشده است کسی مثل تو و رغبت میکنم بسوی تو و

يُرْغَبْ اِلى مِثْلِكَ وَاَنْتَ مُجيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ وَاَرْحَمُ الرّاحِمينَ

رغبت کرده نشده است کسی بسوی مثل تو و توئی اجابت کننده دعای بیچارگان و رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَسْئَلُكَ بِاَفْضَلِ الْمَسائِلِ وَاَنْجَحِها وَاَعْظَمِها يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ

سؤال میکنم ترا به افضل ترین سؤالها و برآورنده ترین آنها و بزرگ ترین آنها ای خدا ای بخشاینده ای مهربان

وَبِاَسْمائِكَ الْحُسْنى وَاَمْثالِكَ الْعُلْيا وَنِعَمِكَ الَّتي لا تُحْصى وَبِاَكْرَمِ اَسْمائِكَ

و بنامهای نیکوی تو و مثلهای بلند تو و بنعمتهای تو که شمرده نمیشود و بگرامی ترین نامهای تو

عَلَيْكَ وَاَحَبِّها اِلَيْكَ وَاَقْرَبِها مِنْكَ وَسيلَةً وَاَشْرَفِها عِنْدَكَ

بر تو و دوست ترین آنها بسوی تو و نزدیک ترین آنها نزد تو از روی وسیله و شریف ترین آنها نزد تو از جهت

مَنْزِلَةً وَاَجْزَلِها لَدَيْكَ ثَواباً وَاَسْرَعِها فِي الْاُمُورِ اِجابَةً وَبِاسْمِكَ

جاه و منزلت و جزیل ترین آنها نزد تو از روی ثواب و سریع ترین آنها در امرها از روی اجابت و بنام پنهان

الْمَكْنُونِ الْاَكْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الْاَكْرَمِ الَّذي تُحِبُّهُ وَتَهْواهُ

کرده شدهٔ بزرگتر عزیزتر جلیل تر اعظم تر گرامی تر آنکه دوست میداری آنرا و میخواهی آنرا

وَتَرْضى بِه عَمَّنْ دَعاكَ

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ لا تَرُدَّ سائِلَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ

و اجابت کردهٔ برای او دعا را و سزاوار است بر تو اینکه رد نکنی سؤال کنندهٔ خود را و بهر نامیکه

هُوَ لَكَ فِي التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجيلِ وَ

که آن از برای تست در توریت و در انجیل و

الزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَبِكُلِّ

در زبور و قرآن عظیم و بهر

اسْمٍ دَعاكَ بِه حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلائِكَتُكَ وَاَنْبِيائُكَ وَرُسُلُكَ وَاَهْلُ

نامیکه خوانده ترا به آن بردارندگان عرش تو و فرشتگان تو و پیمبران تو و رسولان تو و اهل

طاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ

طاعت تو از بندگان تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه تعجیل فرمائی راحت دوست خود و پسر

وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْيَ اَعْدائِهِ وَاَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا

دوست خود و تعجیل فرمائی خوار کردن دشمنانش و اینکه بجا آوری با من چنین و چنان

بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را و میخوانی بعد از آن هر دعا که میخواهی

پس از آن سجده میکنی دو سجدهٔ شکر و خوب است که بخوانی در یکی از آنها این دعا را که منسوب

بحضرت امام زین العابدین علیه السلام است

اِلٰهي وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ اَنّي مُنْذُ بَدَعْتَ فِطْرَتي مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ

الهی بحق عزت تو و جلال و بزرگی تو که بدرستیکه من بودم از وقتی که بیرون آوردی خلقت مرا از اول

عَبَدْتُكَ دَوامَ خُلُودِ رُبُوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ سَرْمَدَ

عبادت کرده بودم ترا به دوام دائمی پروردگاری تو بهر موئی که در هر چشم زدنی همیشه

الْاَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلائِقِ وَشُكْرِهِمْ اَجْمَعينَ لَكُنْتُ مُقَصِّراً في بُلُوغِ اَداءِ شُكْرِ

روزگار به حمد خلائق و شکر آنها همگی هر آینه بودم من تقصیر کننده در رسیدن ادای شکر

اَخْفى نِعْمَةٍ مِنْ نِعَمِكَ عَلَيَّ وَلَوْ اَنّي كَرَبْتُ مَعادِنَ حَديدِ الدُّنْيا بِاَنْيابي

پنهان ترین نعمتی از نعمتهای تو بر من و اگر بدرستیکه من کنده بودم معدنهای آهن دنیا را با دندانهای خود

وَحَرَثْتُ اَرَضيها بِاَشْفارِ عَيْني وَبَكَيْتُ مِنْ خَشْيَتِكَ مِثْلَ بُحُورِ السَّماواتِ

و زراعت کرده بودم زمین آنها را با مژگانهای چشم خود و گریه کرده بودم از ترس تو مثل دریاهای آسمانها

وَالْأَرَضِينَ دَمًا وَصَدِيدًا لَكَانَ ذَلِكَ قَلِيلًا فِي كَثِيرِ مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّكَ

ورزمینها خون و خونابه هر اینه بودن آن قلیل در بسیاری از آنچه واجب است از حق تو

عَلَيَّ وَلَوْ أَنَّكَ يَا إِلٰهِي عَذَّبْتَنِي بَعْدَ ذَلِكَ بِعَذَابِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَعَظَّمْتَ لِلنَّارِ

برمن و اگر بدرستیکه تو ای خدای من عذاب میکردی مرا بعد از آن بعذاب مردمان همگی و بزرگ میکردی از برای آتش

خَلْقِي وَجِسْمِي وَمَلَأْتَ طَبَقَاتِ جَهَنَّمَ مِنِّي حَتَّى لَا يَكُونَ فِي النَّارِ مُعَذَّبٌ غَيْرِي

خلقت مرا و جسم مرا و پر کرده بودی طبقهای جهنم را از من تا اینکه نبوده باشد در آتش عذاب کرده شده غیر از من

وَلَا يَكُونَ لِجَهَنَّمَ حَطَبٌ سِوَايَ لَكَانَ ذَلِكَ بِعَدْلِكَ عَلَيَّ قَلِيلًا فِي كَثِيرِ مَا اسْتَوْجَبْتُهُ

و نبود بهر جهنم هیمه بجز من هر اینه بودن آن از روی عدل تو برمن کم در بسیاری آنچه سزاوارم

پس هرگاه فارغ شدی از رکعت هشتم بخوان این دعا را پس

يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ

ای خدا ای خدا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل او و رحمت فرما مرا و ثابت دار مرا بر دین تو و دین

نَبِيِّكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

پیغمبر تو و مگردان دل مرا بعد از آنکه هدایت کردی مرا و ببخش مرا از نزد خود رحمتی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده

و میگوئی این فقرات را

اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ

خداوندا توئی همیشه زنده بخود بر پای ایستنده بلند بزرگ آفریننده روزی دهنده پدید آورنده و عود دهنده

الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ

زنده کننده میراننده از نو پدید آورنده از برای تست کرم و از برای تست بخشش و از برای تست نعمت و از برای تست امر تنها

لَا شَرِيكَ لَكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا مُحْيِي يَا مُمِيتُ يَا بَدِيعُ يَا رَفِيعُ أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

نیست شریکی مر ترا ای آفریننده ای روزی دهنده ای زنده کننده ای میراننده ای از نو پدید آورنده ای بلند مرتبه سؤال میکنم از تو که رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْحَمَ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ

بر محمد و آل محمد و اینکه رحم فرمائی خواری مرا پیش روی تو و فروتنی مرا بسوی تو و رمیدن مرا از مردم

بعد از آن میگوئی آنچه را حضرت امیر المؤمنین میخواندند بعد از رکعت هشتم

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ وَلَجَأَ إِلَى عِزِّكَ وَاسْتَظَلَّ بِفَيْئِكَ

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحرمت هر که پناه آورده بتو و التجا آورده بسوی عزت تو و داخل شده در سایه تو

وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ وَلَمْ يَثِقْ إِلَّا بِكَ يَا جَزِيلَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى يَا مَنْ

و دست زده بریسمان محکم تو و اعتماد نداشته مگر بتو ای بزرگ عطاها ای رها کننده اسیرها ای آنکه

سَمَّى نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهَّابًا أَدْعُوكَ رَاغِبًا وَرَاهِبًا وَخَوْفًا وَطَمَعًا وَإِلْحَاحًا

نامیده است نفس خود را بسبب جود خود بسیار بخشنده میخوانم ترا رغبت کننده و ترسنده و خوف دارنده و طمع کننده

وَإِلْحَافًا وَتَضَرُّعًا وَتَمَلُّقًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا

و مبالغه کننده در سؤال و تضرع و فروتنی کننده و تملق کننده ایستاده و نشسته در رکوع و سجود کننده و سواره و پیاده

وَذَاهِبًا وَجَائِيًا وَفِي كُلِّ حَالَاتِي أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ

و رونده و آینده و در همه حالهای خود سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی

بی ... و میطلبی حاجت خود را بعد از آن سجده میکنی دو سجده شکر و میخوانی در آنها الحمد را

فصل

بعد از آنکه فارغ شدی از هشت رکعت بر میخیزی برای دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و افضل اوقات آنها هنگام صبح کاذب و صادق است چنانچه گذشت در باب اول در ذکر صبح صادق و کاذب و وارد شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و بدانکه شایع بر زبانهای علمای متاخرین اطلاق وتر است بر رکعت سوم تنها نه بر مجموع سه رکعت و شایع در احادیث که وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله علیهم اجمعین عکس این است چنانچه روایت کرده از شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که پدرم حضرت باقر علیه السلام میخواندند در وتر قل هو الله احد در هر سه رکعت و ایضا چنانچه روایت کرده است شیخ در تهذیب بسند موثق از آنحضرت علیه السلام که فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله میکرد اداء هشت رکعت زوال و چهار رکعت ظهر و هشت رکعت بعد از آن و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از آن و عشای آخر چهار رکعت و دو رکعت وتیره بعد از آن و هشت

رکعت نماز شب و سه رکعت وتر ❁ و دو رکعت فجر و نماز صبح دو رکعت تا الخ حدیث
و چنانچه روایت کرده است از او ثقة الاسلام کلینی بسند صحیح حفص بن سالم که گفت شنیدم
از حضرت ابی عبد الله علیه السّلام ❁ که میفرمود بکر باکی نیست اینکه بکذارد مرد دو رکعت
از وتر را ❁ بعد از ان برخیزد ❁ و برآورد حاجت خود را ❁ تا ذبح کرده پس بکذارد
یک رکعت و همچنین غیر اینها احادیث بسیار است ❁ اما الطلاق وتر بر رکعت سوم تنها
❁ پس در احادیث بسیار کم است ❁ لیکن بسیار است در عبارات فقهای متاخرین
علما قدس الله ارواحهم ❁ و اما قدما پس اکر ایشان تعبیر میکنند از ان بمفرده وتر
چنانچه تعبیر کرده است از ان شیخ طوسی در مصباح و غیر ان ❁ و از اینجا ظاهر میشود
کر کسی کر نذر کند نماز وتر موظف را ❁ بیرون نمیآید از عهده بیقین مکر بکذاردن
سه رکعت ❁ و ظاهر میشود که انچه ذکر کرده است او شیخ جلیل ابو علی طبرسی عطر الله مرقده
در کتاب مجمع البیان ❁ از وجه نامیدن سوره فاتحه بسبع المثانی باینکه مثنی میشود قرائت ان
در هر نماز واجبی و سنتی کلامی است درست خالی از قصور ❁ و اینجا اعتراض کرده اند
بر او از انتقاض این کلیه بنماز وتر و وارد نیست ❁ والله اعلم ❁ و میخوانی در هر یک
از دو رکعت شفع بعد از حمد سوره قل هو الله احد ❁ و اکر خواهی میخوانی قل اعوذ
برب الفلق ❁ در رکعت و قل اعوذ برب الناس ❁ در رکعت دوم پس هرکاه سلام دادی

پس بخوان این دعا را

الهی تعرّض لک فی هذا اللّیل المتعرّضون وقصدک فیه القاصدون

خدایا متعرض شده است مر ترا در این شب ❁ متعرض شوندگان و قصد کرده ترا در این شب قصد کنندگان

وامّل فضلک ومعروفک الطّالبون ولک فی هذا اللّیل نفحات

و امیدوارند فضل ترا و احسان ترا طلب کنندگان ❁ و مر تراست در این شب وزیدن رحمتها

وجوائز وعطایا ومواهب تمنّ بها علی من تشاء من عبادک وتمنعها

و جائزه و عطاها و هبه‌ها ❁ که منت میکذاری بانها بر هر که میخواهی از بندگان خود و منع میکنی انها را

مراتب

لدی العنایة منک وها انا ذا عبدک الفقیر الیک المؤمّل فضلک ومعروفک

از برای عنایت از تو و اینک منم بنده تو ❁ محتاج بسوی تو ❁ امیدوار از فضل تو و احسان تو

فان کنت یا مولای تفضّلت فی هذه اللّیلة علی احد من خلقک وعدت

پس اکر بوده باشی ای پروردکار من که تفضل کرده باشی در این شب بر یکی از خلق تو ❁ و احسان کرده باشی

علیه بعائدة من عطفک فصلّ علی محمّد وآل محمّد الطّیّبین الطّاهرین الخیّرین

بر او بصله از شفقت تو ❁ پس رحمت بفرست بر محمد و آل او که پاکیزکان پاکان ❁ خیر کنندکان

الفاضلین وجد علیّ بطولک ومعروفک یا ربّ العالمین وصلّی الله

فاضلانند ❁ و جود فرما بر من بفضل خود و احسان خود ای پروردکار جهانیان و رحمت کند خدا

علی محمّد خاتم النّبیّین وآله الطّاهرین الّذین اذهب الله عنهم الرّجس

بر محمد ❁ اخر پیغمبران ❁ و آل پاکان او ❁ انکه برده است از ایشان ❁ بدیها

وطهّرهم تطهیرا انّ الله حمید مجید اللّهمّ انّی ادعوک کما امرت

و پاک کرد ایشان را پاک کردنی بدرستیکه خداوند ستوده بزرکوار است خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا چنانچه امر کردی

فاستجب لی کما وعدتّ انّک لا تخلف المیعاد

پس اجابت کن مرا چنانچه وعده کرده تو بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

بعد از ان برمیخیزی برای مفرده وتر و افتتاح کنی بهفت تکبیر با سه دعا انها و میخوانی
در ان بعد از حمد قل هو الله احد ❁ سه مرتبه و معوذتین ❁ بعد از ان بلند میکنی
دستهای خود را ❁ و قنوت میخوانی در حال اینکه کریه کنی یا خود را بکریه بداری باینچه
روایت کرده است از او ثقة الاسلام کلینی در فقیه بسند صحیح از معروف بن خربوذ از احدهما
یعنی حضرت باقر یا حضرت صادق علیهما السّلام که فرموده اند بکو در قنوت وتر

لا اله الّا الله الحلیم الکریم لا اله الّا الله العلیّ العظیم سبحان الله ربّ

نیست خدایی مکر خدایی که حلیم و کریم است نیست خدایی مکر خدای بلند مرتبه بزرک پاک است خدای که پروردکار

السّموات السّبع وربّ الارضین السّبع وما فیهنّ وما بینهنّ وربّ العرش

آسمانهای هفت کانه و پروردکار زمینهای هفت کانه و انچه در انهاست و انچه میان انهاست و پروردکار

العظيم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله جمال السموات
بزرگ خداوندا توئی خدائیکه خلق کننده نور آسمانها و زمینی و توئی خدائیکه خلق کننده جمال آسمانها

والارض وانت الله قوام السموات والارض وانت الله صريخ المستصرخين
و زمینی و توئی خدائیکه بپا دارنده آسمانها و زمینی و توئی خدای فریادرس فریاد رسندگان

وانت الله غياث المستغيثين وانت الله المفرج عن المكروبين وانت
و توئی خدائیکه فریادرس استغاثه کنندگانی و توئی خدای فرج بخشنده از اندوهناکان و توئی

الله المروح عن المغمومين وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله اله
خدای راحت دهنده از غمناکان و توئی خدای اجابت کننده دعای بیچارگان و توئی خدائیکه معبود

وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف السوء وانت الله بك تنزل
و توئی خدای بخشنده مهربان و توئی خدای دفع کننده بدی و توئی خدائیکه بتو فرود آورده میشود

كل حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من عقابك
هر حاجت ای خدا رد نمیکند غضب ترا مگر حلم تو و خلاص نمیکند از عقاب تو

الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع اليك فهب لي من لدنك
مگر رحمت تو و نجات نمیدهد از تو مگر زاری بسوی تو پس ببخش مرا از نزد خود

يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها احييت جميع
ای خدای من رحمتیکه بی نیاز گردانی مرا بآن از رحمت کسیکه غیر تو باشد بقدرتیکه بآن زنده کرده جمیع

ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وتعرفني
آنچه در شهرهاست و بآن برانگیزانی مرده بندگان را و هلاک مگردان مرا از غم تا آنکه بیامرزی مرا و بشناسانی

الاستجابة في دعائي واذقني العافية الى منتهى اجلي واقلني عثرتي
مرا استجابت را در دعای من و بچشان مرا عافیت تا منتهای اجل من و درگذر از لغزش من

ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن
و شماتت مرسان بمن دشمن مرا و تمکین مده او را از گردن من خداوندا اگر بلند کنی مرا پس کیست

ذا الذي

بينك وبيني او تعرض لك في شيء من امري وقد علمت ان ليس في حكمك
میان تو و میان من یا متعرض شود مرا در چیزی از امر من و بتحقیق که دانسته ام که نیست در حکم تو

ظلم ولا في نقمتك عجلة وانما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم
ظلم و نه در انتقام کشیدن تو تعجیلی و بدرستیکه تعجیل میکند کسیکه بترسد از فوت و بدرستیکه محتاج است بظلم

الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا
ضعیف و بتحقیق که برتری تو از آن ای خدای من پس مگردان مرا از برای بلا نشانه و نه

لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء
از برای عقوبت خود نشانه و مهلت ده مرا و گشایش ده مرا و درگذر از لغزش من و تابع مگردان مرا ببلائی

على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني
در عقب بلائی پس بتحقیق میبینی ضعف مرا و کمی حیله مرا پناه میبرم بتو در این شب پس پناه ده مرا

واستجير بك من النار فاجرني واسئلك فلا تحرمني
و پناه میجویم بتو از آتش پس پناه ده مرا و سؤال میکنم ترا پس محروم مگردان مرا

بعد از آن دعا کن خدا را و دوست دار و استغفار کن خدا را هفتاد مرتبه ایما شست
اخر حدیث و سنت است که دعا کنی برای چهل کس از برادران خود بازبان پس بگو
اللهم اغفر لفلان وفلان تا آخر ایشان بعد از آن میگوئی استغفر الله ربي
واتوب اليه و سزاوار است که بشماری استغفارها را بدست راست خود
و دست نگاه داری دست خود را چنانچه روایت کرده است ... محمد بن
در فقیه باسند صحیح و اگر بر سی بار استغفار بعد از توبه خواهد بود افضل

بعد از آن میگوئی هفت مرتبه

استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم لجميع ظلمي وجرمي واسرافي
طلب آمرزش میکنم از خدائیکه نیست خدائی مگر او که زنده بخود قائم است از برای همه ظلم من و گناه من و زیادتی

على نفسي واتوب اليه
بر نفس من و توبه میکنم بسوی او

ودر کمال الخضوع و جد جهد ملتفت باش که توجهات قلبیه ترا از حضرت کبریائی محروم نگردد انشاء الله تعالی

[illegible] ... در دعای ابوحمزه ثمالی ... [illegible]

بعد از آن میگوئی

رَبِّ اَسَأْتُ وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَبِئْسَ مَا صَنَعْتُ وَهٰذِهِ يَدَايَ يَا رَبِّ جَزَاءً

پروردگارا من بدی کرده ام و ستم کرده ام بنفس خود و بد چیزیست آنچه کرده ام و اینست دستهای من ای پروردگار

بِمَا كَسَبَتْ وَهٰذِهِ رَقَبَتِي خَاضِعَةً لِمَا اَتَيْتُ وَهَا اَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ

بجزای آنچه کسب کرده ام و اینست گردن من فروتنی کننده برای آنچه بجا آورده ام و اینک منم پیش روی تو پس بگیر

لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي الرِّضَا حَتّٰى تَرْضٰى ❁ لَكَ الْعُتْبٰى لَا اَعُودُ ❁

برای نفس خود از نفس من خوشنودی را تا آنکه خوشنود شوی ❁ از برای تست از زیاد نمودن آنچه مکروه تست رجوع

بعد از آن میگوئی اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ صد مرتبه

بعد از آن میگوئی

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ❁

ای پروردگار من بیامرز مرا و رحم کن بر من و قبول فرما توبه مرا بدرستیکه تو توبه کننده ای بسیار قبول کننده توبه و مهربانی ❁

و سنت است طول دادن قنوت ❁ پس اضافه میکنی باین آنچه پیش گذشت ذکر آن ❁

در هشت رکعت پس اگر وسعت داشته باشی وقت اضافه کن باین دعائی که میخواهد الله انس ❁

حضرت سید العابدین علیه السلام ❁ چنانچه روایت کرده است رئیس محدثین در کتاب امالی و از ابن [illegible]

سَيِّدِي سَيِّدِي هٰذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا اِلَيْكَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً

ای سید من ای سید من ❁ اینست دستهای من بتحقیق بلند کرده ام هر دو را بسوی تو که مملو است از [illegible]

وَعَيْنَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً وَحَقَّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلًا اَنْ تُجِيبَهُ

و چشمهای من در دعا بامید کشیده است و سزاوار است هر کسی که بخواند ترا بپشیمانی از روی فروتنی آنکه اجابت

بِالْكَرَمِ تَفَضُّلًا سَيِّدِي اَمِنْ اَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَاُطِيلَ بُكَائِي اَمْ مِنْ

بکرم از روی تفضل ای سید من آیا از اهل بدبختی آفریدی مرا ❁ پس طول بدهم گریه خود را یا از

اَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَاُبَشِّرَ رَجَائِي سَيِّدِي اَلِضَرْبِ الْمَقَامِعِ ❁

اهل سعادت آفریدی مرا ❁ پس بشارت بدهم امید خود را ای مولای من آیا از برای زدن گرزهای

خلقت

[illegible] ... در دعای ابوحمزه ثمالی ... [illegible]

عَضَائِي اَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ اَمْعَائِي سَيِّدِي فَلَوْ اَنَّ عَبْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ

اعضای مرا یا از برای آشامیدن آب گرم جهنم آفریدی امعای مرا ای سید من پس اگر بنده ای میتوانست فرار نماید

مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ اَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ لٰكِنِّي اَعْلَمُ اَنِّي لَا اَفُوتُكَ سَيِّدِي

از خداوند خود هر آینه بودم من اول فرار کنندگان از تو لکن من میدانم که بدرستیکه من فوت نمیشوم از تو ای مولای من

لَوْ اَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَاَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ غَيْرَ اَنِّي اَعْلَمُ

اگر اینکه بود عذاب من از آنچه زیاد میکرد در پادشاهی تو هر آینه سؤال میکردم از تو صبر بر آن ❁ الا آنکه من میدانم

اَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ

بدرستیکه زیاد نمیکند در پادشاهی تو طاعت طاعت کنندگان و کم نمیکند از آن معصیت معصیت کنندگان

سَيِّدِي مَا اَنَا وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ ❁

ای مولای من چیستم من و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود و بپوشان مرا به پرده خود و درگذر ❁

عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي اِرْحَمْنِي مَطْرُوحًا عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي

از ملامت من بکرم ذات خود ای خدای من و ای سید من رحم کن بر من در حالتیکه افتاده باشم بر تخته ای که غسل دهد

صَالِحُ جِيرَتِي وَارْحَمْنِي مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْاَقْرِبَاءُ اَطْرَافَ جِنَازَتِي وَارْحَمْ

مرا نیکان همسایگان من و رحم کن مرا در حالتیکه برداشته باشند و گرفته باشند خویشان اطراف جنازه مرا و رحم کن

فِي ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتِي وَغُرْبَتِي وَوَحْدَتِي

در این خانه ❁ تاریک وحشت مرا و غریبی و تنهائی مرا

و اگر وقت تنگ باشد بر ای طول دادن قنوت پس مراعات اقتصار بر آنچه خواهی از الحمد و سعت داشته باشد این دعا و از دعاها مختصر که خوب است قنوت باین دعا بر تو سکی در قنوت در وتر

اَللّٰهُمَّ اِنَّ كَثْرَةَ الذُّنُوبِ تَكُفُّ اَيْدِيَنَا عَنِ انْبِسَاطِهَا اِلَيْكَ بِالسُّؤَالِ وَ

خداوندا بدرستیکه بسیار گناهان بسته میکند دستهای ما را از گشودن آنها بسوی تو بسؤال ❁ و

الْمُدَاوَمَةَ عَلَى الْمَعَاصِي تَمْنَعُنَا عَنِ التَّضَرُّعِ وَالْاِبْتِهَالِ وَالرَّجَاءَ يَحُثُّنَا عَلٰى سُؤَالِكَ

مداومت بر گناهان ❁ باز میدارد از فروتنی و زاری و امید وادار و تحریص میکند ما را بر سؤال تو

يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ فَإنْ لَمْ يَتَعَطَّفِ السَّيِّدُ عَلى عَبْدِهِ فَمَنْ يَبْتَغِي النَّوالَ فَلا تَرُدَّ

ای صاحب بزرگی و بخشش پس اگر نکند شفقت مولا بر بنده خود پس آنکه طلب کند عطا را پس بر مگردان

أَكُفَّنَا المُتَضَرِّعَةَ إلَيْكَ إلّا بِبُلُوغِ الآمالِ وَصَلَّى اللهُ عَلى أشْرَفِ الأنْبِياءِ

کفهای ما را که تضرع کننده بسوی تو مگر رسیدن آرزوها و رحمت کند خدا بر شریف ترین پیغمبران

وَالمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ

و رسولان که محمد است و آل او که پاکیزگان و پاکان شدند

پس هرگاه فارغ شدی از قنوت پس رکوع کن و میگوئی بعد از سر برداشتن از رکوع

هذا مَقامُ مَنْ حَسَناتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَسَيِّئاتُهُ بِعَمَلِهِ وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَشُكْرُهُ

این است مقام کسیکه نیکوئی او نعمت است از تو و بدی او بکردار او است و گناه او عظیم است و شکر او

قَلِيلٌ إلهِي طُمُوحُ الآمالِ قَدْ خابَتْ إلّا لَدَيْكَ وَمَعاكِفُ الهِمَمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ

اندک است خدایا بلندی امیدها بتحقیق بی بهره گشته مگر نزد تو و اقامتگاههای عزمها بتحقیق بریده شده اند

إلّا عَلَيْكَ وَمَذاهِبُ العُقُولِ قَدْ سَمَتْ إلّا إلَيْكَ فَإلَيْكَ الرَّجاءُ وَإلَيْكَ

مگر نزد تو و طریقهای عقلها بتحقیق بلند شد مگر بسوی تو پس بسوی تست آرزو و بسوی تست

المُلْتَجا يا أكْرَمَ مَقْصُودٍ وَيا أجْوَدَ مَسْئُولٍ هَرَبْتُ إلَيْكَ بِنَفْسِي يا مَلْجَأَ الهارِبِينَ

پناه ای کریمترین مقصود کرده شده و ای بخشنده ترین سؤال کرده شده فرار نموده ام بسوی تو بنفس خود ای پناه فراریان

بِأثْقالِ الذُّنُوبِ أحْمِلُها عَلى ظَهْرِي وَما أجِدُ لِي إلَيْكَ شافِعاً سِوى مَعْرِفَتِي

بسبب سنگینیهای گناهان که برداشته ام بر پشت خود و نمی یابم برای خود بسوی تو شفاعت کننده بغیر از شناختن خود

بِأنَّكَ أقْرَبُ مَنْ رَجاهُ الطّالِبُونَ وَلَجَأ إلَيْهِ المُضْطَرُّونَ وَأمَّلَ ما لَدَيْهِ

باینکه نزدیکترین کسیکه آرزو داشته اند او را طالبان و پناه برده بسوی او بیچارگان و امید داشته اند آنچه نزد او

الرّاغِبُونَ يا مَنْ فَتَقَ العُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَأطْلَقَ الألْسُنَ بِحَمْدِهِ وَجَعَلَ

رغبت کنندگان ای کسیکه شکافته است عقلها را بشناختن او و روان کرده است زبانها را بحمد او و گردانید

ما امْتَنَّ بِهِ عَلى عِبادِهِ كِفاءً لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَجْعَلْ

آنچه نعمت داد آنرا بر بندگان خود کفایت کننده از برای بجا آوردن حق او رحمت کن بر محمد و آل او و مگردان

لِلْهُمُومِ عَلى قَلْبِي سَبِيلاً وَلا لِلْباطِلِ عَلى عَمَلِي دَلِيلاً بِرَحْمَتِكَ يا أرْحَمَ الرّاحِمِينَ

برای غمها بر قلب من راهی و نه برای باطل بر عمل من راه نمائی برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

بعد از آن دو سجده میکنی و تشهد میخوانی پس هرگاه سلام دادی پس تسبیح کن تسبیح

حضرت زهرا علیها السلام بعد از آن بخوان این دعا را که معروف است بدعای حزین

أُناجِيكَ يا مَوْجُوداً فِي كُلِّ مَكانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي

مناجات میکنم با تو ای موجود در هر مکان شاید تو بشنوی ندای مرا پس بتحقیق که بزرگ شد گناه من

وَقَلَّ حَيائِي مَوْلايَ يا مَوْلايَ أيَّ الأهْوالِ أتَذَكَّرُ وَأيَّها أنْسى وَلَوْ لَمْ

و کم است حیای من ای صاحب من ای صاحب من کدام یک از هولها را یاد کنم و کدام یک از آنها را فراموش کنم و اگر

إلّا المَوْتُ لَكَفى كَيْفَ وَما بَعْدَ المَوْتِ أعْظَمُ وَأدْهى مَوْلايَ يا مَوْلايَ

مگر مرگ هر آینه کافی است و چگونه و حال آنکه بعد از مرگ بزرگتر است و عظیمتر است ای صاحب من ای صاحب من

حَتّى مَتى وَإلى مَتى أقُولُ لَكَ العُتْبى مَرَّةً بَعْدَ أُخْرى ثُمَّ لا تَجِدُ

تا کی و تا چند و بسوی چند بگویم از برای تست راضی نمودن دفعه بعد از دفعه پس نیابی

عِنْدِي صِدْقاً وَلا وَفاءً فَيا غَوْثاهُ ثُمَّ وَاغَوْثاهُ بِكَ يا اللهُ مِنْ هَوىً

نزد من راستی و نه وفا پس ای داد رس پس ای داد رس پناه آورده ام بتو ای خدا از خواهشیکه

قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ عَدُوٍّ قَدِ اسْتَكْلَبَ عَلَيَّ وَمِنْ دُنْيا قَدْ تَزَيَّنَتْ لِي وَمِنْ نَفْسٍ

که بتحقیق غلبه کرده است بر من و از دشمنی که حمله کرده است بر من مانند سگ و از دنیائی که بتحقیق زینت داده است خود را

أمّارَةٍ بِالسُّوءِ إلّا ما رَحِمَ رَبِّي مَوْلايَ يا مَوْلايَ إنْ كُنْتَ رَحِمْتَ

بسیار امر کننده است ببدی مگر آنچه رحم کرده باشد پروردگار من ای صاحب من ای صاحب من اگر بوده باشی رحم

مِثْلِي فَارْحَمْنِي وَإنْ كُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلِي فَاقْبَلْنِي يا قابِلَ السَّحَرَةِ اقْبَلْنِي

مثل مرا پس رحم کن مرا و اگر بوده باشی که قبول کرده باشی مثل مرا پس قبول کن مرا ای قبول کننده ساحران قبول کن مرا

يا مَنْ لَمْ أزَلْ أتَعَرَّفُ مِنْهُ الحُسْنى يا مَنْ يُغَذِّينِي بِالنِّعَمِ صَباحاً وَمَساءً

ای کسیکه همیشه میشناسم از او نیکوئی را ای کسیکه روزی میدهد مرا به نعمتها در صبح و شام

رحم کن مرا روزی که

أَسْتُ فَرْداً شَاخِصاً إِلَيْكَ مُقَلِّداً أَعْمَالِي قَدْ تَبَرَّأَ جَمِيعُ الْخَلْقِ مِنِّي نَعَمْ وَأَبِي

مرا که تو تنها بلند کننده بسوی تو چشم خود را ... کردار خود را بتحقیق که بیزاری جسته اند همه خلایق از من

وَأُمِّي وَمَنْ كَانَ لَهُ كَدِّي وَسَعْيِي فَإِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ يَرْحَمُنِي وَمَنْ يُؤْنِسُ

و مادر من و هر که بود از برای او کد من و سعی من پس اگر رحم نکنی مرا پس کیست که رحم کند مرا و کیست که انس دهد

فِي الْقَبْرِ وَحْشَتِي وَمَنْ يُنْطِقُ لِسَانِي إِذَا خَلَوْتُ بِعَمَلِي وَسَأَلْتَنِي عَمَّا أَنْتَ

در قبر وحشت مرا و کیست که گویا میکند زبان مرا هنگامیکه خلوت کنم با کردار خود و سؤال کنی از من از آنچه

أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَإِنْ قُلْتُ نَعَمْ فَأَيْنَ الْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِكَ وَإِنْ قُلْتُ لَمْ أَفْعَلْ قُلْتَ

داناتری بآن از من پس اگر بگویم بلی پس کجاست گریزگاه از عدل تو و اگر بگویم نکرده ام میگوئی تو

أَلَمْ أَكُنِ الشَّاهِدَ عَلَيْكَ فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ أَنْ تَلْبَسَ الْأَبْدَانُ ٥

که آیا نبوده ام گواه بر تو پس طلب میکنم عفو ترا عفو ترا ای صاحب من پیش از آنکه بپوشند بدنها

سَرَابِيلَ الْقَطِرَانِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ أَنْ تُغَلَّ الْأَيْدِي إِلَى الْأَعْنَاقِ

پیراهنهای قطران طلب میکنم عفو ترا عفو ترا ای صاحب من پیش از آنکه غل کرده شود دستها بسوی گردنها

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ ٥

آنگاه بسجده میروی و میگوئی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحم کن خواری مرا پیش روی تو و زاری کردن مرا بسوی تو

وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَائِناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ

و فرار من از مردم و انس مرا بتو ای بزرگوار ای کسیکه بوده پیش از هر چیز و ای هستی دهنده هر چیز

وَيَا كَائِناً بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ لَا تَفْضَحْنِي فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَلَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ

ای کسیکه هست بعد از همه چیز رسوا مکن مرا پس بدرستیکه تو بمن دانائی و عذاب مکن مرا پس بدرستیکه تو بر من قادری

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كَرْبِ الْمَوْتِ وَسُوءِ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنَ النَّدَامَةِ

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از اندوه مرگ و بدی بازگشت در قبر و از ندامت و پشیمانی

يَوْمَ الْقِيَامَةِ

در روز قیامت

أَسْأَلُكَ عِيشَةً هَنِيئَةً وَمِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَباً كَرِيماً غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ

سؤال میکنم ترا زندگانی گوارا و مردن هموار و بازگشتن نیکو نه خوار کننده و نه رسوا کننده

اللَّهُمَّ مَغْفِرَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي وَرَحْمَتُكَ أَرْجَى عِنْدِي مِنْ عَمَلِي فَصَلِّ عَلَى

خداوندا آمرزش تو فراخ تر است از گناهان من و رحمت تو امیدوارتر است نزد من از عمل من پس رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي يَا حَيّاً لَا يَمُوتُ

محمد و آل محمد و بیامرز مرا ای زنده که نمیمیرد

و بعد از آنکه فارغ شدی از نماز ... متعلق بآن است بر میخیزی برای دو رکعت نافله صبح و مناسب ... باعتبار آنکه پنهان میشوند در نماز شب چنانچه روایت کرده است شیخ ... در تهذیب از حضرت رضا علیه السلام که ... با آنها نماز شب و ظاهر کتب آنها است تا طلوع صبح چنانچه ... و چنانچه قائل شده اند بآن جماعتی از علما رضوان الله ... و ... افضل اوقات ... صبح است و مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد پس هرگاه سلام دادی بخواب بر پهلوی راست رو بقبله ... و ...

خود را بر روی دست

اسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللهِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاعْتَصَمْتُ

دست زده ام بریسمان خدا که محکم تر است نیست قطع شدن مر آنرا و چنگ زده ام

بِحَبْلِ اللهِ الْمَتِينِ وَأَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ

بریسمان خدای استوار و پناه میبرم بخدا از شر فاسقان عرب و عجم و از شر فاسقان جن

وَالْإِنْسِ رَبِّيَ اللهُ رَبِّيَ اللهُ رَبِّيَ اللهُ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

و انس پروردگار من خداست پروردگار من خداست پروردگار من خداست ایمان آورده ام بخدا توکل کرده ام ...

إِلَّا بِاللهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ

مگر بخدا و هر که توکل کند بر خدا پس او کافی است او را بدرستیکه خدا رساننده امر خود است بتحقیق گردانیده است

شَيْءٍ قَدْراً

خدا از برای هر چیز اندازه

حَسْبِیَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللّٰهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ وَلَهُ حَاجَةٌ إِلَى مَخْلُوقٍ فَإِنَّ

بس است مرا خدا و بهترین وکیل است خداوندا هر کس داخل صبح شد و مر او راست حاجتی بسوی آفریده پس بدرستیکه

حَاجَتِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الصَّبَاحِ

حاجت من و رغبت من بسوی تست تنها نیست شریکی برای تو مر تراست حمد حمد مر خدا راست پروردگار صبح است

الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ نَاشِرِ الْأَرْوَاحِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ قَاسِمِ الْمَعَاشِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

حمد مر خدا راست شکافنده صبح است حمد مر خدا را که برانگیزاننده روحهاست حمد مر خدا را که قسمت کننده روزیهاست حمد مر خدا را

جَاعِلِ اللَّيْلِ سَكَناً وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَاناً ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ اللّٰهُمَّ

که گرداننده شب است آرامگاه و آفتاب و ماه را حساب این است تقدیر خدای غالب دانا خداوندا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِي قَلْبِي نُوراً وَفِي بَصَرِي نُوراً وَعَلَى لِسَانِي نُوراً وَمِنْ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان در قلب من نوری و در چشم من نوری و بر زبان من نوری و از

بَيْنِ يَدَيَّ نُوراً وَمِنْ خَلْفِي نُوراً وَعَنْ يَمِينِي نُوراً وَعَنْ شِمَالِي نُوراً وَمِنْ فَوْقِي نُوراً

پیش رو من نوری و از عقب من نوری و از جانب راست من نوری و از جانب چپ من نوری و از بالای سر من نوری

وَمِنْ تَحْتِي نُوراً وَأَعْظِمْ لِيَ النُّورَ وَاجْعَلْ لِي نُوراً أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنِي نُورَكَ

و از سمت زیر پای من نوری و بزرگ گردان از برای من نور را و بگردان از برای من نوری که راه بروم به آن نور در میان مردم و محروم مگردان مرا از نور خود

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ — در روز قیامت — بعد از ان بخوان

آیة الکرسی و معوذتین و سبح اسم ربک الاعلی
و اِنَّ فی خلق السموات والارض تا انک
لا تخلف المیعاد بعد از ان مینشینی و
تسبیح میکنی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام
بعد از ان میگوئی صد مرتبه (۵)

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ (۵)

تسبیح میکنم پروردگار خود را که بزرگست و ملتبسم بحمد او و طلب آمرزش میکنم از خدا و توبه میکنم بسوی او

بعد از ان میگوئی (۵)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

بنام خداوند بسیار بخشنده مهربان و نیست حولی و نیست قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

بعد از ان سجده میکنی دو سجده شکر و میگوئی در انها
آنچه برسد بخاطرت از دعاها اگر پیش گذشت و دعا بکن
در انها از برای برادران مؤمن خودت پس میگوئی

اللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ

خداوندا ای پروردگار صبح و شبهای ده گانه و جفت و طاق و شب هرگاه برود و پروردگار هر چیز

وَإِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ وَافْعَلْ بِي

و معبود هر چیز و آفریننده هر چیز و مالک هر چیز رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بجا بیاور بمن

وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى

و بفلان و فلان آنچه تو سزاوار آنی و بجا میاور با ما آنچه ما سزاوار آنیم پس بدرستیکه تو سزاوار پرهیزکاری

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

فصل

و سزاوار است که بخوانی بعد از فراغ از نماز شب
یعنی سیزده رکعت این دعا را که میخواند سید العابدین
علیه السلام و این دعا از جمله دعاهای صحیفه کامله است

اللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ وَالسُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا أَعْوَانٍ

خداوندا ای صاحب پادشاهی همیشگی که همیشه هست و سلطنت غالب بغیر لشکر و یاوران

وَالْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَخَوَالِي الْأَعْوَامِ وَمَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ

و عزت پاینده بر گذشتن روزگارها و سالهای رفته و زمانهای گذشته و روزها

عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزّاً لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِيَّةٍ وَلَا مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيَّةٍ وَاسْتَعْلَى مُلْكُكَ

غالب است پادشاهی تو غلبه که نیست حدی مر آنرا بسبب ابتدا و نیست نهایتی مر آنرا بسبب انتها و بلند است پادشاهی تو

عُلُوّاً سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ وَلَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرْتَ

بلندی که افتاده اند اشیاء پیش از رسیدن بنهایت آن و نمیرسد پایینترین آنچه مخصوص گردانیدی

بَرُ مِن ذٰلِكَ أقصىٰ نَعتِ النّاعِتينَ ضَلَّت فيكَ الصِّفاتُ وَتَفَسَّخَت دونَكَ

النُّعوتُ وَحارَت في كِبرِيائِكَ لَطائِفُ الأوهامِ كَذٰلِكَ أنتَ اللهُ الأوَّلُ

في أوَّلِيَّتِكَ وَعَلىٰ ذٰلِكَ أنتَ دائِمٌ لا تَزولُ وَأنَا العَبدُ الضَّعيفُ

عَمَلاً الجَسيمُ أمَلاً خَرَجَت مِن يَدي أسبابُ الوُصُلاتِ إلّا ما وَصَلَهُ رَحمَتُكَ

وَتَقَطَّعَت عَنّي عِصَمُ الآمالِ إلّا ما أنَا مُعتَصِمٌ بِهِ مِن عَفوِكَ قَلَّ عِندي

ما أعتَدُّ بِهِ مِن طاعَتِكَ وَكَثُرَ ما أبوءُ بِهِ مِن مَعصِيَتِكَ وَلَن يَضيقَ عَلَيكَ

عَفوٌ عَن عَبدِكَ وَإن أساءَ فَاعفُ عَنّي اللّٰهُمَّ وَقَد أشرَفَ عَلىٰ خَفايَا

الأعمالِ عِلمُكَ وَانكَشَفَ كُلُّ مَستورٍ دونَ خُبرِكَ وَلا تَنطَوي

عَنكَ دَقائِقُ الأُمورِ وَلا تَعزُبُ عَنكَ غَيِّباتُ السَّرائِرِ وَقَدِ استَحوَذَ

عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي استَنظَرَكَ لِغَوايَتي فَأنظَرتَهُ وَاستَمهَلَكَ

إلىٰ يَومِ الدّينِ لِإضلالي فَأمهَلتَهُ فَأوقَعَني وَقَد هَرَبتُ إلَيكَ

مِن صَغائِرِ ذُنوبٍ

موبِقَةٍ

موبِقَةٍ وَكَبائِرِ أعمالٍ مُردِيَةٍ حَتّىٰ إذا قارَفتُ مَعصِيَتَكَ وَاستَوجَبتُ

بِسوءِ سَعيي سَخطَتَكَ فَتَلَ عَنّي عِذارَ غَدرِهِ وَتَلَقّاني بِكَلِمَةِ كُفرِهِ وَتَوَلَّى

البَراءَةَ مِنّي وَأدبَرَ مُوَلِّياً عَنّي فَأصحَرَني لِغَضَبِكَ فَريداً وَأخرَجَني إلىٰ

فِناءِ نَقِمَتِكَ طَريداً لا شَفيعٌ يَشفَعُ لي إلَيكَ وَلا خَفيرٌ يُؤمِنُني عَلَيكَ

وَلا حِصنٌ يَحجُبُني عَنكَ وَلا مَلاذٌ ألجَأُ إلَيهِ مِنكَ فَهٰذا مَقامُ العائِذِ بِكَ

وَمَحَلُّ المُعتَرِفِ لَكَ فَلا يَضيقَنَّ عَنّي فَضلُكَ وَلا يَقصُرَنَّ دوني عَفوُكَ

وَلا أكُن أخيَبَ عِبادِكَ التّائِبينَ وَلا أقنَطَ وُفودِكَ الآمِلينَ وَاغفِر لي

إنَّكَ خَيرُ الغافِرينَ اللّٰهُمَّ إنَّكَ أمَرتَني فَتَرَكتُ وَنَهَيتَني فَرَكِبتُ وَسَوَّلَ

لِيَ الخَطاءَ خاطِرُ السّوءِ فَفَرَّطتُ وَلا أستَشهِدُ عَلىٰ صِيامي نَهاراً وَلا أستَجيرُ

بِتَهَجُّدي لَيلاً وَلا تُثني عَلَيَّ بِإحيائِها سُنَّةٌ حاشا فُروضِكَ الَّتي مَن ضَيَّعَها

هَلَكَ وَلَستُ أتَوَسَّلُ إلَيكَ بِفَضلِ نافِلَةٍ مَعَ كَثيرِ ما أغفَلتُ مِن وَظائِفِ

فُروضِكَ وَتَعَدَّيتُ عَن مَقاماتِ حُدودِكَ إلىٰ حُرُماتٍ انتَهَكتُها

كبائرِ ذنوبٍ اجترحتُها كانت عافيتُك لي من فضائحِها ستراً وهذا مقامُ

گناهان بزرگی که کسب آنها بود عافیت تو مرا از رسوائیهای آنها پرده و این مقام

مَنِ استحيا لنفسه منك وسخط عليها ورضي عنك فتلقّاك بنفسٍ خاشعةٍ

کسی است که شرمنده است برای نفس خود و از تو خشم دارد بر نفس خود و خوشنود از تو است پس ملاقات کرد ترا به نفس خاشع

ورقبةٍ خاضعةٍ وظهرٍ مثقَلٍ من الخطايا واقفاً بين الرغبة إليك والرهبة

و گردن خضوع کننده و پشت گران بار از گناهان ایستاده میان رغبت بسوی تو و ترس

منك وأنت أولى من رجاه وأحقُّ من خشيه واتّقاه فأعطني يا ربِّ

از تو و تو بهتری کسیکه امید باو داشته باشد و سزاوارتر کسیکه بترسد از او و پرهیز از او پس عطا کن مرا

ما رجوتُ وآمنِّي ما حذرتُ وعُد عليَّ بعائدة رحمتك إنّك أكرمُ المسؤولين

آنچه امید دارم و ایمن گردان مرا از آنچه حذر دارم و احسان کن بر من بعطای رحمت خود بدرستیکه تو کریم ترین سؤال کرده شدگانی

اللّهمّ وإذ سترتني بعفوك وتغمّدتني بفضلك في دار الفناء بحضرة

خداوندا و چون پوشانیدی بعفو خود و فرو گرفتی مرا بفضل خود در سرای فنا بحضور

الأكفاء فأجرني من فضيحات دار البقاء

امثال پس پناه ده مرا از رسوائیهای سرای بقا

عند مواقف الأشهاد من الملائكة المقرّبين

نزد ایستادگان حاضران از فرشتگان مقربان

والرسل المكرمين والشهداء والصالحين

و رسولان گرامی داشته شدگان و شهیدان و نیکان

من جارٍ كنتُ أكاتمه سيّئاتي ومن ذي رحمٍ

از همسایه که بودم چنین که میپوشانیدم گناهان خود را او و از خویش

كنت أحتشم منه في سريراتي لم أثق بهم

که بودم که شرم داشتم از او در کارهای پنهانی خود اعتماد نداشتم بایشان

ربِّ في الستر عليَّ ووثقتُ بك ربِّ في المغفرة

ای پروردگار در پوشیدن بر من و اعتماد کرده بودم بتو ای پروردگار در

لي وأنت أولى من وثق به وأعطى من رغب إليه وأرأف من استرحم

مرا و تو بهترین کسیکه اعتماد برو باشد و بخشنده ترین کسیکه رغبت بسوی او و مهربان ترین کسیکه

فارحمني اللّهمّ وأنت حدرتني ماءً مهيناً من صلبٍ متضايق العظام

پس رحم کن مرا خداوندا و تو پائین آوردی مرا آب خوار و حقیر از پشت تنگ در هم رفته استخوانهایش

حرج المسالك إلى رحمٍ ضيّقةٍ سترتها بالحجب تصرّفني حالاً عن حالٍ

و تنگ راههای بیش بسوی رحم تنگ پوشیده از آن به پرده ها میگردانی مرا از حالی بحالی

حتّى انتهيت بي إلى تمام الصورة وأثبتّ فيَّ الجوارح كما نعتّ في كتابك

تا اینکه رسانیدی مرا تمام شدن صورت و ثابت گردانیدی در من اعضا چنانچه وصف نمودی در کتابت

نطفةً ثمّ علقةً ثمّ مضغةً ثمّ عظاماً ثمّ كسوت العظام لحماً ثمّ

اول نطفه پس از آن پاره خون پس از آن پاره گوشت پس از آن استخوانها پس از آن پوشانیدی استخوانها را گوشت

أنشأتني خلقاً آخر كما شئت حتّى إذا احتجتُ إلى رزقك ولم أستغن

از نو پیدا کردی خلقی دیگر چنانچه خواستی تا زمانیکه محتاج شدم بسوی روزی تو و بی نیاز نبودم

عن غياث فضلك جعلت لي قوتاً

از فریاد رسی فضل تو گردانیدی برای من قوتی

من فضل طعامٍ وشرابٍ أجريته لأمتك

از زیادتی خوردنی و آشامیدنی که جاری ساخته بودی برای

التي أسكنتني جوفها وأودعتني

که ساکن گردانیده بودی مرا در شکم او و امانت گذاشته بودی

قرار رحمها ولو تكلني يا ربِّ في تلك

در قرارگاه رحم او و اگر وا میگذاشتی مرا ای پروردگار در آن

الحالات إلى حولي أو تضطرّني

حالها بسوی قدرت من یا ناچار میساختی مرا

إلى قوّتي لكان الحول عنّي معتزلاً

بسوی قوت من هر آینه بود قوت از من کناره کننده

ولكانت القوة مني بجدة فتغذوني بفضلك غذاء البر اللطيف
تفعل ذلك بي تطولا علي الى غايتي هذه لا اعدم برك ولا يبطئ
بي حسن صنيعك ولا تتأكد مع ذلك ثقتي
فأتفرغ لما هو احظى لي عندك قد ملك الشيطان عناني في سوء الظن
وضعف اليقين فأنا اشكو سوء مجاورته لي وطاعة نفسي له واستعصمك
من ملكته واتضرع اليك في ان تسهل الى رزقي سبيلا فلك الحمد على
ابتدائك بالنعم الجسام وإلهامك الشكر على الاحسان
والانعام فصل على محمد وآله وسهل علي رزقي وان
تقنعني بتقديرك لي وان ترضيني بحصتي فيما قسمت
لي وان تجعل ما ذهب من جسمي وعمري في سبيل
طاعتك انك خير الرازقين اللهم اني اعوذ بك من نار
تغلظت بها على من عصاك وتوعدت بها من صدف

عن رضاك ومن نار نورها ظلمة وهينها اليم
وبعيدها قريب ومن نار يأكل بعضها بعض ويصول
بعضها على بعض ومن نار تذر العظام رميما وتسقي
اهلها حميما ومن نار لا تبقي على من تضرع اليها ولا
ترحم من استعطفها ولا تقدر على التخفيف
عمن خشع لها واستسلم اليها تلقى سكانها باحر ما
لديها من اليم النكال وشديد الوبال واعوذ
بك من عقاربها الفاغرة افواهها وحياتها الصالقة بانيابها و
شرابها الذي يقطع امعاء وافئدة سكانها وينزع قلوبهم و
استهديك لما باعد منها واخر عنها اللهم صل على محمد
وآله واجرني منها بفضل رحمتك واقلني عثراتي بحسن اقالتك
ولا تخذلني يا خير المجيرين انك تقي الكريهة وتعطي الحسنة

وَتفعل ما تريدُ وانت على كل شيءٍ قديرٌ اللهمّ صلّ على محمّدٍ وآله اذا ذكر الابرار

و بجا مي آوري آنچه ميخواهي و تو بر همه چيز توانائي خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد زمانيكه ياد كرده شوند نيكوكاران

وصلّ على محمّدٍ وآله ما اختلف الليل والنهار صلوةً لا ينقطع مددها

و رحمت بفرست بر محمد و آل او چندانكه مختلف شوند شب و روز رحمتيكه بريده نشود مدت آن

ولا يحصى عددها صلوةً تشحن الهواء وتملأ الارض والسماء صلّى الله

و شمرده نشود شماره آن رحمتيكه پر كند هوا را و پر سازد زمين و آسمانرا رحمت كند

عليه وآله حتى يرضى وصلّى الله عليه وآله بعد الرضا صلوةً لا حدّ لها

بر او و آل او تا اينكه خوشنود شود و رحمت خدا بر او و آل او بعد از خوشنود شدن رحمتيكه حدي

ولا منتهى يا ارحم الراحمين

و نه منتهي اي ارحم رحم كنندگان

خاتمه

سزاوار است از براي نماز كه از روي ملاحظه معاني
ذكرهاي نماز و دعاهاي آن و آنچه خوانده ميشود
در آن و تعقيبهاي آن و آنكه بوده باشد ذكرهاي
آن و دعاهاي آن و قرائت آن محض حركت دادن
زبان و ملاحظه معاني كه قصد كرده شده است
آن انها پس بوده باشد حال او مثل حال عربيكه بگويد
كلام فارسي و لغه آنكه نداند معنا
اذا آنچه ميگويد
و يقين است

حال او مثل حال ساهي يا مصروع هرگاه بگويد چيزي بي آنكه بكند درك

معناي او بخاطر او و كافي است در تنبيه نماز گزارنده و تحذير او از حد خطا آنچه ميگويد در زبان قول خداي تعالى

يا ايها الذين آمنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون

يعني اي جماعتيكه ايمان آورده ايد نزديك نشويد نماز را در حال آنكه مست باشيد تا اينكه بدانيد آنچه ميگوييد و از تعالي

و نقل كرده است رئيس محمد بن از آنحضرت صادق كه فرموده هرگاه نماز

گزارد در ركعت آنچه ميگويد در آنها بر گردد از حال نماز نماند ميان او و ميان خدا

گناهي مگر اينكه آمرزيده شده باشد از براي او و ما بتوفيق خدا تعالى

بيان كرديم در بابهاي گذشته آنچه محتاج است به بيان و شرح كرديم از آنچه احتياج دارد بشرح

آداب ذكرهاي نماز

و بعض از آنچه خوانده ميشود

و تلاوت

كرده ميشود

بعد از آن

از تعقيبات به تحقيق كه ختم كرديم كتاب را
بتفسير فاتحه از براي اينكه نيكو خاتمه
و براي اينكه بوده باشد جميع آنها كه گفته
ميشود در نماز پيش از آن و بعد از
آنچه ذكر كرديم از آن و در اين كتاب تفسير
كرده شد شرح كرده شد و آسان فرا گرفتن
آن بر برادران دين و دوستان
و بر خداوند توكل
بارى مجو

بسم الله الر
بنام خداوند بسیار
حمن الرحیم
رحیم کننده مهربان
الحمد لله رب
حمد مر خدا برا پروردگار
العالمین الرحمن
عالمیان است بسیار بخشنده
الرحیم مالک یوم الدین
مهربان مالک و پادشاه روز جزا

ایاک نعبد و ایاک
ترا عبادت میکنیم و از حضرت تو
نستعین اهدنا
یاری میجوئیم هدایت نما ما را
الصراط المستقیم
براه راست که طریق امیر المؤمنین است و او
صراط الذین انعمت علیهم
حقیقت صراط المستقیم راه آنانکه انعام کردی بر ایشان
غیر المغضوب علیهم و لا الضالین
نه خشم گرفته شدگان بر ایشان و نه گمراهان

و حسب فرمان جناب جلالتمآب اجل آقای حاجی محمد ابراهیم ملک التجار اصفهانی دام مجده بسعی و اهتمام اقل الحاج محمد باقر [illegible] هر که باتمام رسید تقدیم جهة برادران دینی [illegible] التماس دعا دارم
شهر شوال
هو الله
١٣٠٥
در [illegible] در مطبعه میرزا علی اصغر طبع آراسته گردید التماس دعا دارم

هو الله تعالی شأنه العزیز

مخفی نماناد که این کتاب

شریف مفتاح الفلاح

با حواشی مختصره مفیده که مرحوم آقا جمال
بر آن نوشته‌اند هرگاه کافه خلق بهمان اوراد و طریقه
در هر شبانه روزی که بیست و چهار ساعت است عمل
نمایند امید هست که از ماسوی الله بگذرند و از جمله
بندگان مقربین حضرت واجب الوجود گردند و بحول
الله و قوته و نعمت ذاتیه خود دارا باشند انشاء الله تعالی
و هر که طالب این نسخه که عزیز کیمیای حقیقی است
بوده باشد در خراسان در مسجد گوهرشاد
در دالان کتاب فروشی
در دکان
جناب
محمد اسمعیل یافت میشود